میقات حج



۵۲

تابستان ۱۳۸۴

بسم الله الرحمن الرحیم

میقات حج

نویسنده:

نادر سلیمانی بزچلوئی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

میقات حج-جلد ۵۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمانی، نادر، - ۱۳۳۹

عنوان و نام پدیدآور : میقات حج/ نویسنده نادر سلیمانی بزچلوئی

مشخصات نشر : تهران: نادر سلیمانی بزچلوئی، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : ص ۱۸۴

شابک : ۹۶۴-۳۳۰-۶۲۷-۰۵۴۵۰۰ریال

یادداشت : عنوان دیگر: میقات حج (خاطرات حج).

یادداشت : عنوان روی جلد: خاطرات حج.

عنوان روی جلد : خاطرات حج.

عنوان دیگر : میقات حج (خاطرات حج).

عنوان دیگر : خاطرات حج

موضوع : حج -- خاطرات

موضوع : سلیمانی، نادر، ۱۳۳۹ - -- خاطرات

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/س۸۵م۹ ۱۳۸۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : م۸۰-۲۵۲۴

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

اسرار و معارف حج

حج در آیینه ادب عرفانی

ص: ۶

محمد شجاعی

از آثار گران‌سنگ عرفانی به زبان فارسی، کتاب «کشف المحجوب» است. نگارنده پس از گشت‌وگذاری کوتاه در لابه‌لای برگ‌برگ این کتابِ ارزشمند، گلواژه‌های عطرآگین حج را یافته و مقاله خود را به آن آراسته است.

«هُجویری»، نگارنده کتاب، از عارفان و نویسندگان برجسته قرن پنجم هجری بوده و نام کامل او ابوالحسن، علی بن عثمان بن ابی علی الجُلّابی الهُجْویری الغزنوی است.

وی معاصر دو تن از عرفای نامدار همان قرن، به نام‌های شیخ ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷- ۴۴۰) و ابوالقاسم قشیری (۳۷۶- ۴۶۵) است. تاریخ ولادت او معلوم نیست لیکن وفاتش چند ماه پس از وفات ابوالقاسم قشیری (۴۶۵) بوده است. وی در اواخر قرن چهارم هجری در شهر غزنه به دنیا آمد. کودکی و نوجوانی خود را در جُلّاب و هجویر که از محله‌های غزنه است سپری کرد.

او به بسیاری از کشورها؛ از جمله عراق، شام، آذربایجان، خراسان، ماوراءالنهر، ترکستان و هند سفر کرد و سرانجام به امر پیر و مراد خود، در شهر لاهور، که اکنون از ایالات پنجاب پاکستان است، اقامت گزید. او هشت سال پایانی عمرِ خود را در این سرزمین گذراند و با سلاح عشق و ایمان، مردم را با معارف روحبخش اسلام آشنا کرد و بذر محبت را در دل‌های آنان پاشید؛ به‌گونه‌ای که پس از قرن‌ها، هنوز مردم این خطّه به او ارادتی خاص می‌ورزند و به

ص: ۷

زیارت مرقدش می‌روند و از روح پاکش مدد می‌جویند و او را «داتا (۱) گنج‌بخش» می‌خوانند.

وی در این مدت (۴۳۵- ۴۴۲) به تـألیف اثری نفیس و گرانبها مبادرت ورزیـد و آن را «کشف‌المحجوب» نام نهاد. این اثر، یکی از امّهـات و ارکـان کتب تصوّف و عرفان محسوب می‌شود. وی در تألیف این اثر، از کتاب‌های برجسـته‌ای که در این زمینه و به عربی نوشـته شـده بود، اسـتفاده کرد. (۲) در اهمیـت اثر او همیـن بس کـه عرفـای پس از وی، از ایـن کتـاب بهره برده و تـأثیر زیـادی پذیرفته‌اند. (۳) هجویری در مقـدمه کتاب کشف‌المحجوب، هـدفش از تألیف کتاب را بیان می‌کند، سپس در طی چهارده باب، به اثبـات فضـیلت علم، فقر و تصوّف می‌پردازد، آنگـاه بـا ذکر داسـتان‌هایی از خلفـای سه‌گانه و ائمه اهل‌بیت تا امام جعفر صادق علیه السـلام، حالات عرفانی آنان را بیان می‌کند و در ادامه به شـناساندن اهل صُفّه و تابعین و اتباع تابعین تا عرفای زمان خود می‌پردازد. در این باب‌ها، فرقه‌های اهل تصوّف را نیز بررسی کرده و به بیان مذاهب، مقامات، حکایات و سخنان آن‌ها می‌پردازد.

وی سپس به شرح یازده حجاب و مانع، که میان بنده و پروردگار حایل می‌شود، پرداخته و راه‌های کشف و برطرف کردن آن‌ها را شرح می‌دهد. از این رو، بعضی این کتاب را «کشف حُجُب المَحْجوب لأرباب القلوب» نامیده‌اند.

در کشف حجاب هشتم می‌گوید یکی از حجاب‌ها و موانعی که میان آفریده و آفریدگار وجود دارد، به وسیله برگزاری اعمال حج برطرف می‌گردد و بر این باور است که حج از واجبات عینی بوده و با شـرایطی واجب می‌شود و می‌نویسد: حج، از احرام در میقات آغاز می‌گردد و با اعمال منا و پس از آن خاتمه می‌یابد.

هجویری علّت نامگـذاری حرم را وجود مقام ابراهیم در آن می‌داند و معتقد است که حضـرت ابراهیم دو مقام دارد؛ یکی مقام «تن» و دیگر مقـام «دل». مقـام تن، «مکه» است و مقام دل، «خُلّت». (۴) مقام تن اعمال ظاهری حـج است که ابتـدا باید محرم شود و کفن (لباس احرام) بپوشـد و اعمال را به ترتیب انجام دهـد تا حاجی شود و مقام دل، باطن حـج است و کسـی که قصـد مقام دل می‌کند، باید از دلبسـتگی‌ها و وابستگی‌ها دوری کند و از لذّت‌ها و راحتی‌ها چشم بپوشد و جز نام خدا بر زبان نیاورد و هرچه غیر اوست، بر خود حرام کند و بداند کوچکترین توجه به عالم ماده، خطرناک است. آنگاه به عرفات برود و خدای را بشناسد و به

۱- داتا به معنای مربّی است.

۲- کتاب اللّمع، تألیف ابونصـر السـراج ملقّب به طاووس االعلما متوفّای ۳۷۸ و کتاب «طبقات الصوفیه، تألیف ابو عبدالرحمان سـلمی نیشابوری متوفّای ۴۱۳ و کتاب «الرساله» تألیف ابوالقاسم قُشَیری متوفای ۴۶۵.

۳- اسـرار التوحیـد فی مقامات شـیخ ابی سـعید، تألیف محمد بن منوّر تاریخ تألیف ۵۷۶ و «تـذکرهٔ الاولیاء»، تألیف فریدالدین عطار نیشابوری متوفای ۶۲۷ و «نَفَهات الانْس» تألیف عبدالرحمان جامی، از شعرا و نویسندگان قرن نهم هجری.

۴- اشاره به آیه ۱۲۵ سوره نساء: ... وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْراهِیمَ خَلِیلًا ...؛ «خداوند، ابراهیم را به دوستیِ خود برگزید.»

ص: ۸

او معرفت پیدا کند و سپس به مزدلفه برود و الفت و دوستی خدای را برگزیند و آفریدگار را در دل، از هر صفتِ بشری بریء و پاک بداند و از هر وهم و فهم و گمان منزّه بشمارد. آنگاه در سرزمین منا، که ایمن‌گاه تن و اندیشه و دل است، به طرف هواهای نفسانی و اندیشه‌های باطل و خطورات باطلی که بر دل می‌گذرد، سنگ بیندازد، سپس به قربانگاه رود و در آنجا، که سرزمین مبارزه با هوای نفس و مجاهده جهت تقرّب به خداست، نفس را قربان کند. تا پس از طی این مراحل، به مقام «خُلّت» و دوستی پروردگار برسد و کسی که به مقام تن ابراهیم، که همان مکه و حرم الهی است، داخل شود، تن او در امان است و از دشمن و شمشیر آنها نمی‌ترسد و کسی که به مقام دل ابراهیم وارد شود، از هجران پروردگار و فراق یار و ... در امان می‌ماند.

هجویری سپس با استناد به حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، حاجی را میهمان خدا می‌داند که هرچه از خدا بخواهد به او می‌دهد، اما وی معتقد است که این طایفه (عرفا) از خداوند چیزی نمی‌خواهند بلکه خود را به او واگذار می‌کنند و تسلیم خواسته او می‌شوند. وی برای تأیید این مطلب، به داستانِ در آتش افکندن حضرت ابراهیم اشاره می‌کند که جبرئیل به او پیشنهاد کرد تا یاری‌اش کند اما او نپذیرفت!

ص: ۹

جبرئیل گفت: از پروردگار بخواه تا یاری‌ات کند.

ابراهیم گفت: «حَسْبی مِنْ سُؤالی عِلْمُه بِحالی»؛ «به درخواست، نیازی نیست؛ چون او حال مرا می‌داند.»

هجویری سپس سخنش را با کلامی از محمد بن فضل بلخی (متوفای ۳۱۹) چنین ادامه می‌دهد: «تعجب می‌کنم از کسی که در دنیا خانه خدا را می‌طلبد ولی در دل به مشاهده جمال حق نمی‌پردازد؛ زیرا دیدنِ خانه، گاه میسّر است و گاهی میسّر نیست، ولی مشاهده جمال الهی بی‌شکر میسّر است و اگر زیارت سنگی که در سال یک بار به او روی می‌آورند واجب است، دلی که روزی ۳۶۰ (۱) نظر به او می‌شود، زیارتش سزاوار است.

هجویری در ادامه می‌گوید:

کسانی که به دنبال حقیقت هستند، در هر قدمی که برای مکه بر می‌دارند، نشانی از او می‌یابند و زمانی که به مکه می‌رسند مزد آن را دریافت می‌کنند.

و بایزید بسطامی می‌گوید:

ثواب مجاهدت بی‌درنگ حاصل می‌شود.

همو گوید: من در سفر اوّل حج، فقط خانه دیدم و در سفر دوم خانه و خدا دیدم و در سفر سوم فقط خدا دیدم. هجویری سپس می‌گوید: حرم جایی است که مشاهده جمال الهی در آن صورت پذیرد و کسی عاشق است که کل عالم را میعاد قرب و خلوتگاه انس بداند و بنده‌ای که می‌خواهد خدا را ببیند، برای او همه عالم حرم است و اگر قصدش دیدن خدا نیست حرم برای او تاریک‌ترین مکانهاست و گفته‌اند تاریکترین مکانها خانه دوستی است که وی در آن نباشد.

و برای وصول به این مقصود و دیدن روی دوست، کعبه سبب است و به هر وسیله‌ای که شده باید به آن چنگ زد تا مشاهده جمال ربوبی از این راه حاصل شود.

آری، مقصود مردان از پیمودن بیابان‌ها و بادیه‌ها، دیدن حرم نیست بلکه مجاهده‌ای است جهت آن شوق بی‌قرار و محبّت بی‌شمار. صاحب کتاب کشف المحجوب، در ادامه، به ذکر داستانی از جُنَید می‌پردازد که بسیار شبیه به داستان شبلی است، که در کتاب مستدرک‌الوسائل به طور مبسوط نقل شده (۲) و

۱- نجم رازی ملقب به «دایه» متوفای ۶۵۴ در کتاب «مرصاد العباد» که یکی از کتب عرفانی مشهور است، در توضیح عدد ۳۶۰ چنین می‌گوید:

همچنین چهل‌هزار سال قالب آدم میان مکه و طائف افتاده بود و هر لحظه از خزاین مکنون غیب، گوهری دیگر لطیف و جوهری دیگر شریف، در نهاد او تعبیه می‌کردند تا هرچه از نفایس خزاین غیب بود، جمله در آب و گِل آدم دفین کردند. چون نوبت به دل رسید، گِل دل را از ملاط بهشت بیاوردند و به آب حیات ابدی بسرشتند و به آفتاب سیصد و شصت نظر بپروردند. این لطیفه بشنو که عدد سیصد و شصت از کجا بود؟ از آنجا که چهل هزار سال بود تا آن گل در تخمیر بود. چهل هزار سال، سیصد و شصت هزار اربعین باشد، به هر هزار اربعین که بر می‌آورد، مستحق یک نظر می‌شد، چون سیصد و شصت هزار اربعین برآورد مستحق سیصد و شصت نظر گشت.

مرصاد العباد، به اهتمام دکتر محمد امین ریاحی، ص ۷۴

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۸۷

ص: ۱۰

ناصرخسرو آن را به نظم درآورده است.

حاجیان آمدند با تعظیم شاکر از رحمت خدای رحیم ...

وی سپس به بیان چهار بیت شعر عربی می‌پردازد که ترجمه آن چنین است:

روزی که حاجیان از منا به مکه کوچ می‌کنند و شتران سرخ موی به حرکت در می‌آیند و حُدی‌خوانان، با نغمه و آهنگ خود، شتران را به شتاب وا می‌دارند، از محبوب خود می‌پرسم آیا می‌دانی که کجا باید رحل اقامت افکند؟

من حج و مناسک و عمره‌ام را تباه کرده‌ام و با مشغله‌ای که برایم پیش آمده، از حج بازمانده‌ام، باید به خانه برگردم و خود را برای حج سال آینده آماده کنم که این حج پذیرفته نشده است.

سپس داستان جوانی را ذکر می‌کند که در سرزمین عرفات، ابتدا حال دعا را از دست داده بود و پس از چندی، تا می‌خواست دعا کند نعره‌ای کشید و روح از تنش جدا شد.

مقصود مردان از پیمودن بیابان‌ها و بادیه‌ها، دیدن حرم نیست بلکه مجاهده‌ای است جهت آن شوق بی‌قرار و محبّت بی‌شمار.

و جوان دیگری در سرزمین منا قربانی نکرده بود و می‌گفت: بار خدایا! من می‌خواهم نفس خود را قربان کنم، آنگاه با انگشت به گلو اشاره کرد و از دنیا رفت.

وی سپس حج را به حج غیبت و حضور تقسیم می‌کند و می‌گوید: کسی که در مکه باشد و خدا را نبیند، با زمانی که در خانه نشسته، فرق نمی‌کند و هیچ یک از این غیبت‌ها بر دیگری فضیلتی ندارد و کسی که در خانه خود خدا را حاضر می‌بیند با آن‌که در مکه در محضر پروردگار است، فرقی ندارد و حج مجاهده‌ای است تا انسان به مشاهده برسد.

کشف الحجاب الثامن فی الحجّ، قوله تعالی: ... وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا ... و از فرایض اعیان (۱) یکی حج است بر بنده، اندر حال صحّت عقل و بلوغ و اسلام و حصول استطاعت و آن حُرم (۲) بود به میقات و وقوف اندر عرفات و طواف زیارت به

۱- واجبات عینی.

۲- احرام بستن.

ص: ۱۱

اجماع (۱) و به اختلاف سعی میان صفا و مروه (۲) و بی‌حُرم اندر حرم نشاید شد و حرم را بدان حرم خوانند که (کی) اندرو مقام ابراهیم است و محلّ امن. پس ابراهیم را (عم) دو مقام بوده است؛ یکی مقام تن و دیگر از آن دل. مقام تن مکّه و مقام دل خُلّت، هرکه قصد مقام تن وی کند، از همه شهوات و لذّات اعراض باید کرد تا محرم بود و کفن اندر پوشید و دست از صیدِ حلال بداشت و جمله حواس را اندر بند کرد و به عرفات حاضر شد و از آنجا به مزدلفه و مشعرالحرام شد و سنگ برگرفت و به مکّه، کعبه را طواف کرد و به منا آمد و آنجا سه روز ببود و سنگ‌ها به شرط بینداخت (۳) و آنجا موی باز کرد (۴) و قربان کرد و جامه‌ها در پوشید (۵) تا حاجی بود.

و باز چون کسی قصد مقام دل وی کند، از مألوفات اعراض باید کرد و به ترک لذّات و راحات بباید گفت و از ذکر غیر محرم شد و از آنجا التفات به کون مخطور باشد (۶)، آنگاه به عرفاتِ معرفت قیام کرد و از آنجا قصد مزدلفه الفت کرد و از آنجا سرّ (۷) را به طواف حرام تنزیه (۸) حقّ فرستاد و سنگ هواها و خواطر (۹) فاسد را به منای امان بینداخت و نفس را اندر منحرگاه (۱۰) مجاهدت قربان کرد تا به مقام خُلّت رسد (۱۱) پس دخول آن مقام امان باشد از دشمن و شمشیر ایشان و دخول این مقام امان بود از قطیعت (۱۲) و اخوات (۱۳) آن و رسول (صلعم) گفت:

«الْحاجُّ وَفْدُاللَّهِ، یُعْطِیهِمْ ما سَأَلُوا وَ یَسْتَجِیبُ لَهُمْ ما دُعُوا»؛ «حاج وفد (۱۴) خداوند باشند، بدهدشان آنچه خواهند و اجابت کند بدانچه خوانند و دعا کنند»؛ و این گروه، (۱۵) دیگر نه بخواهند و نه دعا کنند، فاما تسلیم کنند، چنانکه ابراهیم (عم) کرد، إِذْ قالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعالَمِینَ؛ چون ابراهیم (عم) به مقام خُلَّت رسید، از علایق (۱۶) فرد شد و دل از غیر بگسست، حق‌تعالی خواست تا وی را بر سر خلق جلوه کند، نمرود را برگماشت تا میان وی و از آن مادر وپدرش جدا افکند و آتشی برافروخت، ابلیس بیامد و منجنیق بساخت، وی را در خام گاو دوختند و اندر پله منجنیق نهادند. جبرئیل بیامد و پله منجنیق بگرفت و گفت: «هَلْ لَکَ مِنْ حاجَةٍ؟» (۱۷) ابراهیم (عم) گفت: «أَمّا إِلَیْکَ فَلا» (۱۸) سپس گفت: به خدا ی عزّوجلّ- هم حاجتی نداری؟ گفت: «حَسْبِی مِنْ سُؤالِی عِلْمُهُ بِحالِی» (۱۹) مرا آن پسندیده باشد که او می‌داند که مرا از برای او در آتش اندازد، علم او به من زبان مرا از سؤال منقطع گردانیده است. (۲۰) و محمّدبن فضل گوید (رح): عجب از آن دارم که اندر دنیا خانه وی طلبد، چرا اندر دل مشاهدت وی نطلبد که خانه را باشد که یابد و شاید که نیابد و مشاهدت لا محاله یابد.

۱- موافق رأی همه فرقه‌های اسلامی.

۲- سعی بین صفا و مروه را برخی از فرقه‌های اهل سنت از واجبات و بعضی از ارکان می‌دانند.

۳- همان‌گونه که شرط شده است.

۴- موی چیدن تقصیر یا تراشیدن مو حلق.

۵- لباس‌های احرام را بیرون آورد و لباس‌های معمولی را پوشید.

۶- توجه به دنیا خطرناک است.

۷- دل و باطن.

۸- پاک دانستن پروردگار.

۹- آنچه در ذهن انسان خطور می‌کند.

۱۰- قربانگاه.

۱۱- دوستی با پروردگار.

۱۲- جدایی از پروردگار.

۱۳- کشف المحجوب، ص ۴۲۳

۱۴- میهمان.

۱۵- طایفه عرفا.

۱۶- علاقه و تعلّق به دنیا.

۱۷- آیا حاجتی داری؟

۱۸- اما از تو، نه.

۱۹- دیگر سؤالی ندارم چون او حال مرا می‌داند.

۲۰- هُجویری، کشف المحجوب، به تصحیح ژوکوفسکی، با مقدمه قاسم انصاری، ص ۴۲۳

ص: ۱۲

اگر زیارت سنگی کی اندر سالی بدو نظری باشد، فریضه بود دلی که بدو روزی سیصد و شصت نظر باشد، به زیارت او اولیتر، امّا اهل تحقیق را انـدر هر قدم از راه مکّه نشانی است و چون به حرم رسـند، از هر یکی خلعتی یابند. و ابو یزید گوید (رض): هرکه را ثواب عبـادت به فردا افتـد، خود امروز وی عبادت نکرده بود، که ثواب هر نفسـی از مجاهـدت حاصل است انـدر حال و همو گوید (رح): نخستین حـجّ من به جز از خانه، هیچ چیز ندیدم و دوم بار خانه و خداوند خانه دیدم و سه دیگر بار همه خداوند خانه دیدم و هیـچ خانه ندیدم و در جمله حرم آنجا بود که مشاهدت تعظیم بود و آن را که کلّ عالم میعاد قرب و خلوتگاه انس نباشد، وی را از دوستی هنوز خبر نبود و چون بنـده مکاشف بود، عالم جمله حرم وی باشـند و چون محجوب بود، حرم وی را اظلم عالم بود؛ «أَظْلَمُ الْاَشْـیاءِ دارُ الْحَبیبِ بِلا حَبِیب»، پس قیمت مشاهدت رضاست اندر محلّ خلّت که خداوند سـبب آن را دیدار کعبه گردانیده است نه قیمت کعبه راست، امّا مسبِّب را به هر سبب تعلّق می‌باید کرد تا عنایت حقّ تعالی از کدام کمین‌گاه روی نماید و از کجا پیدا شود و مراد طالب از کجا روی نمایـد. پس مراد مردان انـدر قطع مفازات و بوادی نه حرم بوده است که دوست را رؤیت حرم حرام بود که مراد مجاهدتی بوده است اندر شوقی مقلقل و یا روزگاری اندر محنتی دایم.

یکی به نزدیک جنید (رض) آمد، وی را گفت از کجا می‌آیی؟

گفت: به حجّ بودم.

گفت: حج کردی؟

گفت: بلی.

گفت: از ابتدا که از خانه برفتی و از وطن رحلت کردی، از همه معاصی رحلت کردی؟

گفتا: نی.

گفت: پس رحلت نکردی.

گفت: چون از خانه برفتی و اندر هر منزلی هر شب مقام کردی، مقامی از طریق حقّ اندران مقام قطع کردی؟

گفت: نی.

گفت: پس منزل نسپردی. گفت: چون محرم شدی به میقات از صفات بشریّت جدا شدی چنانک از جامه؟

ص: ۱۳

گفتا: نی.

گفت: پس محرم نشدی. گفت: چون به عرفات واقف شدی، اندر کشف مشاهدت وقف پدیدار آمد؟

گفتا: نی.

گفت: پس به عرفات نایستادی. گفت: چون به مزدلفه شدی و مرادت حاصل شد، همه مرادها را ترک کردی؟

گفتا: نی.

گفت: پس به مزدلفه نشدی. گفت: چون طواف کردی خانه سر را اندر محلّ تنزیه لطایف حضرت، جمال حقّ دیدی؟

گفتا: نه.

گفت: پس طواف نکردی. گفت: چون سعی کردی میان صفا و مروه، مقام صفا و درجه مروّت ادراک کردی؟

گفتا: نی.

گفت: هنوز سعی نکردی. گفت: چون به منا آمدی منیّت‌های تو از تو ساقط شد؟

گفتا: نه.

گفت هنوز به منا نرفتی. گفت: چون به منحرگاه قربان کردی، همه خواست‌های نفس را قربان کردی؟

گفتا: نی.

گفت پس قربانی نکردی.

گفت: چون سنگ انداختی هرچه با تو صحبت کرد، از معانی نفسانی، همه بینداختی؟

گفتا نه.

گفت: پس هنوز سنگ نینداختی و حجّ نکردی، بازگرد و بدین صفت حجّی بکن تا به مقام ابراهیم برسی!

شنیدم کی یکی از بزرگان در مقابله کعبه نشسته بود و می‌گریست و این ابیات می‌گفت:

وَ أَصْحَبْتُ یَومَ النَّفْرِ والعِیسُ ترحل و کان حَدَی الْحادی بِنا و هو مُعجل

ص: ۱۴

أسایل عن سُلمی فهل من مُخبِّر بأنّ لَهُ عِلماً بِها أَیْنَ تُنْزَل

لَقَدْ أَفْسَدْتُ حَجّی و نُسکی وعُمْرتی وَ فی الْبَیْنِ لی شُغْلٌ عَنِ الحجّ مشغل

سَأَرْجِعُ مِن عامی لحجّهٔ قابلٍ فإنّ الّذی قد کان لا یتقبّل

فضیل‌بن عیاض (۱) گوید (رح): جوانی دیدم اندر موقف، خاموش استاده و سر فرو افکنده، همه خلق اندر دعا بودند و وی خاموش می‌بود. گفتم: ای جوان، تو نیز چرا دعایی نکنی؟

گفت: مرا وحشتی افتاده است، وقتی که داشتم از من فوت شد، هیچ رویِ دعا کردنم ندارد.

گفتم: دعا کن تا خدای تعالی به برکت این جَمع تو را به سر مراد تو رساند. گفت: خواست که دست بردارد و دعا کند، نعره‌ای از وی جدا شد و جان با آن نعره از وی جدا شد.

ذوالنون مصری گوید (رح): که جوانی به منا ساکن نشسته و همه خلق به قربان‌ها مشغول، من اندر وی نگاه کردم تا چه کند و کیست. گفت: بار خدایا! همه خلق به قربان‌ها مشغول‌اند و من می‌خواهم تا نفس خود را قربان کنم اندر حضرت تو، از من بپذیر. این بگفت و با انگشت سبّابه به گلو اشارت کرد و بیفتاد، چون نیکو نگاه کردم مرده بود!

پس حج‌ها بر دو گونه بود؛ یکی اندر غیبت و دیگر اندر حضور. آنکه اندر مکّه در غیبت باشد، چنان بود که اندر خانه خود، از آنک غیبتی از غیبتی اولیتر نیست و آنک اندر خانه خود حاضر بود، چنان بود که به مکّه حاضر بود، از آنک حضرتی از حضرتی اولیتر نیست. پس حجّ مجاهدتی مر کشف مشاهدت را بود و مجاهدت علّت مشاهدت نی، بل که

۱- فضیل عیاض، ابتدا جزو راهزنان عیّار بود که داستان‌های جوانمردی و فتوّت او در راهزنی مشهور است. اوبا شنیدن آیه‌ای از قرآن متنبه و متحول گردید و از آن شغل توبه کرد و خصمان را نامه نوشت و خشنودشان گردانید و به مکه رفت و مدتی آنجا بود. هارون الرشید در سفرش به مکه به فضل‌بن ربیع می‌گوید: آیا اینجا مردی هست از مردان خدای تعالی تا او را زیارت کنیم؟ فضل می‌گوید: آری و سپس هارون را به دیدار عبد الرزاق صنعانی و سفیان بن عُیَیْنه و فضیل بن عیاض می‌برد. هارون هر سه را تحت عنوان پرداخت قرض، با پول می‌آزماید و تنها فضیل پول او را نمی‌پذیرد و از این آزمایش سربلند بیرون می‌آید. تفصیل داستان در کتاب کشف المحجوب صفحه‌های ۱۲۰ تا ۱۲۲ آمده است.

ص: ۱۵

سبب است و سبب را اندر معانی تأثیری بیشتر نبود. پس مقصود حجّ نه دیدن خانه بود که مقصود کشف مشاهدت باشد.

هجویری، علاوه بر آنکه بخشی از کتاب کشف المحجوب را به حج اختصاص داه، در باب‌های دهم، یازدهم و دوازدهم که به معرفی تابعین و اتباع و امامان می‌پردازد، به مناسبت داستان‌هایی از آن‌ها که مربوط به مکه است، نقل می کند و برخی از آنان را نیز که به حج مشرّف شده‌اند و یا مجاور خانه خدا گردیده‌اند، مانند اویس قرنی، سعید بن مسیّب، عبداللَّه مبارك، فضیل عیاض، بایزید بسطامی، محمد بن اسماعیل خیرالنّساج، محمد بن خفیف، ابوعثمان مغربی، ابراهیم خواص، بوطالب حرمی و محمد بن فضل بلخی را نام می‌برد، که برای نمونه به حکایت محمدبن فضل بلخی و بایزید بسطامی اشاره می‌شود:

محمد بن فضل بلخی

محمّد بن الفضل البلخی رضی الله عنه از جلّه مشایخ بود و پسندیده عراق و خراسان بود، مرید احمدبن خضرویه بود و ابوعثمان حیری را به وی میلی عظیم بود. وی را از بلخ بیرون کردند متعصّبان از برای عشوه مذهب وی به سمرقند شد و عمر آنجا گذاشت.

از وی می آیدکه گفت: «أَعْرَفُ النَّاسِ بِاللَّهِ أَشَدُّهُم مُجاهَدَةً فی أَوامِرِهِ وَ أَتْبَعَهُم لِسُنَّةِ نَبِیِّهِ»؛ یعنی بزرگ‌ترین اهل معرفت، مجتهدترینِ ایشان باشد اندر ادای شریعت و با رغبت‌ترین اندر حفظ سنّت و متابعت و هرکه به حق نزدیک‌تر بود، بر اوامرش حریص‌تر بود و هرکه از وی دورتر بود از متابعت رسولش دورتر بود و معرض‌تر.

از وی می‌آید که گفت: «عَجِبتُ مِمَّنْ یَقْطَعُ الْبَوادی وَالقِفار والمَفاوِز حَتّی یَصِلَ إِلی بَیْتِهِ وَ حَرَمِهِ لِأَنَّ فِیهِ آثارَ أَنْبیائِهِ کَیْفَ لا یَقْطَعُ نَفْسَهُ وَهَواهُ حَتّی یَصِلَ إِلی قَلْبِهِ لِأَنَّ فِیهِ آثارَ مَوْلاهُ»، عجب دارم از آن‌که بادیه‌ها و بیابان‌ها ببرد تا به خانه وی رسد که اندر او آثار انبیای وی است، چرا بادیه نفس و دریای هوا را نبُرد تا به دل خود رسد که اندر او آثار مولای وی است یعنی دل که محلّ معرفت است بزرگوارتر از کعبه که قبله خدمت است. کعبه آن بود که پیوسته نظر بنده بدو بود و دل آن‌که پیوسته نظر حقّ بدو بود، آنجا که دل دوست من آنجا، آنجا که حکم وی مراد من آنجا، و آنجا که اثر انبیای من، قبله دوستان من آنجا.

واللَّه اعلم. (۱)

۱- کشف المحجوب، ص ۱۷۷

ص: ۱۶

بایزید بسطامی

فُلک معرفت و مُلک محبت ابویزید طیفور بن عیسی البسطامی (رض) از جُلّه مشایخ بود و حالش اکبر جمله بود و شأنش اعظم ایشان بود، تا حدّی که جُنید گفت (رح): «أبو یزید منّا بمنزلهٔ جبرئیل من الملائکهٔ»؛ «ابو یزید اندر میان ما چون جبرئیل است از ملایکه» و جدّ او مجوسی بوده و از بزرگان بسطام، یکی پدر او بود و او را روایات عالی است اندر احادیث پیغمبر (عم) و از این ده امام معروف مر تصوّف را، یکی وی بوده است و هیچ‌کس را پیش از وی اندر حقایق این علم چندان استنباط نبوده است که وی را، و اندر همه احوال محبّ العلم و معظّم‌الشریعه بوده است، به حکم آن‌که گویند گروهی مر مدد الحاد خود را، موضوعی بر وی بندند ...

و از وی می‌آید (رض) که گفت: یک بار به مکّه شدم، خانه مفرد دیدم، گفتم حج مقبول نیست که من سنگ‌ها از این جنس بسیار دیده‌ام. بار دیگر برفتم، خانه دیدم و خداوند خانه دیدم. گفتم که هنوز حقیقت توحید نیست، بار سه دیگر برفتم، همه خداوند خانه دیدم و خانه نه، به سرّم فروخواندند: یا بایزید اگر خود را ندیده‌ای و همه عالم را بدیده‌ای، مشرک نبودی و چون همه عالم نبینی و خود را بینی مشرک باشی. آنگاه توبه کردم و از دیدن هستیِ خود نیز توبه کردم و این حکایتی لطیف است اندر صحّت حال وی و نشانی خوب مر ارباب احوال را واللّه اعلم. (۱) هجویری در این کتاب حکایتی از ابوطالب حَرَمی نقل می‌کند که بیانگر احترام ویژه عرفا به این سرزمین پاک و مقدس است. وی می‌گوید:

«بوطالب حرمی چهل سال به مکه مجاور بود، اندر مکه طهارت نکرد، هر بار از مکه، به طهارت، از حدّ حرم بیرون آمدی، گفتی زمینی را که خداوند تعالی به خود اضافت کرده است، من کراهیّت دارم که آب مستَعمل من، بر آن بریزد.» (۲) هجویری در حکایت دیگری آورده است:

«یکی از مشایخ گوید (رح): درویشی به مکه اندرآمد و اندر مشاهدت خانه یک‌سال نشست که نه طعام خورد و نه شراب و نه بخفت و نه به طهارت شد، از اجتماع همّتش

۱- کشف المحجوب، صص ۱۳۲ و ۱۳۴

۲- کشف المحجوب، ص ۳۷۶

ص: ۱۷

به رؤیت خانه که خداوند آن را به خود اضافت کرده است، غذای تن و مشرب جانش گشته بود».

عرفا این حالت را «جمع» نامیده‌اند. (۱) با آن‌که حج نزد عارفان جایگاه ویژه‌ای داشته است، پاره‌ای از مسائل؛ از جمله رعایت حق مادر سبب می‌شده که حج در اولویّت دوم قرار گیرد؛ مثلًا درباره ابو حازم مدنی، که مقتدای بعضی از مشایخ بود و عمرو بن عثمان از وی روایت می‌کند، آورده‌اند که:

«یکی از مشایخ گوید: به نزدیک وی اندر آمدم، وی را یافتم خفته، زمانی ببودم تا بیدار شد، گفت: اندر این ساعت پیغمبر را به خواب دیدم که مرا به سوی تو پیغام داد و گفت:

حق مادر نگاه داشتن بهتر از حج کردن، بازگرد و رضای دلِ وی بجوی. من از آنجا بازگشتم و به مکه نرفتم. از وی بیش از این مسموع ندارم.» (۲) بزرگ‌ترین اهل معرفت، مجتهدترینِ ایشان باشد اندر ادای شریعت و با رغبت‌ترین اندر حفظ سنّت و متابعت و هرکه به حق نزدیک‌تر بود، بر اوامرش حریص‌تر بود و هرکه از وی دورتر بود از متابعت رسولش دورتر بود و معرض‌تر.

گاهی عرفا بدون آن‌که چهارپایی همراه داشته باشند و یا زاد و توشه‌ای با خود بردارند، به سفرِ حج دست می‌زدند و آن را نشانه «توکّل» می‌دانستند. آنان در این سفر، تنها و تنها اعتماد و اتّکایشان به خدا بود و حتّی همنشینی با «خضر» را نمی‌پذیرفتند و آن را اتکای به غیر خدا و خلاف توکّل می‌دانستند. کشف المحجوب درباره «ابراهیم خواص» که اندر توکل شأنی عظیم و منزلتی رفیع داشت، چنین آورده است:

«ابراهیم خواص را پرسیدند از حقیقت ایمان، گفت: اکنون این را جواب ندارم، از آنچه هر چه گویم عبارت بود و مرا باید تا به معاملت جواب گویم. اما من قصد مکّه دارم و تو نیز بر این عزمی. اندر این راه با من صحبت کن تا جواب مسأله خود بیابی. گفتا: چنان کردم، چون به بادیه فرو رفتم هر شب دو قرص و دو شربت آب پدید آمدی؛ یکی به من

۱- کشف المحجوب، ص ۳۳۳

۲- کشف المحجوب، ص ۱۱۱

ص: ۱۸

دادی و یکی بخوردی، تا روزی انـدر میان بادیه، پیری همی آمد سواره، چون وی را بدید، از اسب فرو آمد و یکدیگر را بپرسیدند و زمانی سخن گفتند. پیر برنشست و بازگشت. گفتم: ایّها الشیخ، مرا بگوی تا آن پیر که بود؟ گفت: آن، جواب سؤال تو بود.

گفتم: چگونه؟ گفت: آن خضر پیغمبر بود (عم) که از من صحبت طلبید و من اجابت نکردم که بترسیدم اندر آن صحبت، اعتماد از دون حق با وی کنم. توکّلِ مرا بیشولانـد [توکّل من تباه شود] و حقیقت ایمان، حفظ توکل باشـد با خداوند عزّ و جلّ، قوله تعالی، وَ عَلَی اللَّهِ فَتَوَکَّلُوا إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ. (۱)

عرفا در سفر حج، از خدمت به زائران خانه خدا لحظه‌ای کوتاهی نمی‌کردنـد و آن را وظیفه خود می‌دانستند. چنان‌که ابراهیم خواص در سفر مکه از چاه آب می‌کشید و هیزم جمع می‌کرد و آتش می‌افروخت و حتی در شبی بارانی تا بامداد، لباس وصله‌دار خود را بر سر همسفر خود گرفت تـا وی آسیب نبینـد. وی این خـدمتگزاری را همراه بـا ظرافت و لطافت خاصی انجام می‌داد تا همسفر وی مجبور به پذیرش آن باشد و احساس شرمندگی نکند.

کشف المحجوب این داستان را این‌گونه آورده است:

«یکی گوید از درویشان که وقتی از کوفه برفتم به قصد مکه، ابراهیم خواص را یافتم رضی الله عنه در راه از وی صحبت خواستم، مرا گفت: صحبت را امیری بایـد یا فرمانبرداری. چه خواهی؟ امیر تو باشی یا من؟ گفتم: امیر تو باش. گفت: هلا، تو از فرمان امیر بیرون میای.

گفتم: روا باشد. (گفت) چون به منزل رسیدیم مرا گفت: بنشین. چنان کردم. وی آب از چاه برکشید، سرد بود. هیزم فراهم آورد، آتش برافروخت انـدر زیر میلی [و مرا گرم کرد] و به هر کار که من قصـد کردی، گفتی شرط فرمان نگاه‌دار. چون شب اندر آمد، بـارانی عظیم انـدر گرفت، وی مرقّعه خود بیرون کرد و تـا بامـداد بر سر من ایستاده بود و مرقّعه بر دو دست افکنـده و من شرمنده می‌بودم، به حکم شرط هیچ نتوانستم گفت. چون بامداد شد، گفتم: ایّها الشیخ، امروز امیر، من باشم. گفت: صواب آید. چون به منزل رسیدیم، وی همان خدمت بر دست گرفت. من گفتم: از فرمان امیر بیرون میای. مرا گفت: از فران کسی بیرون آید که امیر را خدمت خود فرماید. تا به مکه هم بر این صفت با من صحبت کرد و چون به مکه آمدیم، من از شرم وی بگریختم تا در منا مرا بدید و گفت: ای پسر، بر تو بادا که با درویشان صحبت چنان کنی که من با تو کردم.» (۲)

۱- همان، صص ۳۷۲، ۳۷۳ و ۱۹۳

۲- همان، صص ۴۴۱ و ۴۴۲

ص: ۱۹

یکی از عرفای بزرگ به نام محمدبن اسماعیل «خیر النّساج» که از بزرگان مشایخ در خدمتگزاری به بندگان خدا تا آنجا پیش رفت که در میان راه حج، شخصی او را به بندگی گرفت و سال‌ها به خدمت وا داشت و او آن را پیش آمدی خدایی دانست و خلاف آن رفتار نکرد. کشف المحجوب درباره او می‌گوید:

«وی را خیر النساج از آن خوانند که چون وی از مولودگاه خود به سامره برفت به قصد حج، گذرش به کوفه بود، به دروازه کوفه خربانی [خزبافی] وی را بگرفت که تو بنده منی و «خیر» نامی. وی آن از حق دید و وی را خلاف نکرد و سال‌های بسیار کار وی می‌کرد و هرگاه که وی را گفتی یا خیر! وی گفت لبّیک، تا مرد از کرده خود پشیمان گشت. وی را گفت برو که من غلط کرده بودم و تو، نه بنده منی. برفت و به مکه شد و بدان درجه رسید که جنید گفت: «خیر، خیرنا» (خیر، بهترینِ ماست) دوست‌تر آن داشتی که وی را خیر خواندندی. گفت روا نباشد که مردی مسلمان مرا نامی نهاده باشد و من آن را بگردانم ...» (۱) پی‌نوشت‌ها

۱- کشف المحجوب، صص ۱۸۲ و ۱۸۳

ص: ۲۰

ص: ۲۱

ص: ۲۲

ص: ۲۳

تاریخ و رجال

ص: ۲۴

دانشمندان و کتاب‌های شیعه در مکّه مکرّمه (در قرن یازدهم هجری قمری)

حسین واثقی

تاریخ تشیع و شیعیان در مکه و مدینه، از موضوعاتی است که پیشینیان از آن غفلت کرده و بدان نپرداخته‌اند و این شاید بدان سبب بوده که مصادر مستقل و سریع‌الحصولی در این زمینه وجود نداشته و پرداختن به آن، فرصت بسیار و پی‌جویی گسترده در لابلای کتاب‌های فراوان را طلب می‌کرده است، که چنین حال و مجالی کمتر یافت می‌شود.

روشن است که ما بخشی از امت اسلامیم و چون شیعه‌ایم، همواره مورد انکار و بی‌توجهی دیگر مسلمانان قرار گرفته و هدف مناسبی برای کج اندیشان و تنگ نظران بوده‌ایم؛ به‌طوری که هرچه توانسته‌اند، در حذف ما از جامعه اسلامی کوشیده‌اند و راه نجات اسلام را در طرد ما از جمع امّت اسلامی شناسانده‌اند و هر قدر توانسته‌اند با تهمت و افترا در مورد شیعه سیاه‌نمایی کرده و چهره آنان را در میان مسلمانان، منفی و غیر مناسب نشان داده‌اند.

از این رو، پرداختن به موضوعاتی که مورد اهتمام همه مسلمانان است و تبیین اعتقاد و عمل شیعیان درباره آن‌ها، می‌تواند تبلیغات عوامل تفرقه و تضعیف اسلام را برملا کند.

ص: ۲۵

بنابراین، پرداختن به موضوع پیش گفته، لازم و ضروری است، گرچه به دلیل نپرداختن پیشینیان به آن، پر زحمت و زمان‌بر باشد.

امید است پژوهشگران معاصر، که پر تلاش‌اند و خوش فکر، بدان بپردازند و خلأهای موجود را پر کرده، غبار نسیان از این مهم بزدایند.

بدیهی‌است، به دست آوردن نتیجه‌ای مفید و ارزشمند، همّت افراد و گروه‌هایی را می‌طلبد که با حوصله تمام، از لابلای کتاب‌های تاریخ، تراجم و رجال، حدیث، سفرنامه‌های حج، فهرست مخطوطات و ...

مطالب مربوط را بیابند و در قالبی پسندیده و به صورت دائرةالمعارفی ماندگار عرضه کنند تا فرهنگنامه‌ای باشد که علاوه بر پرداختن به ریز موضوعات، زمینه‌های پژوهش گسترده‌تر را برای اهل کار و تلاش فراهم آورد.

حضور برجسته دانشمندان شیعه در نیمه اول قرن یازدهم هجری در مکه معظمه، از مسائل قابل توجهی است که جا دارد، هرچند به‌طور فشرده و مختصر، بدان پرداخته شود.

چنین بر می‌آید که در آن زمان، عالمان شیعه مهاجر ایرانی و لبنانی، در مکه حضوری چشم‌گیر داشته‌اند و با آزادی نسبی، علاوه بر عبادت، می‌توانستند به کار تعلیم و تعلّم و تألیف و نسخه برداری کتب مذهبی بپردازند و بازار علوم مذهبیِ شیعی را در مکه رونق دهند.

به تعبیر علّامه سید حسن صدر، در آن روزگار، مکّه مکرّمه، منزل‌گاه علمای شیعه بوده است. (۱) شاید بتوان گفت که حضور آزاد و فعال دانشمندان شیعه در مکه، در قرن یازدهم، در مقایسه با قرون دیگر اسلامی، یک استثنا است که دیگر تکرار نشده است.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چه عامل یا عواملی سبب شده است که در آن برهه از تاریخ، جمعی از علمای شیعه در مکه گردهم آیند و حوزه علوم دینیِ شیعی را تشکیل دهند؟ و در رونق فرهنگ شیعی بکوشند و در بازسازی کعبه، به سال ۱۰۴۰ ه. مشارکت کنند و درباره آن تجدید بنا، دو کتاب به نام‌های: «مفرّحۀالأنام فی تأسیس بیت اللّه الحرام» و «أبنیۀ الکعبه» بنگارند؟

۱- تکملۀ أمل الآمل، ص ۲۵۲

ص: ۲۶

به نظر می‌رسد شیوه حکومت و رفتار حاکمان مکه به‌گونه‌ای بوده که زمینه چنین حضور فعالی را فراهم می‌کرده است. در آن زمان، حکومت به دست شُرفا و سادات بوده که گر چه سنّی بوده‌اند، اما گرایش و میلی به تشیع داشته‌اند.

*** اشاره به این نکته لازم است که منبع این نوشته، عمدتاً جلد پنجم کتاب «طبقات اعلام الشیعه» نوشته علّامه بزرگوار شیخ آقا بزرگ تهرانی است که در قرن چهاردهم هجری می‌زیسته است. آن بزرگ مرد، بیشتر آگاهی‌های خود را از نسخه‌های خطی به دست آورده و این نشان می‌دهد اطلاعات وی، پر بها و منحصر به فرد است؛ زیرا دسترسی وسیع به کتاب‌های خطی در زمان ما، آنگونه که برای او به هنگام تدوین کتاب عظیم «الذریعه ...» فراهم بود، میسور نیست.

آری، اگر توفیق نگاه دوباره و همه جانبه به کتاب‌های خطی، برای فرد یا گروهی، در مقیاس وسیع پیش آید و همه اطلاعات جانبیِ آن‌ها؛ از قبیل: کاتب‌ها، سفارش دهنده‌ها، زمان شروع و پایان و نیز مکان تألیف و نسخه برداری، همچنین بلاغ‌ها، انهاءها، اجازه‌ها، تملّک‌ها و ... از آن‌ها استخراج و به رایانه داده شود، می‌توان امیدوار بود که گوشه‌هایی تاریک از تاریخ ما روشن و بسیاری از علمای ما شناخته شوند.

البته شیخ آقا بزرگ تهرانی، در کتاب «طبقات اعلام الشیعه» در صدد فراهم آوردن زندگی‌نامه دانشمندان شیعه، به‌طور عام بوده است، نه با رویکرد حضور آنان در مکه مکرمه.

به یقین، اگر وی با این دیدگاه قلم می‌زد یا به این موضوع توجّه ویژه داشت، آگاهی‌های بیشتری فراهم می‌آورد و در اختیار ما می‌گذاشت.

اکنون ما، در این نوشتار، ۷۴ تن از عالمان و دانشمندان شیعی را، که در سده یازدهم هجری در مکه می‌زیسته‌اند، معرفی می‌کنیم و آنگاه گزارشی از ۳۰ کتاب شیعی، که در آن قرن در مکه تألیف یا استنساخ شده‌اند، می‌آوریم و سپس نگاهی کوتاه خواهیم داشت به دانشمندان و کتابهای شیعی در مدینه منوره در قرن یازدهم. گفتنی است در آن دوره تألیف، نسخه‌برداری، و خرید و فروش کتب شیعه در مکه رواج داشته و از آن‌جا به شهرهای دیگر شیعه نشین هم برده می‌شده است.

نکته قابل توجه درباره علمای شیعه در مکّه مکرّمه این است که از هر دو جریان اخباری

ص: ۲۷

و اصولی در میـان آنان دیـده می‌شود، گرچه غلبه با اخباریان بوده است. دیگر آن‌که بیشتر آنان ایرانی بوده‌انـد و علمای جبل عامل لبنان، از نظر تعداد، در مرتبه بعد قرار داشته‌اند؛ یعنی همه مهاجر بوده‌اند و بومی در میان ایشان کمتر وجود داشته است.

و ویژگی دیگر این عالمـان، آن است که بیشتر فقیه یـا محـدّث و رجـالی بوده‌انـد و فیلسوف، متکلّم، عارف، مورّخ، ریاضـی دان و شاعر فارسی‌گوی در میان آنان به چشم نمی‌خورد.

*** ۱- ابراهیم احسـائی بن علی بن عبـد اللَّه جبلی شـیرازی، «تفسـیر فرات کوفی» را در دوران مجاورتش در مکّه مکرّمه اسـتنساخ کرده و در روز سه شـنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۰۸۳ ه. از آن فراغت یـافته است. احسـائی سـپس همـان نسـخه را در مکه در سال ۱۰۸۵ با عبـداللَّه‌بن احمـد انصـاری مقابله کرده است. (۱) ۲- ابراهیـم همـدانی (م ۱۰۲۶)، پس از یـک سـال مجـاورت در مکـه مکرمـه، از شمس‌الدین محمد عیناثی، که در مکه ساکن بوده، اجازه گرفته است. (۲) ۳- احمد انصاری بن ادریس عاملی حسینی، از شاگردان شیـخ محمـد سبط، فرزنـد صـاحب معـالم، ساکن مکّه مکرّمه بوده و از «منتقی الجمان» تألیف صاحب معالم در سال ۱۰۱۷ در مکّه مکرّمه نسـخه برداری کرده و آن را نزد اسـتاد خود شـیخ محمد سبط قرائت کرده است. (۳) اخیراً حاشـیه‌ای بر اصول کافی به چاپ رسـیده که ظاهراً از تألیفات او است. (۴) ۴- احمد حکمی، در فاصـله سال‌های ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۵ در مکّه مکرّمه به رحمـهٔ‌اللَّه گیلانی درس داده اسـت. (۵) ۵- احمـد شـهیدی جزینی عاملی، از نوادگان شـهید اول، محمـدبن مکی، است. شـیخ حرّ عاملی گوید: او از معاصرانی است که سال‌ها در مکّه مکرّمه مجاورت اختیار کرده است.

شیخ آقا بزرگ از سخن شیخ حرّ عاملی چنین برداشت کرده که وی پیش از سال ۱۰۹۷ ه. در گذشته است. (۶) ۶- احمد بن قاسم شیرازی، همه کتاب «من لایحضـره الفقیه» تألیف شـیخ صدوق را اسـتنساخ کرده و در ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۰۲۴ جزو دوم آن را به پایـان برده است. او همه آن کتاب را

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲

۲- طبقات، ج ۵، ص ۵۳۱

۳- طبقات، ج ۵، ص ۱۶، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت اللَّه مرعشی، ج ۱۴، ص ۶۴، شماره ۵۲۷۷

۴- الحاشیهٔ علی اصول الکافی، از بـدر الـدین بن احمد حسـینی عاملی زنده در سال ۱۰۶۰ جمع و ترتیب: سـید محمد تقی موسوی ۱۰۹۴ چاپ دار الحدیث، قم، ۱۴۲۵ ه.

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷

۶- طبقات، ج ۵، ص ۲۵

ص: ۲۸

نزد استادش فضل‌اللّه‌بن محب‌اللّه دستغیب شیرازی خوانده و استاد بر آن نسخه، بلاغ‌ها نگاشته است. (۱) با توجه به این‌که استادش فضل‌اللّه دستغیب در مکه می‌زیسته و دو سال پیش از تاریخ فوق؛ یعنی در سال ۱۰۲۲ رجال کبیر استرآبادی را در مکه استنساخ کرده (۲) ظاهراً احمدبن قاسم شیرازی نیز در مکّه مکرّمه زندگی می‌کرده و در آن جا «من لایحضره الفقیه» را نسخه‌برداری کرده است.

۷- احمد مکی بن شهاب‌الدین فضل بن محمد باکثیر، کتاب خود «وسیلهٔ المآل فی عدّ مناقب الآل» را در مکه معظمه، در سال ۱۰۲۷ نوشته است. (۳) سید علیخان مدنی، بعضی از قصاید و شرح حال وی را در «سلافهٔ العصر» آورده است. (۴) ۸- احمد میر نظام‌الدین بن محمد معصوم حسینی دشتکی، پدر وی، میر محمد معصوم، با خواهر شاه عباس صفوی در راه حج ازدواج کرد و پس از تمام کردن حج، در مکه مشرّفه مجاورت گزید. احمد میر نظام از آن پدر و مادر به دنیا آمد و در مکّه مکرّمه رشد کرد و تربیت شد و از همگنان پیشی گرفت. وزیر عبد اللّه قطب شاه وی را به حیدرآباد دکن دعوت کرد و وی راهی آن دیار و در آنجا ماندگار شد. (۵) او پدر سید علیخان مدنی، ادیب شهیر شیعی و صاحب تألیفات گرانسنگ است.

۹- اشرف محمد جوزی‌بن شهاب، شاگرد شمس‌الدین محمدبن خاتون عاملی بود و از «کتاب الدیون» تا آخر تهذیب الأحکام شیخ طوسی را استنساخ کرد و نزد استاد خود، محمدبن خاتون در مکّه مکرّمه خواند و استاد در پایان کتاب برای او چنین نگاشت: وی- که خداوند توفیقاتش را استمرار بخشد و راه هر نیکی و فضیلت و کمالی را برای او آسان فرماید- قرائت آن را با تحقیق و استحکام و دقّت به پایان برد و مشکلات آن را کاوید و پرده از روی فواید و اشاراتش گشود. خداوند فایده‌ها و بهره دهی وی را بسیار کند و عالمان عامل، چون او را زیاد گرداند. مکه مشرفه به تاریخ ۱۳ جمادی الثانی سال ۱۰۰۹ ه. محمد بن احمد بن نعمهٔ‌اللّه‌بن خاتون عاملی. (۶) ۱۰- جعفربن کمال‌الدین بحرانی، شیخ حرّ عاملی گوید: وی فاضلِ عالمِ صالحِ ماهرِ شاعرِ معاصر است، او را در مکّه مکرّمه دیدم و در حیدر آباد دکن وفات یافت. (۷)

۱- طبقات، ج ۵، صص ۲۶- ۲۵

۲- طبقات، ج ۵، صص ۴۴۱- ۴۴۰

۳- طبقات، ج ۵، ص ۳۷

۴- سلافهٔ العصر، صص ۲۱۳- ۲۰۴

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۳

۶- طبقات، ج ۵، ص ۵۰

۷- طبقات، ج ۵، ص ۱۱۰

ص: ۲۹

شیخ حرّ عاملی توضیح نداده که آیا جعفر در مکه اقامت گزیده بود یا برای زیارت به مکه آمده بود.

۱۱- حامد استرآبادی‌بن محمد جرجانی، بیش از پنج سال در مکّه مکرّمه اقامت گزید و در آن‌جا تمام کتاب «کافی» کلینی را در چهار مجلد از ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۰۲۵ تا اواسط رجب ۱۰۳۰ نسخه برداری کرد. (۱) به نظر می‌رسد که پنج سال، از سال‌های مجاورت خود در مکّه مکرّمه را به نسخه‌برداری کتاب مذکور گذرانده؛ زیرا در چند جای آن نسخه تاریخ زده است اما سال‌های مجاورت وی در مکه بیشتر بوده است.

۱۲- حسن شدقمی ابو المکارم بدرالدین مدنی هندی (۹۹۸- ۹۳۲)، از نقبای سادات مدینه منوره بود و مدتی در مکّه مکرّمه زندگی کرد و در ۱۸ ذی‌حجه ۹۸۳ از پدر شیخ بهایی؛ شیخ حسین‌بن عبد الصمد در مکّه مکرّمه اجازه دریافت کرد. شیخ حسین در آن اجازه می‌نویسد حسن شدقمی از وی در خانه‌اش در مکّه مکرّمه پذیرایی کرده است. (۲) در همان روز ۱۸ ذی‌حجه ۹۸۳ ه. حسین بن عبدالصمد، به پرسشی درباره کرامتی از شهید ثانی پاسخ داده است. (۳) پس وی در مکه، دارای خانه بوده و دست‌کم مدتی را در آن‌جا به‌سر برده است.

گفتنی است وی بزرگ‌خاندان شدقمی است. شیخ حسین بن عبدالصمد آن اجازه را برای وی و فرزندانش؛ سید محمد، سید علی، سید حسین و سیّده امّ‌الحسین دختر وی نگاشته است.

از نوشته شیخ آقابزرگ چنین برمی‌آید، در اصفهان موقوفاتی بوده که به حرمین شریفین تعلّق داشته و درآمد آن‌ها به دست نوادگان حسن شدقم؛ سلیمان و محسن فرزندان محمدبن حسن شدقم، و شمس‌الدین‌بن علی‌بن حسن شدقم، و ضامن بن شدقم بن علی، نبیره حسن شدقم و حسین‌بن علی‌بن حسن شدقم در مدینه منوره و مکه مکرمه به مصرف می‌رسیده است.

صاحب مدارک، در سفر حجش در سال ۹۸۷ ه. به حسن شدقم اجازه داده است.

او در روز غدیر، سال ۹۷۷، در مکه از نعمهٔ بن احمدبن خاتون عاملی نیز اجازه گرفته است. از این سه اجازه دارای تاریخ، به دست می‌آید که به یقین وی از ۹۷۷ تا ۹۸۷ به مدت ۱۱

۱- طبقات، ج ۵، ص ۱۳۰

۲- ریاض العلماء، ج ۱، صص ۲۴۳- ۲۳۶، طبقات، ج ۴، صص ۵۴- ۵۲، و نیز، ج ۵، ص ۱۴۴

۳- الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۹۰، پاورقی.

ص: ۳۰

سال در مکه مکرمه می‌زیسته و سپس به حیدرآباد هند رفته است.

۱۳- حسن مشغری، در مکّه مکرّمه کتب اربعه حدیثی را نزد میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتب رجالی آموخته است. (۱) با توجه به مفصل بودن کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار و من‌لایحضره الفقیه)، به نظر می‌رسد که وی سالیانی را در مکه مشرفه برای آموختن آن‌ها به‌سر برده است.

۱۴- حسین بن حسن مشغری عاملی، در مکه معظمه، شاگرد و مصاحب شیخ محمد، فرزند صاحب معالم بوده است. (۲)وی کتاب «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار» تألیف شیخ محمد را به خط خود نگاشته و بر روی همان نسخه چنین نوشته است:

مؤلف این کتاب شب دوشنبه دهم ذی القعده ۱۰۳۰ ه. از دنیا رفت و چند روز پیش از وفاتش، در مکه به من گفت: همین روزها من می‌میرم. ما او را نزدیک قبر حضرت خدیجه به خاک سپردیم. این سخن را در همان روز نوشتم. (۳) ۱۵- حسین دشتکی میر نصرالدین، در سال ۱۰۲۳ در مکّه مکرّمه از دنیا رفت و در قبرستان حجون مدفون گردید. (۴) ۱۶- حسین ظهیری، استاد شیخ محمد حرّ عاملی، صاحب وسائل است و خود در مکّه مکرّمه نزد محمد امین استرآبادیِ اخباری درس خوانده است. (۵) ۱۷- حسین بن علی حسینی شامی عاملی، در سال ۱۰۰۷ در مکّه مکرّمه نسخه‌ای از کتاب «من لایحضره الفقیه» را خریداری کرده است. (۶) ۱۸- حسین قاضی، نسخه کتاب «فقه الرضا» علیه السلام را از مکّه مکرّمه به اصفهان آورده است. (۷) مجلسی اول گوید: میر حسین قاضی، پس از مدتی مجاورت در مکه مکرمه، به اصفهان آمد و نسخه‌ای از کتاب فقه الرضا را به همراه آورد. (۸) ۱۹- حسین نیشابوری مکی بن محمد علی، معاصر سید نورالدین علی‌بن ابی‌الحسین موسوی عاملی (متوفای ۱۰۶۸ ه.) بوده است. او متولد و ساکن مکّه مکرّمه بوده و در همان‌جا (حدود سال ۱۰۸۰ ه.) وفات یافته است.

به سفارش وی باب «إحیاء الموات» تا «المواریث» از کتاب «جامع المقاصد» نسخه‌برداری شده و وی را با وصف «علّامه» ستوده‌اند. (۹)

۱- طبقات، ج ۵، صص ۵۵۹ و ۵۹۴

۲- طبقات، ج ۵، ص ۱۸۵

۳- الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۱۲

۴- طبقات، ج ۵، ص ۱۶۷

۵- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۴

۶- طبقات، ج ۵، صص ۱۷۱- ۱۷۰

۷- طبقات، ج ۵، ص ۱۶۰

۸- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۸

۹- طبقات، ج ۵، صص ۱۸۷ و ۶۲۳

ص: ۳۱

وی در سال ۱۰۵۶ در مکّه مکرّمه به مولاـ نوروز علی تبریزی اجـازه داده است. (۱) از مقایسه این تاریـخ با سال وفات وی، چنین به دست می‌آید که وی بیش از ۲۴ سال در مکه سکونت داشته است.

۲۰- حیدر سکیکی، سکونت وی در مکه بوده است. شیخ حرّ عاملی گوید: سکیکی را در سال ۱۰۶۲، در سفر دومِ خود به حج، در مکه دیدم. وی یکی- دو سال پس از آن، در مکه در گذشت. (۲) ۲۱- خضر موصلی بن عطاء اللّه شامی، ساکن مکّه معظمه بوده و در سال ۱۰۰۳ کتاب «الاسعاف» را تـألیف کرده و در سـال ۱۰۰۷ ه. در گذشـته اسـت. (۳) ۲۲- خلیـل بن غـازی قزوینی (۱۰۸۹-۱۰۰۱)، محـدّث و کلاـمیِ ماهری بوده‌است. صاحب وسائل، در حـجّ اوّلِ خود، در سال ۱۰۵۷ ه. (۴) او را دیـده که در مکه معظمه اقـامت گزیـده و مشـغول حاشـیه نویسـی بر «مجمع‌البیان» بوده است. او سال‌ها در مکه بوده و سـپس به قزوین باز گشـته و در آن‌جا زندگی را وداع گفته است. (۵)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۱۵۳- ۱۵۴، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۷۱

۲- طبقات، ج ۵، ص ۱۹۴

۳- طبقات، ج ۵، صص ۲۰۰- ۱۹۹

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۴۸

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۰۳

ص: ۳۲

۲۳- خیرالدین بن محمد قاسم قاری نجفی، وی و پدرش در فاصله سال‌های ۱۰۴۵- ۱۰۴۲ در مکّه مکرّمه، به رحمت‌اللَّه گیلانی علم آموخته و اجازه داده‌اند. (۱) ۲۴- داود بن عمر طبیب انطاکی (۱۰۰۸- ۹۵۰)، از انطاکیه به دمشق و سپس به قاهره سفر کرده و به دعوت حاکم مکه، شریف حسن‌بن ابی نمی به حجاز رفته است. وی کتاب‌های طبّی تألیف کرده است. (۲) ۲۵- ربیع نباطی عاملی، ساکن مکه مشرفه بوده و در سال ۱۰۰۲، در همان‌جا در گذشته است. مرثیه‌ای که صاحب معالم در مرگ او سروده، نشان دهنده جلالت و بزرگی اوست. (۳) ۲۶- رحمت‌اللَّه گیلانی حیدرآبادی، نویسنده کتاب «برهان القاری فی تجرید کلام الباری» به زبان فارسی است. او که در حیدر آباد هند سکونت داشته، در سال ۱۰۴۲ به حج رفته و تا سال ۱۰۴۵ در آن‌جا به‌سر برده نزد محمد قاسم قاری نجفی و فرزندش خیرالدین درس خوانده و از آنان اجازه گرفته است. وی در مکه نزد احمد حکمی نیز درس خوانده است. (۴) ۲۷- زین الدین بن محمد بن حسن بن شهید ثانی، نوه شیخ حسن صاحب معالم است. از سخن برادرش بر می‌آید که وی در سال ۱۰۰۹ به دنیا آمده، در عراق و ایران تحصیل نموده و در سال ۱۰۳۰ از اصفهان به مکه مهاجرت کرده و در آن‌جا سکونت گزیده است. او در سال ۱۰۷۴ در گذشته و در کنار پدرش، در قبرستان حجون مکّه مکرّمه مدفون شده است. (۵) آنچه آوردیم، سخن شیخ آقابزرگ بود، لیکن برادرش نوشته است:

۲۹ ذی‌حجه ۱۰۶۴ در مکه از دنیا رفت و من از روز عرفه تا زمان وفات، نزد وی بودم و او نزد قبر پدرم به خاک سپرده شد. (۶) سید محسن امین نیز وفات او را ۱۰۶۴ دانسته است. (۷) ۲۸- زین العابدین بن نورالدین علی جبعی موسوی عاملی، در سال ۹۹۶ به دنیا آمد و در سال ۱۰۷۳ در مکّه مکرّمه در گذشت و در مقبره حجون دفن شد. وی پسر برادر صاحب المدارک از آن خاندان علمی است. (۸) چنین می‌نماید که وی بخش عمده‌ای از زندگی‌اش را در مکه سپری کرده؛ زیرا پدرش در مکه سکونت داشته است. (۹) ۲۹- زین العابدین بن نور الدین علی کاشانی، در مکّه مکرّمه سکونت داشته است و رساله چاپ شده «مُفَرِّحَةُ الأَنام فی تأسیس بیت اللَّه الحرام» را نگاشته است. این کتاب را در باره سیل سال ۱۰۳۹ ه. نوشته که سبب تخریب کعبه مشرفه شد و سپس مراحل بازسازی آن

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷

۲- طبقات، ج ۵، ص ۲۰۷

۳- طبقات، ج ۵، ص ۲۱۴

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۶

۶- الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۳۱

۷- اعیان الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۴ شماره ۷۰۲۰

۸- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۷، ریاض العلما، ج ۲، ص ۳۹۸

۹- طبقات، ج ۵، صص ۱۷۳ و ۱۸۰

ص: ۳۳

در سال ۱۰۴۰. اوّلین سنگ بنای جدید کعبه را وی گذاشت و در همه مراحلِ بازسازی، با جمعی از شیعیان شرکت کرده و در این امر یاری نموده است.

وی زمان بسیاری در مکّه مکرّمه زندگی کرده، در آن‌جا از محمد امین استرآبادی درس آموخته و به برخی؛ از جمله عبدالرزاق مازندرانی اجازه داده است. وی را که عالم پر تلاشی بوده، در مکّه مکرّمه به جرم تشیّع به شهادت رساندند. او با همسر و دو طفل خردسالش، که پیش از وی در گذشته‌اند، همگی در قبرستان حجون مکّه مدفون شده‌اند. (۱) ۳۰- شمس الدین محمد شیرازی مکّی، در مکّه مکرّمه مجاورت گزیده و به فراگیری علم پرداخته است. مولا خلیل قزوینی حاشیه خود بر «عُیدّة الاصول» را در مکه به وی داد و نام‌برده پس از مطالعه، در ردّ آن مطلب نوشت. (۲) ۳۱- شمس الدین محمد، معروف به شمسا گیلانی، وی که از فلاسفه قرن یازدهم و از شاگردان شیخ بهائی و ملاصدرا بوده در اصفهان می‌زیسته، لیکن کتاب «العلم الإلهی/ النوریة» را در سال ۱۰۴۸ در مکه معظمه تألیف نموده است. (۳) ۳۲- شیخ صنعان، به سفارش وی، نسخه‌ای از «شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید» در مکّه مکرّمه استنساخ شده است. شیخ آقا بزرگ احتمال داده که شیخ صنعان، نام مستعار باشد نه نام واقعی. (۴) ۳۳- صاحب علی استرآبادی، شاگرد میرزا محمد استرآبادی، صاحب کتاب‌های رجال است. (۵) با توجه به این‌که استادِ وی در مکه می‌زیسته، ظاهراً صاحب‌علی هم متوطن مکّه مکرّمه بوده است.

۳۴- عبد الرزاق مازندرانی، شاگرد سید زین‌العابدین کاشانی است، همو که در تجدید بنای کعبه مشرّفه شرکت داشته و در مکه به شهادت رسیده است. عبدالرزاق از وی اجازه داشته است. (۶) ۳۵- عبد علی عاملی، کتاب «تلخیص الأقوال» از تألیفات میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتاب‌های رجالی را در کنار کعبه مشرفه در سال ۱۰۱۵ استنساخ کرده و حواشی بسیاری از مؤلف بر آن نگاشته است. ظاهراً وی از همکاران سید زین‌العابدین کاشانی در تجدید بنای کعبه مشرفه بوده است. (۷) ۳۶- عبداللّه‌بن احمد انصاری، شیخ آقا بزرگ از وی با لقب «شریف» یاد می‌کند که این

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۸؛ الذریعه، ج ۱، ص ۷۳

۲- طبقات، ج ۵، ص ۲۶۸

۳- طبقات، ج ۵، ص ۲۶۶

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۷۱

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۷۴

۶- طبقات، ج ۵، صص ۳۲۰- ۳۱۹

۷- طبقات، ج ۵، ص ۳۳۱

ص: ۳۴

لقب در مورد سادات به کار می‌رود. در سال ۱۰۸۵ ه. ابراهیم احسائی، «تفسیر فرات کوفی» را در مکّه مکرّمه با وی مقابله کرده و وی مقابله و تصحیح خود را بر روی آن نسخه گواهی کرده است. (۱) ۳۷- عبداللَّه طائی، کتاب «علل‌الشرایع» تألیف شیخ صدوق را در مکّه مکرّمه تصحیح و مقابله کرده است. (۲) ۳۸- علی جبعی (۱۰۶۸- ۹۷۰)، برادر صاحب «المدارك»، بیش از بیست سال در مکه سکونت داشته و به تدریس و تألیف مشغول بوده و در همان‌جا از دنیا رفته‌است. از تألیفات وی «الشواهدالمکّیه»، در ردّ «الفوائد المدنیه» محمد امین استرآبادی است. می‌توان گفت وی یکی از علمای برجسته اصولی است که در برابر محمد امین استرآبادی مقاومت نمود. پس در مکه، در آن زمان، هم از اصولیان و هم از اخباریان حضور داشته‌اند.

وی دارای پنج پسر به نام‌های: زین‌العابدین، جمال‌الدین، ابوالحسن، حیدر و علی بوده که ظاهراً آنان نیز اهل فضل و کمال بوده‌اند. برخی دانشمندان از وی اجازه دارند؛ مانند: محمد محسن‌بن محمد مؤمن با اجازه‌ای به تاریخ ۱۰۵۱، میر محمد مؤمن بن دوست محمد صاحب کتاب «الرجعه»، محمد طاهربن محمد حسین شیرازی، صالح‌بن عبدالکریم بحرانی. قاسم‌بن محمد کاظمی نیز در طائف و مکه نزد وی درس خوانده است. (۳) ۳۹- علی رضا بن آقا جانی، کتاب «تهذیب» را، در مکه، نزد میرزا محمد استرآبادی مؤلف کتب رجال آموخته و در سال ۱۰۱۶ ه. از وی اجازه گرفته است. (۴) ۴۰- علی نجفی بن ابراهیم، صاحب نسخه‌ای از تفسیر فرات کوفی بوده که به سال ۱۰۸۳ در مکّه مکرّمه استنساخ شده و بر مُهر وی، تاریخ ۱۰۸۳ حکّ بوده است. (۵) شیخ آقا بزرگ به حضور وی در مکّه مکرّمه تصریح نکرده، لیکن به نظر می‌رسد او از مکه نسخه مذکور را خریده است.

۴۱- عیسی‌بن زین‌العابدین مازندرانی، در مکّه مکرّمه به سر می‌برده و در آن‌جا همه کتابِ «من لایحضره الفقیه» را استنساخ کرده و در ۱۹ شوال ۱۰۵۳ به پایان رسانده است. (۶) ۴۲- فتح‌اللَّه‌بن مسیح اللَّه، در مکّه مکرّمه می‌زیسته و کتاب «ابنیهٔ الکعبه» را در تاریخ بازسازی‌های کعبه در طول تاریخ نگاشته و در آن گزارشی از تجدید بنای کعبه مشرفه در سال ۱۰۴۰ ارائه کرده‌است؛ زیرا خود شاهد تخریب آن، بر اثر سیل و سپس بازسازی‌اش بوده

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲

۲- طبقات، ج ۵، ص ۳۵۰

۳- طبقات، ج ۵، ص ۳۸۶؛ تکملهٔ أمل الآمل، ص ۲۵۲؛ الفوائد الرضویه، ص ۳۱۳

۴- طبقات، ج ۵، ص ۳۹۸

۵- طبقات، ج ۵، ص ۴۱۷

۶- طبقات، ج ۵، ص ۴۲۳

ص: ۳۵

است. وی مقاله «مُفَرِّحَةُ الأنام» سید زین‌العابدین کاشانی را نیز در کتاب خود گنجانده است. (۱) ۴۳- فضل اللّه دستغیب‌بن محبّ اللّه شیرازی، از شاگردان میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتب رجالی است. او رجال کبیر استاد خود را در زندگانی استاد در مکّه مکرّمه استنساخ کرده و ۲۷ رجب ۱۰۲۲ از آن فراغت یافته، سپس با نسخه اصل، به قلم مؤلف مقابله کرده و در اواخر شعبان ۱۰۲۲ آن را به پایان برده است. (۲) احمد بن قاسم شیرازی همه کتاب «من لایحضره الفقیه» را نزد وی خوانده و استاد بر آن نسخه بلاغ‌ها نگاشته است. (۳) ۴۴- قوام الدین محمّد، کتاب «الشواهد المکیّه» نوشته علی جبعی را، که در ردّ کتاب «الفوائد المدنیه» استرآبادی است، نسخه برداری کرده و بر آن حاشیه بسیار زده و هفتم رمضان ۱۰۶۸ از آن فراغت یافته است. (۴) ۴۵- محسن بن محمد مؤمن استرآبادی، شاگرد نورالدین علی‌بن علی‌بن حسین عاملی (متوفّای ۱۰۶۸ ه.) است. استادش برای وی در مکّه مکرّمه اجازه‌ای در تاریخ ۱۰۵۱ نگاشته است. وی سپس به مشهد خراسان منتقل شد و در آن‌جا به سال ۱۰۸۹ زندگی را وداع گفت.

گفتنی است که او به مجلسی اجازه داده است. (۵) ۴۶- محمد امین بن محمد شریف استرآبادی، از پرچمداران اخباریان و مخالف سرسخت اصولیان است و تألیفات متعدد دارد. او ابتدا در مدینه منوره مجاورت گزید و سپس به مکّه مکرّمه رفت و در آن‌جا ساکن شد و همان‌جا به سال ۱۰۳۶ در گذشت. به نظر می‌رسد کتاب «الفوائد المکیّه» را در مکّه مکرّمه نوشته است. وی داماد میرزا محمد استر آبادی، صاحب کتاب‌های رجالی بود که او نیز سالیانی دراز در مکّه مکرّمه مجاورت گزیده بود. (۶) محدث قمی وفات وی را در سال ۱۰۳۳ ه. نوشته است. (۷) ۴۷- محمد امین شدقمی، معاون قاضی مکّه مکرّمه بوده است. (۸) «۸» ۴۸- محمد امین قمی بن میرزا جان بن سلطان حسین بن ابی‌طالب نجفی، نسخه‌بردارِی کتاب «خلاصهٔ الأقوال» علّامه حلّی را برای خود و به خط خود در مکّه مکرّمه آغاز کرد و در جمادی الآخره ۱۰۰۹ ه. از آن فراغت یافت و سپس آن را برای عموم شیعیان وقف کرد. (۹) ۴۹- محمد باقربن محمد مؤمن، محقق سبزواری، از مجتهدان و حکیمان مشهور و صاحب تألیفات در فقه و حکمت است. او در اصفهان تحصیل کرد و در مشهد سکونت و

۱- طبقات، ج ۵، ص ۴۳۱

۲- طبقات، ج ۵، صص ۴۴۱- ۴۴۰

۳- طبقات، ج ۵، صص ۲۶- ۲۵

۴- طبقات، ج ۵، ص ۴۶۰

۵- طبقات، ج ۵، ص ۴۸۹

۶- طبقات، ج ۵، ص ۵۶

۷- الفوائد الرضویه، ص ۳۹۹

۸- طبقات، ج ۵، ص ۵۷

۹- طبقات، ج ۵، ص ۵۹

ص: ۳۶

ریاست علمی یافت. قبرش در مدرسه میرزا جعفر است. در سال ۱۰۶۲ در مکّه مکرّمه در جُنگ حسین شیرازی، مطلبی علمی به رسم یادگار نوشته است. (۱) ۵۰- محمد باقر نیشابوری بن حسین مکی بن محمد علی، در مکّه مکرّمه سکونت داشته و دو مجلد بزرگ «جامع المقاصد» از پدرش به وی ارث رسیده است. محمد باقر نیشابوری از مجلسی و محمد سراب و سید علی خان دشتکی اجازه داشته است. (۲) ۵۱- محمد بهاء الدین بن قاری، در مکّه مکرّمه کتاب «الإرشاد» شیخ مفید را نسخه برداری کرده و بر آن حاشیه زده و فوائد و مقالات علمیِ دیگر را ضمیمه همان نسخه نگاشته است. (۳) ۵۲- محمد تقی سرخ‌آبی بن ابراهیم مازندرانی، کتاب «کمال الدین» شیخ صدوق را در مکّه مکرّمه نسخه‌برداری کرده و ۱۱ شوال ۱۰۵۴ بر فراز کوه ابوقبیس، آن را به پایان برده است. (۴) ۵۳- محمدبن حسن صاحب معالم‌بن شهید ثانی، پنج سال را در مکه سپری کرد و از میرزا محمد استرآبادی مؤلف کتب رجالی دانش آموخت، سپس به کربلا مراجعت کرد و مدتی را در آن‌جا زیست. او در سال ۱۰۲۴ در نجف اشرف برای بهاءالدین علی بن یونس حسینی تفرشی اجازه نوشت و در سال ۱۰۲۵ در کربلا- از نگارش کتاب «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار» فراغت یافت.

وی سپس به مکه مکرّمه بازگشت و سال‌های پایانی عمر خود را در آنجا سپری کرد.

معروف است که او روزی در طواف کعبه مشرفه بود، شخصی گلی به وی هدیه کرد که نه زمان آن بود و نه از آن منطقه بود. شیخ محمد از او پرسید: این گل را از کجا آورده‌ای؟ وی پاسخ داد: از خرابات، و دیگر آن شخص را ندید. (۵) وی در همان‌جا در سال ۱۰۳۰ زندگی را وداع گفته و نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری علیها السلام در قبرستان حجون مدفون شده است. (۶) ۵۴- محمد حسین‌بن مقصود علی طالقانی، از سید نورالدین بن علی بن ابی‌الحسن عاملی در منزل وی در مکّه مکرّمه اجازه گرفته است. (۷) ۵۵- محمدبن حیدر عاملی حسینی، در سال ۱۰۸۹ ه. حدیثی به یادگار در مجموعه محمد باقربن محمد حسین نیشابوری نگاشته، در حالی که در مکّه مکرّمه مجاورت گزیده بود. (۸)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۷۲

۲- طبقات، ج ۵، صص ۷۴ و ۱۸۷

۳- طبقات، ج ۵، ص ۸۷

۴- طبقات، ج ۵، ص ۹۹

۵- الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۱۲

۶- طبقات، ج ۵، صص ۱۸۵ و ۲۳۶ و ۵۲۰؛ الذریعه، ج ۲، ص ۳۰، شماره ۱۲۰؛ الفوائدالرضویه، صص ۴۶۷- ۴۶۴

۷- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۳

۸- طبقات، ج ۵، ص ۵۲۹

ص: ۳۷

۵۶- محمد سلمان شریف صفوی، که «ترتیب رجال النجاشی»، نوشته محمدتقی‌خادم انصاری را در مکّه مکرّمه استنساخ کرده و در ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۰۲۴ ه. از آن فراغت یـافته است. (۱) ۵۷- محمد شامی‌بن علی‌بن زین‌الدین محمد حسـینی عاملی، نسخه‌ای از کتاب «من لایحضـره الفقیه» را در مکّه مکرّمه خریـده و تملّـک خود را به سـال ۱۰۰۷ بر آن نوشـته است. (۲) ۵۸- محمد شمس‌الدین‌بن شهاب الـدین احمـد عیناثی عاملی، ساکن مکّه مکرّمه بوده است. ماجـد جد حفصـی (متوفای ۱۰۲۸) از او اجـازه گرفتـه و نیز میرزا ابراهیم همدانی (متوفای ۱۰۲۶ ه.) پس از یک سال مجاورت در مکّه مکرّمه، از او اجازه دریافت کرده است. (۳) ۵۹- محمد صالح گیلانی (۱۰۸۸- ۹۶۹)، شاگرد شیخ بهایی و دیگر عالمان اصفهان بود.

چهل سال در دکن هنـد زندگی کرد و سـپس راهیِ حج شد. در این سـفر دریا طوفانی شده، کتاب‌های گران‌بهای او غرق می‌شود، لیکن خودش نجات می‌یابـد. وی مـدتی در مکه اقامت اختیار می‌کنـد و سپس به سوی یمن می‌رود و در آن‌جا مانـدگار می‌شود و قـدر و منزلت می‌یابـد و در همان‌جا از دنیا می‌رود. (۴) ۶۰- محمـد بن عبـد اللطیف جامعی، چنـد کتاب علمی و عمومی را به خط خود و برای خود نسـخه‌برداری کرده و بر آن‌هـا مُهر بزرگی زده که نوشـته آن چنین است: «محمـد بن عبـد اللطیف الجـامعی، نزیل حرم اللَّه السامی». از نوشـته این مُهر به دست می‌آیـد که وی مـدتی در مکّه مکرّمه زندگی کرده است. (۵) ۶۱- محمد بن علی بن ابراهیم حسـینی استرآبـادی، مؤلف کتاب‌هـای علم رجـال بوده، که رجـال کبیر او به نـام «منهـج المقال» چاپ شـده است. شـیخ آقا بزرگ بحثی مطرح کرده که آیـا وی از سـادات بـوده یـا نه؟ در هر حـال، بـا تـوجه به قوّت علمی‌اش، کم و بیش نقش محوری در گردهم‌آیی علمای شیعه در مکّه مکرّمه داشته است.

در «ریاض العلما» آمده است: از محقّق ملّا احمد اردبیلی پرسـیدند پس از شـما به چه کسـی برای فراگیری علم مراجعه کنیم؟ پاسخ داد: در علوم عقلی به میرفضل‌اللَّه، و در علوم نقلی به میرعلّام. میرزا محمد استرآبادی از این‌که از وی نام نبرد رنجیده شد و از نجف اشرف به مکّه مکرّمه هجرت کرد و در آن‌جا بساط علم گسترد. (۶)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۹۶ و، ص ۲۴۸؛ الذریعه، ص ۷۰ شماره ۲۸۷

۲- طبقات، ج ۵، ص ۵۲۲

۳- طبقات، ج ۵، ص ۵۳۱

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۸۷

۵- طبقات، ج ۵، ص ۵۰۴

۶- طبقات، ج ۵، ص ۴۹۷

ص: ۳۸

اگر این داستان را درست بدانیم، وی باید اندکی پیش یا پس از سال ۹۹۳، که سال وفات اردبیلی است، به مکه رفته باشد و با توجه به وفاتش در سال ۱۰۲۸ ه. بیش از سی سال در مکه زندگی کرده و به افاده پرداخته است. محمد امین استرآبادی (پرچمدار اخباریان) داماد وی بوده است. چندین تن از استرآبادی‌های ساکن مکّه مکرّمه، عالم و دانشمند بوده‌اند و سر سلسله آنان میرزا محمد استرآبادی رجالی بوده است. وی در قبرستان حجون در مکه معظمه مدفون است. (۱) ۶۲- محمد علی بن احمد عاملی مکی، مؤلف کتاب «الدلائل المکیهٔ فی العقائد الدینیّه» است که در سال ۱۱۰۸ آن را نوشته است. (۲) شیخ آقا بزرگ به زندگی وی در مکه اشاره‌ای نکرده، لیکن از نام کتابش چنین برداشت می‌شود که در مکه به نگارش آن دست زده است.

۶۳- محمد علی اصفهانی، نزد شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتاب‌های رجالی، شاگردی نموده و استرآبادی برای وی در سال ۱۰۱۵ اجازه‌ای نگاشته است. (۳) با توجه به مجاورت استرآبادی در آن سال‌ها در مکه مکرمه، ظاهراً آن اجازه در مکه صادر شده و اصفهانی مدتی را نزد وی در مکه درس خوانده است.

۱- الفوائد الرضویه، ص ۵۵۴

۲- طبقات، ج ۵، ص ۴۰۷؛ الذریعه، ج ۸، ص ۲۵۳ شماره ۱۰۴۳

۳- طبقات، ج ۵، ص ۳۷۶

ص: ۳۹

۶۴- محمد علی شیبانی بن محمد صالح شیرازی، در مکّه مکرّمه بر «ارشاد» شیخ مفید حاشیه زده و ۲۷ رمضان ۱۰۷۳ از آن فراغت یافته است. (۱) ۶۵- محمد بن علی بن محمود شامی عاملی، از معاصران شیخ حرّ عاملی بوده و سید علیخان مدنی نزد وی درس خوانده و اشعار او را در «سلافة العصر» و دیوان خود نقل کرده است. وی در سال هزار و نود و اندی در گذشته است. (۲) سید علیخان گوید: او پس از انجام حج، دو سال در مکه ماند، سپس به وطن برگشت.

برای نوبت دوم به مکه مکرمه آمد و در آنجا سکونت گزید و پدرم مقدم او را گرامی داشت و به من دستور داد تا نزد وی درس بخوانم. سرانجام او پس از مدتی مکه را ترک گفت. (۳) ۶۶- محمد قاسم قاری، و فرزندش خیرالدین در فاصله سال‌های ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۵ در مکّه مکرّمه به رحمةاللّه گیلانی علم آموختند و به وی اجازه دادند. (۴) ۶۷- محمد مؤمن بن دوست محمد حسینی استرآبادی، در مکّه مکرّمه مجاورت گزید و پس از عمری دراز در سال ۱۰۸۷ ه. به جرم تشیع در همان‌جا به شهادت رسید. وی پسر خواهر میر فخرالدین سماکی و داماد محمد امین استرآبادیِ اخباری است. او شاگرد صاحب‌علی استرآبادی است که وی شاگرد میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتب رجالی بوده.

پس هم خود او، هم استاد او و هم استادِ استادِ او در مکه به‌سر می‌برده‌اند. محمد مؤمن، از ابراهیم بن عبد اللّه خطیب مازندرانی و سید زین‌العابدین کاشانی مؤسّس کعبه مشرفه اجازه داشته و در مکّه مکرّمه برای مجلسیِ دوم و احمد بحرانی اجازه صادر کرده است و تاریخ اجازه وی به بحرانی سال ۱۰۸۱ ه. است. (۵) ۶۸- محمد نصرا تونی، در مکّه مکرّمه کتب اربعه حدیثی را نزد میرزا محمد استرآبادی مؤلف کتب رجالی خوانده است. (۶) با توجه به مفصّل بودن کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار و من‌لایحضره الفقیه) به نظر می‌رسد وی سالیانی در مکّه مکرّمه سکونت داشته تا توفیق قرائت آن کتاب‌ها را یافته است.

۶۹- مصطفی بن محمد ابراهیم تبریزی قاری، سه مرتبه به حج مشرّف شده و در حج دوم نزد اسماعیل قاری در مکّه مکرّمه علم قرائت قرآن آموخته است. سفرنامه سومین حج خود را که به سال ۱۰۶۷ ه. انجام شده، به نام «التحفة بین الحرمین» در حین بازگشت نگاشته است. (۷)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۸۸ و ۴۰۴

۲- طبقات، ج ۵، ص ۵۲۲

۳- سلافه العصر، صص ۳۴۷- ۳۲۳

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۷۴ و ۵۹۲؛ الفوائد الرضویّه، ص ۵۹۹؛ الذریعه، ج ۱، ص ۹۴

۶- طبقات، ج ۵، صص ۵۵۹، ۵۹۴ و ۶۱۴

۷- طبقات، ج ۵، ص ۵۶۵

ص: ۴۰

۷۰- میر اسحاق موسوی استرآبادی، وی دعای سیفی را از حضرت حجّت عجل‌اللَّه تعالی فرجه الشریف فرا گرفته و مجلسی اول آن را از وی روایت می‌کند. مجلسی دوم در اجازه‌اش به میرمحمد هاشم، میر اسحاق را سید عابدِ زاهدِ عادل توصیف کرده و گوید: وی چهل بار پیاده به حج رفت. او پیش از مرگ از تاریخ وفات خود در عالم رؤیا آگاه شده بود.

این‌گونه کرامات را در دوران اقامتش در اصفهان از وی مشاهده کردم. شاه عباس صفوی برای احوال‌پرسی به منزل او رفت و از وی دیدار کرد. (۱) ۷۱- میر محمد مؤمن بن شرف الدین علی حسینی استرآبادی، در سال ۱۰۸۸ در مکّه مکرّمه به شهادت رسید. او پسر خواهر فخرالدین سماکیِ استرآبادی است. (۲) ۷۲- میر محمد معصوم حسینی دشتکی، با خواهر شاه عباس صفوی در راه حج ازدواج کرد و از ترس شاه، پس از فراغت از حج در مکه مجاورت گزید. فرزندش میر نظام‌الدین احمد در مکه به دنیا آمد و رشد کرد و تربیت شد و از همگنان پیشی گرفت. (۳) ۷۳- نور الدین بن علی بن ابی الحسن عاملی، برادر صاحب مدارک و صاحب معالم است و در خانه‌اش در مکّه مکرّمه به محمد حسین‌بن مقصودعلی طالقانی اجازه داده است. (۴) شیخ آقا بزرگ در جای دیگر تصریح کرده که وی ساکن مکه معظمه بوده است. (۵) ۷۴- نوروز علی تبریزی، در مکّه مکرّمه نزد حاج حسین نیشابوری درس خوانده و در سال ۱۰۵۶ ه. از وی اجازه گرفته است. (۶)***

کتاب‌های شیعه در قرن ۱۱ ه. در مکّه مکرّمه

کتاب‌هایی که از آنها نام برده می‌شود، در سده یازدهم هجری قمری در مکه معظمه تألیف یا نسخه‌برداری شده است.

- ابنیهٔ الکعبه/ فتح‌اللَّه‌بن مسیح اللَّه

او معاصر سید زین‌العابدین کاشانی است و مانند او این کتاب را درباره سیلی که در سال ۱۰۳۹ آمد و سبب تخریب کعبه مشرفه شد و نیز در باره مراحل بازسازی آن در سال ۱۰۴۰

۱- طبقات، ج ۵، ص ۴۱

۲- طبقات، ج ۵، ص ۴۳۴

۳- طبقات، ج ۵، ص ۲۳

۴- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۳

۵- طبقات، ج ۵، ص ۱۸۰

۶- طبقات، ج ۵، صص ۱۵۳، ۱۵۴ و ۶۲۳

ص: ۴۱

نگاشته است. نوشته فتح اللّه از نوشته سید زین‌العابدین مبسوطتر است. وی رساله سید زین‌العابدین را نیز به عربی برگردانده و در کتاب خود گنجانده و سپس همه را به مبحث حج و عمره «مصباح المتهجّد» شیخ طوسی ضمیمه کرده است. (۱)- الإرشاد فی معرفة حجج اللّه علی العباد/ شیخ مفید

بهاء الدین محمدبن محمد قاری آن را در مکه به سال ۱۰۷۳ استنساخ کرده و فوائد و حواشی محمد علی بن محمد صالح شیبانی شیرازی بر آن را، که در رمضان ۱۰۷۳ در مکه معظمه نگاشته شده، ضمیمه کرده است. (۲)- الإسعاف/ خضر الموصلی بن عطاء اللّه شامی

وی ساکن مکه معظمه بوده و این کتاب را در سال ۱۰۰۳ نوشته است. در سال ۱۰۰۷ در حالی که از مکه اخراج شده و به سوی مدینه منوره می‌رفته در بین راه در گذشته است. (۳)- إیضاح الاشتباه/ علامه حلّی

محمد سلمان شریف صفوی آن را در سال ۱۰۲۴ نسخه‌برداری کرده است. شیخ آقابزرگ پیش از ذکر آن کتاب، چنین نوشته است: «ترتیب رجال نجاشی» را محمد سلمان شریف صفوی در ۲۶ ربیع الثانی ۱۰۲۴ در مکه معظمه استنساخ کرده. سپس گوید: به خط همین کاتب، نسخه‌ای از «ایضاح الاشتباه» علامه حلی را دیدم که در همان سال نگاشته است. (۴)- التذکارات/ گردآورنده شمس‌الدین حسین‌بن محمد شیرازی

وی در اواسط قرن یازدهم هجری در مکّه مکرّمه ساکن شد و از دانشمندان شیعه، که به حج می‌آمدند، می‌خواست مقاله‌ای از خود، در مجموعه وی به رسم یادگار بنگارند.

از کسانی که در آن مجموعه، مقاله‌ای نگاشته، محقّق سبزواری، محمد باقربن محمد مؤمن است که در سال ۱۰۶۲ شرحی بر حدیث «برّ الوالدین» در آن جُنگ نگاشت. (۵)- ترتیب رجال نجاشی/ محمد تقی خادم انصاری

محمد سلمان شریف صفوی اردبیلی، در سال ۱۰۲۴ در مکه معظمه از آن کتاب نسخه‌برداری کرده است. (۶)- تفسیر سورة الإخلاص/ شمس‌الدین محمد/ شمساگیلانی

وی آن کتاب را در سال ۱۰۴۸ در مکّه مکرّمه تألیف کرده است. (۷)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۴۳۱؛ الذریعه، ج ۱، ص ۷۳ شماره ۳۶۰

۲- طبقات، ج ۵، ص ۸۸- ۸۷ و ۴۰۴

۳- طبقات، ج ۵، صص ۲۰۰- ۱۹۹؛ سلافة العصر، صص ۳۸۰- ۳۷۷

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۴۸؛ الذریعه، ج ۴، ص ۷۰ شماره ۲۸۷

۵- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۱؛ الذریعه، ج ۴، ص ۱۹ شماره ۶۴

۶- طبقات، ج ۵، صص ۹۶ و ۲۴۸

۷- طبقات، ج ۵، ص ۲۶۷

ص: ۴۲

- تفسیر فرات/ فرات بن ابراهیم کوفی

ابراهیم بن علی احسائی، در زمان مجاورتش در مکه معظمه، از آن، برای خود و به دست خویش نسخه‌برداری کرد و در ۲۳ ربیع الثانی ۱۰۸۳ از آن فراغت یافت و در سال ۱۰۸۵ ه. با عبداللّه انصاری در مکّه معظمه آن را مقابله کرد. (۱) نسخه‌ای از تفسیر فرات که در سال ۱۰۸۳ در مکه معظمه تحریر شده، علی‌بن ابراهیم نجفی تملّك خود را بر آن نگاشته است. (۲) از کلام شیخ آقابزرگ دانسته نمی‌شود که آیا همان نسخه است یا نسخه دیگری است.

- تلخیص الأقوال/ میرزا محمد استرآبادی

عبد علی عاملی، شاگرد مؤلف، در کنار کعبه مشرفه، در سال ۱۰۱۵ ه. آن را استنساخ کرده است. (۳)- تهذیب الأحکام/ شیخ طوسی

از «کتاب الدیون» تا آخر کتاب را اشرف محمد جوزی‌بن شهاب نگاشته و در مکه معظمه نزد استادش شمس‌الدین محمدبن خاتون عاملی خوانده و استاد برای وی در تاریخ ۱۳ جمادی الثانی ۱۰۰۹ در مکه انهایی نگاشته است. (۴)- جامع المقاصد/ محقق کرکی حسین نیشابوری مکّی‌بن محمد علی از «باب إحیاء الموات» تا آخر «المواریث» آن کتاب را در یک مجلّد بزرگ نسخه‌برداری کرده است. وی ساکن مکه معظمه بوده و حدود سال ۱۰۸۰ در مکه در گذشته است. (۵)- حاشیه عُدّة الاصول/ مولا خلیل قزوینی مؤلف، آن را در سالی که به حج مشرف شده به شمس‌الدین محمد شیرازی در مکه داده و وی بر آن انتقاداتی نگاشته است. (۶)- حاشیه مجمع البیان/ مولا خلیل قزوینی

وی سال‌ها در مکّه مکرّمه سکونت داشته و در همان‌جا حواشی مذکور را نوشته است. (۷)- خلاصهٔ الأقوال فی معرفهٔ الرجال/ علّامه حلّی

محمد امین قمی‌بن میرزا جان، آن را در مکه معظمه برای خود نسخه‌برداری کرده و در

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲

۲- طبقات، ج ۵، ص ۴۱۷

۳- طبقات، ج ۵، ص ۳۳۱

۴- طبقات، ج ۵، ص ۵۰

۵- طبقات، ج ۵، ص ۱۸۷

۶- الذریعه، ج ۴، ص ۲۰ شماره ۶۴؛ طبقات، ج ۵، ص ۲۶۸

۷- طبقات، ج ۵، ص ۲۰۳

ص: ۴۳

جمادی الآخره ۱۰۰۹ از آن فراغت یافته و آن را برای عموم شیعیان وقف کرده است. (۱)- الدلائل المکیة فی العقائد الدینیه/ محمدعلی عاملی مکی‌بن احمدبن علی

محمد علی آن کتاب را در سال ۱۱۰۸ ه. نگاشته است. (۲) از نام کتاب بر می‌آید که در مکه نوشته شده و از لقب مؤلف بر می‌آید که وی در مکّه مکرّمه ساکن بوده است.

- رسالات و فوائد/ محمد علی‌بن محمد صالح شیبانی شیرازی

آن رسالات و فوائد، همراه با نسخه‌ای از کتاب «ارشاد» شیخ مفید، توسط بهاءالدین محمدبن محمد قاری، در مکه نوشته شده و به تاریخ ۲۷ رمضان ۱۰۷۳ به پایان رسیده است. (۳)- رسالة فی السؤال عن بعض المسائل المعضلة من الأصلیة والفرعیة/ سؤال‌کننده: حسین ظهیری؛ پاسخ دهنده: محمد امین استر آبادی

ظهیری در مکه نزد استرآبادی درس خوانده است. (۴)- شرح نهج البلاغه/ ابن ابی الحدید

به سفارش شیخ صنعان در مکّه استنساخ شده و در سال ۱۰۳۳ با نسخه دیگر مقابله گردیده است. شیخ آقا بزرگ احتمال داده که شیخ صنعان نام مستعار باشد نه نام واقعی. (۵)- الشواهد المکّیه/ علی جبعی

مؤلف آن را در ردّ «الفوائد المدنیة» ملّا محمد امین استرآبادی نگاشته است. او بیش از بیست سال در مکه معظمه سکونت داشته است. علاوه آن‌که از نام کتاب هم استفاده می‌شود در مکه نگاشته شده است. (۶) قوام الدین‌بن محمد نسخه‌ای از آن را تحریر کرده و در ۷ رمضان ۱۰۶۸ آن را به پایان رسانده و بر آن حواشی بسیاری زده است. (۷)- علل الشرایع/ شیخ صدوق

نسخه‌ای از آن را عبداللّه طائی در سال ۱۰۷۳ در مکّه مکرّمه مقابله و تصحیح کرده است. (۸)- العلم الإلهی أو النوریه/ شمس‌الدین محمد معروف به شمسا گیلانی

مؤلف آن را در سال ۱۰۴۸ به هنگام مجاورت در مکه معظمه نگاشته است. (۹) ۲۲- فقه الرضا،

۱- طبقات، ج ۵، ص ۵۹

۲- طبقات، ج ۵، ص ۴۰۷

۳- طبقات، ج ۵، ص ۸۸

۴- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۴

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۷۱

۶- طبقات، ج ۵، صص ۳۸۷- ۳۸۶

۷- طبقات، ج ۵، ص ۴۶۰

۸- طبقات، ج ۵، ص ۳۵۰

۹- الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۹۰ شماره ۲۰۹۱؛ طبقات، ج ۵، ص ۲۶۶

ص: ۴۴

میر حسین قاضی نسخه‌ای از آن را از مکّه مکرّمه به اصفهان آورده است. (۱)- الفوائد المکیه/ محمد امین استرآبادی اخباری

وی پس از مجاورت در مدینه منوره، در مکه معظمه سکونت گزید و در سال ۱۰۳۶ در همان‌جا از دنیا رفت. «الفوائد المکیه» را شیخ آقا بزرگ ندیده بلکه گوید: نزد مجلسی دوم بوده و از آن در بحار نقل کرده است. (۲) لیکن اسم کتاب برترین شاهد است که آن را در مکه تألیف کرده است.

- الکافی/ کلینی

حامد استرآبادی بن محمد جرجانی بیش از ۵ سال در مکه معظمه سکونت گزیده و تمام کتاب کافی را در چهار مجلد در آن‌جا رونویس کرده است.

در تاریخ ۱۶ ربیع الآخر ۱۰۲۵ از قسمت «الایمان والکفر» اصول کافی فراغت یافته، در شعبان ۱۰۲۵ از «الروضه» فراغت یافته، از اول «الطهاره» تا آخر «الجهاد» را از اواسط سال ۱۰۲۵ تا اواسط شعبان ۱۰۲۶ رونویس کرده، و پس از استنساخ، آن را نزد اساتید خود خوانده و آنان بر آن بلاغ نگاشته‌اند. از «الأشربه» در سال ۱۰۲۹، از «الوصایا» در صفر ۱۰۳۰، از «الحدود» در جمادی الأولی ۱۰۳۰، از «الدیات» در اواسط جمادی الآخره ۱۰۳۰، و از «الکفارات» در اواسط رجب ۱۰۳۰ فراغت یافته است. (۳)- کمال الدین/ شیخ صدوق

محمد تقی سرخ‌آبی بن ابراهیم مازندرانی آن را نسخه‌برداری کرده، و در ۱۱ شوال ۱۰۵۴ روی کوه ابوقبیس در مکه معظمه از آن فراغت یافته است. (۴)- مُفرِّحهٔ الأنام فی تأسیس بیت اللّٰه الحرام/ سید زین‌العابدین کاشانی

در سال ۱۰۳۹ ه. بر اثر سیل مهیب، کعبه گرامی تخریب شده، وی و جمعی از شیعیان در بازسازی کعبه مشرفه همکاری داشته‌اند. مقاله مذکور شرح داستان سیل و تخریب کعبه و بازسازی آن در سال ۱۰۴۰ ه. است. (۵)- منتقی الجمان/ شیخ حسن صاحب معالم

احمد انصاری از شاگردان شیخ محمد فرزند صاحب معالم، آن را در مکه معظمه در سال ۱۰۱۷ ه. از روی نسخه مؤلف نگاشته و سپس بر استاد خود شیخ محمد فرزند صاحب معالم در مکّه مشرفه خوانده است. (۶)

۱- طبقات، ج ۵، صص ۱۶۰ و ۱۷۸

۲- طبقات، ج ۵، ص ۵۶؛ الذریعه، ج ۱۶، ص ۳۵۹ شماره ۱۶۶۷

۳- طبقات، ج ۵، ص ۱۳۰

۴- طبقات، ج ۵، ص ۹۹

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۸

۶- طبقات، ج ۵، ص ۱۶

ص: ۴۵

- من‌لایحضره‌الفقیه/ شیخ صدوق

عیسی‌بن زین‌العابدین مازندرانی تمام کتاب را همراه با مشیخه آن، در چهار مجلد در مکّه مکرّمه نگاشته و در ۱۹ شوال ۱۰۵۳ به پایان برده است. او بر آن کتاب حواشی بسیار زده است. (۱) نسخه‌ای از کتاب «من لایحضره الفقیه» را حسین شامی بن علی بن زین‌الدین حسینی عاملی در سال ۱۰۰۷ در مکّه مکرّمه خریده است. (۲)- منهج المقال/ الرجال الکبیر/ محمد بن علی استرآبادی

شاگرد وی فضل‌اللّه‌بن دستغیب آن را در مکه معظمه استنساخ کرده و در ۲۷ رجب سال ۱۰۲۲ از آن فراغت یافته است. سپس آن را با دست‌نوشته مؤلف مقابله کرده و در اواخر شعبان همان سال به پایان برده است. (۳)- وسیلهٔ المآل فی عدّ مناقب الآل/ احمد مکی بن شهاب الدین فضل بن‌محمد باکثیر

مؤلف آن کتاب را در سال ۱۰۲۷ در مکه معظمه تألیف کرده است. (۴) شیخ آقا بزرگ گوید: کتاب‌های علمی و عمومی بسیاری دیده‌ام که محمدبن عبد اللطیف عاملی آن‌ها را برای خود نسخه برداری کرده و بر آن‌ها مُهری زده که نوشته مُهر چنین است:

«محمد بن عبداللطیف الجامعی نزیل حرم اللّه السامی»، از این نوشته بر می‌آید که وی مدتی در مکه سکونت

عالمان شیعی در مدینه منوره در قرن ۱۱ ه.

در پایان سخن، از ده دانشمند شیعی نام می‌بریم که در مدینه منوّره می‌زیسته‌اند، البته برخی از آنان دورانی را نیز در مکه سپری کرده‌اند. شش تن از آنان، از خاندان شدقمی و از اهالی مدینه منوره می‌باشند. آنان در مدینه ریاست و نقابت سادات را داشته‌اند و دانش آنان در رشته ادب و نسب و شعر عربی بوده است و کم وبیش اطلاعاتی هم از آموزه‌های دینی داشته‌اند و شاید نتوان آنان را از علمای رسمی دینی به حساب آورد که در رشته‌های فقه، اصول، عقاید، رجال، حدیث و تفسیر ... تحصیل کرده باشند. به هر حال آنان عبارت‌اند از:

۱- طبقات، ج ۵، ص ۴۲۳

۲- طبقات، ج ۵، صص ۱۷۰ و ۵۲۲

۳- طبقات، ج ۵، ص ۴۴۱

۴- طبقات، ج ۵، ص ۳۷

ص: ۴۶

۱- حسین بن حسن شدقمی

پدر شیخ بهایی در سفر حجّ خود، برای وی و پدر و دو برادر و خواهرش در تاریخ ۹۸۳ در مکه اجازه نوشته، در حالی که او چهار ساله بوده است. او بعدها همراه پدر به حیدرآباد رفت و در سال ۹۹۸ که پدرش در آن‌جا از دنیا رفت به مدینه منوره برگشت. (۱)

۲- سلیمان بن محمد بن حسن شدقمی

وی در مدینه منوره نزد پدر و عموهایش دانش آموخته و سپس به اصفهان آمده و از محضر شیخ بهایی و میرداماد بهره برده است. شاه عباس صفوی وی را گرامی داشته و موقوفات مربوط به مکه و مدینه رابه وی سپرده است. سلیمان بن محمد پیش از ۱۰۳۳ ه. در گذشته است. (۲) ۳- شمس الدین بن علی بن حسن شدقمی

او در مدینه منوره می‌زیسته و بزرگی یافته است. وی در مدینه از عبدالنبی جزایری می‌خواهد تا شرحی بر کتاب «ارشاد الأذهان» علامه حلّی بنگارد و او در پاسخ درخواست وی کتاب «الاقتصاد فی شرح الإرشاد» را می‌نویسد. (۳) ۴- عبد اللّه سمنانی

او کتاب حسام‌الدین ماچینی، در باره حکم تنباکو و دخانیات را در مدینه منوره به درخواست علی‌بن حسن بن شدقم به عربی برگردانده است. (۴) ۵- عبدالنبی بن سعد جزائری

او مدتی در مدینه منوره به‌سر برده و به درخواست سید شمس‌الدین علی بن سیدحسن‌بن سید شدقم شرحی طولانی بر کتاب «الإرشاد» علّامه حلّی به نام «الاقتصاد فی شرح الإرشاد» نگاشته است که از آغاز کتاب تا «کتاب الزکات» یا «کتاب الجهاد» قلمی شده است. وی در سال ۱۰۲۱ وفات یافته است. (۵) ۶- علی نقیب بن تقی بن علی شدقمی

وی در اصفهان به سر می‌برده و سپس به استانبول رفته و از آن‌جا به قاهره سفر کرده است. در سال ۱۰۶۵ به حج رفته و به زید بن محسن بن حسن بن ابی‌نمی، حاکم مکه و مدینه پیوسته و به نقابت سادات حسینی منصوب شده و سپس در سال ۱۰۸۱ از سمت نقابت عزل شده است. وی مدتی در مدینه منوره بوده است. (۶)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۰

۲- طبقات، ج ۵، ص ۲۵۰

۳- طبقات، ج ۵، ص ۲۶۷

۴- طبقات، ج ۵، ص ۳۴۹

۵- طبقات، ج ۵، ص ۳۵۸؛ الذریعه، ج ۲، ص ۲۶۸

۶- طبقات، ج ۵، صص ۴۱۸- ۴۱۷

ص: ۴۷

۷- محسن بن محمد بن حسن شدقمی

وی دایی ضامن‌بن شدقم مؤلف «تحفهٔ الأزهار» است. او و پدر و برادرش حافظ قرآن کریم، با قرائات هفت‌گانه بوده‌اند. وی در سال ۱۰۵۷ در مدینه منوره در گذشته و در مقبره جدش حسن نقیب به خاک سپرده شده است. (۱) ۸- محمد امین بن محمد شریف استرآبادی

او مدتی در مدینه منوره، مجاورت گزیده و در آن‌جا کتاب «الفوائد المدنیه» را نگاشته که از متون مهم اخباری‌گری است. وی سپس به مکه مکرمه رفت و تا پایان عمر در آن‌جا زندگی کرد و در سال ۱۰۳۶ وفات یافت. (۲) ۹- محمد بن حسن شد قمی

او و پدر و برادران و خواهرش یک اجازه مشترک از شیخ حسین بن عبدالصمد پدر شیخ بهایی دارند. او مدتی در مدینه منوره می‌زیسته و حسینیّه بزرگی را که جنب مسجد قبا بوده را تعمیر نموده و سپس به مکّه مکرّمه مهاجرت کرده و در همان‌جا از دنیا رفته است. (۳) ۱۰- محمد زمان بن اسماعیل حسینی

«خلاصهٔ الأقوال» تألیف علامه حلّی را نسخه‌برداری کرده و برای نوبت دوم در مدینه منوره با نسخه خود علامه مقابله کرده است. (۴)***

تألیف، ترجمه و استنساخ چهار کتاب در مدینه

وضعیت تولید کتاب شیعی در مکّه مکرّمه در قرن یازدهم هجری قمری، در مقایسه با مدینه منوره مناسب‌تر است. در جلد پنجم طبقات، که مربوط به سده یازدهم هجری است، چهار مورد کتاب مربوط به مدینه یافت شد، در حالی که کتاب‌های مربوط به مکه در همان قرن، به عدد سی می‌رسد.

۱- التنباک/ حسام الدین ماچینی

این رساله درباره حکم دخانیات است و عبداللّه سمنانی آن را در مدینه منوره، در سال ۱۰۲۰، به دستور علی بن حسن بن شدقم به عربی برگردانده است. (۵)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۴۹۱

۲- طبقات، ج ۵، ص ۵۶

۳- طبقات، ج ۵، ص ۵۲۳

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۲

۵- طبقات، ج ۵، ص ۳۴۹

ص: ۴۸

۲- خلاصهٔ الأقوال/ علامه حلّی

محمد زمان حسینی بن اسماعیل در سال ۱۰۰۷ آن را استنساخ کرد و برای نوبت دوم، در مدینه منوره با نسخه مؤلف مقابله نمود.

(۱) ۳- الفوائد المدنیه/ محمد امین استرآبادی

این کتاب که از متون مهم اخباری‌گری است، در دوران زندگی مؤلف در مدینه تألیف شده و پس از آن، وی به مکه رفته و تا پایان عمر در آن‌جا زیسته و در همان‌جا زندگی را بدرود گفته است.

۴- الاقتصاد فی شرح الإرشاد/ عبدالنبی جزایری

وی آن کتاب را به درخواست سید شمس‌الدین علی بن سید حسن شدقمی در مدینه منوره نگاشته است. (۲) پی‌نوشت‌ها

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۲

۲- الذریعهٔ، ج ۲، ص ۲۶۸، طبقات، ج ۵، ص ۳۵۸

ص: ۴۹

ص: ۵۰

ص: ۵۱

ص: ۵۲

ص: ۵۳

نمونه‌هایی از غم‌ها و شادی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله

محمد مهدی فیروزمهر

مقدمه:

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَ لْيَبْكُوا كَثِيراً، (۱)

آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریند.

در قرآن کریم، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان اسوه و الگوی کامل برای کسانی که خواهان حقیقت و زندگی سعادتمندانه هستند، معرفی شده است:

لَقَدْ كانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً. (۲)

«مسلّماً برای شما در زندگی رسول اللّه سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به (رحمت) خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

روشن است کسی که از سوی خداوند به عنوان الگو و نماد زندگی شناسانده می‌شود، نباید در گفتار و رفتارش چیزی بی‌فایده یا کم فایده دیده شود و به یقین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که تمام گفتار، رفتار و کردارش حتی خنده‌ها، تبسم‌ها و اشک‌هایش، برای پیروان او پر از درس‌ها، نکته‌ها و پیام است؛ زیرا قرآن در وصف او می‌گوید: وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحى؛ (۳) «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید چیزی جز وحی نیست.»

۱- توبه: ۸۱

۲- احزاب: ۲۱

۳- نجم: ۳- ۴

ص: ۵۴

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بسیاری از معارف و حقایق (به‌خصوص در مورد اهل‌بیتش) را با تبسم‌ها و اشک‌های خود بیان کرده که سزاوار است طالبان حقیقت و امتش، در مورد لبخندها و گریه‌های او تأمل کنند و با دقت به مطالعه بنشینند.

در این نوشتار، گوشه‌هایی از لبخندها و گریه‌های پر رمز و راز حضرتش جمع‌آوری شده، که امید است برای خوانندگان سودمند باشد.

خنده پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام:

از علی علیه السلام نقل شده که گفت: ابوبکر و عمر نزد من آمدند و گفتند: اگر خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بروی و از فاطمه خواستگاری کنی (شاید موافقت کند). من به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم، وقتی آن حضرت مرا دید خندید و فرمود: چه چیزی تو را به این‌جا آورده و حاجتت چیست؟

علی علیه السلام گفت: قرابت خود و پیشگامی‌ام در اسلام و یاری و جهادم را یاد آوردم.

حضرت فرمود: ای علی، راست گفتی و تو بالاتر از آنی که می‌گویی.

گفتم: ای پیامبر خدا، آیا فاطمه را به ازدواجم در می‌آوری؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پیش از تو، مردانی از فاطمه خواستگاری کردند و من او را در جریان قرار دادم ولی در چهره‌اش ناخشنودی و نارضایتی دیدم، اکنون منتظر باش تا برگردم.

رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله بر فاطمه وارد شد و بدو فرمود: ای فاطمه. گفت: لبیک، لبیک، ای پیامبر خدا، خواسته‌ات چیست؟

فرمود: علی، فرزند ابوطالب کسی است که قرابت و خویشی و فضل او را می‌شناسی وپیشینه او را در اسلام را می‌دانی و من از پروردگارم خواسته‌ام که بهترین و محبوبترین خلق را به ازدواج تو درآورد و علی درباره تو چنین خواسته‌ای را مطرح کرده است، نظرت چیست؟

فاطمه علیها السلام سکوت کرد و روی خود را برنگرداند و رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله در او ناخشنودی ندید.

در این هنگام برخاست، در حالی که می‌گفت: اللّه‌اکبر سکوت او، اقرار (و رضای) اوست. (۱) امّ‌سلمه گوید: بعد از خواستگاری علی از فاطمه علیهما السلام، پیامبرخدا صلی الله علیه و آله را دیدم در حالی که از خوشحالی «لا إِلَهَ إِلَّا اللّه» می‌گفت، در چهره علی تبسّم کرد .... (۲)

۱- امالی شیخ طوسی، ص ۴۰

۲- بحارالأنوار، ج ۴۳، ۱۲۷

ص: ۵۵

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام دیدن جهیزیه دخترش فاطمه علیها السلام:

... و پیامبر صلی الله علیه و آله مشتی از درهم‌ها را برداشت و ابوبکر را فراخواند و آن را به او داد و فرمود: «با آن برای دخترم لوازم خانه تهیه کن» و همراه او سلمان و بلال را فرستاد تا در حمل لوازمِ خریداری شده، یاری‌اش نمایند. ابوبکر گوید: مبلغی که (پیامبر صلی الله علیه و آله) به من داد، شصت و سه درهم بود. با آن، یک زیرانداز مصری پر شده از پشم، یک فرش از پوست، بالشی از چرم، که از لیف خرما پر شده بود، چادری خیبری، یک مشک آب، یک آفتابه و چند عدد کوزه سفالی و پرده نازک پشمی خریدم و همه آن‌ها را نزد رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله آورده، در پیشگاهش نهادیم. وقتی نگاه حضرت به آن‌ها افتاد، اشک ریخت و سرش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «اللَّهُمَّ بارِکْ لِقَومٍ جُلّ آنِیَتِهِمْ الْخَزَفْ ...»؛ «خدایا! به کسانی که بیشتر ظروفشان از سفال است، برکت عطا فرما». (۱) لبخند پیامبر صلی الله علیه و آله، هنگام گفت‌وگوی علی و فاطمه علیهما السلام:

ابن عباس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بر علی و فاطمه علیهما السلام وارد شد، در حالی که آن دو می‌خندیدند.

آن دو، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدند، سکوت کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به ایشان فرمود: چه شد که خندیدید و همین‌که مرا دیدید ساکت شدید؟! فاطمه علیها السلام گفت: ... ای پیامبر خدا، علی گفت:

من نزد رسول اللَّه از تو محبوبترم و من گفتم: محبوبیت من نزد پیامبر از تو بیشتر است. پیامبر صلی الله علیه و آله تبسم کرده، فرمودند: دخترکم تو (رحم و) رقت فرزند را داری و علی نزد من از تو عزیزتر است؛ «یا بُنَیَّةَ لَکِ رِقَّةُ الْوَلَد و عَلِیٌّ أَعزّ عَلَیَّ مِنْکِ». (۲)

۱- بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۰

۲- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۲

ص: ۵۶

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر مصیبت‌های اهل‌بیتش

ابن عباس گوید: پیامبرخدا صلی الله علیه و آله وقتی در حال احتضار بود، به شدت گریست؛ به‌گونه‌ای که محاسنش به آب دیدگانش تر شد. پرسیدند: ای پیامبرخدا، چه چیزی سبب شد که تو اشک بریزی؟ فرمود: گریه‌ام برای ذریّه‌ام و به خاطر ظلمی است که بَدان امّتم پس از من بر آنها روا خواهند داشت. گویا می‌بینم به دخترم، فاطمه پس از من ظلم می‌شود و فریاد وا ابتای او بلند است و کسی از امتم یاری‌اش نمی‌کند!

فاطمه علیها السلام وقتی این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را شنید گریه کرد. حضرت بدو فرمود: دخترم! گریه نکن. فاطمه گفت: گریه‌ام به خاطر رفتاری که با من می‌شود نیست، بلکه از یاد لحظه جدایی تو گریه‌ام جاری شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بشارت می‌دهم که از اهل‌بیتم تو نخستین کسی هستی که به من ملحق می‌شود. (۱) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله در چهره علی علیه السلام:

روز جنگ بدر، پیامبرخدا صلی الله علیه و آله هیچ آبی نداشت و علی علیه السلام میان دشمن رفت تا آبی بیاورد و این در حالی بود که چاه بدر در دست دشمن بود و آن‌ها بر چاه احاطه داشتند، علی علیه السلام بر سر چاه رسید و به داخل آن رفته، ظرف آب را پرکرد و بر روی چاه گذاشت. در این هنگام صدایی شنید ... و لحظه‌ای در چاه نشست و پس از آن که آرام شد، بالا آمد، دید آب بر زمین ریخته است. بار دیگر پایین رفت و همان ماجرا تکرار شد. در مرتبه سوم آب را بالا نفرستاد بلکه با خودش حمل کرد و بالا آورد. وقتی آب را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رساند، حضرت در چهره علی نظر کرد و خندید و فرمود: تو (از ماجرا) خبر می‌دهی یا من بگویم؟ علی علیه السلام عرض کرد:

ای فرستاده خدا، شما بفرمایید. سخن تو شیرین‌تر است.

پیامبرخدا صلی الله علیه و آله داستان را تعریف کرد، سپس فرمود: آن شخص جبرئیل بود (که آب را ریخت) و تو را تجربه می‌کرد و ثبات قلب تو را به ملائکه می‌نمایاند. (۲) گریه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله برای علی علیه السلام:

۱. ابوبکر می‌گوید: ... در مورد ابو الحسن (علی علیه السلام) تعجب نکنید، به خدا سوگند روزی

۱- امالی شیخ طوسی، ص ۱۸۸

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۵۸؛ بحارالأنوار، ج ۴۱، ص ۶۹

ص: ۵۷

که علی درِ خیبر را از جا کَنْد، من در کنار پیامبر بودم، دیدم که حضرت خندید؛ به‌گونه‌ای که دندان‌هایش آشکار شد. پس از اندکی دیدم گریه می‌کند؛ به حدّی که محاسنش از آب دیدگانش تر شد. گفتم: ای پیامبرخدا، در یک لحظه، هم خنده و هم گریه؟! فرمود: اما خنده‌ام به خاطر این است که از کنده شدن درِ خیبر به دست علی خوشحال شدم و اما گریه‌ام برای علی علیه السلام است؛ چرا که او در خیبر را در حالی کند که سه روز است روزه دارد، آن هم با آب خالی ... (۱) اصبغ بن نباته روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله یک هفته علی را ندیده بود. دیدند که آن حضرت گریه می‌کند و می‌گوید: خدایا! علی نور چشم، قوّت بازو، پسرعمویم و برطرف‌کننده غم و غصه از چهره من است، او را به من برگردان! و فرمود: برای کسی که از علی علیه السلام برایم خبری بیاورد، بهشت را برایش ضمانت می‌کنم. مردم (برای پیدا کردن علی علیه السلام) به راه افتادند.

فضل‌بن عباس او را یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله او را به بهشت بشارت داد ... (۲) ابن عباس می‌گوید: روزی من، پیامبر صلی الله علیه و آله و علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام به بیرون رفتیم، پیامبر صلی الله علیه و آله سر خود را بر سینه علی علیه السلام نهاد و اشک می‌ریخت. علی علیه السلام گفت: ای پیامبرخدا، گریه‌ات برای چیست؟ خداوند چشمان تو را گریان نکند. فرمود: گریه‌ام (به خاطر) کینه‌هایی است که در دل برخی، نسبت به تو وجود دارد، که آن‌ها را برای تو آشکار نمی‌کنند تا این‌که ما از همدیگر جدا شویم. (۳) از امیرمؤمنان علیه السلام نقل است که فرمود: در واقعه خیبر بدنم بیست و پنج زخم برداشت.

با این زخم‌ها خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم. وقتی جراحت‌های مرا دید، گریه کرد و از اشک‌های دیدگانش گرفت و بر جراحاتم کشید. در همان لحظه از درد و رنج زخم‌ها راحت شدم. (۴) وقتی علی علیه السلام از غزوه احد برگشت، هشتاد زخم بر بدنش وارد شده بود. در حالی که زخم‌های خود را مداوا می‌کرد و همانند یک قطعه گوشت خُرد شده بر روی فرش افتاده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله برای عیادت از او وارد شد. وقتی وی را در آن وضع دید، گریه کرد و فرمود:

مردی که این‌گونه در راه خدا مصیبت ببیند، بر خداست که (آنچه حق اوست) در موردش انجام دهد و انجام خواهد داد. (۵) علی علیه السلام در غزوه احُد، دشمنان را از چپ و راستِ پیامبر صلی الله علیه و آله دور می‌کرد. آن‌حضرت آن

۱- بحارالأنوار، ج ۲۹، ص ۱۸۲

۲- مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۱۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۱۰۰

۳- مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۱

۴- کمال الدین وتمام النعمه، ص ۵۴۲

۵- الاختصاص، ص ۱۵۸؛ بحارالأنوار، ج ۴۰، ص ۱۱۴

ص: ۵۸

قدر جنگید که شمشیرش شکست و سه تکه شد! آن را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برد و عرض کرد: این شمشیر من است که قطعه‌قطعه شده، آیا من به بیعتم وفا کردم؟!

حضرت فرمود: آری، و آنگاه ذوالفقار (شمشیر مخصوص) را به او داد و چون پیامبر صلی الله علیه و آله دید از شدّت جنگ و خستگی ناشی از آن، پاهای علی علیه السلام توهم می‌رود سرش را به سوی آسمان گرفت و در حالی که گریه می کرد، گفت: خدایا! وعده‌ام دادی که دینت را یاری کنی و اگر بخواهی ناتوان نیستی ... (۱) شگفتی سلمان فارسی درباره فاطمه علیها السلام و خنده پیامبر صلی الله علیه و آله

از سلمان فارسی نقل است که گفت: روزی به خانه فاطمه رفتم، دیدم که او در حالی که با چادری خود را پوشانده، خوابیده است و دیگی در کنارش می‌جوشد، بی آنکه آتشی زیر آن باشد! با شتاب نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم. پیامبرخدا صلی الله علیه و آله تا مرا دید، خندید و فرمود: ای ابو عبداللّه (سلمان)، آنچه از حال دخترم فاطمه دیدی تعجب کردی؟! گفتم: آری، ای پیامبرخدا صلی الله علیه و آله. آن حضرت فرمود: آیا از کار خدا تعجب می کنی؟ خدای تبارک و تعالی دانست دخترم فاطمه ضعیف است، از این‌رو، او را تأیید کرده، به‌وسیله فرشته‌ای گرامی، وی را در کارهایش کمک کرد. (۲) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله درباره فاطمه علیها السلام:

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: پیامبرخدا صلی الله علیه و آله بر فاطمه علیها السلام وارد شد، در حالی که بر او پوششی از کرک شتر بود و با دستانش آسیاب را می‌چرخاند و به کودکش شیر می‌داد، چون نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به‌او افتاد، اشک‌هایش جاری شد وفرمود: دخترم! تلخی دنیا را در برابر شیرینی آخرت اندک بدان؛ چراکه خدا بر من آیه وَ لَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی (۳)

را نازل کرد. (۴) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله در صحنه جنگ احد:

در غزوه احد، درگیری شدت گرفت و مردان جنگیِ مشرکان با تیراندازی، تعدادی از لشکر اسلام را مجروح کردند پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را به جنگیدن و دفاع ترغیب و تشویق می کرد و به «سعد» فرمود: پدر و مادرم به فدایت باد! تیر بینداز. در این هنگام «حیان‌بن العرقه»

۱- بحارالأنوار، ج ۲۰، ص ۱۰۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۹۸

۲- الثاقب فی المناقب، ص ۳۰۱

۳- ضحی: ۵

۴- مجمع البیان، ج ۱۰- ۹، ص ۷۶۵؛ بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۱۴۳

ص: ۵۹

از سپاه دشمن تیری انداخت که به دامن «امّ ایمن» که کارش در آن روز آب رسانی به مجروحان و مداوای آنها بود، اصابت کرد و او را به زمین انداخت و لباسش کنار رفت.

«حیان‌بن العرقه» از این صحنه شاد شد و خندید و این امر بر پیامبر صلی الله علیه و آله گران آمد، در این حال تیری به سعد وقاص داد و فرمود: این تیر را به سوی «حیان» بینداز. سعد تیر را انداخت و آن به گودی گلوی «حیان» خورد و او به پشت افتاد و عورتش نمایان شد. سعد گفت: دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله خندید؛ آن‌گونه که دندان‌های کنارش آشکار شد .... (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت حضرت حمزه

پیامبر صلی الله علیه و آله، پس از غزوه احد، وقتی صدای گریه از خانه‌های انصار شنید که بر کشته‌های خویش می‌گریستند، اشک از چشمانش جاری شد و فرمود: اما حمزه! کسی نیست که بر وی بگرید. وقتی سعدبن معاذ و اسید بن حضیر این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیدند، نزد زنان بنی‌عبدالأشهل رفته، آنان را به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند و آنان همگی برای حمزه گریه (و عزاداری) کردند و پیامبرخدا صلی الله علیه و آله با شنیدن صدای گریه و ناله آنها در حقشان دعا کرد و دستور دادند که برگردند. پس از آن بود که هیچ انصاری بر مرده خود گریه نمی‌کرد، جز پس از گریه بر حضرت حمزه. (۲)... پیامبرخدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان فرمود: درباره عمویت جستجو کن. علی علیه السلام در پی جسد حمزه آمد تا این‌که او را یافت، وقتی وضعیت اسف‌بار به شهادت رسیدن حمزه را دید، برایش مشکل بود که آن وضعیت را برای پیامبر شرح دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله خود به کنار جنازه حمزه آمد و دید که سینه حمزه را شکافته و جگرش را درآورده‌اند، گریه کرد و گفت: به خدا سوگند جایی نایستادم که بر من سخت‌تر از این مکان باشد .... (۳) خنده و شادی پیامبر صلی الله علیه و آله از کار علی علیه السلام:

ابوهریره گوید: در مدینه قحطی و گرسنگی روی داد و یک شب و یک روز بر من گذشت که چیزی نخوردم! ابوبکر را دیدم و از او آیه‌ای را (که خود تفسیر آن آیه را بهتر می‌دانستم) پرسیدم و با او تا درِ خانه‌اش رفتم. او وارد خانه شد و من گرسنه برگشتم و آن روز را گرسنه ماندم. فردایش خلیفه دوم را دیدم و از وی آیه‌ای را (که خود به تفسیرش از او

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۲۴۸

۲- معالم المدرستین، ج ۱، ص ۵۶؛ و قریب به همین نقل در مدینهٔ البلاغهٔ، ج ۱، ص ۵۳ آمده است.

۳- بحارالأنوار، ج ۲، ص ۶۲

ص: ۶۰

آگاه‌تر بودم) پرسیدم، رفتار او هم مانند رفتار ابوبکر بود (و من باز هم گرسنه برگشتم). روز سوّم نزد علی علیه السلام رفتم و از او چیزی را که تنها او می‌دانست، پرسیدم (جواب داد). خواستم برگردم که مرا به خانه‌اش دعوت کرد و دو قرص نان و روغن به من داد. پس از آن‌که سیر شدم نزد پیامبرخدا صلی الله علیه و آله رفتم، آن حضرت تا مرا دید، خندید و گفت: تو برایم خبر می‌دهی یا من تو را خبر دهم؟ سپس ماجرا را آن‌گونه که اتفاق افتاد بیان کرد و فرمود: (این ماجرا را) جبرئیل برایم تعریف کرد. (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ عبدالمطّلب

از پیامبرخدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا رحلت عبدالمطّلب را به یاد داری؟

فرمود: آری، آن روز من هشت ساله بودم. «امّ ایمن» گوید: پیامبرخدا صلی الله علیه و آله را در آن روز دیدم که پشت سر جنازه عبدالمطّلب می‌گریست. (۲) خنده و تعجب پیامبر صلی الله علیه و آله از زود رنجی بنی‌آدم

نقل شده که مردم مدینه از خشکسالی و کمی باران، در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکوه کردند و از حضرتش خواستند که برای نزول باران دعا کند. حضرت به آنان فرمود: در فلان روز بیرون بیایید و صدقه بدهید. در موعد مقرر حضرت به اتفاق مردم از خانه‌هایشان بیرون آمدند و به مصلا رفتند و نماز خواندند و پیامبرخدا صلی الله علیه و آله دعا کردند بلافاصله باران فراوانی نازل شد تا حدی که سیل راه افتاد و مردم آمدند خدمت حضرت و عرض کردند: از خدا بخواه باران را برگرداند. در این لحظه پیامبر صلی الله علیه و آله که بالای منبر بود، به شدت خندید، به خاطر تعجب از زودرنجی فرزند آدم. سپس دستانش را بلند کرد و گفت: «اللَّهُمَّ حَوَالَیْنَا وَ لا عَلَیْنَا ...»؛ «خدایا! باران را، بر اطراف و پیرامون ما بباران، نه بر سرِ ما.»

پس از آن بود که ابرها از بارش بر شهر مدینه دریغ کردند، گویی خیمه‌ای بر بالای شهر زده شد؛ به‌طوری که باران بر اطراف شهر و مراتع می‌بارید اما قطره‌ای از آن بر شهر نازل نمی‌شد.

در برخی از روایات آمده است: وقتی مدینه به صورت خیمه درآمد، پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت خندید و فرمود: خداوند ابوطالب را خیر دهد! اگر زنده بود چشمش روشن می‌شد. چه کسی

۱- بحارالأنوار، ج ۴۱، ص ۲۷

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۹؛ بحارالأنوار، ج ۱۵، ص ۱۵۶

ص: ۶۱

کلام او را برای ما می‌خواند؟ علی علیه السلام از جا برخاست و گفت: یا رسول‌اللّه، گویا منظور شما این شعر است: (۱)

وَ أَبْيَضُ يُسْتَسْقَى الْغَمَامُ بِوَجْهِهِ ثِمَالُ الْيَتَامَى عِصْمَةٌ لِلْأَرَامِلِ …

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام جدایی‌اش از ابوطالب

واحدی گوید: در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده سال سن داشت، قریش تصمیم گرفتند کاروانی تجاری، با سرمایه و اموالی زیاد روانه شام کنند و ابوطالب هم تصمیم گرفت آن کاروان را همراهی کند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز میل داشت همراه عمویش به این سفر برود.

وقتی ابوطالب به چهره او نگریست، حالش منقلب شد اما عموها و عمه‌های او، که از این مسافرت خشنود نبودند، با او صحبت کردند و گفتند: نوجوانی چون او را نباید در معرض مشکلات سفر و امراض قرار داد. همان‌گونه که خود ابوطالب هم چنین فکر می‌کرد و تصمیم داشت برادرزاده‌اش در مکه بماند، ناگهان ابوطالب دید، محمد صلی الله علیه و آله، برادر زاده‌اش گریه می‌کند. به او گفت: فرزند برادرم! شاید گریه‌ات از این جهت باشد که احساس کرده‌ای من تو را در مکه تنها می‌گذارم و خودم به مسافرت می‌روم؟ حضرت محمد صلی الله علیه و آله گفت: آری، چنین است. ابوطالب گفت: نه هرگز از تو جدا نمی‌شوم. همراهم حرکت کن و پیامبر در آن سفر با ابوطالب همراه شد … (۲) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله از جزع شیطان

حضرت رسول صلی الله علیه و آله غروب روز عرفه (در عرفات) برای امّت خود دعا کرد که بخشیده شوند، حتی از مظالم و خون‌های ریخته شده (حق‌الناس)، این دعایش اجابت نشد. صبح مزدلفه (صبح عید قربان در مشعرالحرام) همان دعا را کردند که اجابت شد، حتی در مورد مظالم و خون. (شیطان بی‌تاب شد) و پیامبر صلی الله علیه و آله از بی‌تابی شیطان خندید. (۳) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله به یاد همسر باوفایش خدیجه علیها السلام:

… امّ سلمه (از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله) گوید: وقتی که نزد پیامبرخدا صلی الله علیه و آله از خدیجه یاد کردیم، حضرت گریه کردند و فرمودند: خدیجه! و مانند خدیجه کجاست؟ او زمانی مرا تصدیق کرد

۱- بحارالأنوار، ج ۲۰، ص ۳۰۰

۲- دلائل النبوه، ص ۲۳۰

۳- اعانهٔ الطالبین، ج ۲، ص ۳۱۵

ص: ۶۲

که همه مردم تکذیبم کردند و در راه دین خدا مرا قوّت بخشید و با مال خود، اسلام را یاری کرد. خدای عزّ وجلّ مرا فرمان داد که خدیجه را به خانه‌ای از زمرد در بهشت، که در آن رنج و مشکلی وجود ندارد، بشارت دهم. (۱) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله از پیروزی امّهانی بر برادرش علی علیه السلام:

پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از فتح مکه اعلان کردند که خون چند نفر هدر است، آنان را هر جا یافتید بکشید؛ از جمله آنها دو مرد از (قبیله) بنی‌مخزوم بودند که به امّهانی پناهنده شدند و علی علیه السلام وقتی آن دو را دید، شمشیر کشید تا بکشد، امّهانی میان حضرت و آن دو مرد حایل شد و شمشیر را از علی گرفت و بر او غالب شد و درِ خانه‌اش را بر روی وی بست و علی علیه السلام اصرار کرد اما او اجازه نداد و گفت: (حاکم) میان من و تو پیامبرخدا صلی الله علیه و آله! پیش از آن‌که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بیایند، خبر به حضرت رسید. پیامبرخدا صلی الله علیه و آله وقتی علی و امّهانی را دید، خندید و به علی علیه السلام فرمود: ای ابو الحسن، امّ هانی بر تو پیروز شد؟! علی علیه السلام گفت: ای پیامبرخدا صلی الله علیه و آله به خدا سوگند او نمی‌توانست کاری انجام دهد تا این که شمشیر را از دستم گرفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر همه مردم از ابوطالب بودند، همه‌شان این‌گونه شدید و قوی بودند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که خنده بر لب داشتند، به امهانی فرمودند: ما آن دو نفر را مهدور الدم دانستیم.

امّهانی گفت: ای فرستاده خداوند، من آن دو را پناه داده‌ام، ایشان را بر من ببخش. پیامبر فرمود: ای امّ هانی، هر که را تو پناه دادی ما پناهش دادیم و به علی علیه السلام فرمود: از آن دو صرف‌نظر کن و ایشان را به خاطر امّ هانی آزاد بگذار. (۲) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار قبر مادرش در ابواء

از ابن عباس و غیر ایشان نقل شده است: ... هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان عمره حدیبیه به سرزمین ابواء رسید، فرمود: خداوند به من اجازه داد که قبر مادرم را زیارت کنم، سپس کنار قبر مادر رفت و آن را مرتب کرد و بر آن گریست. مسلمانان نیز به خاطر گریه پیامبر صلی الله علیه و آله گریه کردند. (۳)

۱- بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱

۲- شرح الأخبار، ج ۳، ص ۲۱۷

۳- بحارالأنوار، ج ۱۵، ص ۱۶۲

ص: ۶۳

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فاطمه بنت اسد

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که فاطمه بنت اسد، مادر امیر مؤمنان علیه السلام درگذشت، علی علیه السلام نزد پیامبر رفت. پیامبر از او پرسید: ابوالحسن! کاری داری؟ عرض کرد: مادرم از دنیا رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا سوگند او مادر من هم بود و در این هنگام بر مرگ فاطمه بنت اسد گریست و گفت: ای وای مادرم! ... (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ ابوطالب

ابن سعد با واسطه نقل کرده که علی علیه السلام فرمود: وقتی پیامبرخدا صلی الله علیه و آله را از رحلت ابوطالب خبر دادم، حضرت گریست و فرمود: او را غسل بده و کفن کن و من هم چنین کردم. (۲) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله از قضای خدا درباره بنده مؤمن

امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل کرده که: روزی پیامبرخدا صلی الله علیه و آله خندید، آن‌گونه که دندان‌های آخرش نمایان شد، و در این هنگام فرمود: از من نمی‌پرسید به خاطر چه چیزی خندیدم؟ گفتند: چرا ای پیامبرخدا صلی الله علیه و آله! فرمود: تعجبم برای فرد مسلمان است که خدای سبحان

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۳؛ بحارالأنوار، ج ۶، ص ۲۳۲ و، ج ۱۸، ص ۶

۲- تلخیص الحبیر، ج ۵، ص ۱۵۰

ص: ۶۴

هیچ قضایی درباره او ندارد، جز این‌که در عاقبت امر به خیر و صلاحش خواهد بود. (۱) پیامبرخدا صلی الله علیه و آله روزی با یاران خود نشسته بودند که حضرت لحظه‌ای خندید و آنگاه فرمود: از من نمی‌پرسید که چرا و برای چه چیزی خندیدم؟ گفتند: ای فرستاده خداوند، از چه‌رو خندیدی؟ فرمود: تعجب کردم از کار شخص مؤمن که همه‌اش خیر است. اگر چیزی که مورد علاقه اوست به او برسد، حمد خدا را می‌گوید و این به خیر اوست و اگر چیز ناخوشایندی به او رسد، صبر می‌کند که این هم به خیر اوست و هیچ کس نیست که تمام امورش خیر باشد جز بنده مؤمن. (۲) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام استلام حجرالأسود عبداللّه بن عمر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به طرف حجرالأسود رفت و لب‌های خود را بر آن نهاد و زمانی طولانی گریست، سپس متوجه شد که عمربن خطاب هم می‌گرید. فرمود: ای عمر، این‌جاست که اشک‌ها ریخته می‌شود. (۳) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خروج از مکه:

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حجّهٔ‌الوداع، هنگام خروج از مکه، پیوسته نگاه به کعبه می‌کرد و می‌گریست.

نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام هجرت و خروج از مکه به سوی مدینه، پیوسته نگاه به خانه خدا می‌کرد و می‌گریست و این گریه به خاطر اندوهی که بود از جدایی خانه خدا برای حضرت پدید می‌آمد. (۴) و قرطبی در تفسیرش (۵) از ابن عباس و قتاده نقل کرده که: پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حجّهٔ‌الوداع، هنگام خروج از مکه، پیوسته نگاه به کعبه می‌کرد و می‌گریست و آیه ۱۳ سوره محمد صلی الله علیه و آله به دنبال‌آن، نازل شده است.

خنده و شگفتی پیامبرخدا صلی الله علیه و آله از مجادله بنده با خدا در قیامت

انس بن مالک گفت: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله خنده یا تبسم کرد و فرمود: از من نمی‌پرسید که از چه‌رو خندیدم؟! و سپس افزود: در شگفتم از مجادله بنده با پروردگارش در روز قیامت، که

۱- شیخ صدوق، توحید، ص ۴۰۱؛ بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۱۴۱

۲- مسند احمد، ج ۶، ص ۱۶

۳- شرح الکبیر، ج ۳، ص ۳۸۴؛ المستدرک، ج ۱، ص ۴۵۴

۴- التبیان، ج ۹، ص ۲۸۸؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۴۴

۵- تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۲۲۳

ص: ۶۵

می گوید: پروردگارا! آیا وعده ندادی که بر من ظلم نکنی؟

خداوند می‌فرماید: آری، وعده دادم!

بنده می گوید: من شهادت هیچ کس را علیه خودم نمی‌پذیرم جز این که از خودم باشد.

پروردگار می‌فرماید: آیا کافی نیست که من و فرشتگان کرام الکاتبین شاهد باشیم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این سخن چند بار رد و بدل می‌شود، پس از این، دهان بنده را مهر می کنند و می‌بندند و اعضای بدن او سخن می گویند و شرح می‌دهند که او چه کرده است.

پروردگار خطاب به ایشان می‌فرماید: دور باشید، آیا با من مجادله می کنید؟! (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ نجاشی پادشاه حبشه

امام حسن عسکری علیه السلام از پدرانش نقل کرده، هنگامی که پیامبرخدا صلی الله علیه و آله خبر مرگ نجاشی را از جبرئیل شنید، به شدت گریست (بَکَی بُکَاءَ حَزِینٍ عَلَیْهِ) و فرمود: برادر شما «اصْحَمَه» (۲) مرد. حضرت آنگاه به صحرا رفت و از راه دور بر او نماز خواند و هفت تکبیر گفت و خداوند زمین را برای او هموار ساخت؛ به‌طوری که جنازه نجاشی را دید، در حالی که او در حبشه بود. (۳) خنده و شگفتی پیامبرخدا صلی الله علیه و آله از یک رؤیای شگفت‌انگیز

عایشه گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله از رؤیایی که مردی برای وی نقل کرد، آنقدر خندید که هرگز ندیده بودم از چیزی آن‌گونه بخندد!

محمدبن سیرین گوید: دانستم که آن رؤیا و تأویلش چیست. خواب این بود که آن مرد دید سرش جدا شده و او به دنبالش حرکت می کند (و تأویل آن این است که) سر، پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آن مرد می‌خواست با عملِ خود به عملِ پیامبر صلی الله علیه و آله برسد ولی نمی‌توانست. (۴) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر شهید فخ

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به سرزمین فخ رسید، نمازی را آغاز کرد، در رکعت دومِ نماز گریست و مردم چون گریه آن حضرت را دیدند، گریستند. در پایان نماز پرسید: چرا گریه می کنید؟ عرض کردند: از گریه تو می گرییم. حضرت فرمود: وقتی رکعت اول نماز را

۱- نیشابوری، مستدرک الحاکم، ج ۴، ص ۶۰۱

۲- نام نجاشی است.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۰۷

۴- المصنف، ج ۷، ص ۲۴۴

ص: ۶۶

خواندم، جبرئیل بر من نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله مردی از فرزندان تو در این مکان کشته خواهد شد و شهیدِ همراه او پاداش دو شهید دارد. (۱) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله از برخی استغفارها

از علی‌بن ربیعه نقل شده که گفت: مرکبی را آوردند که علی‌بن ابی‌طالب سوار شود، وقتی آن‌حضرت پای خود را در رکاب گذاشت، گفت: «بسم اللَّه ...» و آنگاه که بر مرکب نشست، گفت: «الحمد للَّه ...» و سپس سه بار حمد خدا و سه تکبیر گفت و این کلمات را خواند:

«سُبْحَانَکَ لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ». سپس خندید.

گفتم: ای امیر مؤمنان، از چه‌رو خندیدی؟ فرمود: پیامبرخدا را دیدم، همین کار را که من انجام دادم او نیز انجام داد و خندید. پرسیدم: ای پیامبرخدا! برای چه خندیدی؟ فرمود: پروردگار از بنده‌اش تعجب می‌کند هنگامی که می‌گوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِی» و می‌فرماید: «بنده من دانست که گناهان را جز من، کسی نمی‌بخشد.» (۲) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فرزندش ابراهیم:

عایشه گوید: وقتی ابراهیم از دنیا رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ وی گریست، تا حدّی که اشک‌های دیدگانش بر محاسنش جاری شد. به او گفتند: ای پیامبرخدا، دیگران را از گریه کردن باز می‌داری، در حالی که خود اینگونه اشک می‌ریزی؟! فرمود: این گریه نیست، همانا رحمت است و هرکس که رحم و مهربانی نکند، به او رحم و مهربانی نخواهد شد. (۳) و در نقل دیگر آمده است: وقتی اشک‌های حضرت در مرگ فرزندش ابراهیم جاری شد، فرمود: اشک‌ها از چشم جاری و قلب اندوهناک می‌شود ولی ما چیزی نمی‌گوییم که موجب خشم پروردگار شود و ما به خاطر تو محزونیم، ای ابراهیم. (۴) این ماجرا در مورد مرگ فرزند دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله (طاهر) و یکی از دخترانش هم نقل شده است. (۵) شادی و خنده پیامبر صلی الله علیه و آله از بخشیده شدن گناهکاران در قیامت

از ابوذر رحمه الله نقل شده که گفت: پیامبرخدا صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت شخصی را می‌آورند و (به

۱- مقاتل الطالبیین، ص ۲۹۰؛ بحارالأنوار، ج ۴۸، ص ۱۷۰

۲- مسند احمد، ج ۱، ص ۹۷؛ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۶؛ بحارالأنوار، ج ۶۱، ص ۲۱۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۲۹۳

۳- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۲

۴- الکافی، ج ۳، ص ۲۶۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۰

۵- نک: مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۱۸

ص: ۶۷

فرشتگان) گفته می‌شود که گناهان کوچک وی را بر او عرضه کنید، فرشتگان چنین می کنند، اما گناهان کبیره را از او پنهان می‌دارند (او با دیدن گناهان خود) می گوید: در چنین روزی چنین عملی را انجام دادم و به گناهان کوچک خود اعتراف می کند، در حالی که از گناهان بزرگش ترس دارد. (به فرشتگان) گفته می‌شود به جای هر سیّئه و بدی، حسنه‌ای به او بدهید. او می گوید: من گناهانی دارم که اکنون آنها را نمی‌بینم!

ابوذر گوید: دیدم پیامبرخدا صلی الله علیه و آله به‌گونه‌ای خندید که دندان‌های کناری او هم آشکار شد! (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام تلاوت قرآن

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام شنیدن قرآن گریه می کرد. (۲) آن حضرت به ابن مسعود فرمود: قرآن را بر من قرائت کن. ابن مسعود گوید: شروع به خواندن سوره نساء کردم تا این‌که به آیه: فَكَيْفَ إِذا جِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنا بِكَ عَلى هؤُلاءِ شَهِيداً (۳)

رسیدم، دیدم اشک از چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله سرازیر شد و فرمود: دیگر بس است.

ابوالفتوح رازی در تفسیر خود این روایت را نقل کرده و افزوده است:

ابن مسعود گوید: چون به آیه یاد شده رسیدم، حضرت گریه کرد و فرمود: بار دیگر، از اول تلاوت کن. باز شروع کردم تا این‌که به آیه یادشده رسیدم، پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر از بار اول گریه کرد و فرمود: بس است. (۴) نقل کرده‌اند که هرگاه آیه وَ جِئْنا بِكَ عَلى هؤُلاءِ شَهِيداً را نزد پیامبر می‌خواندند، اشک‌های حضرت جاری می‌شد. (۵) خنده و شگفتی پیامبر صلی الله علیه و آله از شدت نزول باران به دنبال نماز باران و دعای آن حضرت

عایشه نقل کرده است که: مردم از قحطی و خشک‌سالی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کردند.

حضرت خطبه خواندند و دعا کردند و دو رکعت نماز گزاردند. در پی آن، خداوند قطعه ابری پدید آورد که رعد و برقی زد و سپس باران نازل شد. هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله به مسجدش (مسجدالنبی) نرسیده بود که سیل‌ها به راه افتاد! وقتی حضرت دیدند مردم با سرعت و شتاب،

۱- مسند احمد، ج ۵، ص ۱۵۷؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۱۳

۲- سبل السلام، ج ۳، ص ۱۳۱

۳- نساء: ۴۱، «حال آن‌ها چگونه است در آن روز که از هر امتی شاهد و گواهی می‌آوریم و تو را نیز بر آنان گواه‌خواهیم گرفت؟!»

۴- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۷۷

۵- المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۶

ص: ۶۸

به خانه‌هایشان می‌روند، به شدّت خندیدند و گفتند: «أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٍ وَأَنِّی عَبْدُاللَّهِ وَ رَسُولِهِ». (۱)

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام غروب آفتاب

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: هرگاه (هنگام غروب)، سرخی خورشید بر قله کوه‌ها آشکار می‌شد، اشک از دیدگان پیامبر می‌ریخت و می‌گفت:

خدایا! روز را به پایان می‌برم در حالی که از ظلم‌هایم به عفو تو، از گناهانم به مغفرت تو، از ترسم به امان تو، از ذلّتم به عزّت تو، از فقرم به غنای تو، از صورت فرسوده و فانی‌شونده‌ام به چهره و وجه باقی و کریمانه تو پناه می‌آورم!

خدایا! عافیتم ده و از کرامتت شکوهم ببخش و دررحمتت قرارم ده و از شرّ آفریدگانت؛ از جنّ و انس حفظم کن، ای رحمان و ای رحیم. (۲) خنده و شادمانی پیامبر صلی الله علیه و آله از ثواب زیارت امام حسین علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله روزی بر فاطمه علیها السلام وارد شد و او غذایی از خرما و نان و روغن آماده کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله همراه علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام غذا را میل کردند. پس از آن، به سجده رفتند و در سجده گریه کردند، بعد از آن، خندیده و سپس سر از سجده برداشتند. در میان حاضران، علی علیه السلام که در سخن گفتن با پیامبر صلی الله علیه و آله جرأت بیشتری داشت، گفت:

ای پیامبرخدا، امروز از شما چیزی دیدیم که پیش از این ندیده بودیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

وقتی با شما غذا خوردم از سلامت و اجتماع شما خوشحال و مسرور شدم. جهت شکر (این نعمت) بر خدای تعالی سجده کردم و جبرئیل نازل شد و گفت:

به خاطر سرور و شادمانی که از اهل تو، به تو رسیده سجده شکر می‌گزاری؟

گفتم: آری.

گفت: آیا از چیزی که پس از تو بر ایشان می‌گذرد، خبر دهم؟

گفتم: آری، آگاهم کن ای برادرم، جبرئیل.

گفت: دخترت نخستین کسی است که به تو ملحق می‌شود، پس از آن‌که به او ستم می‌شود و حقش را می‌گیرند و از ارثش منع می‌گردد و شوهرش مورد ستم واقع می‌شود و

۱- سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۶۱

۲- بحارالأنوار، ج ۸۳، ص ۲۶۷؛ سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۳۷۹

ص: ۶۹

پهلوی او شکسته می‌شود.

پسر عمویت (علیّ‌بن ابی‌طالب) نیز مورد ستم قرار می‌گیرد و از حقش محروم می‌گردد و کشته می‌شود.

در حق حسن نیز ستم می‌شود و از حقش محروم می‌کنند و او را با سم به شهادت می‌رسانند.

به حسین هم ستم می‌کنند و از حقش منع می‌شود. عترتش را می‌کشند و بر پیکرش اسب‌ها می‌دوانند و دارایی‌اش را به سرقت و زنان و فرزندانش را به اسارت می‌برند و در حالی که به خون خود آغشته است، دفن می‌شود و گروهی غریب و ناآشنا او را به خاک می‌سپارند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (با شنیدن این خبر) گریستم و گفتم: آیا کسی حسین را زیارت می‌کند؟

گفت: او را غریبه‌ها زیارت خواهند کرد. گفتم: کسی که او را زیارت کند ثواب او چیست؟

گفت: برای او ثواب هزار حج و هزار عمره است؛ حج و عمره‌ای که همه را با تو انجام داده باشد و من (با شنیدن این خبر) خندیدم. (۱) گریه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله برای فرزندش حسین علیه السلام

عائشه گوید: حسین، فرزند پیامبر بر آن حضرت وارد شد و با سرعت به سوی او رفت و بر شانه‌اش قرار گرفت. جبرئیل به پیامبر گفت: ای محمد، آیا او را دوست داری؟ فرمود: ای جبرئیل! چرا دوست نداشته باشم؟!

جبرئیل گفت: «پس از تو امّتت او را خواهند کشت». آنگاه تربتی سفید به آن حضرت داد و گفت: ای محمد، فرزندت در این زمین کشته خواهد شد و نام آن «طفّ» است. پس از آن‌که جبرئیل از حضور پیامبرخدا صلی الله علیه و آله رفت، همچنان تربت در دست او بود و گریه می‌کرد. پس از آن، خطاب به من فرمود: ای عائشه، جبرئیل به من خبر داد که فرزندم حسین در سرزمین «طف» کشته خواهد شد و امتم پس از من، دچار فتنه خواهند شد. سپس به سوی یارانش که علی علیه السلام، ابوبکر، عمر، حذیفه، عمار و ابوذر در میانشان بودند، بیرون رفت در حالی که می‌گریست. گفتند: ای فرستاده خداوند، از چه رو گریه می‌کنی؟

فرمود: جبرئیل خبر داد که فرزندم حسین پس از من در زمین طف کشته خواهد شد و این تربت را برایم آورد و آگاهم کرد که مرقدش در آن زمین خواهد بود. (۲)

۱- بحارالأنوار، ج ۹۸، ص ۴۴

۲- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۸؛ معالم المدرستین، ج ۳، ص ۳۴

ص: ۷۰

خنده پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر رفتار خشن اعرابی با حضرت!

انس‌بن مالک گوید: در حال راه رفتن با پیامبرخدا صلی الله علیه و آله بودیم و بر دوش حضرت بُرد نجرانی، دارای حاشیه خشن و زبر بود. عربی بیابانی از راه رسید و با سرعت، ردای حضرت را کشید؛ به‌طوری که وقتی به گردن پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه کردم اثر حاشیه برد را دیدم. اعرابی در حال گفت: ای محمد، فرماه بده مقداری از مال خدا، که نزد تو است به من بدهند. پیامبر صلی الله علیه و آله نگاهی به اعرابی کرد و خندید و آنگاه دستور داد چیزی به او بدهند! (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام رحلت:

پیامبرخدا صلی الله علیه و آله هنگام احتضار، که در بستر بود، خطاب به علی علیه السلام فرمود: «... وقت جدایی من و تو است، تو را به خدا می‌سپارم، ای برادر. همانا پروردگار، آنچه نزد اوست برایم برگزیده و گریه و اندوه من برای تو و این (اشاره به دخترش فاطمه علیها السلام) است، که بعد از من (حق شما را) ضایع خواهند کرد. مردم تصمیم بر ستم شماگرفته‌اند و شما را به خدا می‌سپارم ... چیزهایی به دخترم فاطمه سفارش کرده و او را مأمور کرده‌ام که به تو برساند. آنها را عملی کن که او (فاطمه) بسیار راستگو است.»

خدایا! روز را به پایان می‌برم در حالی که از ظلم‌هایم به عفو تو، از گناهانم به مغفرت تو، از ترسم به امان تو، از ذلّتم به عزّت تو، از فقرم به غنای تو، از صورت فرسوده و فانی‌شونده‌ام به چهره و وجه باقی و کریمانه تو پناه می‌آورم!

سپس فاطمه را در آغوش گرفت و سرش را بوسید و فرمود: پدرت فدای تو باد، فاطمه!

در این هنگام صدای گریه فاطمه علیها السلام بلند شد. پیامبر بار دیگر او را در آغوش گرفت و فرمود: «به خدا سوگند خداوند انتقام تو را خواهد گرفت و به خاطر غضب تو غضبناک می‌شود، پس وای بر ستمگران!»

باز هم اشک از دیدگان پیامبر جاری شد. علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند گمان کردم که پاره‌ای از تنم جدا شد و رفت! به خاطر این‌که (دیدم) پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر گریه کرد که اشک‌هایش مانند قطرات باران سرازیر شد، تا حدّی که محاسن او و پارچه‌ای که بر او بود، تر شد و او همچنان به فاطمه علیها السلام چسبیده بود و جدا نمی‌شد و این در حالی بود که سر او بر

۱- صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴۰؛ حلیة الأبرار، ج ۱، ص ۳۰۷

ص: ۷۱

سینه‌ام بود ... (۱) طبق نقلی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله درلحظات آخر عمرش، حوادث پس‌از خود و رفتار ظالمانه امتش نسبت به علی علیه السلام را یاد آورد و فاطمه آن را شنید و به شدّت گریست و پیامبرخدا صلی الله علیه و آله از گریه فاطمه علیها السلام گریه کرد و اشک ریخت. آنگاه فرمود: دخترکم! گریه نکن و فرشتگانی را که همنشین تو هستند آزار نده. این جبرئیل است که به خاطر گریه تو می‌گرید و میکائیل و صاحب سرّ خدا اسرافیل (هم به خاطر گریه تو می‌گرید). دخترکم گریه نکن که آسمان‌ها و زمین به خاطر گریه تو به گریه افتادند ... (۲) خنده و شگفتی پیامبر صلی الله علیه و آله از سخن دانشمند یهودی

دانشمندی از یهود نزد پیامبرخدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای ابو القاسم، وقتی که روز قیامت به پا شود، خدا آسمان‌ها را بر یک انگشت و زمین‌ها را بر انگشت دیگر و آب و خاک را نیز بر انگشت سوم و درختان را بر انگشتی و همه خلایق را بر انگشتی دیگر می‌نهد، سپس تکان می‌دهد و می‌گوید: حاکم تنها من هستم.

پیامبرخدا صلی الله علیه و آله از این سخن در شگفت شد و به شدّت خندید، تا آنجا که دندان‌های کناری حضرت آشکار شد و این آیه را قرائت کردند! وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ...؛ (۳)

«آنها خدا را درست نشناختند ...» (۴)

۱- بحارالأنوار، ج ۲۲، ص ۴۹۱

۲- همان، ص ۴۹۳

۳- انعام: ۹۱

۴- السنن الکبری، ج ۶، ص ۴۴۶

ص: ۷۲

گریه‌های طولانی و شدید پیامبر صلی الله علیه و آله

امام کاظم علیه السلام از پدرش و او از پدرانش، از امام حسین، از پدرش علی علیه السلام در بیان حالات پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

پیامبر صلی الله علیه و آله به قدری گریه می‌کرد که محل نمازش (از اشک) تر می‌شد. این گریه تنها به علّت ترس از خدا، آن‌هم بدون داشتن هیچ جرم و گناه بوده است. (۱) امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ... پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر گریه می‌کرد که از حال می‌رفت و بی‌هوش می‌شد. به او گفته شد: ای پیامبرخدا، آیا خدای عزّ وجلّ گناهان گذشته و آینده‌ات را نبخشیده است؟ فرمود: آری (اما) آیا من نباید بنده سپاسگزار باشم؟ (۲) چگونگی خنده پیامبر صلی الله علیه و آله

امام صادق علیه السلام از پدرانش، از علی علیه السلام نقل کرد که: «کَانَ ضَحِکُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله التَّبَسُّمَ ...»؛ «خنده پیامبر صلی الله علیه و آله لبخند بوده است.» (۳) همچنین نقل شده است که تبسم و لبخند پیامبر صلی الله علیه و آله از همه بیشتر بوده است.(۴) سیره‌نویسان نقل کرده‌اند: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه می‌خندید، دستش را بر دهان قرار می‌داد. (۵) روایت پیش‌گفته از امیر مؤمنان علی علیه السلام هم نقل شده است. (۶) و نیز روایت شده که بیشتر خنده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به‌گونه‌ای بود که دندانهای جلوی حضرت نمایان و دیده می‌شد. (۷) چگونگی گریه پیامبر صلی الله علیه و آله

سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله در گریه کردن این‌گونه بود که اشک از چشمانش جاری می‌شد و آن را از صورتش پاک می‌کرد ولی صدایش (در گریه) شنیده نمی‌شد. (۸) پی‌نوشت‌ها

۱- حلیهٔ الأبرار، ج ۱، ص ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۴۵

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۱۷، ذیل آیات اول سوره طه؛ بحارالأنوار، ج ۱۷، صص ۲۵۷ و ۲۸۷

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱۹؛ سنن ترمذی، ج ۵، ۲۶۳

۴- الشمائل المحمدیّه، ص ۱۸۷

۵- الاصابه، ج ۷، ص ۳۰۶؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۱۹

۶- سبل الهدی والرشاد، ج ۷، ص ۱۲۴

۷- همان.

۸- مسکّن الفؤاد، ص ۹۷

ص: ۷۳

ص: ۷۴

ص: ۷۵

اماکن و آثار

ص: ۷۶

نام‌های ارکان کعبه (۲) کتب تاریخ مکه

محمد مظلومی

در بخش نخست این نوشتار، نام‌های گوناگونی را که ارکان کعبه بدانها خوانده شده‌اند، بر شمردیم و اختلاف‌های صاحبان نظریه را در هر زمینه یادآور شدیم.

مهمترین اختلاف در تعیین مصادیق، دو رکن عراقی و شامی است. برخی رکن اسود را عراقی و رکن بعدی را شامی خوانده‌اند و گروهی رکن بعد از رکن اسود را عراقی و گوشه سومِ کعبه را شامی می‌شمارند. در بخش پیشین آوردیم که بیشتر احادیث اهل‌بیت علیهم السلام و اتفاق فقهای شیعی منطبق بر دیدگاه اول است.

کعبه نخستین خانه‌ای است که برای عبادت خداوند بر روی زمین بنا شده است و پیشینه‌ای بیش از پیدایش آدمیان بر کره خاکی دارد. مکه خاستگاه باورهای دین خاتم و جایگاه رشد و بالندگی پیامبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله بوده است. جای جای این وادیِ ایمن یاد ماندگار لحظه لحظه‌های آن دوران را در خود به امانت دارد و از همین روی، سیره نویسان و تاریخ نگاران فراوانی در اعصار گذشته، به فراخور توان علمی و به میزان فراخنای دانش خویش، در ثبت و نقل سر گذشت این بلد طیب کوشیده و سلسله تألیفاتی در حوزه تاریخ مکّه از خود به

ص: ۷۷

یادگار گذاشته‌اند. روشن است که گفتگو از کعبه، در قلب مباحث مذکور جای داشته و بارها و به مناسبت‌های گوناگون، در فصولی مستقل و یا در ضمن بخش‌های دیگر، به تصریح و تفصیل و یا به اشاره و اجمال بیان شده است. از این رو، باید بیشترین نوشته‌ها را در باره نام‌های ارکان کعبه، در این نوشتارها جست.

ما نیز می‌کوشیم تا با لحاظ ترتیب زمانی، کتب تاریخ مکه را به دنبال قرائن تعیین مصادیق ارکان ورق بزنیم. پس، نه تنها از تصریح مؤلفان در نامگذاری و تطوّر نام‌ها بهره می‌جوییم، بلکه کاربرد هر اسمی را که بر مصداقی معیّن دلالت کند، باید در پژوهش خود دلیلی بر یکی از دو دیدگاه مذکور بشماریم. گرچه بحث نام‌ها و وجوه تسمیه، از گستردگی چندان و منابع فراوان برخوردار نیست لیکن نوع دوم از منابع- کاربردهای دارای مصداق متعین- دچار کثرتی چشمگیر و توزیعی فراخ است که در ذیل عناوینی قابل دسته بندی است.

روشن است که در دانش‌های نقلی؛ همچون تاریخ، با دستیابی به هر منبع متقدّم، از واگویه‌های آن در متون متأخر بی‌نیاز می‌گردیم. بنابراین، به نظر می‌رسد علاوه بر کتب اوّلیه تاریخ مکه، تنها تحقیقات میدانی متأخرین و گزارش آنها از مشاهدات خویش ما را به سوی مقصود رهنمون خواهد شد؛ ولی باید به خاطر داشت که شیوع استعمال مشابه نام‌ها در متون یک دوران، نشانگر انصرافی آشکار و وضعی حداقلی تعینی در آن معنی است. پس در کنار قدیمی‌ترین منبع هر سخن و در جنب گزارش مشاهدات هر مؤلف، نقل‌های متأخران در مواردی قابل استدلال خواهد بود.

هر گاه ناقلی سخن پیشینیان را نقل به معنا می‌کند و مقصود ایشان را در قالب الفاظی نو می‌آورد، گفتارش مستندی مستقل محسوب می‌گردد؛ زیرا در این حالت، الفاظ دارای ویژگی‌های زبانی ناقل است و به تبع نشانگر تبادر و انصراف الفاظ در زمان متأخر می‌باشد و این نکته، چنانکه خواهد آمد سر تناقض متوهم در برخی از متون است که به هنگام نقل عین عبارت گذشتگان را حکایت نموده‌اند، ولی در توضیحات خود به شیوه عصر و دوران خویش گام برداشته‌اند.

نظر به قدمت متون اولیه، تصحیفات ناشی از استنساخ‌های متعدد و تشابه خطی و نوشتاریِ برخی از کلمات، عواملی است که تصحیح کتب تاریخ مکه را از بایسته‌های اولیه نشر این منابع محسوب می‌کند. حال اگر مصحّحان به روش قیاسی و بدون توجه به احتمال پیدایش

ص: ۷۸

نقل در معانیِ الفاظ، در هر متنی اعمال نظر نمایند، ردّ پاها و قراین فراوانی را در دسترس محقّقان پنهان داشته‌اند. از سوی دیگر، در بسیاری از نسخه‌ها، خطاط یا مالک نسخه، کلامی توضیحی را در حاشیه متن نگاشته بوده که به تدریج و طی استنساخ‌های بعدی، به عنوان بخشی از متن افزوده شده است. نقل عبارت پیشینیان در متون متأخر، قرینه‌ای بر بازشناسی افزوده‌های نسخه و اجتهادهای ناصواب مصحّحان خواهد بود؛ چنانکه در بخش قبل نیز برخی از تصحیفات و خطاهای تصحیح کتاب‌ها را بر شمردیم.

در صدر فهرست کتب تاریخ مکه، به رساله «فضائل مکهٔ و السکن فیها» تألیف حسن‌بن یسار بصری (متوفّای سال ۱۱۰ ه.) برمی‌خوریم. مخاطب این نوشته زاهدی به نام عبدالرحیم یا عبدالرحمان‌بن انس رمادی است (۱) که در صدد ترک مکه و سکونت در یمن بوده است و مؤلف می‌کوشد با نقل احادیث فضایل مکه، او را از این تصمیم منصرف سازد. عنوان رکن شامی، تنها یک بار در صفحات پایانی این نامه آمده است:

«من صلّی فی الحجر رکعتین ناحیهٔ الرکن الشامی فکأنّه أحیی سبعین ألف لیلهٔ و کان کعبادهٔ کلّ مؤمن و مؤمنهٔ و کأنّما حجّ أربعین حَجّهً مَبرُورهً مُتقبَّلَهً» (۲)

اما چون طبق هر دو نظریه، رکن شامی در مجاورت حجر اسماعیل قرار دارد، از عبارت مذکور نمی‌توان تأییدی برای هیچ‌یک به‌دست آورد.

اخبار مکّهٔ و ما جاء فیها من الآثار

این کتاب نوشته ابوالولید ازرقی (متوفای ۲۴۸ ه.) است و قدیمی‌ترین کتاب مبسوط و جامعی است که به همه جوانب تاریخ مکه پرداخته و بحمد اللّه هم اکنون در اختیار است.

ازرقی در مباحث ذیل، عبارات روشنی در تعیین مصادیق رکن عراقی و شامی دارد:

۱. ابعاد کعبه در بنای ابراهیم علیه السلام

در بیان ابعاد، ازرقی نام چهار رکن را به ترتیب: اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند:

«و جعل طوله فی السماء تسعهٔ أذرع و عرضه فی الأرض اثنین و ثلاثین ذراعاً من الرکن الأسود إلی الرکن الشامی الَّذی عند الحجر من وجهه و جعل عرض

۱- حسن‌بن یسار، فضائل مکهٔ و السکن فیها، تصحیح سامی مکی العانی، مکتبهٔ الفلاح، کویت، ۱۴۰۰، ص ۱۲، به نقل از نرم‌افزار المکتبهٔ الاسلامیهٔ الکبری الشاملهٔ، متأسفانه آنچه در نرم‌افزار المعجم الفقهی آمده، تنها ۲۶ صفحه از این کتاب می‌باشد.

۲- همان، صص ۴۰- ۳۹

ص: ۷۹

ما بین الرکن الشامی إلی الرکن الغربی الَّذی فیه الحجر اثنین و عشرین ذراعاً، و جعل طول ظهرها من الرکن الغربی إلی الرکن الیمانی احد (۱) و ثلاثین ذراعاً و جعل عرض شقها الیمانی من الرکن الأسود إلی الرکن الیمانی عشرین ذراعاً، فلذلک سمیت الکعبهٔ لأنّها علی خلقهٔ الکعب.» (۲) ازرقی ضمن گزارش ابعاد کعبه دوران خود، ارکان را به همان ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی آورده است.

۲- ابعاد کعبه در بنای عبد الملک مروان

هنگامی که حَجّاج بر عبد اللّه بن زبیر چیره شد، به دستور عبدالملک کعبه را ویران کرد تا تغییراتی را که ابن زبیر ایجاد کرده بود، به حال بنای دوران قریش بازگرداند. ابعاد کعبه بعد از آن ثابت مانده و در بازسازی‌های بعدی، گرفتار تحوّل نشده است. ازرقی ضمن گزارش ابعاد کعبه دوران خود، ارکان را به همان ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی آورده است:

«طولها فی السماء سبعهٔ و عشرون ذراعاً، و ذرع طول وجه الکعبهٔ من الرکن الأسود إلی الرکن الشامی خمسهٔ و عشرون ذراعاً، و ذرع دبرها من الرکن الیمانی إلی الرکن الغربی خمسهٔ و عشرون ذراعاً، و ذرع شقها الیمانی من الرکن الأسود إلی الرکن الیمانی عشرون ذراعاً، و ذرع شقها الَّذی فیه الحجر من الرکن الشامی إلی الرکن الغربی أحد و عشرون ذراعاً». (۳) ۳- چراغ‌های مسجد الحرام

نخستین کسی که برای روشنی مسجد الحرام در شب‌ها چراغ افروخت، عقبهٔ بن ازرق بود. او، که خانه‌اش در جوار مسجد بود، شب هنگام چراغی را بر روی دیوار میان خانه خود و مسجد می‌نهاد تا طواف‌گزاران و اهل مسجد، از روشنایی آن بهره‌مند گردند. (۴) اما خالدبن عبداللّه قسری در دوران عبد الملک بن مروان او را از این کار بازداشت و خود چراغی را بر روی ستونی بلند در کنار زمزم برافراشت. بنا بر نقل ازرقی، چراغ‌های بعد در امتداد رکن‌های

۱- احداً چنانکه در شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۷۹ آمده است.

۲- ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، تصحیح رشدی الصالح ملحس، دو جلد، دار الأندلس، بیروت، ۱۴۱۶ ه. ج ۱، ص ۶۴

۳- همان، ج ۱، ص ۲۸۹

۴- همان، ج ۱، ص ۲۸۶

ص: ۸۰

غربی، یمانی و شامی برپا شدند. تغایر رکن غربی با رکن شامی نشانه آشکار دیدگاه مؤلف است:

«قال أبو الولید: فلم یزل مصباح زمزم علی عمود طویل مقابل الرکن الأسود الَّذی وضعه خالد بن عبد اللَّه القسری فلمّا کان محمّدبن سلیمان علی مکهٔ خلافهٔ المأمون فی سنهٔ ست عشرهٔ و مائتین وضع عموداً طویلًا مقابله بحذاء الرکن الغربی فلمّا ولّی مکهٔ محمّد بن داود جعل عمودین طویلین أحدهما بحذاء الرکن الیمانی و الآخر بحذاء الرکن الشامی». (۱) ۴- حجر اسماعیل علیه السلام

ازرقی حجر اسماعیل را میان دو رکن شامی و غربی می‌داند. پس رکن شامی دوّمین رکن طواف خواهد بود:

«قال أبو الولید: الحجر مدور و هو ما بین الرکن الشامی و الرکن الغربی». (۲) و در جای دیگر تصریح می‌کند:

«و میزاب الکعبهٔ فی وسط الجدر الَّذی یلی الحجر بین الرکن الشامی و الرکن الغربی یسکب فی بطن الحجر». (۳) ۵- جایگاه پلکان داخل کعبه

بنای ابراهیمی کعبه سقف نداشت (۴) و برای نخستین بار قریشیان خانه خدا را مسقف ساختند (۵) و برای رسیدن به بام کعبه پلکانی بنا نمودند که در گوشه شمالی کعبه قرار دارد.

ازرقی در بیان داستان بنای پلکان، رکن مزبور را شامی می‌خواند:

«و جعلوا درجهٔ من خشب فی بطنها فی الرکن الشامی یصعد منها إلی ظهرها». (۶) در بازسازی دوران عبد اللَّه بن زبیر نیز به این نکته تصریح می‌کند:

۱- همان، ج ۱، ص ۲۸۷

۲- همان، ج ۱، ص ۳۲۰

۳- همان، ج ۱، ص ۲۹۱

۴- همان، ج ۱، ص ۶۶

۵- همان، ج ۱، ص ۱۷۱

۶- همان، ج ۱، صص ۱۶۵- ۱۶۴

ص: ۸۱

«و جعل لها درجة فى بطنها فى الركن الشامى من خشب معرجة يصعد فيها إلى ظهرها». (۱) بلکه او هرگاه از این پلکان سخن می‌گوید، همین نام را برای رکن به کار می‌برد:

«و فى الكعبة إذا دخلتها على يمينك درجة يظهر عليها إلى سطح الكعبة ومربعة مع جدرى الكعبة فى زاوية الركن الشامى». (۲) ۶- جایگاه الواح زرین و سیمین داخل کعبه

درون کعبه ۶ لوح قرار دارد. در بیان جایگاه الواح، ازرقی ارکان را به ترتیب به نام‌های اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خوانند و علاوه بر آن، مجدداً تصریح می‌کند که پلکان کعبه در رکن شامی واقع است:

«و من الألواح الملبّسة الذهب و الفضّة الَّتی فی الأركان ستّة ألواح، طول كلّ لوح منها أربعة أذرع و أربعة أصابع و عرض كلّ لوح منها ذراع و أربعة أصابع، منها لوح فى طرف زاوية الجدر الَّذى يلى الدرجة و هو الشامى و لوح فى زاوية الركن الغربى و هو ممّا يلى الحجر و فى طرف الجدر الَّذى بين الركن الغربى و الركن اليمانى لوحان و فى طرف الجدر الَّذى بين الركن اليمانى و الركن الأسود لوح و هو ممّا يلى الركن اليمانى و فى الملتزم لوح و فى الجدر الَّذى على يمينك إذا دخلت الكعبة لوح». (۳)

۱- همان، ج ۱، صص ۲۱۰- ۲۰۹

۲- همان، ج ۱، ص ۲۹۴

۳- همان، ج ۱، ص ۲۹۶

ص: ۸۲

۷- شاذروان

زمانی که در بازسازی‌های کعبه، ابعاد خانه قدری کوچکتر از بنای ابراهیمی بنا شد؛ برای حفظ ابعاد اصلی، فضای عقب‌نشینی شده را با ساخت سکویی کم ارتفاع، علامت‌گذاری کردند که «شاذَروان» نامیده شد و چون ملاک در طواف، حدّ اصلی کعبه است؛ فقها برای حصول شرط خروج طواف‌گزار از کعبه، طواف بر روی شاذروان را صحیح نمی‌دانند. (۱) ازرقی سنگ‌های به کار رفته در بنای شاذروان را ۶۸ عدد می‌داند و ارکان را به همان نام‌های:

اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند:

«و عدد حجارة الشاذروان الّتی حول الکعبة، ثمانیة و ستون حجراً فی ثلاثة وجوه من ذلک من حدّ الرکن الغربی إلی الرکن الیمانی خمسة و عشرون حجراً؛ منها حجر طوله ثلاثة أذرع و نصف و هو عتبة الباب الّذی سد فی ظهر الکعبة و بینه و بین الرکن الیمانی أربعة أذرع و فی الرکن الیمانی حجر مدور و بین الرکن الیمانی و الرکن الأسود تسعة عشر حجراً و من حدّ الشاذروان إلی الرکن فیه الحجر الأسود ثلاثة أذرع و اثنا عشر إصبعاً لیس فیه شاذروان، و من حدّ الرکن الشامی إلی الرکن الّذی فیه الحجر الأسود ثلاثة و عشرون حجراً و من حدّ الشاذروان الّذی یلی الملتزم إلی الرّکن الّذی فیه الحجر الأسود ذراعان لیس فیهما شاذروان و هو الملتزم».

(۲) ۸- قبله پیامبر صلی الله علیه و آله

ابن جماعه فصلی را به گزارش دقیق اندازه‌گیری ابعاد کعبه اختصاص داده و ارکان را به ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند و برای نخستین بار در کتب تاریخ مکه نقل می‌کند که گاهی رکن شامی عراقی نیز خوانده می‌شود.

اهتمام مسلمانان به حفظ آثار حیات پر برکت پیامبر صلی الله علیه و آله، آنان را واداشته است حتی جهتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله رو به کعبه می‌ایستاد و نماز می‌گزارد، در کتب تاریخ گزارش کنند و چون نماز خواندن به آن سو را واجد فضیلت دانسته‌اند، در نقل سمت قبله پیامبر صلی الله علیه و آله دقت بیشتری کرده‌اند. اقوال گوناگون قبله‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله را در ادامه نوشتار، به مناسبتی دیگر، به تفصیل بیان می‌کنیم ولی در بحث فعلی، ازرقی قبلة النبی صلی الله علیه و آله را حدّ فاصل میان ناودان کعبه و رکن شامی می‌داند. چون ناودان در حجر اسماعیل قرار دارد، رکن شامی یکی از دو رکن ابتدا یا انتهای حجر خواهد بود؛ ازاین رو، با قید «یلی المقام» مصداق رکن شامی را به رکن آغازین حجر محدود می‌سازد:

«حدثنا أبو الولید قال: حدّثنی جدّی حدّثنا سفیان عن ابن ابی نجیح قال: قال عبد اللّه بن عمرو بن العاص: البیت کلّه قبلة و قبلته وجهه، فإن أخطأک وجهه فقبلة النبی صلی الله علیه و آله، و قبلة النّبی صلی الله علیه و آله ما بین المیزاب إلی الرکن الشامی الّذی یلی المقام». (۳) ۹- جایگاه مقام ابراهیم علیه السلام

تردیدی نیست که قرار گرفتن مقام ابراهیم در جایگاه کنونی، به دست خلیفه دوم انجام گرفته است و پیش از آن، مقام در جهت جایگاه فعلی، چسبیده به خانه خدا بوده است:

«فاحتمل المقام من موضعه هذا فذهب به حتی وجد بأسفل مکّة فأتی به فربط إلی أستار الکعبة فی وجهها». (۴) ازرقی از جدش نقل می‌کند که هرگاه شمارش را از حجر اسماعیل علیه السلام آغاز کنیم، سنگ هفتم یا نهم از سنگ‌های شاذروان، جایگاهی است که مقام در مجاورت کعبه بوده است؛ چنانکه گذشت، آن محل در جنب دیواری بوده که از رکن اسود آغاز و به حجر اسماعیل علیه السلام پایان می‌یابد. ازرقی در این نقل، در و رکن آغازین حجر را شامی خوانده، در تعیین مصداق رکن شامی ابراز نظر قطعی می‌کند:

«قال أبو الولید، قال لی جدی بعد ما جصّص شاذروان الکعبة بالجصّ و المرمر و انّما جصّص حدیثاً من الدهر، فقال لی و أنا معه فی الطواف أعدد من باب الحجر الشامی من حجارة شاذروان الکعبة فإذا بلغت الحجر السابع فإن کان

۱- امام خمینی قدس سره، مناسک حج با حواشم مراجع معظم تقلید، چاپ هفتم، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۴۸، مسأله ۵۹۷

۲- ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۰۹

۳- همان، ج ۱، ص ۳۵۰

۴- همان، ج ۲، ص ۳۳

ص: ۸۳

ص: ۸۴

حجراً طویلًا هو اطول السبعهٔ فیه حفر شبه النقر فهو موضعه و إلّا فهو التاسع من حجارهٔ الشاذروان، قال جدّی نسیت عددها و قد کنت عددتها هی إمّا سبعهٔ و إمّا تسعهٔ إلّا أنّه حجر طویل هو أطول السبعهٔ أو التسعهٔ فیه الحف فإن رأیته قد قزف عنه الجص فاعدد وانظر إلیه». (۱) گرچه ازرقی عمل خلیفه دوم را بازگرداندن مقام به جایگاه اصلی‌اش می‌داند و مدّعی است انتقال مقام به جوار کعبه حاصل سیل امّ نهشل بوده است (۲) ولی در روایات اهل‌بیت علیهم السلام، این عمل عدول از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و رجعت به سنن جاهلیت خوانده شده است:

«زراره گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا حسین علیه السلام را درک کردی؟ فرمود: آری، به یاد می‌آورم که همراه او در مسجد الحرام بودم. سیل وارد مسجد شد. مردم روی مقام می‌ایستادند. برخی که بیرون می‌رفتند، می گفتند: مقام را سیل برد و بعضی می گفتند:

سر جای خود است.

به من فرمود: فلانی! مردم چه کردند؟ گفتم خداوند به صلاحت دارد، مردم بیم آن دارند که سیل، مقام را برده باشد. فرمود: ندا بده که خداوند، آن را نشانه قرار داده است، آن را نخواهد برد. پس مردم آرامش یافتند. جایگاه مقام، که ابراهیم علیه السلام آن را قرار داده بود، کنار دیوار کعبه بود. همچنان آن‌جا بود، تا آن‌که مردم جاهلیت آن را به جایگاه امروزش منتقل کردند. چون پیامبر مکه را فتح کرد، به همان جایی برگرداند که ابراهیم نهاده بود. آن‌جا بود تا آن‌که عمربن خطاب به حکومت رسید، از مردم پرسید: کدام یک از شما جایگاه قبلیِ آن را می‌داند؟ مردی گفت: من جای آن را با افساری که نزد من است، اندازه گرفته‌ام. گفت: آن را بیاور. آن را آورد. پس اندازه گرفت و مقام را به همان‌جا برگرداند.» (۳) در روایتی که کلینی از سلیم بن قیس نقل می‌کند و در کتاب سلیم نیز آمده است. (۴) امام علی علیه السلام اصلاح این بدعت‌ها را امری لازم می‌شمارد که تنها به دلیل عدم همراهی مسلمانانِ سست عهد دوران خویش، قادر بر تصحیح آن‌ها نیست.

«حکمرانان پیش از من کارهایی انجام دادند که در آن‌ها با پیامبرخدا صلی الله علیه و آله مخالفت کردند و از روی تعمّد، راه خلاف پیمودند و پیمانش را شکستند و سنت و روشش را تغییر دادند و اگر من بخواهم مردم را به‌ترک آن‌ها وادارم و به جای اصلی آن‌ها بازگردانم و به همان

۱- همان، ج ۲، صص ۳۵- ۳۴

۲- همانجا.

۳- محمد محمدی ری شهری، حج و عمره در قرآن و حدیث، ترجمه جواد محدثی، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ص ۱۳۷

۴- سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تصحیح محمد باقر انصاری زنجانی، سه جلد، چاپ‌سوم، دلیل ما، قم، ۱۴۲۳ ه. ج ۲، ص ۷۲۰

ص: ۸۵

ترتیب، که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بود، مقرر دارم، لشگر از پیرامون من پراکنده شوند تا جز خودم تک و تنها به جای نمانم و یا اندکی از شیعیان من، که برتری مرا شناخته و وجوب طاعت و امامت مرا از روی کتاب خدای عزّ و جلّ و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند، به جای مانند.

اگر می‌دیدید که من دستور می‌دادم تا مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را به جای اصلی آن، که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن را در آنجا نهاده بود، برمی‌گرداندم ... در این صورت مردم از دورم پراکنده می‌شدند. (۱) ۱۰- فاصله رکن شامی تا مقام ابراهیم علیه السلام

ازرقی در تبیین جایگاه مقام ابراهیم، فاصله آن را از دیوار کعبه، شاذروان و دو رکن اسود و شامی می‌داند و این نشانگر آن است که رکن شامی در دیواره سمت مقام قرار گرفته و دوّمین رکن طواف است:

«و ذرع ما بین الرکن الأسود إلی مقام ابراهیم علیه السلام، تسعهٔ و عشرون ذراعاً و تسع أصابع، و ذرع ما بین جدر الکعبهٔ من وسطها إلی المقام، سبعهٔ و عشرون ذراعاً، و ذرع ما بین شاذروان الکعبهٔ إلی المقام، ستهٔ و عشرون ذراعاً و نصف، و من الرکن الشامی إلی المقام، ثمانیهٔ و عشرون ذراعاً و تسع عشرهٔ إصبعاً». (۲) ۱۱- فاصله ارکان کعبه تا مناره‌ها

در زمان ازرقی ۴ مناره در گوشه‌های چهارگانه مسجد الحرام بوده است. (۳) ازرقی فاصله هر رکن کعبه را از مناره‌ای که در محاذاتش قرار دارد، به دقت بیان می‌کند و رکن شامی را در امتداد مناره مروه می‌داند که در جهت شمال قرار گرفته است. پس رکن شامی نیز همان رکن شمالی کعبه خواهد بود:

«و من رکن الکعبهٔ الشامی إلی حدّ المنارهٔ التی تلی المروهٔ مائتا ذراع و أربعهٔ و ستّون ذراعاً، و من رکن الکعبهٔ الغربی إلی حدّ المنارهٔ الّتی تلی باب بنی سهم مائتا ذراع و ثمانیهٔ أذرع ونصف، و من الرکن الیمانی إلی المنارهٔ التی تلی

۱- محمدبن یعقوب کلینی، الروضهٔ من الکافی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، دو جلد، علمیه اسلامیه، تهران، ج ۱، صص ۸۹-۸۵

۲- ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۸۵

۳- همان، ج ۲، ص ۷۹

ص: ۸۶

أجیاد الکبیر مائتا ذراع و ثمانیهٔ عشر ذراعاً و ست عشرهٔ إصبعاً، و من الرکن الأسود إلی المنارهٔ التی تلی المسعی و الوادی مائتا ذراع و ثمانیهٔ عشر ذراعاً». (۱) ۱۲- فاصله رکن شامی تا باب بنی شیبه

هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مکه را آزاد کرد و بیت اللّه را از لوث اصنام پاک ساخت، بت هبل در آستانه باب بنی شیبه دفن گردید و بنا بر برخی روایات، استحباب ورود از باب بنی‌شیبه به همین جهت است. (۲) درِ پیش گفته در موازی کعبه و در جهت مقام ابراهیم علیه السلام قرار داشته که اکنون نیز در همان محاذات با تغییر نام، به عنوان باب السلام از درهای فعلی مسعی است. نقل ازرقی نشانگر آن است که رکن شامی در جهت مسعی قرار داشته و لذا نمی‌تواند رکن غربی کعبه باشد:

«و من الرکن الشامی إلی وسط باب بنی شیبهٔ مائتا ذراع و خمسهٔ و أربعون ذراعاً و خمس أصابع». (۳) اخبار مکهٔ فی قدیم الدهر و حدیثه

نوشته ابو عبداللّه محمدبن اسحاق فاکهی است. گرچه تاریخ دقیق دوران حیات او بر ما پوشیده مانده، لیکن بی‌تردید در سال ۲۷۲ در قید حیات بوده است. با تأسف جزو اوّل کتاب مفقود شده و نسخه موجود شامل جزو دوم کتاب و بخش‌هایی از جزو اول است که در ضمن کتاب‌های دیگر نقل شده بوده و با تلاش مصحّح محترم گردآوری گردیده است. مشابهت مطالب این کتاب با اخبار مکه ازرقی قابل انکار نیست و از خلال مباحث آتی نیز این نکته به‌خوبی مشخص خواهد شد ولی می‌توان نزدیکی دوران دو نویسنده و بهره گیری از منقولات مشابه را از مهمترین عوامل این تقارب به شمار آورد. مباحثی که در تعیین مصداق ارکان می‌تواند مورد تمسک قرار گیرد، عبارت‌اند از:

۱- جایگاه مقام ابراهیم علیه السلام

فاکهی، جایگاه مقام را در جوار کعبه، با عبارتی مشابه ازرقی نقل کرده و تنها تفاوتش این

۱- همان، ج ۲، ص ۸۵

۲- شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چهار جلد، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۲۳۸

۳- ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۸۶

ص: ۸۷

است آن را به جای جدّ ازرقی، به برخی از مکّیان اسناد داده است. مشابهت عبارت و حتی تردید میان دو عددِ هفتم و نهم، احتمال اقتباس فاکهی از ازرقی را تقویت می کند.

«و ذکر عن بعض المکّیین أنّ الموضع الّذی ربط عنده المقام فی و جه الکعبهٔ بأستارها إلی أن حجّ عمربن الخطاب فرده و ذلک أن یعد الطائف من باب الحجر الشامی من حجارهٔ شاذروان الکعبهٔ إلی أن یبلغ الحجر السابع فإذا بلغ الحجر السابع فهو موضعه و إلّا فهو التاسع من حجارهٔ الشاذروان». (۱) فاکهی در موارد دیگری هم منقولات ازرقی از جدّش را با تعبیر «بعض المکّیین» روایت می کند. چنانکه محلّ نماز پیامبر صلی الله علیه و آله را بنا به نقل برخی از مکّیان همین جایگاه اولیه مقام ابراهیم علیه السلام می‌داند (۲) در حالی که ازرقی همین معنا را با عبارتی مشابه از جدش نقل می کند. (۳) ۲- فاصله رکن شامی تا مقام ابراهیم علیه السلام

فاکهی نیز رکن شامی را در سمت مقام ابراهیم علیه السلام می‌داند و فاصله مقام از رکن را با دقت، همچون ازرقی گزارش می کند: «و ذرع ما بین شاذروان الکعبهٔ إلی المقام ستّهٔ و عشرون ذراعاً و اثنتا عشرهٔ إصبعاً و من الرکن الشامی إلی المقام ثمانیهٔ و عشرون ذراعاً و تسع عشرهٔ إصبعاً». (۴) ۳- فاصله ارکان کعبه تا مناره‌ها

رکن شامی را فاکهی نیز در محاذات مناره مروه می‌داند و فاصله آن دو را با عبارتی مانند ازرقی نقل می کند:

«و من رکن الکعبهٔ الشامی إلی حدّ المنارهٔ الّتی تلی المروهٔ مائتا ذراع و أربعهٔ و ستون ذراعاً و من رکن حدّ الکعبهٔ الغربی إلی حدّ المنارهٔ التی تلی باب بنی سهم مائتا ذراع و ثمانیهٔ أذرع و اثنتا عشرهٔ إصبعاً». (۵) ۴- فاصله رکن شامی تا باب بنی شیبه

عبارت فاکهی در این مورد، همانند عبارت ازرقی است:

۱- محمدبن اسحاق فاکهی، اخبار مکه، تصحیح عبد الملک بن عبد اللّه‌بن دهیش، شش جلد، چاپ اول، النهضهٔ الحدیثه، مکه، ۱۴۰۷ ه. ج ۱، ص ۴۶۷

۲- همان، ج ۲، ص ۱۸۳

۳- ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۵۱

۴- محمد بن اسحاق فاکهی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۸۵

۵- همان، ج ۲، ص ۱۸۶

ص: ۸۸

«و من الرکن الشامی إلی وسط باب بنی شیبهٔ مائتا ذراع و خمسهٔ و أربعون ذراعاً و خمس أصابع». (۱) فاکهی در داستان چراغ‌های مسجد الحرام می‌فرماید:

و کان مصباح زمزم هذا فیما مضی علی عمود طویل مقابل الرکن الأسود الموضع الّذی وضعه خالدبن عبداللّه. فلمّا ولّی محمدبن سلیمان مکهٔ فی سنهٔ ست عشرهٔ و مائتین وضع عموداً طویلًا مقابله بحذاء الرکن الغربی، فکأنا کذلک حتّی کانت سنهٔ اثنتین و عشرین و مائتین، فولّی محمدبن داود مکّهٔ، فجعل عمودین طویلین: أحدهما عند الرکن الیمانی، و الآخر بحذاء الرکن الغربی». (۲) مکه را آزاد کرد و بیت اللّه را از لوث اصنام پاک ساخت، بت هبل در آستانه باب بنی شیبه دفن گردید و بنا بر برخی روایات، استحباب ورود از باب بنی‌شیبه به همین جهت است.

آشفتگی متن حاضر کاملًا آشکار است؛ زیرا بنا بر این عبارت، باید دوّمین و چهارمین چراغ، هر دو، در امتداد رکن غربی نصب شده باشد و رکن شامی فاقد روشنایی فرض گردد.

مراجعه به متن ازرقی، نشانگر آن است که تعبیر «الرکن الغربی» در پایان عبارت باید به «الرکن الشامی» تصحیح گردد؛ که در این حالت متن مذکور نیز دلیلی دیگر بر توافق در مصداق رکن شامی خواهد بود.

اتّحاد عبارات و یکسانی ترتیب ذکر آنها، این احتمال را بسیار تقویت می‌کند که ۸ مورد نخست منقول از ازرقی، باید در ضمن بخش مفقود اخبار مکه فاکهی قرار داشته باشد.

هدایهٔ السالک إلی المذاهب الأربعهٔ فی المناسک

کتاب «هدایهٔ السالک ...» چنانکه از نامش پیداست، حاوی مناسک حج بر اساس فتوای مذاهب اهل سنت است و از این رو، مناسب بود که در زمره کتب فقهی اهل تسنن مورد بررسی قرار گیرد؛ ولی چون عزّالدین بن جماعه کنانی، مؤلف کتاب، گزارش‌های دقیقی از مشاهدات عینی خود درباره ابعاد مسجد الحرام و کعبه نقل نموده، تبیین دیدگاه‌های او در زمره

۱- همان، ج ۲، ص ۱۸۶

۲- همان، ج ۲، ص ۶۹

ص: ۸۹

نگارندگان تاریخ مکه بی تناسب نخواهد بود و شاید از همین روست که در کتب تاریخ مکه نیز بخشی به گزارش مشاهدات او اختصاص دارد. مؤلف از سال ۶۴۹ تا ۷۶۷ در قید حیات بوده و زمان مشاهدات خویش در سال ۷۵۳ را اعلام می کند:

«و حررت أنا ارتفاعها و مقدار ما بین أرکانها و غیر ذلک لما کنت مجاوراً بمکّهٔ سنهٔ ثلاث و خمسین و سبعمائهٔ». (۱) ابن جماعه در دو بحث، دیدگاه خود را در مصادیق ارکان کعبه بیان می کند:

۱- معنای استقبال قبله:

ابن جماعه در توضیح معنای استقبال، به امام جماعتی مثال می‌زند که رو به رکن اسود ایستاده است و جهت او را از رکن شامی تا رکن یمانی می‌داند. پس، از دیدِ او رکن‌های یمانی و شامی در مجاورت رکن اسود قرار دارند:

«و لو صلّی الإمام إلی نفس الرکن الَّذی فیه الحجر الأسود مثلًا، فالذی یظهر:

ان جههٔ الإمام ما حاذاه بدنه من ناحیتی الرکن مع الرکن و هو مابین الرکن الشامی و الرکن الیمانی، و لم أقف علی نقل فی هذه المسألهٔ، واللَّه تعالی أعلم». (۲) ۲- ابعاد کعبه از داخل و خارج:

ابن جماعه فصلی را به گزارش دقیق اندازه‌گیری ابعاد کعبه اختصاص داده و ارکان را به ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند و برای نخستین بار در کتب تاریخ مکه نقل می کند که گاهی رکن شامی عراقی نیز خوانده می‌شود:

«بین الرکن الَّذی فیه الحجر الأسود و بین الرکن الشامی- و یقال العراقی- من داخل الکعبهٔ ثمانیهٔ عشر ذراعاً و ثلث و ربع و ثمن، و من خارجها ثلاثهٔ و عشرون ذراعاً و ربع ذراع ... و بین الرکن الشامی و الغربی من داخل الکعبهٔ خمسهٔ عشر ذراعاً و قیراطان، و من خارجها ثمانیهٔ عشر و نصف و ربع ... وبین الغربی و الیمانی من داخلها ثمانیهٔ عشر ذراعاً و ثلثا ذراع و ثمن ذراع، ومن خارجها ثلاثهٔ و عشرون ذراعاً ... و بین الرکن الیمانی و الرکن الأسود من

۱- عز الدین بن جماعه کنانی، هدایهٔ السالك، تصحیح نورالدین عتر، سه جلد، چاپ اول، دار البشائر الاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۴ ه. ج ۳، صص ۱۳۳۵- ۱۳۳۴

۲- همان، ج ۲، ص ۹۴۲

ص: ۹۰

داخلها خمسهٔ عشر ذراعاً و ثلث ذراع، و من خارجها تسعهٔ عشر- بتقديم التاء على السين- و ربع ... كلّ ذلك حرر بذراع القماش المستعمل فى زماننا بمصر». (۱) استفاده از صیغه مجهول برای اشاره به ضعف قول مخالف- عراقی نامیدن رکن شامی- است؛ ولی در نقل کلام دیگران ابن جماعه امانت‌داری می کند:

«و قال الإمام أبو داود سليمان بن خليل المكّى الشافعى رحمه اللّٰه فى مناسكه:

قال الشافعى: «و إذا بلغ الركن العراقى و الشامى (۲) لم يستلم واحداً منهما و كفته الاشارة إليهما بيده». (۳) هرچند اگر تصحیح بر طبق گزارش هامش نسخه ظاهریه، از نسخه شیخ مجدالدین صورت می گرفت؛ این تغایر نیز از میان می‌رفت.

در ملحقات کتاب، ابن جماعه برای شناخت قبله سرزمین‌های گوناگون، دایره‌ای را از پدر خویش با این عبارت نقل می کند:

«هذه صفهٔ الكعبهٔ الشريفهٔ و ما يحتاج إلى معرفهٔ تصويره و بيان جهة المصلّين إليها من سائر الآفاق، نقلتها من خط والدى تغمّده اللّٰه برحمته و اسكنه بحبوحهٔ جنّته و قال إنّه كتبها فى شهر ربيع الآخر سنهٔ اثنين و ستين و ستمائهٔ». (۴) تصاویر این دایره در سه نسخه خطی را مصحّح محترم ضمیمه کتاب ساخته، که صورت نسخه کتابخانه ظاهریه در شکل صفحه بعد مشخص است.

فاسی اسامی سرزمین‌ها و جهتِ قبله آنها را در کتاب خود نقل کرده که ما تنها به مقدار مرتبط به بحث خود، اکتفا می کنیم:

ذكر بيان جهة المصلّين إلى الكعبة من سائر الآفاق و معرفة أدلّة لقبلة المشار إليها أخبرنى بذلك خالى قاضى الحرمين محبّ‌الدين النويرى سماعاً عن القاضى عزّالدين بن جماعة سماعاً إنّه نقل ذلك من خط والده فى الدائرة التى ذكر فيها صفة الكعبة و ما يحتاج إلى معرفة تصويره و إنّ والده قال إنّه كتبها فى شهر ربيع الآخر سنة اثنتين و ستين و ستمائه قال: جهة القبلة لأهل البصرة و ... و

۱- همان، ج ۳، صص ۱۳۳۵- ۱۳۳۴

۲- درحاشیه کتاب‌آمده‌است: «كذا فى نسخة اخرى. وفى نسخةالشيخ مجدالدين: والغربى. هامش ظ.»

۳- عز الدین بن جماعه کنانی، هدایهٔ السالک، ج ۲، صص ۸۲۹- ۸۲۸

۴- همان، ج ۳، ص ۱۴۳۳

ص: ۹۱

نقشه از کتاب هدایة السالک إلی المذاهب الأربعة فی المناسک

ص: ۹۲

ما علی سمت ذلک و هو من باب الکعبهٔ إلی الحجر الأسود ... و جههٔ القبلهٔ الکوفهٔ و ... و ما کان علی سمت ذلک ما بین مصلّی آدم إلی قرب باب الکعبهٔ ...

وجههٔ القبلهٔ لأهل الرها و ... و ما کان علی سمت ذلک إلی القبلهٔ یستقبلون من الرکن الشامی إلی مصلّی آدم ... و جههٔ القبلهٔ لأهل الشام کلّهم إلّا ما ذکر عن الیمین و دمشق فی هذا القسم و هی حمص و ... ما بین المیزاب و الرکن الشامی، موقفهم موقف أهل المدینهٔ و دمشق کما تقدّم لکنّهم یتیاسرون شیئاً کثیراً و الجههٔ شاملهٔ للجمیع إن شاء اللّه تعالی و جههٔ القبلهٔ لأهل جانب الشام الغربی، و ... و ما ولّی ذلک من السواحل علی سمتهم و هی من قبیل میزاب الکعبهٔ إلی دون الرکن الغربی ...». (۱) پدر قاضی ابن جماعه، قبله بلاد مختلف را به این ترتیب نقل می‌کند:

- از حجر الأسود تا در کعبه
- از در کعبه تا مصلّای آدم علیه السلام
- از مصلّای آدم علیه السلام تا رکن شامی
- از رکن شامی تا ناودان
- از ناودان تا رکن غربی و ...

بر اساس نظم مذکور، او به روشنی رکن شامی را دومین رکن طواف می‌داند و گوشه سوم کعبه را رکن غربی می‌نامد.

پی‌نوشت‌ها

۱- محمد بن احمد فاسی مکّی، شفاء الغرام، تصحیح مصطفی محمد الذهبی و ایمن فؤاد سید، دو جلد، چاپ دوم، النهضهٔ الحدیثه، مکه، ۱۹۹۹ م، ج ۱، صص ۲۵۱- ۲۵۰

ص: ۹۳

ص: ۹۴

ص: ۹۵

حج در آیینه ادب فارسی

ص: ۹۶

حج‌نامه انزاب

(مروری بر یک سفرنامه حج به زبان آذری)

جواد محدّثی

«حج‌نامه انزاب» سـفرنامه‌ای منظوم از شاعر معاصر، آقای غلامرضا انزابی‌پور، متخلّص به «انزاب» است، در ۱۴۹ صفحه جیبی، که از سوی انتشارات کتاب‌فروشـی ذاکر کریمی، در مراغه به چاپ رسـیده است. این کتاب، مقدّمه‌ای کوتاه از نویسنده و تقریظی به نظم از شاعر آذری زبان و نامـدار معاصـر، آقای کریمی مراغی دارد. تشـرف مؤلف به حـج، در سال ۱۳۹۹ ق. مقارن آغاز چهاردهمین قرن هجرت نبوی و اوّلین دوره حج پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

در مقـدمه آن آمـده است: «... این مجموعه را به خاطر آگاهی حجاج محترمی که ان‌شاءاللَّه در نظر دارند به زیارت حرم کبریایی و خانه خـدا مشـرّف شوند، نگاشـتم که قبل از عزیمت به کلّیه اعمال و مناسک حج، شـخصاً آگاهی پیداکرده و در صورت لزوم، یاد بگیرند و نیازی به مطوّف و پیشنماز، یا نایب و غیره نداشته باشند.»

نگاهی گذرا به محتوای این سفرنامه و دیدگاه‌های لطیف شاعر، می‌تواند مفید باشد.

ص: ۹۷

در آغـاز، حمـد و ثنای الهی و بیان نعمت‌های پروردگار در جهان هستی و هـدف بعثت نبوی و سرّ ولایت و جریان حق و باطل در معارف کربلا و آثار اجتماعی آن حماسه در پر آوازه ساختن شیعه و رسواسازی شیاطین می‌پردازد:

وحدتی عاجز ایده قدرت لری ماتْ قُویا همّتی ملّت لَری

دنیا دا وحدت عَلَمین ساچدیرا خلقه سعادت قاپُوسین آچدیرا

سپس با عنوان «آغاز مطلب»، اشاره به توفیق الهی و قسمت شدن زیارت خانه خدا و لبیک گویی به دعوت ابراهیم خلیل و به نوعی اشاره به مناسک حج و اعمال این سفر آمده است:

چشمه زمزم دَن آلوب دستَماز باشلیا سان پشت مقام دا نماز

هم حجر الأسودی با احترام بوس ایلیوب، یا ایدَه سَن استلام

ایلیه سن عمره نی اوّل ادا سعی صفا مروه نی اوندان صورا

سعی دَه یاده سالاسان هاجری «هروله» حالیندا او خوش منظری

تقصیر ایدیب، شکر ایده‌سن آلّاها زار و ملول اوز قُویاسان درگاها

از آن پس، اشـاراتی بـه اسـرار و آثـار اجتمـاعی حـج و نقش وحـدت‌آفرینی و کـبرزدایی و تقـویت مراتـب بنـدگی و رهـایی از وابستگی‌های مـادی و علقه‌هـای دنیوی آمـده است و این‌که حـاجی نبایـد خود را در مقابـل زرق و برق و جلوه‌هـای دنیایی ببازد و چرب و شیرین دنیا او را از هدف خلقت، که عبودیت است، غافل سازد (ص ۱۷):

دنیا مالین گُورْجاق ایتیرمز اوزین قورخُو قَباقیندا دگیشمز سوزین

ثروت و اموالینی چکمز گوزه پولدان اوتور «بعلی» دِمَز هر سوزه

هر پلووی یاغلیا اگمز باشین ساتماز اجانب‌لره دین قارداشین

پست و ریاست اونی ایتمز عوض منصف اولار، سوزلری اولماز عوض

و ... البته که نگـاه انتقادی و طنزآمیز وی در سـروده‌هایش، گزنـده و نیش‌دار است. گاهی هم از مرز متانت در تعبیر فراتر می‌رود و عباراتی دیده می‌شود که چندان درخور چنین سفرنامه‌ای نیست.

ص: ۹۸

آغاز سفرنامه، ورود به جده است و گرمای هوا، ازدحام و فشار جمعیت، معطّلی گمرک، و از همین‌جا گریز به مسأله تفرقه امت‌های مسلمان و سلطه یهود و حراج نفت و غارت بیگانگان و وابستگی سران و خواب و غفلت مردم سخن می گوید که شیرین است. باز هم بازگشت به منزلگاه جدّه و ناهار و میوه‌ها، قال و مقال سر سفره بر سر غذا و میوه و تنگیِ جا و خاموش و روشن بودن پنکه و انتقاد از اینکه توجه به خوردنی‌ها مانع توجه به معنویات و اهداف اصلیِ سفر شده است و مشکلات از این است که گویا همیشه گریبانگیر برخی کاروان‌ها و بعضی زائران بوده است.

در فصلی که با عنوان «حمله دار» آغاز می‌شود (ص ۳۱) به گله از وظیفه‌نشناسی مدیر کاروان و پولکی بودن او پرداخته و از رفتار نامناسب و بدون مراعات حاجیان شکوه کرده و از نداشتن صلاحیت لازم و پارتی بازی در آوردن آشپز و نظافتچی و خدمه و معاون و پزشک و ... می گوید و از پایین آمدن کیفیت غذا و پذیرایی در روزهای بعد نسبت به آغاز سفر. و باز هم قلم تند و طنز تلخ او گاهی «خطوط قرمز» در وادی قلم را پشت سر می گذارد. قلم انتقادی‌اش حتی سراغ روحانی کم کار و وظیفه‌نشناس کاروان هم می‌رود. البته در کنار آن، از حسن انجام وظیفه و آگاهی و تعهّد و آموزش احکام و مراقبت بر اعمال حاجیان و ... هم از سوی اغلب قریب به اتفاق روحانیون کاروان‌ها تقدیر و تمجید می کند (ص ۳۶):

مُلّا لارین بعضی سی انسان‌دیلار پیروِ حق صاحب ایمان‌دیلار

علم‌لَرین وقف ایلیوب امّتَه دوشمُویه تا خلقِ خدا ذلّتَه

اوزلرینه فرض بولور خدمتی تا که هدایت ایلیه امتی

بیلمیه‌نَه، مسأله‌سین آندیریر قانمیانی باشه سالیر، قاندیریر

حالنه واقف‌دی مسلمانلارین تکمیل ایدیر هر اوزه نقصانلارین

فکری بودور قالمیا نادان، حاجی گیتمیه آللّه یولونی قیقاجی

باشه سالیر مسأله‌سین بیر به بیر لازم اولان ایشلری بیر بیر دییر

چوخلاری وار دور که کمال اهلی‌دی بعضی‌سی افسوس که مال اهلی‌دی

نقد عملکرد حاجی‌ها نیز، که برخی بدون درک فلسفه این سفر و اسرار عظیم حج، دائم به خوردن و خوابیدن و پول شمردن و حرص مال و اثاث داشتن و ... می‌پردازند، از محورهای دیگر این سفرنامه است (ص ۴۱)

گویا گلوب دور اوزین اویناتماقا فکرینی ویرمیشدی فقط یاتماقا

بیز دانیشیردیق، او یاتیردی مُدام خوش گونی ایتمشدی بیزه لاپ حرام

حاسد و بد کیش و عبوس و خسیس تنگ‌نظر، موذی و کرداری پیس

ایۆدن اپاقین ایشیگه قویمادی یاتدی نقدری یُوخُودان دویمادی

پنکه نی آچدیق، او دوروب باغلادی اوتدی، یِدی، ایچدی، بوغون یاغلادی

یاتدی اتاقدا گهی، گَه حال دَه ایتدی معذّب بیزی هر حال ده

در تشریح تشرف به حرم و زیارت با معرفت و ادب و درخواست حاجت‌ها از خدای متعال در کنار ضریح نبوی و کنار منبر پیامبرخدا صلی الله علیه و آله و یاد کردن از رفقای بدرقه و ملتمسین دعا، چنین می‌سراید (ص ۴۵):

جانب منبر ده دوروب دِلده آه غصه لی قلبیله دیدیم، ای الاه

بو قلیل اعمالی به حقّ رسول بیزدن ایله اوز کَرَمینلن قبول

ایلیه هدایت بیزه ایت مرحمت تا سنی تاپماقدا تاپاق معرفت

ایله حقیقتلَه بِزی آشنا سالما بیزی کبر و هوس دامنا

ص: ۹۹

ص: ۱۰۰

شیطانی بیزدن اوزاق ایت یا کریم انَّکَ غَفّار، و أَنْتَ الرَّحیم

عفو ایله گر ایلَمِیشوخ معصیت قدرت خدمت بیزه ایت مرحمت

ملت اسلامی ایلَه سرفراز لطفیله ایت «رهبر» ین عمرین دراز

دشمن اسلامی ایله مضمحل کافره یول ویرمه بیزه تاپسون ال

کبر و نفاقی آرامیزدان آپار ملته ویر صبر و ثبات و قرار

بیزلره ویر سیرت آزادگی ایلمیاخ غیرِ سَنَه، بندگی

ایندی‌کی ایراندا اولوب انقلاب کاخ ستم پایه دَن اولموش خراب

خانه طاغوتی ییخوب دست عدل دولت اسلامی ایدیب حق، بَذل

قصر ستم خاکیله یکسان اولوب عالَمه اسلام نمایان اولوب

ویر بیزه توفیق که وحدت تاپاق دشمنه بو عرصه ده نصرت تاپاق

فتنه‌نی ایراندان ایله ریشه‌کَن تا تاپا آسایش و راحت، وطن

که بُعد سیاسیِ نیازها و حاجت‌های اجتماعی و دعا به رهبر و دفع شرّ دشمنان سلطه‌جو و آزادی امت‌های مسلمان از بردگی جباران، در مضامین آن نهفته است.

ترسیمِ قبرستان بقیع، اشکٔ‌ها و ناله‌های شیعیان و اذن دخول برای ورود به آن بقعه منور و زیارت قبور بی‌سایه‌بان و غم‌های بزرگ شیعه و جفای مخالفان در حق اهل‌بیت و زیارت مشتاقان از پشت نرده‌ها و یادی از قبور امامان معصومِ آن مدفنِ غریب و عباس عموی پیامبر و فاطمه بنت اسد و امّ‌البنین، دختران پیامبر و عمه‌های حضرت رسول و یادی از مزار امام غریب در خراسان و اشاره به این‌که غریب واقعی این عزیزانند، از نکته‌های دیگر این اثر منظوم است، (ص ۵۴):

او عظمت صاحبینه ای عجیب بی‌سبب ایراندا دییولر غریب

اصل غریب ایستو یه سیز، اوردا دی اولدوغی توپراقدا چکیلمیر آدی

شهر مدینه آرا غربتده دی گیت گَلی یوخ، گوشه عُزلت دَه دی

نه واریدی قبّه سی، نه بارگاه نه ویریلور گلدیغی زوّاره راه

آنگاه از آثار با عظمت یثرب می‌گوید، که هر کدام یادگار و نشانه حادثه‌ای و خاطره‌ای است؛ از مسجد قبا، مسجد سلمان، مسجد فاطمه، مسجد علی، مساجد سَبعه، ذو قبلتین،

ص: ۱۰۱

بیت‌الأحزان، کوی بنی‌هاشم، مسجد غَمامه، مسجد مباهله و ... و هنگام یاد از احد و شهدای آن نبردِ بزرگ و شهادت حمزه و ترک آن تپه حساس و شکست مسلمانان به خاطر نافرمانی، گریزی به مسأله «حفظ سنگر وحدت» زده و با عبرت‌گیری از آن حادثه در جنگ احد، حساسیت وضع مسلمانان و توطئه‌های دشمنان و منافقان را یاد می‌کند و چنین می‌سراید (ص ۵۹):

ایمدی بو ایّام دَه اول صحنه‌لَر مدّ نظردَه اولُوری جلوه‌گر

دور و بَری خیل منافق آلوب امت اسلام کمک سیز قالوب

بیر پارا اسلام نمای دَغَل آتش فتنه ایلوری مشتعل

پس از سپری شدن ایّام مدینه، عزیمت به مکه و احرام در مسجد شجره و حرکت به سوی مکه و پذیرایی در میان راه و بالاخره رسیدن به آن شهر مقدس و ترسیم نگاه اول زائران به کعبه و اشک‌هایی که جاری می‌شود، از صحنه‌های شورانگیز این اثر است (ص ۶۶):

اولدی نمایان حَرمِ کبریا کعبه مقصود و حریم خدا

گورسَنوب اولْ لحظه دَه کوی وصال اوز ویروب عُشّاقه او دَم اوزگَه حال

شوقه گَلوب ذکر جلی باشلادیخ شکر حقِ لَمْ یَزلی باشلادیخ

تلبیه تکرار اولوب یکسره نعره تکبیر گِدوب گُویْلَرَه

گورجاق او احوالی ایدیب خلق ذوق توکْدُولَه رُخساره تمام اشگ شوق

پس از ساعتی بـه هتل محل اقامت می‌رسند. با طبیعی‌ترین وصف، صحنه پیاده کردنِ بارها و چمدان‌ها و شلوغی آسان‌بر (آسانسور)، عرق‌ریزانِ تلاش، مسائل کرایه کردن ماشین برای رفت و آمد به حرم و قول و قرارها و وعده‌های عمل نشده و ریال‌هایی که به عنوان کرایه داده شد و ... بالاخره عزیمت به حرم برای انجام اعمال عمره مفرده، در این اشعار دیده می‌شود. نمازهای پرشکوه، صف‌های دایره‌وار نماز جماعت، برابری شاه و گدا در پیشگاه خدا و راهپیمایی عظیم و پنجاه هزار نفری ایرانیان به سوی مسجد الحرام در ۵ ذی‌حجه در برابر چشمان مأمورین سعودی و زوار کشورهای دیگر، که همه نشان دهنده وحدت و انسجام ملت و مدیریت شایسته زائران و تبعیت کامل از رهبری است، از جلوه‌های دیگر این سفرنامه

ص: ۱۰۲

منظوم است. در این مورد چنین می‌سراید (ص ۸۷):

ویردی نشان عالَمه ایرانلی‌لار جامعه‌دَه یک دِل و یک جانلی‌لار

مرد و زن و پیر و جوان، یکسره جمله‌سی همبسته‌دی بیر رهبَرَه

قدرت ملت که بو شدّت دَه دور عامل و انگیزه‌سی وحدت دَه دور

گورمه‌لی اولموشدی اوگون اول محل دور دی تماشایه تمامِ ملل

باری باخان اوردا بو سنخیّتَه آفرین ایلوردی بیزیم ملَّتَه

کم کم فصل عزیمت به عرفات فرا می‌رسد و زائران به آن سرزمین مقدس و عرفانی می‌روند. ترسیم عرفات و دعای عرفه، حرکت به سوی مشعر، شب بـا معنویت مزدلفه، جمع کردن ریگ‌هـا برای رمی جمرات و ... البته وضع نامنـاسب بهـداشتی و نظـافت در آن شب پر ازدحام و عدم امکانات دستشویی و کمبود آب و ... بحق، شاعر را به ستوه آورده و زبانش را به گِله گشوده است.

آنگاه حرکت پیاده در صـبح روز دهم از مشـعر به سوی منا، خسـتگی گرما، سـرگردانی در آن صـحرا برای یافتن چادرهای کاروانِ خود، تشـنگیِ مردم، کمبود آب و یـخ، گم‌شـدنِ افراد زیـادی از کـاروان و بـاقی مانـدن فقـط ده- پانزده نفر از افراد کاروان، همراه روحانی، با زبانی فصیح ترسیم شده است (ص ۱۰۶):

عِدَّه میزه سالدیم او ساعت نظر گوردوم اولاردان قالیر اون بِش نفر

مابَقی یولّلاردا ایتیب بیر بَه بیر بَللی دگُل هاردا اولوب‌لار اسیر

بیر الِمیز دَه پتو، بیر الدَه ساک آز قالیر ایتسین بیزی گرما هلاک

و معاون راه می‌افتد تا چادر را پیدا کند و همه از گرما بی‌تاب می‌شوند و زمان می‌گذرد و فرصت‌ها می‌سوزد و بالأخره یافتن چادر و اسـتقرار در آن، سـپس تصمیم به رفتن برای رمی جمرات. ترسیم شاعر از رمی جمرات و دشواری سنگ زدن به شیطان بزرگ، با بیانی لطیف و اشاراتی زیبا به جلوه‌ها و رمزهای معنوی این مناسک این‌گونه ادامه می‌یابد (ص ۱۰۹):

یِدِّی داش آلدیم الَه بی وَسوسه غیضیله پرتاب ایلَدِیم ابلیسه

دیوِ هواییله جَدَل باشلادیم سنگ ملامتله اونی داشلادیم

ص: ۱۰۳

ازدیم او نوعیله هَوَس باشینی توکدوم اتَکْدَن یرَه غم داشینی

دیده امّاره‌نی کور ایلَدِیم قووْدُوم اوزِیمدَن اونی، دور ایلَدیم

ایلَه که پرتاب ایلَدیم داشلاری باشیما ییغدیم گَنَه یولْداشلاری

صویلَدِیم اولْدُوخ بو عَمل دَن رَها ایمدی گیداخ یاخچیدی قربانگاها

و عزم رفتن به قربانگاه و ذبح قربانی می‌کنند و دشواری‌های مسلخ پیش می‌آید. در اینجا شاعر به سازندگی‌های این رنج و مشقت و ثواب‌های اعمال دشوار حج و عهدی که با خدا می‌بندند و شرط عاشقی و مسأله بلا و ابتلا در وادی محبت اشاره می‌کند و چه زیبا می‌سراید (ص ۱۱۳):

عشق طریقیندَه هزاران هزار محنت و اندوه و غم و غصّه وار

عاشق اگر مایلِ هجران دگُل شربت وصل ایچماقی آسان دگُل

عشقدَه عاشق دِل و جانْدان کِچَر سهل‌ایدی جان، هر دو جهاندان کِچَر

گر دل عاشقدَه اولا عشق یار هیچزادی ایتمز اوزینه اختیار

عاشق او دور آتش عِشقَه یانا محنت هجرانی چکیب قاتدانا

جانِنَه هر درد و غَمی نوش ایدَه راحتِ ایّامی فراموش ایدَه

قلبینی اندوه و محن داغلیا غیرَه شکایت قاپوسین باغلیا

عشق یولوندا چکه مین جور جفا صبریدی عاشقده نشان وفا

اولمیا شالی غم ایامدَن اگمیه بِل، محنت و آلامدَن

عشق طریقینده که گوتدون قدم منتظر اول، رنج و غَمَه دم بدم

هر نه چیخور اوغرووا، باس باغریوا یاددان آپار هر زادی یاردان سوا

ناله و فریاد ایلَمَز عاشقان قلبیده فریادِنی ایلَر نهان

عشق طریقین کیم ایده اختیار اولمویا منظوری گَرَک جز نگار

معرکه عشقدَه فانی اولا اسمی آتا، محو معانی اولا

آلمویا منظوره اوز آسایشین خاطر معشوق ایده هر ایشین

اولماسا هر کیم بیله، عاشق دگُل مرحلهؤ عشقدَه صادق دگُل

اشاره به هدر رفتن گوشت‌های قربانی و افسوس و دریغ بر نبودن برنامه‌ای برای استفاده

ص: ۱۰۴

بهینه از این گوشت‌ها، آن هم در زمانی که این همه گرسنه و فقیر در جهان وجود دارد، از نکات دیگر است (ص ۱۲۱):

اولسا بو مورد دَه اگر قاعده خلق بو ایشدَن آپارا فایده

ایمدی بو دوراندا تاپیلمور غذا ات دَن اوتور خلق دوتوبدور عزا

بیر پارا بِرلَردَه قالوب خلق آج مین بو قدر ات لَرَه وار احتیاج

چوخلاری تاپمور سالا ات آشینا بوردا بیاباندا قالیب باشینا

شاعر از حلق موی سر در روز عید قربان، به عنوان نماد تسلیم و آمادگی برای سر باختن در راه جانان یاد می‌کند و این‌که برای عاشق، حتی جان هم مانع دیدار معشوق نیست (ص ۱۲۲):

الْده دوتوب هر حاجی بیر خود تراش نیّت تسلیمیله قیرخیر دِی باش

یعنی که عاشق، ره جانانیده سهلیدی باش وقف ایلویر، جانیده

عشق یولوندا سر و سامان نَدِی؟ عاشقه بو مرحله دَه جان نَدِی؟

ساحت عشق ایلَسَه گر اقتضا عاشق ایدَر جانینی آسان فدا

مرحله عشقه چاتان فانی دور عاشقی آواره قویان جانی دور

در رمی جمرات، اشاره به فلسفه این سه جمره می‌کند و چنین می‌سراید (ص ۱۲۴):

شرع بو اعمالی که قویموش قرار هر عملین اصل دَه بیر سرّی وار

اوچ یره داش وورماق اولوب شرط اگر هر بیرینین رمزی وار، ای با هنر

جنگ اوچ ابلیسله منظور دِی بو اوچی تزویر و زر و زوردِی

اوندا که حاجی گیریری میدانا اوّل ایدیر حمله بویوک شیطانا

چون یِکَه شیطان بد و نااهل دِی وقتی بویوک گیتدی، کیچیک سهل دِی

راحت ایدندن صورا افکاریوِی باشلا کیچیک خصمیله پیکاریوِی

خصم ضعیف اولدی، یوگور باش داشا خیردا بویوک، هر اوچی وور، قوی آشا

واجب اولوب یِدّی سی حتماً دَگَه تا کمرِ دشمنی بیر یول اگَه

قربانی را، رمزی از ذبح نفس اماره و دیو هوی و هوس می‌داند و به فایده فقرزدایی آن از محرومان و گرسنگان اشاره می‌کند و این‌که اگر درک این مفاهیم و فلسفه‌ها از اعمال حج نباشد، از سنگ روی سنگ انداختن، یا خوابیدن در صحرای مشعر چه فایده؟ (ص ۱۲۹):

هر عَمَلین فلسفه سی وار غرض تااولا ماهیت انسان عوض

گرنه قوری چولده گیجه یاتماقین یا داشی داش اوسته دوروب آتماقین

وجهی ندور، اولماسا خاصیتی؟ پس بولارین واردی یقین حکمتی

و این اشارات، یادآور شعرهای ناصر خسرو است و حدیث امام سجاد علیه السلام با شِبلی که رمزوار تک تک اعمال و مناسک را یاد آورد می‌شود.

سپس بازگشت به مکه و انجام بقیه اعمال است و بیرون آمدن کامل از احرام و محرّمات.

آنگاه انجام عمره مفرده در روزهای بعد، به نیت پدر و بقیه ایام تا پایان سفر. در پایان، دعاهای فراوان به درگاه خدای متعال و حاجت‌خواهی از آستان دوست؛ حاجت‌های مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، حتی خواستن گشایش و فرج برای جهان اسلام و

امت عرب و نابودی اسرائیل و ابرقدرت شرق و غرب و اکنون ابیاتی از این بخش پایانی (ص ۱۴۶):

محو ایله روسیه و آمریکانی غصب ایلیوب بو ایکی‌سی دنیانی

دولت اسرائیلی نابود ایله سلطه یولون اونالارا مسدود ایله

ملّت اعرابه ویر آزادگی ایتمیه بیگانه‌لَرَه بندگی

وحدت اسلام ده ایجاد ایله اونلاری جمعیته ارشاد ایله

حاکم اعرابی اویات خواب‌دَن اولمیا غافل غم اعراب‌دَن

سدّ ایله حکّامه خیانت یولون عاجز و بیچاره‌لَرین آچ قولون

وعده‌وَه ایت بار خدایا وفا ایت ضعفانی هم وغم دَن رها

ایله ایا صاحب عرش و تراب لطفله بو ادعیه‌نی مستجاب

ص: ۱۰۵

ص: ۱۰۶

حکایت دو بیت بر دیواره بیت النبی صلی الله علیه و آله

علی گودرزی

بر نیمه آشکار دو ستون از ستون‌های جانبِ قبله مسجد نبوی، دو بیت شعر نوشته شده که چون از نظر معنی و محتوی، زبان حال همه کسانی است که به جهت حرمت صاحب حرم از راه دور و نزدیک در آنجا گرد می‌آیند، قابل توجه است. گرچه سراینده آن ناشناخته و گمنام است ولی گویا چون زبان حال همه را گفته، گفتارش به سنگ ستون حرم نقش بسته است.

به هر حال، اگر سراینده را یک اعرابی بادیه‌نشینِ بی‌نام و نشان دانسته‌اند، داستانش آنچنان در کتب قوم مشهور و معروف گشته است که می‌تواند جبران آن بی‌نام و نشانی را بنماید و شهرت و کثرت نقل داستان به قدری زیاد است که در مرحله نخست، چنین به نظر می‌رسد که صفای باطن و صدق اعتقاد آن بادیه نشین، موجب جاودانه شدن شعر او گشته است. آن حکایت ابتدا از زبان چند نفر نقل شده که خود، شاهدانِ اوّلیه واقعه بوده‌اند وسپس در طول تاریخ نقل کتاب‌ها گشته، تا آنجا که بر ستون مسجد نبوی نیز نقش بسته است و چون جزئیات آن داستان متفاوت و شخصیت ناقلان مختلف می‌باشد، ابتدا لازم است نقل‌ها را یادآوری کنیم و سپس مسائل پیرامون آن را مورد بررسی قرار دهیم:

۱. عتبی؛ کهن‌ترین سند تاریخی که این داستان را از «عتبی» نقل می‌کند، «ماوردی» (متوفای ۵۴۵ ق.) است. ماوردی می‌نویسد: «عتبی» حکایت کرده که نزد قبر پیامبرخدا نشسته بودم، مردی اعرابی آمد و پیش رفت و

ص: ۱۰۷

سلام داد و نیک سلام و درود فرستاد، سپس (خطاب به قبر پیغمبر) گفت: در قرآن چنین یافته‌ام:

... وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً. (۱)

«هنگامی که مرتکب گناهی شدند، اگر نزد تو آمده، از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر بر ایشان آمرزش خواسته بود، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.»

اکنون به حضور شما رسیدم و از گناهانم توبه کردم و تو را شفیع نزد پروردگارم قرار دادم و سپس اشکی ریخت و چنین گفت:

یا خیر من دفنت بالقاع أعظمه فطاب من طیبهنّ القاع و الأکم

نفسی الفداء لقبر أنت ساکنه فیه العفاف و فیه الجود و الکرم

«ای بهترین کسی که استخوان‌هایش در زمین هموار دفن گشته و از بوی خوش آن دشت و دمن خوشبو شده است.

جانم فدای قبری که تو در آن آرمیده‌ای، که عفاف جود و کرم در آن است.»

۱- نساء: ۶۴

ص: ۱۰۸

و سپس سوار بر مرکب خود شد و بازگشت، «عتبی» می گوید: خوابی سبک مرا فرا گرفت و پیامبرخدا را دیدم که فرمود: ای عتبی، آن اعرابی را دریاب و به او بگو که خداوند او را آمرزید. (۱) ۲. داستان به‌گونه‌ای دیگر و با توضیحی بیشتر از محمدبن حرب هلالی نقل شده که گفته است: مردی اعرابی حج گزارد، چون (به مدینه آمد) به درِ مسجد رسید، افسار مرکب خود را بست و به مسجد رفت، روبه‌روی قبر پیامبر ایستاد و گفت: پیامبرخدا! پدر و مادرم فدای تو باد، با بار سنگین گناه آمده‌ام که تو را شفیع نزد پروردگارم قرار دهم، چون در قرآن آمده است:

... وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ .... (۲) «هنگامی که مرتکب گناهی شدند، اگر نزد تو آمده، از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر بر ایشان آمرزش خواسته بود، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.»

بر خویشتن ستم کردم، اکنون آمده‌ام. پدر و مادرم فدای تو گردند. با بار سنگین گناه آمده‌ام. نزد پروردگارت شفاعتم کن که گناهانم را ببخشد و بعد از آن، در حالی که در جمع مردمان گم شد، می گفت: «یا خیر من دفنت فی القاع أعظمه ...». (۳) ۳. برخی این واقعه را مشهور و معروف یافته‌اند و بی‌آن‌که از گوینده نخستینِ آن نامی ببرند، به عنوان ارسال مسلّمات شمرده و به نقل آن پرداخته‌اند. (۴) کثرت نقل این داستان و تمسّک به این آیه و ترنّم به این شعر، در دل و جان و اندیشه نسل‌های بعد، چنان تأثیری نهاد که به مرور و اندک اندک، در کتب ادعیه جا باز کرد و نویسندگان برای خوانندگان کتب خویش آن را به عنوان شیوه گفتگوی با پیامبر و آداب زیارت او معرفی کردند و از آن جمله گفته‌اند:

الف: چون به حرم پیامبر رسیدی روبه‌روی قبر پیامبر ایستاده و در حقّ خویش توسّل جسته، او را شفیع پروردگار خود قرار ده و از بهترین سخنانی که رسیده، آن است که «ماوردی» نقل کرده (۵) و سپس داستان را به عنوان الگوی ادب زیارت نقل کرده است.

ب: بهترین سخنی که زائر (قبر پیامبر) می‌تواند بگوید، این است که: «یا خیر من دفنت فی القاع أعظمه ...». (۶)

۱- ابو الحسن علی‌بن محمدبن حبیب البصری البغدادی الماوردی، احکام السلطانیه، چاپ تهران، مکتب الاعلام السلامی، صص ۱۹۱- ۱۹۰

النووی ۶۷۶، الاذکار، چاپ بیروت، دار احیا التراث، صص ۱۷۶- ۱۷۵

ابن کثیر- ۷۷۴، تفسیر قرآن العظیم، چاپ بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۲۲

النووی ۶۷۶، المجموع فی شرح المهذب، لبنان، بیروت، دار الفکر، ج ۸، ص ۲۷۴

ابن قدامه ۶۲۰، المغنی، لبنان، بیروت، دار الکتاب العربی، ج ۲، ص ۵۹۰

عبد الرحمان بن قدامه ۶۸۲، الشرح الکبیر، بیروت دار الکتاب العربی، ج ۲، ص ۴۹۴

البهوتی ۱۰۵۱، کشاف القناع، بنان، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۲، ص ۶۰۱

۲- نساء: ۶۴

۳- جلال الدین السیوطی، الدار المنثور، بیروت، دار المعرفه، چاپ ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲۸

۴- النووی، المجموع فی شرح المهذّب، همان مدرک.

محمد الشربینی الخطیب م ۹۷۷، مغنی المحتاج، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۱۲

۵- النووی، همان مدرک.

۶- محمد الشربینی الخطیب، همان مدرک.

ص: ۱۰۹

ج: برخی اصـل داسـتان را به عنوان یک ادب مسـلّم و قطعی در زیارت پیامبر نقل کردهانـد. (۱) داسـتانی از زبان امیر المؤمنین علی علیه السلام

علی علیه السـلام فرمود: سه روز از دفن پیامبر صلی الله علیه و آله نگذشته بود که عربی بادیه نشین آمد و خود را به قبر پیامبر افکند و از خـاک آن بر سـر می‌ریخـت و می‌گفـت: ای پیامبرخـدا، گفته‌هـای تـو را گـوش کردم. شـما سـخن خـدا را حفـظ کردیـد و ما گفته‌های تو را پاس داشتیم؛ از جمله آیاتی که بر تو نازل شده، این بود:

... وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ ....

«بر خویشـتن سـتم کردم و اکنون نزد تو آمده‌ام تا برایم طلب بخشش کنی، از قبر ندا آمد که بخشیده شدی.» (۲) و در گفتار منقول از علی علیه السـلام، سـخنی از آن دو بیت شـعر نیست و هم‌چنین سـخنی از خواب دیدن پیامبرخدا به میان نیامده، بلکه ندایی از قبر بیرون آمد که آمرزیده شده است.

حقیقت داستان چیست؟

از این جهت که اهـل تسـنن خود را از ثقـل اصـغر دین و نیمه مکمّـِل آن؛ یعنی ولاـی اهل‌بیت پیامبر محروم کرده‌انـد، از منابع مهم معرفت‌شناسی و دریای معارف امامان معصوم، محروم شده‌اند.

آنچه قابـل توجه و دقت است، این است که بایـد دانسـته شود که آیـا یـک واقعه رخ داده و هر سه نفر شاهـد آن بوده‌انـد و هریک جـداگانه به آن پرداخته‌اند؟ یا سه واقعه جداگانه بوده و برای هریک از آنان، به‌طور جداگانه رخ داده و هرکدام مشاهده خویش را چنانکه رخ داده، نقل کرده است؟ ولی از آنجاکه هر سه ناقل معاصـِر هم نبوده‌اند، نمی‌تواند یک واقعه باشد که همه آنها شاهد آن باشند؛ زیرا علی علیه السلام در سال ۴۰ ه. ق. به شهادت رسیده (۳) و عتبی در سال ۲۲۸ فوت کرده است. (۴)

۱- الرمیاطی، همان مدرک.

۲- المتقی الهندی، کنز العمال، لبنان، بیروت، مؤسسهٔ الرساله، ج ۱۴، ص

الصالحی الشامی، سبل الهدی فی سیرهٔ خیر العباد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۱۲، ص ۲۸۲۲۶۰

۳- محمدبن خاوند شاه، روضهٔ الصفا، چاپ تهران، انتشارات علمی، ص ۳۱۷

۴- ابن کثیر، تفسیر کبیر، بیروت، دارالمعرفه، ج ۱، ص ۵۲۲

ص: ۱۱۰

محمدبن حرب هلالی را نیز از شاگردان امام صادق علیه السلام دانسته‌اند (۱) و او را از اصحاب آن حضرت در علم رجال شمرده‌اند، معلوم است که امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ وفات یافت، (۲) پس ناگزیر باید گفت حوادث متعدّدی رخ داده است؛ چنانکه برخی از اهل تحقیق هنگام نقل داستان منقول از علی علیه السلام گفته‌اند: و این داستان، غیر از داستان «عتبی» است در توسّل بر پیامبر که قصه آن در نهایتِ شهرت است. (۳) عتبی کیست؟

نام او «محمد»، پدرش عبیداللَّه، کنیه‌اش «ابو عبد الرحمان» و «اموی» است. او معروف به «عتبی» منسوب به جدش «عتیبهٔ بن ابی سفیان» است. بیشتر کارش نقل تاریخ بوده و اخبار را بیشتر از بنی‌امیّه نقل کرده است و تاریخ و ایام و جنگ‌های آنان را گزارش می‌داده است. (۴) او شاعر بود و در مورد جدش «عتبه» شعر می‌گفت. به بغداد رفته، حدیث نقل می‌کرد و حدیث فرا می‌گرفت و شهرت به شراب‌خواری داشته است. (۵) و به جهت ادیب بودنش، او را از مردمان بلیغ دانسته‌اند و نیز کاتب و دیواندار خلیفه مخلوع- المقتدر باللَّه عباسی- شمرده‌اند. (۶) آیا عتبی که از نوادگان ابو سفیان است و تمام همت خود را مصروف نقل تاریخ آنان کرده و شعرش را در استخدام توصیف جدش عتبه قرار داده که دشمن سر سخت پیامبر و خاندان او بوده است، می‌توان چنین حالتی روحانی توقّع داشت که پیامبر را در خواب ببیند و پیام‌رسان او به اعرابی باشد؟!

فقر منابع دینی و نیاز معنوی:

از آنجاکه بشر برای تأمین نیازهای معنویِ خویش ناگزیر از توجه به اماکن مقدس و زمان‌های ارزشمند و شخصیت‌های بزرگوار و مکرّم است و خویشتن را در ساحت آن اماکن و ازمنه و بزرگان قرار می‌دهد تا بدان‌وسیله تقرّب به حق پیدا کند، حضور پیدا کردن در آن ساحت مقدس، یک نیاز است و طریقه مناسب گفتگو و راز و نیاز و بیان خواسته‌ها، نیازی دیگر است و اگر ادب مناسب را نداشته باشد، گاهی نقض غرض و خلاف هدف و مقصد پیش می‌آید و از این جهت که اهل تسنن خود را از ثقل اصغر دین و نیمه مکمّل آن؛ یعنی ولای اهل‌بیت پیامبر محروم کرده‌اند، از منابع مهم معرفت‌شناسی و دریای معارف امامان

۱- ابن داود، رجال، تهران، دانشگاه تهران، ص ۳۰۳

اردبیلی، جامع الرواهٔ، چاپ قم، منشورات مکتبهٔ آیت اللَّه العظمی النجفی المرعشی، ج ۲، ص ۸۸

۲- محمد بن خاوند شاه، همان مدرک.

۳- الحصنی الدمشقی، دفع الشبهه عن الرسول و الرساله، قاهره، دار احیاء الکتب العربی، ص ۸۲۹

۴- حاج شیخ عباس قمی، الکنی و الألقاب، چاپ تهران، مکتبه صدر، ج ۲، ص ۴۶۴، نقل ازابن خلکان.

۵- ابن قتیبه، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، چاپ قم، منشورات شریف رضی، ص ۵۳۸

۶- ابن ندیم، الفهرست، ترجمه تجدد، چاپ تهران بانک بازرگانی، ص ۲۰۷

ص: ۱۱۱

معصوم محروم شده‌اند، چون از جهان عرفان آنان برکنارند، لذا برای مناجات با خدا یا زیارت پیامبرخدا دستی خالی دارند و نمی‌دانند چه بگویند و چگونه خواسته‌های خود را بیان کنند، دردهای خویش را با چه زبانی بازگو نمایند، محبت و عشق خود را با چه کلماتی اظهار کنند، چون هیچ منبع موثقی ندارند، ناچار دست به دامن «عتبی» می‌زنند و کتاب‌های دانشمندان نیز گفته او را یادآوری می‌کنند. آری، آن نیاز معنوی و این فقر منابع، کار را به آنجا می‌کشاند که سخن و شعر یک شرابخوار ورد زبان مسلمانان شود و شعرش بر ستون دیوار حرم پیامبر نقش بندد. بنابراین، عتبیِ شرابخوار نمی‌تواند چنین حال روحانی پیدا کند که چنان واقعه معنوی برای او رخ دهد و پیام‌رسان پیامبر به اعرابی و در نتیجه بر همه مسلمانان باشد، بلکه شاید این واقعه را از زبان علی علیه السلام خوانده است و چون ادیب و شاعر بوده، شعری نیز برای آن سروده است.

نتیجه:

اگرچه حکایتی که در کتب قوم، از علی علیه السلام نقل شده، در منابع شیعه نیامده است، لیکن صحّت آن بعید نیست؛ زیرا مضمون آن نه تنها مورد انکار شیعه نیست بلکه مورد تأیید نیز می‌باشد و لذا علما و دانشمندان شیعه در مورد مسأله جواز زیارت قبر پیامبر، آن را به عنوان تأیید از کتب اهل تسنن ذکر کرده‌اند که چون این واقعه در حضور علی علیه السلام رخ داده (۱) و خود آن حضرت ناقل آن می‌باشد، نوعی تقریر بر جواز زیارت است و دیگری نیز آن را یکی از بیست دلیل بر جواز زیارت قبر پیامبر دانسته، که کتب اهل سنت به هشت طریق آن را ذکر کرده‌اند. (۲) پی‌نوشت‌ها

۱- السید ابو القاسم الخوئی، البیان، عراق، مطبعه آداب النجف الأشرف، ص ۵۹۹

۲- الأمینی، الغدیر، تهران، مکتبهٔ الامام امیر المؤمنین، ج ۵، ص ۱۴۸

ص: ۱۱۲

ص: ۱۱۳

جاریهای حج

ص: ۱۱۴

گزارش نهایی

نظرسنجی از زائران و مدیران کاروان‌های حج تمتع

مقدمه

برنامه‌ریزی و ارائه خدمت به زائران، بزرگترین وظیفه سازمان حج و زیارت است و برای رسیدن به این هدف، دستگاه‌های متعدد و افراد زیادی، دست‌اندرکار ارائه خدمات گوناگون می‌باشند. از این رو، ضروری است، این سازمان نتیجه عملکرد خود و سایر دست‌اندرکاران را که در رضایت زائران تبلور می‌یابد، مورد سنجش قرار دهد و از نقاط ضعف و قوّت هریک از زیر مجموعه فوق آگاهی پیدا کند.

با توجه به ضرورت پیش گفته، سازمان حج و زیارت تصمیم گرفت در مرحله نخست، میزان رضایت حجّ تمتّع سال ۱۳۸۳ را، در سطوح جغرافیایی استان مورد بررسی و سنجش قرار دهد و در همین راستا عوامل مؤثر بر افزایش رضایت استفاده کنندگان از خدمات سازمان و به تبع آن، توسعه کمّی و کیفی خدمات سازمان، شناسایی و تحلیل شود. در واقع نتایج حاصل از اجرای این طرح، امکانات و ابزار لازم را برای مسؤولان سازمان‌ها و نهادها و افراد دست‌اندرکار فراهم خواهد کرد تا با

ص: ۱۱۵

آگاهی از نظریات زائران و مدیران کاروان‌ها، به تحلیل مستندی از عملکرد خود دست یابند.

۱. جامعه آماری

جامعه آماریِ این پژوهش را ۵۱۴ نفر مدیر کاروان و ۸۸۴۳۹ نفر زائر حج تمتع، بر اساس چارچوب موجود در سازمان حج و زیارت تشکیل می‌دهد.

۲. روش پژوهش

این پژوهش، با مراجعه مستقیم به زائر و مدیر کاروان و مصاحبه و تکمیل فرم نظرسنجی انجام گرفت. از آنجاکه سنجش خدمات ارائه شده توسط سازمان حج و زیارت و دست‌اندرکاران دیگر، هدف اصلیِ پژوهش بود، لذا بخشی از مصاحبه لازم بود بعد از انجام فعالیت‌ها صورت گیرد.

بنابراین، از دو روش به شرح زیر استفاده شد:

الف: پرسشنامه‌ها در اختیار زائران نمونه کاروان‌ها در عربستان و هنگام دریافت خدمات، قرارگرفت وپس‌ازتکمیل توسط زائران جمع‌آوری شد.

ب: گروه پژوهشگر، در ۱۵ فرودگاه محلّ مراجعت حجاج، مستقر شدند و با زائران نمونه در تمام کاروان‌ها مصاحبه حضوری کردند و پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند.

کلیه پرسشنامه‌های تکمیل شده در مرحله پیش‌گفته، توسط افراد بازبینی، مورد بررسی و کنترل قرارگرفت وپس از رفع اشکالات احتمالی، در قالب جداول خروجی، نتایج و یافته‌های طرح استخراج گردید. لازم به توضیح است که پاسخ‌های کمّیِ نظرسنجی، با استخراج توسط کامپیوتر و پاسخ‌های کیفی و به‌خصوص اظهار نظر مدیران و زائران کاروان‌ها، به وسیله کارشناسان و به‌صورت دستی استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شد.

ص: ۱۱۶

۳- شرح مراحل و خدمات

مجموعه فعالیت‌های انجام گرفته در طرح نظرسنجی از زائران، به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۳- ۱- بررسی سوابق و مستندات

بررسی فرآیندهای اعزام حجاج و دیگر اطلاعات از سازمان.

بررسی اطلاعات مربوط به جامعه آماری و توزیع آن.

۳- ۲- طرّاحی

بررسی و تهیّه پرسش‌نامه‌های مرحله اول و دوم.

حروف‌چینی و تدوین پرسش‌نامه.

تهیّه دستور العمل تکمیل پرسش‌نامه‌ها.

تهیه دستور العمل بازبینی پرسش‌نامه‌ها.

تایپ و تدوین دستور العمل‌های تکمیل پرسش‌نامه و بازبینی.

محاسبه تعداد نمونه و توزیع آن

تعیین روش انتخاب نمونه‌ها.

کسب اطلاعات مورد نیاز از جوامع خاص (کاروان‌های خاص).

تعیین تعداد و روش نمونه‌گیری از جوامع خاص.

تهیه دستورالعمل انتخاب نمونه در هر کاروان.

تهیه دستورالعمل انتخاب نمونه در کاروان‌های خاص.

تهیه سازمان اجرایی.

تعیین تعداد پرسشگر در هر فرودگاه.

تهیه دستورالعمل اجرایی و فرم‌های مورد نیاز.

انتخاب مسؤول اجرای طرح.

انتخاب مجریان طرح در ۱۵ استان.

ص: ۱۱۷

چاپ پرسش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها.

هماهنگی با سازمان حج و زیارت برای اعزام مجری طرح از گروه کارشناسان ایران به مکه و مدینه.

توجیه مجریان با چگونگی انجام کار

انتخاب و آموزش پرسش‌گران توسط مجریان.

ارسال مدارک مورد نیاز به مجریان.

۳- ۳- سازماندهی اجرای طرح

تهیه نامه برای مدیران کاروان‌ها، برای همکاری در عربستان و فرودگاه‌های ایران.

هماهنگی با مسؤولان فرودگاه‌ها برای حضور پرسش‌گران.

هماهنگی با نیروی انتظامی فرودگاه برای آگاهی از اجرای طرح.

برگزاری جلسه توجیهی با ناظران حج و زیارت.

آموزش توجیهی مدیران عملیاتی حج در مکه و مدینه برای همکاری در اجرای طرح.

عملیات میدانی (مصاحبه، تکمیل پرسش‌نامه‌ها، جمع‌آوری اطلاعات).

انجام بازبینی پرسش‌نامه‌های تکمیل شده.

تعیین روش استخراج و مسؤول استخراج.

تهیه نرم‌افزارهای مورد نیاز برای استخراج.

جمع آوری، کنترل و تحویل پرسش‌نامه‌ها برای استخراج.

انجام رمز (کد) گذاری و داده‌آمایی.

استخراج نتایج.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها.

تهیه گزارش نهایی در سه مرحله (گزارش مدیران حج، گزارش زائران، گزارش کاربردی و مدیریتی).

مستندسازی مجموعه مدارک طرح

ص: ۱۱۸

نتایج طرح

در مجموع، با ۶۱۵۵ زائر نمونه مصاحبه شد و پرسش‌نامه ویژه مدیران در اختیار تمام مدیران کاروان‌ها (به صورت تمام شماری) قرار گرفت.

خلاصه نتایج طرح در کمتر از یک ماه، استخراج و در اختیار مسؤولان سازمان حج و زیارت گذاشته شد. نتایج تفصیلی در دو جلد ویژه دیدگاه زائران و مدیران پس از گذشت حدود ۲ ماه از اجرای طرح، آماده و تحویل سازمان گردید.

مجموعه حاضر، خلاصه‌ای است از نتایج تفصیلی، به انضمام نظریات ارائه شده در سؤالات باز و یا پیشنهادهای ارائه شده در پیوست‌های پرسش‌نامه‌ها.

امید است نتایج به‌دست آمده، زمینه مناسبی برای برنامه‌ریزی و ارتقای کیفیت خدمات به حجاج محترم را فراهم سازد.

در پایان گزارش نهایی حاضر، ضمن سپاسگزاری از خداوند متعال به دلیل توفیق انجام خدمات مطالعاتی حاضر، از همه مسؤولان، مدیران و کارشناسانی که در مراحل مختلف اجرای طرح گروه تحقیق را یاری نموده‌اند و به‌ویژه جناب آقای رضوی و جناب آقای نصیری تشکر و قدردانی نموده و توفیق بیشتر آنان را در ارائه خدمات به زائران خانه خدا از خداوند متعال خواستاریم. گروه تحقیق/ خرداد ماه ۱۳۸۴

۱- ویژگی‌های عمومی جامعه مورد بررسی

از مجموع زائران نمونه، که به پرسش‌های نظرسنجی پاسخ داده‌اند، بیشترین تعداد در گروه سنّی ۴۰ تا ۵۰ ساله با ۴/ ۳۸٪ و گروه‌های سنی ۵۰ تا ۶۰ ساله با ۷/ ۲۴٪ قرار دارند.

۲/ ۶۹٪ پاسخگویان را مردان و بقیه را خانم‌ها تشکیل داده‌اند. نزدیک به ۷۰٪ مصاحبه‌شوندگان، افراد شاغل و نزدیک به ۱۷٪ خانه‌دار بوده‌اند.

ص: ۱۱۹

تعداد بازنشسته‌ها نزدیک به ۱۱٪ زائران را تشکیل می‌دهد که نشان دهنده توجه خاص این طبقه به زیارت خانه خدا می‌باشد. اکثریت نسبی زائران (۶۴) از طبقه متوسط جامعه؛ یعنی دارندگان درآمد سالانه میان ۱۵ تا ۵۰ میلیون ریال می‌باشند. سهم گروه‌های کم درآمد (کمتر از ۱۵ میلیون ریال در سال) نزدیک به ۱۹٪ و گروه‌های پر درآمد (بیش از ۱۰۰ میلیون ریال در سال) حدود ۸٪ می‌باشد.

از زائران حج تمتع سال ۸۳ حدود ۶۷٪ کسانی بوده‌اند که برای نخستین بار مشرّف شده‌اند. بیش از ۳۱٪ این افراد، گفته‌اند بیش از ۱۰ سال بوده که آرزوی تشرّف داشته‌اند و ۶۶٪ آن‌ها نیز میان ۳ تا ۱۰ سال در آرزوی تشرّف به‌سر برده‌اند. از کسانی که بیش از یک بار مشرف شده‌اند، ۳۲٪ را زائرانی تشکیل می‌دهند که بیش از ۲ بار مشرّف شده‌اند.

اکثریت زائرانی که همراه داشته‌اند، کسانی هستند که با همسر خود اقدام به سفر کرده‌اند.

این گروه، بیش از ۸۶٪ زائران، دارای همراه را تشکیل می‌دهند.

بر اساس نتایج نظرسنجی، میانگین هزینه‌های مستقیمِ یک نفر زائر حج تمتّع (غیر از هزینه ثبت نام) و نیز بدون احتساب هزینه‌های اطرافیان؛ مانند قربانی هنگام ورود و یا میهمانی و یا خرید چشم‌روشنی اطرافیان، برابر ۷/ ۲۷ میلیون ریال بوده است که برای کل زائران حدود ۲۴۵۰ میلیارد ریال برآورد می‌شود.

ص: ۱۲۰

میانگین هزینه‌های یک زائر در حج تمتع سال ۱۳۸۳ (میلیون ریال)

شرح‌جمع‌هزینه قبل از سفرهزینه بعد از سفرهزینه خریددیگرهزینه‌ها

میانگین هزینه یک زائر ۷/ ۵۲۷/ ۶۳/ ۹۹/ ۷۱۰/ ۳

در صد ۰/ ۶۱۰۰/ ۷۱۲/ ۴۳۴/ ۳۳۹/ ۱۳

از این مبلغ، حدود ۹۶۴ میلیارد ریال مربوط به خرید سوغاتی در عربستان می‌باشد.

همانطور که ملاحظه می‌شود، هزینه‌های خرید و سوغاتی، سهم قابل توجهی از متوسط هزینه‌های یک زائر را تشکیل می‌دهد.

میزان رضایت از دست‌اندرکاران تدارک سفر در ایران

علی‌رغم هزینه زیاد زائران در قبل و بعد از سفر و نیز خرید سوغاتی، بیش از ۱۲٪ زائران هزینه ثبت‌نام را زیاد می‌دانند.

نزدیک به ۱۸٪ زائران از مدت انتظار برای تشرّف اظهار نارضایتی کرده‌اند و نزدیک به ۲۵٪ زائران از مراجعات به سازمان حج و زیارت رضایت نداشته‌اند. بیشترین نارضایتی در این ارتباط، مربوط به گروه سنیِ ۲۰ تا ۳۰ سال بوده است. (۱۵٪ زائران نیز از مراجعات به کاروان اعلام عدم رضایت کرده‌اند).

در ارتباط با هماهنگی‌های به‌عمل آمده در فرودگاه‌ها، در مجموع ۸٪ زائران ناراضی بوده‌اند. زائران استان‌های یزد، لرستان و اردبیل کمترین نارضایتی و زائران استان‌های چهارمحال و بختیاری بوشهر بیشترین نارضایتی را در این مورد ابراز کرده‌اند. ۲۰٪ زائران از مدت انتظار در فرودگاه شاکی بوده‌اند که زائران استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهکیلویه و بویراحمد به ترتیب با ۲۹٪ و ۱۸٪ بیشترین نارضایتی را داشته‌اند.

در مجموع بیشترین نارضایتی در فرودگاه اصفهان و کمترین نارضایتی در فرودگاه شیراز بوده است.

بیش از ۶۳٪ زائران از خدمات گمرکی رضایت داشته و ۱۲٪ ناراضی بوده‌اند. زائران استان‌های فارس و یزد کمترین نارضایتی و زائران استان‌های مازندران و کرمانشاه بیشترین نارضایتی را داشته‌اند.

ص: ۱۲۱

قریب به ۷۰٪ زائران از خدمات انتظامی و کنترلی فرودگاه در حد «زیاد» و «خیلی‌زیاد» راضی بوده‌اند و ۳/ ۸٪ نیز رضایت نداشته‌اند. زائران استان‌های لرستان و فارس کمترین نارضایتی و زائران استان‌های کرمان و چهارمحال و بختیاری بیشترین نارضایتی را در ارتباط با این موضوع داشته‌اند. در میان فرودگاه‌ها، زائران فرودگاه کرمان بیشترین نارضایتی را داشته‌اند، در حالی که زائران فرودگاه شیراز بیشتر از دیگران اعلام رضایت کرده‌اند.

اقدامات و هماهنگی‌های انجام گرفته قبل از عزیمت

بیش از ۳۸٪ زائران، برگزاری همایش عمومی قبل از سفر را کاملًا مفید و حدود ۲٪ غیرمفید دانسته‌اند. در حالی که برگزاری کلاس برای مسائل عمومی، از مقبولیت بیشتری برخوردار بوده و کمتر از ۱٪ زائران غیرمفید می‌دانند؛ به‌ویژه در ارتباط با برگزاری کلاس برای مناسک حج، از دید ۴/ ۴۸٪ زائران کاملًا مفید و ۴۲٪ زائران مفید بوده و فقط ۷/ ۰٪ آن را غیر مفید دانسته‌اند.

اقدامات و هماهنگی‌های انجام گرفته در مورد پخش فیلم از نظر ۲۰٪ زائران اثربخشی نداشته و ۳۷٪ آن را کاملًا اثربخش عنوان کرده‌اند. این نظریه در مورد توزیع نشریات نیز کم و بیش یکسان است.

تشریح مسائل شرعی و مناسک حج کاملًا اثربخش بوده و تشریح قوانین و مقرّرات عربستان در مقایسه با آن، اثربخشیِ کمتری داشته است.

خدمات ارائه شده در طول عزیمت و اقامت در عربستان و میزان رضایت زائران

کمترین و بیشترین نارضایتی، در مورد خدمات ارائه شده در طول سفر، هر دو، به گروه سِنّی کمتر از ۲۰ سال مربوط می‌شود. زائران اعزامی از فرودگاه ارومیه، بیشترین و زائران فرودگاه بوشهر کمترین رضایت را در مورد موضوع فوق داشته‌اند.

در ارتباط با تحصیلات زائران، بیشترین نارضایتی در میان دارندگان مدرک فوق‌لیسانس و بالاتر و بیشترین رضایت در میان بی‌سوادها بوده است.

نزدیک به ۶٪ زائران از سازماندهی و اجرای برنامه‌های پیش‌بینی شده در عربستان،

ص: ۱۲۲

ناراضی بوده‌اند و بیشترین نارضایتی در میان زائران کمتر از ۲۰ سال بوده است.

حدود ۱۲٪ زائران از چگونگی هماهنگی برای ارتباط با خانواده خود اعلام نارضایتی کرده‌اند و فقط ۲۶٪ زائران در حدّ «خیلی زیاد» راضی بوده‌اند. این نارضایتی در میان جوانان زائر بیشتر بوده است و همین گروه از زائران، از چگونگی انتقال میان مکه و مدینه نیز بیشترین نارضایتی را داشته‌اند. زائران گروه‌های درآمدی بالا ـ نیز در مقایسه با سایرین، در این رابطه ناراضی‌تر به نظر می‌رسند.

حدود ۷٪ زائران از وضع تغذیه ناراضی بوده‌اند و جوانان میان ۲۰ تا ۳۰ ساله، بیشترین نارضایتی را داشته‌اند. قابل توجه این‌که زائران با درآمد سالانه بیش از ۲۰۰ میلیون ریال، از وضع تغذیه بیشترین رضایت را داشته‌اند و در مقابل، زائران دارای درآمد کمتر از ۱۵ میلیون ریال در سال، کمترین رضایت را ابراز نموده‌اند.

حدود ۱۰٪ زائران از وضع بهداشت و درمان اعلام نارضایتی کرده‌اند که بیشترین نارضایتی در میان زائران با درآمد بالا بوده است و دارندگان تحصیلات بالاتر نیز رضایت کمتری از وضع بهداشت و درمان داشته‌اند.

بیشترین نارضایتی از روحانی و معین، در میان کسانی بوده که دارای تحصیلات حوزوی هستند.

حدود ۸٪ زائران از میزان رعایت حقوق افراد توسط همسفران رضایت نداشته‌اند. این نارضایتی به‌ویژه در میان افراد با تحصیلات بالا بیشتر بوده است.

خدمات ارائه شده توسط عوامل عربستان به زائران

نزدیک به ۷٪ زائران از برخورد پلیس و کارکنان فرودگاه در عربستان راضی نبوده‌اند ولی زائرانی که از عدم امنیت در عربستان اعلام نارضایتی کرده‌اند، تنها ۱٪ می‌باشد.

۳/ ۲٪ زائران از کمبود امنیت در خیابان‌های مدینه و ۲/ ۵٪ از کمبود امنیت در خیابان‌های مکه اعلام نارضایتی کرده‌اند.

میزان رضایت از برخورد فروشندگان عربستان بسیار کم بوده و تنها ۱۰٪ زائران در حد «خیلی‌زیاد» راضی بوده‌اند. در حالی‌که ۱۷٪ نارضایتی داشته‌اند.

میزان رضایت از هتل نیز در مدینه بیشتر از مکه اعلام شده است. مقایسه موارد

ص: ۱۲۳

مختلف نشان می‌دهـد که کمترین رضایت از وضع بهـداشت و درمان در دو شـهر مـدینه و مکه است. ضـمن این‌که نزدیک به ۳۰٪ زائران از کمبود بهداشت در مشاعر شکایت داشته‌اند.

خدمات ارائه شده در مراجعت

حدود ۱۶٪ زائران از برنامه‌های پروازِ برگشت، ناراضی بوده‌اند که بیشترین نارضایتی در میان دارندگان تحصیلات حوزوی به چشم می‌خـورد. قریب به ۲۰٪ زائران از مـدت انتظـار در فرودگاه عربسـتان، برای مراجعت، اعلام عـدم رضایت کردهانـد. ۱۴٪ زائران، از مدت انتظار برای ترخیص در فرودگاه کشور رضایت نداشته‌اند که در میان زائران با تحصیلات بالاتر، این ناضایتی بیشتر بوده است.

در مجموع، تنها ۳/ ۱٪ زائران از کلّ برنامه سفراعلام نارضایتی کرده‌اند، در حالی‌که ۸۸٪ زائران در حدّ «زیاد» یا «خیلی‌زیاد» راضی بوده‌اند. بیشترین رضایت از نظر سنی، در گروه کمتر از ۲۰ ساله، از نظر درآمدی در میان زائران با درآمد بالاتر بوده است و از نظر تحصیلات بیشترین نارضایتی در میان زائران، دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر دیده می‌شود.

بیش از ۱۸٪ زائران برنامه‌هـای پیش‌بینی شـده برای اوقـات فراغـت خـود را کمـتر از انتظـار دانسـته‌اند و ۱۴٪ بیش از انتظـار اعلام کرده‌اند. همین نسبت‌ها در مورد برنامه‌های بازدید از مراکز سیاحتی و تاریخی نیز صادق است.

٪۱۸ زائران از میزان پیش‌بینی خود کمتر خرید کرده‌اند و ۱۳٪ به عکس آن می‌باشند.

بیش از ۱۷٪ زائران قیمـت کالاهـا را گرانـتر از ایران ارزیـابی کردهانـد و ۴۹٪ آن را ارزانـتر از ایران دانسـته‌اند. مهمترین کالاهـای خریـداری شـده توسط زائران پوشـاک، پـارچه، سـاعت، دوربین، طلا و اسـباب‌بازی بوده است که پوشاک و پارچه به تنهایی ۸۷٪ خرید را تشـکیل می‌دهد. حدود ۵۵٪ زائران اعلام کردهانـد که در طول سـفر، دچار بیماری شدهانـد. بالأخره این‌که ۵/ ۹۸٪ زائران اعلام کرده‌اند دوست دارند باردیگر به حج مشرف شوند.

حدود ۱۹٪ زائران، مـدت ۲۵ روز طول دوره سـفر را زیـاد یـا خیلی زیـاد می‌داننـد، در حالی‌که ۱۹٪ آن را کم یـا خیلی کم عنـوان کرده‌اند.

ص: ۱۲۴

۲- نظریات وپیشنهادهای کلّی زائران

زائران نمونه شرکت کننده در نظرسنجی، افزون بر پاسخگویی به پرسش‌های مطرح در پرسشنامه، نظریات توصیفی و تکمیلی دیگر نیز داده‌اند که خلاصه نظریات و پیشنهادها، به شرح زیر، طبقه بندی و ارائه می‌شود:

۲- ۱- از ثبت‌نام تا اعزام

تعدادی از زائران به طولانی بودن انتظار، که معمولًا بیش از ۳ سال (از زمان واریز وجه به بانک تا زمان تشرّف) طول می‌کشد، معترض بوده‌اند. برخی از زائران برای رفع این معضل و برای کاهش زمان انتظار، پیشنهاد داده‌اند که هر ایرانی فقط یک بار به حج تمتّع مشرّف شود.

۲- ۲- آموزش حجاج

- مطالب کلاس‌ها تکراری و خسته‌کننده است.

- بخش قابل توجهی از وقت جلسات به روضه‌خوانی صرف می‌شود و آموزشی نیست.

- مکان تشکیل کلاس‌ها مناسب نیست به‌ویژه مساجد، برای خانم‌ها.

- کلاس‌ها برنامه خاصی ندارند و به همین دلیل با مطالب غیرمفید و بی‌محتوا وقت را پرمی‌کنند.

- زمان تشکیل کلاس‌ها به زمان اعزام نزدیکتر باشد مؤثرتر است.

- وظایف مدیر و عوامل کاروان به زائران گفته نمی‌شود.

- تعداد قابل ملاحظه‌ای از زائران، علاوه بر مسائلی که در کلاس‌ها آموزش داده می‌شود، خواستار مسائل دیگری شده‌اند که به زعم آنان باعث افزایش اعتبار و ارتقای جایگاه زائران ایرانی در بین سایر حجاج می‌شود؛ از آن جمله می‌توان به «حساسیت‌های وهابیون و مواضع فکری آنان نسبت به تشیع»، «آداب خرید و حضور در بازار، به‌ویژه هنگام اذان و نماز»، «آراستگی ظاهری و ادب اجتماعی»، «عدم مبادرت به فروش جنس» و «دوری از عقاید خرافی» اشاره کرد.

- تعدادی از زائران، شیوه آموزش فعلی را، که متکی به سخنرانی روحانی و مدیر است، ناقص و کم کارآمد دانسته و تأکید کرده‌اند، آموزش با استفاده از امکانات سمعی و بصری به

ص: ۱۲۵

همراه توضیح مدیر و روحانی کاروان مؤثرتر است.

تعدادی از زائران سطح‌بندی کلاس‌های آموزشی را ضروری دانسته‌اند.

۲- ۳- حمل و نقل هوایی

در مورد فرودگاه‌های ایران، نظریات متعددی، از حیث هماهنگی و امکانات اندك و ناقص و برخورد نامناسب مأموران ابراز شده است که از آن جمله می‌توان به «بازدید بدنی به صورت نامناسب و طولانی شدن زمان انتظار برای انجام بازرسی» و «تأخیر زیاد در پروازهای رفت در برخی استانها» اشاره کرد.

- نسبت به عملکرد خطوط هوایی سعودی، مواردی بیان شده‌که عمده آن عبارت است از: «برخورد مناسب میهمانداران» و «غذای نامناسب با سلیقه و ذائقه ایرانی».

۳- ۴- ساختار کاروان حج:

در باره ضعف مدیریت کاروان و گروه منتخب وی، نظریاتی بیان شده که عمده آن، به شرح زیر است:

- «استفاده از عوامل خدماتی کم سواد» و «عدم تسلّط مدیر و عوامل کاروان به زبان عربی» و «ناهماهنگی نیروهای اجرایی کاروان با یکدیگر».

- پیشنهاد شده است ظرفیت کاروان‌ها حد اکثر ۱۰۰ نفر باشد که خدمت رسانی به زائران کامل‌تر شود.

- مسأله دوری منازل مکه از حرم و مسافت طولانی بین هتل تا حرم، مورد توجه و اشاره تعداد قابل ملاحظه‌ای از زائران بوده است. تحلیل رفتن قوای زائران، به دلیل طولانی بودن راه در انجام اعمال واجب، مسأله ایجاد کرده است. برخی از زائران پیشنهاد کرده‌اند که روزهای سفر را کم و غذاها را ساده‌تر کنند و به جای آن از هتل‌های نزدیک حرم استفاده شود.

- امکانات مسکن در مکه در سطح یك مسافرخانه درجه چندم است و این موضوع به زائران در ایران گفته نمی‌شود و ذهن آنان را نسبت به امکانات مسکن مکه آماده نمی‌کنند.

به‌طور کلّی وضعیت مسکن در مکه، در همه زمینه‌ها؛ از جمله بهداشت هتل و تراکم و فشردگی جمعیت داخل یك اتاق، مورد نارضایتی گروهی از زائران می‌باشد.

ص: ۱۲۶

- نا مأنوس بودن هم اتاقی‌ها با هم و عدم شناخت قبلی، یکی از مشکلات عمده زائران است.

- ملاک درجه‌بندی به مردم گفته نمی‌شود و این عدم شفافیت ابهام‌انگیز است.

- جدا بودن زن و شوهر در اتاق‌های هتل‌ها، مورد اعتراض برخی زائران بوده است.

هتل مدینه امکانات گرمایشی کافی نداشت و نزدیک صبح زائران در معرض سرماخوردگی بودند.

۲- ۵- تغذیه حجاج

- موضوع پخت مرکزی در مدینه و بخشی از کاروان‌های مکه، مورد اعتراض قرار گرفته است.

- غذای رژیمی، تابع قاعده و آثار خاصی نیست.

- نوشابه کوکا و فانتا، آنگونه که در نشریه زائر نوشته شده، متعلق به صهیونیست‌ها است ولی توزیع می‌شود.

- برخی از زائران نسبت به برنامه غذایی و موارد مصرف، به‌ویژه مواد چربی و نشاسته‌ای اعتراض داشته‌اند.

۲- ۶ حمل و نقل درون شهری

- حمل و نقل درون شهری، به‌ویژه مسأله ایاب و ذهاب در مکه، بیشترین اظهارنظرها را در میان سایر موارد، به خود اختصاص داده و اکثریت زائران نمونه، به نحوی به مشکلات ناشی از برنامه‌ریزی، هدایت و اجرا و نظارت بر امور حمل و نقل درون شهری مکه اعتراض داشته‌اند.

این موضوع در روزهای اعمال مناسک حج و به‌خصوص سیل مکه شدّت یافته است.

۲- ۷- مشاعر (حمل و نقل، بهداشت، خیمه‌ها)

- مشکلات حمل و نقل مشاعر مقدس، مقوله‌ای است که ذهن زائران را به خود مشغول می‌کند؛ راه‌بندان‌های طولانی، وجود اتوبوس‌های مکشوف (روباز) و عدم موفقیت پلیس

ص: ۱۲۷

راهنمایی عربستان در حالت‌های بحرانی؛ از جمله مواردی است که زائران به آن اشاره داشته‌اند.

– کمبود چادر در منا و عرفات و به همین دلیل خوابیدن در فضای بیرون از چادر؛ از جمله مشکلات زائران بیان شده است.

– تعداد قابل توجهی از زائران وضع بهداشتی منا و عرفات و مشعر را از نظر نظافت و سرویس‌های بهداشتی مورد نقد قرار داده‌اند

– تعدادی از زائران به مسأله حلق (سر تراشیدن) و نحوه انجام آن اعتراض داشته‌اند و حلق کردن در افکار عمومی و به صورت کاملًا غیربهداشتی و غیراخلاقی و خجالت‌آور و نشان از بی‌تمدّنی دانسته و پیشنهاد کرده‌اند مکان خاصی حتی به صورت کانتینر برای این کار اختصاص داده شده شود.

۲– ۸– خرید، بازار، اضافه‌بار

– میزان بار مجاز زائر و شرایط اخذ بار، از چالش‌های زائران است. چون خرید سوغات از مکه اجتناب ناپذیر است. از این‌رو، پیشنهاد شده در این مورد برای اضافه‌بار چاره‌ای اندیشیده شود.

– عدم آشنایی به زبان عربی و عدم قیمت‌گذاری یکسان روی اجناس در عربستان، برای زائر مسأله‌ساز است.

– راهنمایی مدیران و عوامل کاروان و همراهی آنان با زائران؛ از جمله پیشنهادهای زائران بوده است.

– فروشگاه‌های شاهد در فرودگاه‌های کشورمان، اجناسی که جنبه سوغات داشته باشند ندارند. پیشنهاد شده در این زمینه اقدام شود تا زائران بتوانند از فروشگاه‌های شاهد، سوغات مورد نظر را تهیه کنند.

ص: ۱۲۸

۲- ۹- مدیریت حج در عربستان

- ازدحام میلیونی جمعیت حجاج از سراسر عالم، در زمان و مکان واحد، موجب بروز مشکلاتی است و مدیریت توانمندی را ایجاب می‌کند. برخی از زائران، وزارت حج عربستان را فاقد قابلیت و توانایی برای رسیدگی به مسائل حج دانسته‌اند و برخی پیشنهاد داده‌اند تعداد پذیرش حجاج کم شود.

- تعدادی از زائران از عدم بهداشت و ممیزی شهر مکه؛ اعم از معابر اصلی و فرعی اماکن اطراف مسجدالحرام و به‌خصوص در محل‌های تجمع و ازدحام، اظهار نارضایتی کرده‌اند.

- تعداد قابل توجهی از زائران در خصوص عملکرد متعصّبین در اماکن زیارتی و برخورد با زائران ایرانی، اظهار انزجار کرده‌اند، این حرکات به‌طور عمده در کنار بقیع شریف و همچنین در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام و بیشتر بر ضد خانم‌ها انجام گرفته است.

- برخورد بد فروشندگان با برخی زائران در مکه و مدینه.

۲- ۱۰- اطلاع‌رسانی و امور فرهنگی زائران

- گروهی از زائران چگونگی اطلاع‌رسانی سازمان و ارتباط سازمان و بعثه؛ چه قبل از مراسم و چه حین آن، با زائران را مناسب ندانسته‌اند؛ از جمله موضوعات: عدم اطلاع‌رسانی از هزینه‌های سفر به صورت کامل، تعهّدات مالک ساختمانی مکه و مدینه، حقوق زائر و حقوق نیروهای اجرایی و فرهنگی و تعهّدات شرکت بیمه را می‌توان برشمرد.

- در مورد نشریه زائر، برخی نکات به شرح زیر بیان شده است:

- اطلاع رسانی زائر، از نظر اخبار داخلی و خارجی ضعیف است و نیز مشکلات زائران را نمی‌نویسد و ...

- از وقت اضافه زائران در موسم حج هیچ استفاده‌ای نمی‌شود. پیشنهاد شده به هزینه زائران به صورت جمعی و با یک راهنما و مترجم تورهایی برای دیدار از اماکن تاریخی و دیدنی و مراکز تحقیقاتی برقرار گردد.

- همراهی مداح خوش‌صدا و قوی، از خواست‌های زائران است.

- نبود تلویزیون در اتاق‌ها، عامل بی‌خبری زائران تلقّی شده است.

ص: ۱۲۹

- برنامه فرهنگی، برای کاهش فقر فرهنگی کاروان‌ها وجود نداد. به خوراک جسم زائران زیاد توجه شده و به خوراک روحی و معنوی آنها کمتر پرداخته می‌شود.

- برخی از زائران لباس زوار ترکیه را مناسب‌تر تشخیص داده و همانند آن را توصیه کرده‌اند و علاوه بر آن، پیشنهاد داده‌اند که نشان سازمان یا پرچم ایران روی آن دوخته شود.

۲- ۱۱- طول سفر حج

- طولانی شدن سفر، با توجه به بی‌برنامگی آن، تبعات منفی زیادی درپی دارد و بیکاری بعد از انجام اعمال حج در مکه، موجب خستگی جسمی و روحی و عصبیت زائران می‌شود.

- مدت اقامت در مدینه، کمتر از مدت اقامت در مکه است. چند روزی به ایام اقامت در مدینه افزوده شود.

۲- ۱۲- برنامه‌های پزشکی و دارویی

- برخی از زائران گفته‌اند: هیأت پزشکیِ حج وظیفه دارد راه‌های پیشگیری و مقابله با بیماری‌های شایع در حج را شناسایی کند. دست کم ۸۰٪ زائران گلو درد و ناراحتی تنفّسی را با خود سوغات می‌آورند.

- داروها در اختیار پزشکان کاروان‌ها محدود به چند قلم است و زائران نگزیر از مراجعه به درمانگاه هستند.

- داروها نسبت به عفونت‌های شدیدِ ریوی و بیماری‌های تنفسی بی‌اثر هستند.

- پزشک زن یا پرستار یا مسؤول تزریقات و پانسمان خانم با کاروان‌ها اعزام شود.

۲- ۱۳- دیگر موضوعات

- تعداد قابل توجهی از زائران نسبت به جایگاه روحانی کاروان و ویژگی‌های آن، اظهارنظر کرده‌اند و در مجموع برای روحانی کاروان نقش آرامش بخش و تسکین دهنده قائل شده‌اند و برای روحانی خصلت‌هایی برشمرده‌اند.

- بانک توسعه اسلامی، گوسفند را به ایرانی‌ها گرانتر می‌فروشد و مسؤولان هم از حقّ ما

ص: ۱۳۰

دفاع نکردند.

- مبلغ ثبت نام حج را بالا ببرید، امّا شأن ما را حفظ کرده، جای بهتر و نزدیکتر در مکه اجاره کنید.

- بعثه رهبری اسکناس‌های هزار تومانی مردم را به ریال سعودی تبدیل کند، به زائران تأکید شود که از به‌کار بردن لفظ «یک خمینی» و «نیم خمینی» به جای اسکناس هزار تومانی و پانصد تومانی بپرهیزند.

- راننده ایرانی اعزام شود

- لازم نیست ۴ تا ۶ ساعت پیش از پرواز زائر را به فرودگاه بیاورند و معطل نگه‌دارند.

- تحویل و ترخیص وسایل در فرودگاه‌ها هنگام برگشت، بسیار دشوار، بی‌نظم و آشفته است.

- برای حضور در مکه و مشاعر، ماسک در اختیار زائر گذاشته شود.

- وقتی زائر زبان عربی یا انگلیسی نمی‌داند، در مراسم حج نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته است با دیگران ارتباط برقرار کند و از این بابت رنج می‌برد.

توضیح این‌که بیش از ۳۵۰ اظهار نظر دیگر ارائه شده که علی‌رغم مفید و جالب بودن آن‌ها، به دلیل فراوانی اظهارنظر کنندگان، از بیان آنها صرف‌نظر شده است.

۳- پیشنهادهای کلّی مدیران کاروان

مدیران کاروان‌ها، افزون بر پاسخگویی به پرسش‌های پرسش‌نامه‌ها، نظریات توصیفی و تکمیلی به شرح زیر ارائه کرده‌اند:

۳- ۱- از ثبت‌نام تا اعزام

مدیران کاروان به‌طور عمده در موارد: فاصله زمانی میان ثبت‌نام تا اعزام زائر، برنامه رایانه‌ای ثبت‌نام زائران، تمرکز صدور گذرنامه در تهران برای سراسر کشور، اشتباه در گذرنامه‌های صادره و ... مشکلاتی را اظهار داشته‌اند و برخی پیشنهاد صدور و اصلاح گذرنامه در استان‌ها را داده‌اند.

ص: ۱۳۱

۳- ۲- اعزام زائران

مدیران کاروان‌ها در باره اعزام زائران، نظریات گوناگونی را ارائه کرده‌اند که عمده آنها به شرح زیر است:

- تمرکز صدور بلیت هواپیمایی کلّ استان‌ها در تهران یک اشتباه محض است.

- تاریخ پروازها دیر اعلام می‌شود.

- زائران را خیلی زود به فرودگاه می‌کشانیم.

- تأخیر پروازها موجب تلخ‌کامی زائران می‌شود.

- خطوط هوایی عربستان سعودی در حج امسال خوب ظاهر نشد و سرویس مناسبی ارائه نکرد و میهمانداران رفتار خوبی نداشتند. غذای آنها هم باب طبع زائران ایرانی نبود.

- چگونگی بازرسی و برخورد نیروی انتظامی در برخی فرودگاه‌ها نامناسب و زننده توصیف شده است.

- پیشنهاد شده که تاریخ پرواز پیش از ثبت‌نام و انتخاب کاروان به مردم اعلام شود.

۳- ۳- اطلاع رسانی

- برخی مدیران کاروان‌ها از چگونگی اطلاع‌رسانی سازمان و شیوه‌های آن، گله‌مند بودند و به‌ویژه در مورد شرح وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های مدیر و عوامل کاروان به زائران اطلاع‌رسانی را ناکافی می‌دانند.

- پیشنهاد شده پیش از سفر، کتابچه‌ای حاوی دانستنی‌های ضروری سفر حج در اختیار زائران گذاشته شود. همچنین مدیران را در خصوص تفاهمات و نتیجه گفت‌وگو و توافقات مسؤولان دو کشور در جریان بگذارند تا اطلاعات آنان به روز باشد.

۳- ۴- فرهنگ‌سازی و امور فرهنگی

- اگر کار فرهنگی روی حجاج می‌شد، بسیاری از مشکلات رفتاری مردم و کاروان‌ها کاهش پیدا می‌کرد اما بعثه در طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی برای کاروان‌ها ضعف دارد و ارتباطش با زائران در عربستان تقریباً قطع است، مجموعاً سازمان و بعثه نسبت به مسائل فرهنگی حجاج کم توجهی نشان می‌دهند و برنامه خاصی را دنبال نمی‌کنند.

ص: ۱۳۲

- مأموران مذهبی (مشهور به امر معروف و نهی از منکر) عربستان به‌خصوص در مدینه با زائران ایرانی رفتاری بسیار بد دارند و مزاحم زیارت آسوده زائران می‌شوند.

- پیشنهاد شده که بخشنامه‌های مربوط به مدیریت اجرایی را به روحانیون هم بدهید که در مسیر اجرا شبهه ایجاد نکنند.

۳- ۵- جلسات آموزشی حجاج

- تعداد جلسات آموزشی زیاد است و مطلب مدون و استاندارد برای آموزش وجود ندارد. بیشتر زائران از کلاس‌های آموزشی خسته می‌شوند.

- آموزش مقرّرات عربستان برای زائران بسیار مهم و حیاتی است.

- پیشنهاد شده که کلاس‌های آموزشی برای زائران تفکیک شود و آموزش به صورت سمعی و بصری انجام گیرد.

۳- ۶- امور مسکن حج

- درجه‌بندی منازل مکه با واقعیت‌ها منطبق نبود و مدیران نمی‌توانستند زائران را توجیه کنند.

- مدیر باید جوابگوی مشکلات مسکن زائران باشد، در صورتی‌که هیچ نقشی در تعیین منازل نداشتند.

- در مکه، منازل نزدیک حرم اجاره شود، حتی اگر امکانات کمتری داشته باشد و ساده‌تر هم باشد.

- مأموران اجاره مسکن حج باید با مسائل ساختمانی و تأسیسات آشنا باشند تا بتوانند پیگیر رفع نواقص مسکن باشند.

- کروکی ساختمان‌ها ناقص و غیر قابل شناسایی است و ضمناً تاکسی‌ها و سواری‌ها آدرس را آن‌طور که ما عنوان می‌کنیم، نمی‌شناسند.

- اسکان نیافتن همه متأهلان به صورت خانوادگی، مسائلی را برای مدیران ایجاد می‌کند.

- توزیع آب زمزم نظم نداشت.

- پیشنهاد شده در مکه هر استان در یک منطقه و نزدیک هم اسکان یابند.

ص: ۱۳۳

- نقشه هتل را پیش از ثبت‌نام به مدیر بدهند تا در هنگام ثبت‌نام زائران ترکیب مناسب را انتخاب کنند.

- منازل اهل تسنن را نزدیک حرم بگیرید، هزینه را زائران آماده‌اند بپردازند.

- توزیع مناطق مکه به صورت چرخشی میان استان‌ها انجام گیرد.

- در تعیین ظرفیت ساختمان، ظرفیت و کشش آسانسورها و راه‌پله‌ها نیز در نظر گرفته شود.

۳- ۷- تدارکات و تغذیه

- توزیع لبنیات به صورت مناسبی انجام نمی‌گیرد و دارای اشکال است.

- توزیع گوشت گرم کار بسیار مناسبی بود.

- برنامه غذایی تنوع ندارد و مرغ آن زیاد است.

- غذای متمرکز، طعم و مزه دلخواه ایرانی را ندارد و زائران، پخت متمرکز را نمی‌پسندند.

- نظام پخت متمرکز، باید به صورت استانی تنظیم و اجرا شود.

- برنامه غذایی ایام تشریق در اختیار کاروان گذاشته شود.

- شرکت‌های سعودی در زمینه تأمین مواد لبنی، متعهّد شوند اقلام را جلوی هتل تحویل دهند.

۳- ۸- حمل و نقل بین شهری

- اتوبوس‌های بین شهری، اتوبوس‌های مناسبی از نظر رعایت نظافت، فاصله صندلی‌ها و کولر نبود.

۳- ۹- ستادهای اجرای حج (مکه و مدینه)

- ساعات برگزاری جلسات روزانه ستادی مکه در اوج کارهای فشرده کاروان است و ساعات مناسبی نیست.

- برخی مطالب را می‌شود به صورت مکتوب به مدیران کاروان داد.

ص: ۱۳۴

۳- ۱۰- مشاعر (حمل و نقل)

- بیشترین نظریات، در مورد حمل و نقل مشاعر ارائه شده که حاکی از بی‌نظمی مطلق در این مورد است. از عملکرد شرکت حافل به‌طور چشمگیری انتقاد شده است.

جمع‌بندی نظریات ارائه شده را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- «تحویل اتوبوس مشاعر از پارکینگ شمیسی بسیار دشوار، وحشتناك و توأم با ازدحام و دردسر و ناراحتی و آبرو ریزی بود و نیاز به حضور فعّالانه نماینده ستاد در صحنه را داشت.

- اتوبوس روباز (مکشوف) برای ایام تشریق، بنا به درخواست کاروان باشد، نه اجباری.

- اتوبوس‌های مشاعر را زودتر و در کنار هتل تحویل دهند.

۳- ۱۱- مشاعر (خیمه‌ها)

- تقسیم خیمه به صورت درست و منصفانه انجام نمی‌گیرد.

- پیشنهاد شده با نصب پلاك روی چادرها با برچسب‌های رنگی برای شناسایی کاروان‌ها استفاده شود.

۳- ۱۲- مشاعر (طرح قربانی)

- قیمت قربانی حجاج ایرانی بیشتر از سایرین بود.

- پول قربانی همان اول با بقیه مبالغ مابه‌التفاوت از زائر دریافت شود.

۳- ۱۳- حمل و نقل درون شهری

- بیشترین اعتراض زائران به حمل ونقل درون شهری و نا منظم بودن آن، در شهر مکه بوده؛ به‌طوری که سوار شدن به اتوبوس و برگشت از حرم به هتل در مکه، سخت‌ترین و مصیبت‌بارترین قسمت مراسم حج برشمرده شده است.

۳- ۱۴- بهداشت و درمان (ایرانی و عربستانی)

- بیشترین اعتراض مدیران کاروان، به معاینات قبل از سفر است که اعتقاد دارند این معاینات تشریفاتی است و بعضاً دقیق نیست و یا با اغماض برخورد می‌شود و بعضی معتادان

ص: ۱۳۵

در معاینات مردود نشده، اعزام می‌شوند.

- داروهای هیأت پزشکی که در اختیار پزشک بود، تأثیر بسیار کمی داشت.

- محل بیمارستان ایرانی در مکه بسیار دور بود.

- آموزش بهداشتی ویژه زائران بی‌سواد بسیار ضعیف بود.

۳- ۱۵- بار همراه مسافر

- از مواردی که بیشتر مدیران کاروان نسبت به وضعیت آن اظهار نظر کرده‌اند، بار همراه مسافر است. همه مدیران گفته‌اند علی‌رغم توصیه‌های مکرر به زائران، نمی‌توانند جلوی خرید سوغات را بگیرند و به همین دلیل خواستار تدبیر جدیدی برای حمل بار مسافران شده‌اند؛ چون به اعتقاد آنها خرید سوغات اجتناب ناپذیر است و نمی‌توان جلوی آن را گرفت. پیشنهاد شده که نمایندگان فروشگاه شاهد در کلاس‌های آموزشی حجاج حضور پیدا کنند و درباره چگونگی و مزایای خرید از شاهد، به آنها اطلاع‌رسانی کنند و از طرف دیگر فروشگاه‌های شاهد خود را با اجناس سوغاتی مجهّز کنند.

۳- ۱۶- امور مالی

- در مورد دستمزد مدیر کاروان، اکثریت مدیران معتقدند که دستمزد مدیران کم است و برخی پیشنهاد کرده‌اند که در این دستمزدها تجدید نظر شود.

- برخی مدیران میزان اعتبار ارزی کاروان‌ها را کم ارزیابی کرده‌اند.

- پیشنهاد شده است برای مدیران کارت اعتباری پیش‌بینی شود.

ص: ۱۳۶

۳- ۱۷- دستورالعمل‌ها

- در مورد دستورالعمل‌ها مدیران اعتقاد دارند که برخی از نکات اصلی در آن‌ها غفلت شده و مرتب پیرو و اصلاحیه می‌خورد و گاهی ضدّ و نقیض و غیر شفاف هستند.

۳- ۱۸- مدت سفر حج

- تعداد قابل ملاحظه‌ای از مدیران کاروان، طول سفر حج را زیاد دانسته و پیشنهاد کرده‌اند که به حدود سه هفته تقلیل یابد.

- پیشنهاد اهل‌تسنن این است که دست کم ۸ روز در مدینه مستقر شوند تا ۴۰ وعده نمازشان را در آنجا بخوانند.

۳- ۱۹- مشکلات مدیریت کاروان‌ها

- بیشترین اظهار نظرها، در مورد آگاهی نداشتن زائران از وظایف و مسؤولیت‌ها و اختیارات مدیر کاروان است، که در برخی موارد موجب تنش‌هایی می‌شود.

- برخی مدیران از برخورد نامناسب سازمان با مدیران گله داشتند.

- پیشنهاد شده است که اختیار بیشتری به مدیر کاروان داده شود و از او مسؤولیت بخواهند و بر عملکردش نظارت بیشتری شود.

- خدمه کاروان چون در معرض خطر هستند بیمه شوند.

۳- ۲۰- سایر موارد

- رنگی زیبا با فرم دوخت آراسته و جالب، برای لباس یکسان مردان تعیین شود. به نظر می‌رسد فرم کت همانند لباس حجاج ترکیه مناسب است.

- امیدواریم از نتایج این پرسش‌نامه‌ها بهره‌برداری اجرایی و کاربردی شود و روند نظرسنجی در حج و عمره نیز اجرا گردد.

۴- توصیه و پیشنهادهای مدیریتی و کاربردی

از آنجا که هدف از انجام نظرسنجی، آگاهی از نظریات زائران و مدیران در مورد مراحل

ص: ۱۳۷

مختلف خدمات حج و زیارت و به‌کارگیری نظریات و پیشنهادهای آنان در جهت بهبود فرآیند حج و تکریم زائران و افزایش رضایت آنها و در فرجام، ارتقای بهره‌وری و بهبود عملکرد سازمان حج و زیارت می‌باشد. از این روی، پیشنهادهای زیر برای به‌کارگیری نتایج نظرسنجی و به‌خصوص نظریات و پیشنهادهای زائران و مدیران حج ارائه می‌شود:

۱. قبل از آغاز موسم حج تمتّع سال ۱۳۸۴، کمیته تخصّصی حج تمتع سال ۱۳۸۴ با مشارکت مدیران عملیاتی حج تمتع سال ۱۳۸۴ در مکه و مدینه و مناطق آن و نیز کارشناسان صاحب‌نظر در حج و زیارت، به ریاست جناب آقای رضوی، معاون محترم حج و زیارت تشکیل شد و طی چند جلسه فشرده، میزان رضایت و عدم رضایت در مراحل مختلف حج و نیز نظریات و پیشنهادهای ارائه شده به وسیله مدیران و زائران بررسی گردید و مقرر شد مواردی که از نظر اجرا و به‌کارگیری در حج سال جاری امکان‌پذیر و اجرایی است، تعیین شود.

۲. پس از جلسه سیاستگذاری پیش‌گفته (بند ۱) کار گروه تخصّصی و کارشناسی حج و زیارت، تشکیل شود و مواردی را که شورای سیاستگذاری تأیید و تصویب کرده، تحلیل و ارزیابی کند و آنها را در دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی مسکن، تغذیه، بهداشت، درمان، گذرنامه و ... اعمال نماید و به‌گونه‌ای، از تعارض احتمالی آنها، در ارتباط با یکدیگر بکاهد.

۳. افزون بر نظریاتی که توسّط زائران و مدیران کاروان‌ها پیشنهاد شده، توصیه می‌شود موارد زیر نیز، که از مشاهدات کارشناسی مشاور و یا در مذاکره و مصاحبه دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران حج، در مکه و مدینه و تهران به دست آمده، مورد بررسی و دقت قرار گیرد و مواردی که درست تشخیص داده می‌شود، در حج امسال (۱۳۸۴ ش.) به‌کار گرفته شود.

۳- ۱- آموزش زائران و نیز مدیران کاروان‌ها، پیش از آغاز سفر، بازنگری شود و در آن‌ها علاوه بر به‌کارگیری فن‌آوری اطلاعات (it) و استفاده از فیلم و سی دی برای ارائه آموزش موضوعات جدید و هدفمند؛ مانند مدیریت بحران (در مواردی که سیل می‌آید و یا حوادث ناگهانی رخ می‌دهد)، مدیریت خرید، مدیریت روابط عمومی و معاشرت با دیگر زائران، قیمت تطبیقی ریال با کالاها، چگونگی گذران اوقات فراغت، آگاهی‌های تاریخی و مذهبی در مورد عربستان، ایران و ... در برنامه‌های آموزشی قرار گیرد.

ص: ۱۳۸

۲- ۳- مراحل و اقدامات مختلف حج از زمان ورود به جده تا زمان خروج از جده یا مدینه، به صورت تصویر و به زبان بسیار ساده، تهیه و ترسیم و همراه با توضیحات، به صورت کتابچه‌ای رنگی در اختیار کاروان‌ها و زائران قرار گیرد. این موضوع کمک می‌کند که همه زائران، به‌ویژه افراد کم سواد و یا بی‌سواد در کنار توضیحات مدیر و روحانی کاروان، به کارها و وظایف حج، مخصوصاً در روزهای تشریق، اشراف بیشتر و بهتری پیدا کنند.

۳- ۳- با توجه به این‌که بروز بعضی از بیماری‌ها در زمان حج، هم به دلیل آلودگی هوا و هم به دلیل تراکم جمعیت و عدم رعایت مسائل بهداشتی، اجتناب ناپذیر است. بنابراین، گروه بهداشت ودرمان، بروشورهای ساده‌ای را تهیّه کرده و درآن، راه‌های پیشگیری از بیماری‌های رایج و متداول را به زائران آموزش دهند.

۳- ۴- به گفته زائران و مدیران حج، تعداد روزهای حضور در عربستان از ۲۵ تا ۲۹ روز زیاد است و کاهش منطقیِ آن ضروری به نظر می‌رسد. اگر مانع اصلی برای این کار موضوع حمل و نقل هوایی است، در آن صورت می‌توان همانند کشورهای کویت، عمان، بحرین، سوریه و ... از حمل و نقل زمینی (اتوبوس، کشتی و ...) از طریق استان‌های جنوبی ایران نیز استفاده کرد. این موضوع برای زائران استان‌های جنوبی کشور قابل بررسی است.

۳- ۵- خرید سوغاتی در عربستان، برای بسیاری از زائران، به صورت یک فرهنگ و یک رفتار مصرفی معمول است تا از مکه و مدینه، با سوغات برای اعضای خانواده به وطن برگردند. در عین حال، معدودی از زائران نیز با هدف تجارت به این کار اقدام می‌کنند که نظام پیش‌بینی شده را به هم می‌زنند. پیشنهاد می‌شود حمل بارهای زائران (البته در چمدان‌های استاندارد) قبل از عزیمت آنها به ایران و با نظم و مدیریتی خاص صورت گیرد تا مشکل بسیار پیچیده و غیر قابل قبول از نظر فرهنگی و شأن ایرانی را تقلیل دهد. این موضوع نیز جای بررسی و برنامه‌ریزی دارد. به عبارت ساده‌تر، حمل و نقل بار از مسافر تفکیک شود تا مشکلات کمی کاهش یابد.

۳- ۶- هم نتایج نظرسنجی و هم مشاهدات کارشناسی نشان می‌دهد که باید در زمینه کارهای فرهنگی برای زائران، گام‌های بلندتری برداشته شود و ضمن تبیین و تشریح فلسفه و فرهنگ حج و ارتقای منزلت حاجی از این طریق، آموزش‌های همه‌جانبه‌ای از موضوعات فرهنگی- آموزشی به صور مختلف و سمعی و بصری، در مراحل مختلف؛ مانند قبل از سفر،

ص: ۱۳۹

در محل کاروان، سمینارهای عمومی در شهرهای محل سکونت زائران، نمایش فیلم هدفمند در داخل هواپیما، در مکه و مدینه و در محل‌های بعثه و کاروان، در بازگشت به کشور و ...

برگزار گردد.

در طرّاحی و تدوین مطالب آموزش‌های مزبور، تنها به روحانیون اکتفا نشود، بلکه علاوه بر آنها، از اساتید و مدرسین واجد شرایط نیز استفاده شود.

ص: ۱۴۰

تصویر ص ۱۱۲ به ص ۱۴۰ منتقل شود.

ص: ۱۴۱

گفتگو

ص: ۱۴۲

ویژگی‌های حج ۸۳ در گفتگو با امیر الحاج

فصلنامه «میقات‌حج» در هر سال، پس از موسم حج، گفتگویی صمیمانه با نماینده محترم ولیّ فقیه، حضرت حجّت الاسلام والمسلمین آقای محمّدی ری‌شهری- دامت‌افاضاته برگزار می‌کند تا علاقمندان را در جریان چگونگی برگزاری حج گذشته قرار دهد.

اکنون نیز، طبق روال گذشته، در باره مسائلی چون موفقیت‌های اجرایی، سیاسی و فرهنگیِ حجّ سال ۸۳، نقایص و کاستی‌ها و همچنین اطلاع‌رسانی حج و ... گفتگویی ترتیب داده‌ایم که توجّه خوانندگان محترم را به مشروح آن جلب می‌کنیم:

: ضمن تشکّر از حضرت‌عالی به خاطر شرکت در این گفتگو، خواهشمندیم ارزیابی خود را از چگونگی برگزاری حج ۱۳۸۳ ه. ش. بیان فرمایید.

آقای ری‌شهری: در آغاز از دست‌اندرکاران فصلنامه وزین و ارزنده «میقات حج» تشکر می‌کنم و برای آنان آرزوی توفیق دارم و از خداوند متعال می‌خواهم این عزیزان را یاری دهد تا بتوانند در جهت پربارتر کردن این فصلنامه، گام‌های بلندتری بردارند.

در پاسخ به پرسش مطرح شده، به‌طور مختصر باید بگویم که ما در سال ۱۳۸۳ حج

ص: ۱۴۳

آرام و مطلوبی داشتیم و در زمینه‌هـای مختلفِ فرهنگی و اجرایی نسـبت به سـال پیش موفقیت‌هـای بیشتری کسب کردیم. به عبارت دیگر، با توجه به فضای خاص حاکم بر منطقه، مانند فشارهای آمریکا و اروپا در مورد مسائل هسـته‌ای، اوضاع خاصّ عراق و مسائل دیگر از این دست، که حج سال گذشـته را نسبت به سال‌های قبل حسّاس‌تر کرده بود، احتمال بروز برخی مشـکلات وجود داشت، لیکن با یاری خداونـد، حجّی آرام و کم‌مشـکل برگزار شـد که این، حاصل تلاش همه خـدمتگزاران و دست‌انـدرکاران امر حـج و زیارت بود.

وضعیّت جوّی معتدل نیز به کاهش بیماری‌ها وبهداشت زائران کمک کرد و اگر سیل روز دوازدهم ذی‌حجه نبود، شاید بتوان گفت که حج‌گزاری در سال ۸۳، از بهترین و کم‌نظیرترین حج در سال‌های گذشته بود.

مجموع حاجیانی که از کشورهای مختلف و از جمله عربسـتان در مراسم حج شـرکت داشـتند ۷۰۶، ۴۱۹، ۲ نفر بودند که این آمار، حـدود یکصـد هزار نفر بیش از حـج‌گزاران سال ۸۲ است. از این تعـداد ۷۵۹، ۵۳۴، ۱ نفر از خارج عربسـتان مشـرف شده بودند و حجاج ایرانی نیز در مجموع ۰۸۰، ۹۷ نفر بودند که نزدیک به دو هزار نفر آنان را عراقی‌ها و افغانی‌های مقیم ایران تشکیل می‌دادند و تعداد ۲۷۶۷ نفر هم از ایرانیان خارج کشور به جمع حجاج ایرانی پیوستند.

ص: ۱۴۴

خداونـد متعال را سپاس گزاریم که با عنایات اهل‌بیت، به‌ویژه حضـرت بقیـهٔاللّه اعظم و تلاش همه دست‌انـدرکاران امور فرهنگی و اجرایی، توانستیم به بیشترین اهداف خود دست یابیم و برنامه‌های پیش‌بینی شده را به مورد اجرا بگذاریم.

از سوی دیگر، به دلیل تغییراتی که در جمرات به‌وجود آمد و دولت سـعودی محلّ رمی را توسعه داد، خوشبختانه نه‌تنها مشکلی در انجام رمی به وجود نیامد، که بسیار روان‌تر از سال‌های گذشته انجام شد.

در باره قربانی هم بایـد بگویم که در حج سال گذشـته بیش از ۸۰ ،۰۰۰ نفر از زائران ایرانی توانسـتند از قربانگاه‌های جدید استفاده کنند که بیشترین آمار در سال‌های اخیر است و بحمداللّه گوشت‌های قربانی هدر نرفت و از آن‌ها استفاده بهینه شد.

: حج سال ۸۳، نسبت به سال‌های پیش از آن، از چه ویژگی‌هایی برخوردار بود؟

آقای ری‌شهری: در رابطه با ویژگی‌های اجرایی، فرهنگی و سیاسی حج سال ۸۳ چند نکته قابل توجه است:

ویژگی‌های اجرایی

انتقال مستقیم ۴۷۸۰۰ نفر از زائران بـه مـدینه و نیز ۴۸ ،۰۵۰ نفر زائرِ مـدینه، بعد به جدّه، اسـکان ۶۵٪ از زائران در هتل‌هـای منطقه مرکزی مدینه و اطراف مسجد شریف نبوی، اجرای طرح کامل طبخ غذا به صورت متمرکز برای حدود ۹۶٪ زائران در مدینه و ۳۰٪ در مکه، اجرای طرح متمرکز قربـانی با آمار ۸۳٪ در روز عیـد قربان و ۱۷٪ در روز یازدهم توسط ۹۵ نفر از ذابحـان ایرانی از جمله ویژگی‌های اجرایی حج سال گذشته بود.

ویژگی‌های فرهنگی

در سـال گذشـته بـا توجه به محور قرار گرفتن قرآن کریم، شاهـد قرائت و انجـام بیشـتر ختم قرآن به صورت گسترده توسط زائران بودیم، حضور قاریان برجسته و بین‌المللی

ص: ۱۴۵

کشورمان در حج و اجرای برنامه در مسجدالحرام، مسجدالنبی، و همایش‌های بین المللی بعثه و نیز توجه ویژه به مباحث قرآنی در جلسات عمومی و همایش‌های بین‌المللی بعثه از ویژگی‌های فرهنگی سال گذشته بود ...

طرح جدید اعزام خواهران معین به حج، دومین سال موفقیت‌آمیز خود را پشت سر گذاشت و با پیوستن حدود ۱۸۳ خواهر تحصیل‌کرده در جمع روحانیون در حج، پاسخگویی به مسائل ویژه بانوان با سهولت بیشتری انجام شد.

سخنرانی‌های آموزشی و تبلیغی متعددی در جلسات عمومی بعثه و نیز داخل کاروان‌ها از سوی سخنرانان و خطبای خوب کشورمان و نیز توسط برخی از بانوان مبلّغ، هم در مکه و هم در مدینه برگزار شد.

شورای استفتای بعثه مقام معظم رهبری همه‌روزه در مدینه و مکه پاسخگوی پرسش‌های فقهی زائران ایرانی و خارجی بودند. کارگاه‌های آموزشی ویژه روحانیون کاروان‌ها تشکیل شد و معضلات فقهی مناسک حج، مورد بحث و گفتگو قرار می‌گرفت.

حضور افرادی از شورای استفتا و نیز روحانیون و بانوان مبلّغ در مسجد شجره، جحفه، مسجدالحرام و مسعی، تشکیل شورای فرهنگی در هر کاروان، سازماندهی و بهره‌گیری از گروه‌های ارشاد در کاروان‌ها، اجرای طرح نظرسنجی جهت دستیابی هرچه بهتر و دقیق‌تر به نظریات و پیشنهادها و انتقادات زائران و ... از ویژگی‌های فرهنگی حج گذشته بود.

به دلیل تغییراتی که در جمرات به‌وجود آمد و دولت سعودی محلّ رمی را توسعه داد، خوشبختانه نه‌تنها مشکلی در انجام رمی به وجود نیامد، که بسیار روان‌تر از سال‌های گذشته انجام شد.

ویژگی‌های سیاسی:

بیداری مسلمانان نسبت به توطئه‌های آمریکا و اسرائیل و طرح‌های آنان برای سلطه بر جهان اسلام، به‌ویژه عراق و فلسطین و تشدید حسّ همگرایی ملّت‌های اسلامی، از

ص: ۱۴۶

ویژگی‌های مهم سیاسی حج گذشته بود. وضعیّت لرزان آمریکا در عراق، سردرگمی اسرائیل و انتخابات فلسطین، موفقیت‌های مردمی در عراق و لبنان و مسائلی از این دست، به تدریج ملّت‌ها را متوجه نیروی عظیم نهفته در درون خود کرده و آنان را به چاره‌جویی و فکر و اندیشه واداشته است و این امر در حج گذشته به خوبی خود را نشان می‌داد.

برگزاری با شکوه مراسم برائت از مشرکان با شرکت حجاج و زائران بیت‌اللَّه الحرام و نمایندگانی از بعثه‌های مراجع عظام و تعدادی از حجاج دیگر کشور، به خصوص هیأت نمایندگی لبنان و برگردانِ پیام مقام معظم رهبری به ۱۰ زبان و انتشار آن با بهره‌گیری از ابزار مختلف؛ از جمله اینترنت، دیدار با رؤسای بعثه‌های تعدادی از کشورها؛ مانند وزیر اوقاف و حج اردن، مشاور اعظم سلطنتی کشور عمان، معاون دبیرکل حزب‌اللَّه لبنان، آقای شیخ نعیم قاسم، قائم‌مقام وزیر خارجه عراق، عضو شورای مرکزی مجلس انقلاب اسلامی عراق، رییس اوقاف شیعیان عراق، وزیر اوقاف و امور دینی الجزایر، محمد بشیرالدین احمد، مفتی اعظم و رییس امور دینی جامو و کشمیر و ... و رایزنی با آنان در باره مسائل مختلف جهان اسلام، از دیگر دستاوردهای سیاسی حج سال گذشته بود. در این میان، جریان افراطی سلفی‌گری و تندروهای مذهبی در عربستان نیز تلاش‌هایی داشتند تا برای زائران ایرانی فشارهایی را بر آنان وارد کنند و نمونه آن محروم ساختن بانوان برای حضور در کنار قبرستان بقیع و زیارت قبور ائمه بود، لیکن بحمداللَّه بیشتر این تلاش‌ها ناکام و بی‌نتیجه ماند.

ویژگی‌های خبری و اطلاع‌رسانی

در زمینه‌های خبری نیز گروه‌های اعزامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و انعکاس اخبار حج در شبکه‌های مختلف، پخش مراسم دعای کمیل، برائت، همایش‌ها و دیدارها و مراسم فرهنگی و سیاسی بعثه، نقش مؤثری در ترویج فرهنگ حج در جامعه ایفا کرد که بنده در همین‌جا از تلاش‌های صدا و سیما تشکر می‌کنم.

نشریه زائر با توجّه به محوریت قرآن در حج گذشته، علاوه بر اطلاع‌رسانی در زمینه‌های مختلف به مردم، در این زمینه نیز تلاش‌های خوبی داشت. پایگاه اینترنتی

ص: ۱۴۷

بعثه نسبت به گذشته پربارتر و متنوع‌تر شده بود. به تصویر کشیدنِ همه فعالیت‌های حج در سال گذشته، به منظور تهیه فیلم مستند حج و نیز تدوین مکتوب فعالیت‌های حج، تحت عنوان «با کاروان صفا» نیز از ویژگی‌های خبری و اطلاع‌رسانی حج گذشته بود.

: سال گذشته قرآن محوری شعار حج بود، خواهشمندیم بخشی از اقداماتی که در این زمینه صورت گرفته را بیان فرمایید:

آقای ری‌شهری: بر اساس رهنمود مقام معظم رهبری، در سال گذشته، محور فعالیت‌های فرهنگی حج، قرآن بود. البته این بدان معنی نیست که در سال‌های پیش از آن، به قرآن پرداخته نمی‌شد و قرآن محوریت نداشت، بلکه سال گذشته بعثه مقام معظم رهبری و دست‌اندرکاران فرهنگی؛ اعم‌از روحانیان وخدمتگزاران، فعّالیّت بیشتر و چشمگیرتری در این زمینه داشتند و با تمرکز بیشتر پیرامون قرآن، امور فرهنگی به اجرا درآمد و در نتیجه زائران عزیز توانستند از فضای معنوی حج بیشتر بهره‌برداری نموده، با قرآن انس بگیرند. پیش‌از حج، در کمیته فرهنگی موضوع محوریت قرآن در حج به بحث گذاشته شد و تصمیماتی اتخاذ گردید که با عنایات خداوند بیشترین آنها به اجرا درآمد.

: نقاط ضعف و کاستی‌های حج ۸۳ در زمینه‌های فرهنگی و اجرائی چه بود؟

آقای ری‌شهری: در زمینه‌های فرهنگی، هنوز کاستی‌هایی داریم که با استفاده از نظرسنجی‌های به عمل آمده، تا حدی مشخص شده و ما امیدواریم با طرح آن در کمیته فرهنگی و بررسی‌های کارشناسانه هر یک از موضوعات بتوانیم در آینده در رفع آنها تلاش کنیم، لیکن آنچه به‌طور مشخص هنوز برای ما مشکل‌آفرین است، بی‌توجهی برخی از زائران به حضور نیافتن در نمازهای جماعت و یا حضور در خیابان‌ها و کنار مغازه‌ها به هنگام برپایی نماز جماعت است که علی‌رغم تذکّرات جدّی و مکرّر روحانیان و دیگر مسؤولان فرهنگی، متأسفانه هنوز هم شاهد آن هستیم، و اگرچه این افراد در اقلیّت‌اند، لیکن به هر حال باید برای آن چاره‌ای اندیشید و باید راه حل را از ایران آغاز کرد.

ص: ۱۴۸

زائری که نماز خواندن در اوّل وقت برای او به صورت فرهنگ در نیامده و نسبت به نماز اوّل وقت بی‌توجه است، چگونه می‌توان در مدّت کوتاهی به این امر مهمّ مقید ساخت و یا زائری که به برخی از تخلّفات رفتاری، عادت کرده، در چند روز نمی‌توان او را از عادت‌ها و روش‌های غلط بازداشت. به نظر می‌رسد بهترین راه حل آن است که با بهره‌گیری از نظرسنجی‌ها و با همکاری مجموعه نهادهای فرهنگی کشور، بتوان از این‌گونه کارها جلوگیری کرد. البته نتایج نظرسنجی‌ها را نیز باید منتشر ساخت و چه بهتر که ما ابتدا خودمان را نقد کنیم و از این مسأله نهراسیم. مشکلات را نیز صادقانه با مردم و حجاج در میان بگذاریم. برنامه‌های سال آینده را هم برای مردم تبیین کنیم تا ان شاء اللّه از حجم این مشکلات کاسته شود.

در زمینه اجرایی نیز علی‌رغم کارهای انجام شده در زمینه حمل و نقل درون‌شهری مکّه، باز هم کاستی‌هایی داشتیم؛ به‌خصوص در منطقه باب علی، در اطراف مسجدالحرام، که به دلیل تراکم حجاج، هنگام سوار شدن حجاج به اتوبوس‌ها ازدحام شدیدی ایجاد می‌شد که زیبنده حجاج ما نبود، البته حل این مشکل هم در توان جمهوری اسلامی ایران نیست. دولت عربستان باید مشکل را حل کند و زائران ما هم باید نیم تا یک ساعت پس از اتمام نمازها، از مسجدالحرام خارج شوند تا کمی از تراکم جمعیت کاسته شود.

اعزام حجاج به مدینه و فرود آنان در فرودگاه مدینه نیز منافع فراوانی برای حجاج ما در برداشته، لیکن فرودگاه مدینه، ظرفیت لازم را برای پذیرش این همه حاجی ندارد که امیدواریم به تدریج این مشکل توسط دولت عربستان حل شود.

مشکل دیگر تأخیر در پروازها بود که در پاره‌ای موارد خاطر زائران را می‌آزرد.

در معاینات پیش از عزیمت حجاج نیز مشکلاتی داشتیم و من در جلسه‌ای که اخیراً برای مدیران کاروان‌های حج سال ۸۴ داشتم عرض کردم که اینها همان‌گونه که در مورد مشکل حامله بودن بانوان با دقتی که از طریق دستیاران زن داشتند، در سال‌های قبل حل کردند. می‌توانند در سال‌های آینده نیز برای حل این معضل چاره‌اندیشی کنند.

طول کشیدن بازرسی‌ها در فرودگاه جدّه نیز از کاستی‌های حج سال قبل بود.

ص: ۱۴۹

امیدوارم با برنامه‌ریزی‌هایی که صورت گرفته، سال آینده از حجم این مشکلات کاسته شود.

: در سال‌های اخیر و پس از سقوط صدّام، حضور زائران شیعه در عربستان گسترش یافته است، آیا برای انسجام تشیع در حج چاره‌ای اندیشیده شده است؟

آقای ری‌شهری: حقیقت این است که ما سلطه‌ای بر دیگر زائران شیعه‌ای که به حجّ مشرّف می‌شوند نداریم و اگر ما بتوانیم روی زائران ایرانی خودمان کار کرده، نقاط ضعف موجود را برطرف کنیم و جلو ناهنجاری‌هایی که گاهی از برخی صادر می‌شود را بگیریم، کار مهمی کرده‌ایم، لیکن در عین حال در سال جاری برنامه‌ریزی کرده‌ایم تا جلسه‌ای با روحانیون شیعه سایر کشورها داشته باشیم و بتوانیم از طریق صحبت با آن‌ها برخی ناهنجاری‌های موجود را برطرف سازیم ولی به هر حال، اگر اقدام منسجمی صورت نپذیرد، ممکن است در آینده مشکلات زیادتری از این ناحیه داشته باشیم. البته اقدام سازمان فرهنگ و ارتباطات و مجمع جهانی اهلبیت، در طول سال، برای توجیه روحانیون شیعه و مدیران کاروانی که زائران شیعه را به حج می‌آورند، تأثیری بیشتر از آن خواهد داشت که ما در مدت کوتاه حجّ برای آن برنامه‌ریزی کنیم.

به هر حال، انسجام شیعیان در حج و تشریک مساعی با برادران مسلمانان که از سرتاسر جهان به حج آمده‌اند، وحدت امّت اسلامی را تقویت و از تفرقه، که وسیله نفوذ دشمنان در میان مسلمانان است جلوگیری به عمل خواهد آورد.

: شخصیت‌های مهمی چون وزرا و رؤسای حجّ برخی کشورهای اسلامی و نیز علما و اندیشمندان در حج، با جناب‌عالی دیدار داشتند. جمع‌بندی شما از این دیدارها چیست؟

آقای ری‌شهری: دیدارهایی که در مکه با وزرا، علما و اندیشمندان جهان اسلام دارم، بیشترین دستاورد و ثمره‌اش تقویت وحدت کلمه امت اسلامی است. البته برکات جانبی دیگری هم دارد، لیکن عمده هدف و انتظار ما از این دیدارها، همان تقویت وحدت امت اسلامی است که در این سال‌های اخیر بحمداللّه این ملاقات‌ها گسترش

ص: ۱۵۰

یافته و آثار و فوایـد خوب سیاسـی هم در پی داشـته است؛ به این معنی که در ایجاد روابط سیاسـی میان جمهوری اسـلامی و برخی کشورهـایی که با آنها روابط جـدّی نداشـته‌ایم، تأثیر گـذار بوده است. برای نمونه می‌توان از کشور الجزایر نام برد که در سال اوّلی که بنـده بـا وزیر حـج الجزائر در مکه دیـدار داشـتم، در آن زمان میان دو کشور روابط خوبی حاکم نبود لیکن با پی‌گیری‌هایی که به‌عمل آمد، بحمداللَّه هم‌اکنون روابط سیاسی مطلوبی میان دو کشور برقرار شده است.

: شـبهات زیادی در سال‌های گذشـته توسط سـلفی‌ها به خصوص در حج به مسـلمانان القا می‌شود که خشم مسـلمانان را هم در پی داشته است. حضرت‌عالی در این زمینه چه تحلیلی دارید؟ و برای جلوگیری از آنها چه اقداماتی صورت گرفته است؟

آقای ری‌شـهری: شکستی که به نظر من سلفی‌ها پس از سقوط طالبان در افغانستان خوردند، سبب شد تا آنها به کارهای نسنجیده و عملیات انتحاری و ترورهای کور روی آورنـد و خود را روز به روز منزوی‌تر کننـد. بنابراین، بنـده تشدید فعالیت‌های تبلیغی آنها را ناشـی از شـکستی می‌دانم که در جبهه سیاسـی داشـتند و ما برای این‌که در جبهه فرهنگی، که بسـیار مهم هم هست، با آنها برخورد کنیم، لازم است از همان

ص: ۱۵۱

راه‌هایی که آنها وارد شده‌اند، استفاده کنیم و پاسخ مناسبی برای آنان داشته باشیم. اینها در همین اواخر نوارهای متعددی را توزیع کرده و عقاید شیعه را به شکل موهنی زیر سؤال برده‌اند. بعضی از مطالبی که در این نوارها مطرح کرده‌اند، تحریف شده و برخی دیگر هم پاسخ دارد که باید به طور منطقی و حساب‌شده از طریق کتاب، نوار و حتی اینترنت با این حرکت مقابله کنیم و اگر احیاناً کسانی در میان آنها هستند که گوششان به حرف حق بدهکار است. آنها را برای نشست‌های دوستانه و مباحثات دعوت کنیم، البته تجربه‌هایی که ما داریم، غالب این افراد حاضر به مباحثه و گفتگوی رودررو نیستند و تلاش می‌کنند تا بیشتر روی عوام مردم تأثیرگذار باشند و القای شبهه کنند و به خیال خام خود، آنها را از مکتب اهل‌بیت دور کنند.

: حدود دو سال است که اجازه ورود به محوّطه جلو قبرستان بقیع و نیز نشستن بین‌الحرمین، به بانوان و زنان ایرانی داده نمی‌شود. این اقدام سعودی‌ها را بر چه اساس ارزیابی نموده و برای حل آن تاکنون چه اقداماتی صورت داده‌اید؟

آقای ری‌شهری: این اقدام وهّابی‌ها در راستای همان مطلبی است که پیشتر گفتم؛ یعنی آنان به دنبال شکست سیاسی که داشتند، فشارهای خود را بیشتر کرده‌اند تا مشکلاتی را برای شیعیان و دیگر فِرَق اسلامی که با آنها هم عقیده نیستند، به‌وجود آورند، همان‌گونه که می‌دانید وهابیت فرقه کوچکی بیش نیست و بسیاری از فرق اسلامی افکار و عقاید آنها را بر نمی‌تابند و بسیاری از متفکّران و اندیشمندان اهل سنت، که ما در حج با آنان دیدار داشتیم، از این رفتار سلفی‌ها و افکار غیرمنطقی و متحجّرانه آنان و دخالت‌کردنشان در امور مذهبیِ دیگر مسلمانان اظهار نفرت می‌کردند. ما تلاش‌های زیادی کردیم تا این مشکل را حل کنیم. نامه‌ای به آقای امیر عبداللّه نوشتم و رییس محترم سازمان حج و زیارت در دیدار با آقای امیر عبداللّه و برخی مقامات دیگرِ سعودی مشکل را مطرح و خواستار حلّ فوری آن شدند، ولی متأسفانه هیچ‌کدام از آن‌ها نتیجه ملموسی نداشت، تا آن‌که سعودی‌ها احساس کردند جلوگیری از زیارت مردم ممکن است به تظاهرات و برخوردهای مردمی منجر شود و مشکلات امنیتی ایجاد کند که در نتیجه راه را برای آقایان بازگذاشتند و تاکنون هم ادامه دارد، لیکن

ص: ۱۵۲

متأسفانه نسبت به بانوان هنوز مانع ایجاد می کنند و اجازه نمی‌دهند آن‌ها پشت قبرستان بقیع تجمع کنند و من خوف آن دارم که اگر این مشکل مرتفع نشود، تبعات خوبی نداشته باشد و حدّاقل این تبعات منفی، آن است که تعداد قابل توجهی از بانوان ایرانی و غیرایرانی نتوانند از این فرصت معنوی استفاده کنند، ارزیابی ضعف در دولت عربستان خواهند کرد که نمی‌تواند در برابر این گروه افراطی بایستد و از حقوق زائران دفاع کند و آنچه را که به مصلحت کشورشان هست، به مورد اجرا بگذارد. (۱)

۱- صاحب السموّ الملکی الأمیر عبداللّه بن عبدالعزیز آل سعود

ولی العهد ونائب رئیس مجلس الوزرآء بالمملکهٔ العربیّهٔ السعودیّهٔ

السلام علیکم ورحمهٔ اللّه وبرکاته

بدایهٔ أری من الضروری أن أتقدّم لسموّکم بالشکر والتقدیر لما وعدتم خلال زیارهٔ معالی وزیر الثقافهٔ والإرشاد الإسلامی بالجمهوریهٔ الإسلامیّهٔ الإیرانیهٔ لکم، بالعمل علی حلّ مشکلهٔ البقیع وأرجو لکم دوام النجاح والتوفیق فی خدمهٔ ضیوف بیت اللّه الحرام.

فکما تعلمون، أنّ نجاح بیت اللّه الحرام من إیران وسائر الدول یعانون فی هذا الموسم من مشکلهٔ هامّهٔ جدیرهٔ بالاهتمام تسبّب امتعاضهم ویخشی أن تودّی لا سمح اللّه إلی خسائر وإصابات، إن لم یتمّ معالجتها:

۱- کان البقیع یفتح أمام الزوّار فی الأعوام الماضیهٔ ساعتین صباحاً وعصراً حیث یتمّ الدخول من طرفٍ والخروج من طرف آخر بانتظام. وعند الضرورهٔ وازدیاد عدد الزوّار، کان المجال یفسح أمامهم من جانب آخر حیث یوجد السلّم وذلک لمرورهم لئلّا یؤذیهم الازدحام. وبعد غلق أبواب البقیع، کان الدور للنساء لیقمن بزیارته من الخارج ومن خلف جدرانه. وهکذا کان الجمیع یترکون المدینهٔ المنوّرهٔ بارتیاحٍ وسرور.

وللأسف فإنّ أبواب البقیع فی العالم الحالی لا تفتح إلّالمدّهٔ محدودهٔ ولا یسمح لدخول الزوّار إلّاعبر طریق واحد. وبما أنّ الأبواب تغلق فی وقت مبکر، لذلک یضطرّ الزوّار أن یتسارعوا بعد أداء الصلاهٔ صوب البقیع وهذا یؤدّی إلی ازدحام الناس وتدافعهم. فإن استمرّ هذا الوضع یخشی أن یصاب بعض الأشخاص أو یودّی ذلک إلی وفاهٔ عدد منهم فیتکرّر لا سمح اللّه ما حصل من حادث مؤسف فی رمی الجمرات قبل سنوات.

۲- إنّ النساء اللاتی یشکّلن ۵۰

کما ویمنع الزوّار من الوقوف والزیارهٔ فی المساحهٔ المحصورهٔ بین المسجد النبوی والبقیع ممّا یدفع الزوّار إلی الانتشار فی جمیع أطرافه أو المحاولهٔ لارتقاء جدرانه هنا وهناک لرؤیهٔ القبور ممّا یخشی أیضاً أن یؤدّی إلی السقوط علی الأرض وإصابهٔ الأشخاص لا سمح اللّه.

إنّنی علی ثقهٔ بأنّکم لا توافقون علی هذه التصرّفات السیّئهٔ لبعض المتطرفین وأنّکم أبدیتم کراراً قلقکم وامتعاضکم ممّا یجری من تشدّد وأعمال قاسیهٔ. لکنّنی أود أن أؤکّد مرهٔ أخری علی ضرورهٔ معالجهٔ هذه المشکلهٔ للحیلولهٔ دون وقوع کارثهٔ مؤلمهٔ لا سمح اللّه.

وختاماً أسأل اللّه العلی القدیر أن یوفّق الجمیع لتوطید أواصر المحبّهٔ والصداقهٔ بین البلدین وأن یمنّ علیکم بالنجاح لخدمهٔ ضیوف الرحمن وحجّاج بیته وزوّار قبر نبیه. إنّه سمیع مجیب.

محمّد الری‌شهری:

ممثّل الإمام الخامنئی فی الحجّ

ص: ۱۵۳

هنوز حج از اهداف خود بسیار فاصله دارد؛ حجّی که بتواند زائر را همانند روز تولّد پاک کند و پاکیزه به دیار خود برگرداند؟ به نظر جناب‌عالی چه راه‌کارهایی برای رسیدن و تحقّق این اهداف وجود دارد؟

وهابیت فرقه کوچکی بیش نیست و بسیاری از فرق اسلامی افکار و عقاید آنها را بر نمی‌تابند و بسیاری از متفکّران و اندیشمندان اهل سنت، که ما در حج با آنان دیدار داشتیم، از این رفتار سلفی‌ها و افکار غیرمنطقی و متحجّرانه آنان و دخالت‌کردنشان در امور مذهبیِ دیگر مسلمانان اظهار نفرت می‌کردند.

آقای ری‌شهری: به نظر من سه نکته برای تحقّق اهداف حج بسیار مهم است:

نکته اوّل «معرفت» است، هرچه معرفت و بصیرت دست‌اندرکاران حج و حجاج بیت‌اللّه الحرام نسبت به انجام این فریضه بسیار مهم بیشتر باشد و ظرفیت‌های مهمّی که این واجب الهی برای خودسازی دارد، بیشتر شناخته شود، بهتر می‌شود از این ظرفیّت‌ها استفاده کرد.

نکته دوّم «تلاش برای اجتناب از آفات حج» است؛ شناخت اموری که موجب می‌شود تا آثار حج از میان برود، بسیار مهمّ است.

نکته سوّم «تلاش برای کمال حج» است که چه کنیم از نورانیت بیشتری در امر حج برخوردار شویم، این سه نکته به نظر من بسیار مهمّ است و باید همگان از آن آگاه شوند تا بتوانند از برکات و معنویات حج بهره‌مند گردند.

ص: ۱۵۴

: اخیراً جناب‌عالی دیدار و جلسه‌ای برای هنرمندان و مجریان و تهیّه‌کنندگان صدا و سیما داشتید، فعالیت‌های صداوسیما را در سال‌های اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید و چه رهنمودهایی برای آنان دارید؟

آقای ری‌شهری: اولًا به این نکته اشاره کنم که صدا و سیما در سال‌های اخیر بسیار خوب عمل کرده و سرمایه‌گذاری بسیاری می‌کند تا مردم از فضای نورانی حج بهره‌مند شوند که قابل تقدیر است، لیکن برای این‌که از ظرفیت‌های فراوان فرهنگی حج بیشتر استفاده شود، باید به نکاتی اهمیت دهد. در آن جلسه نکاتی را گفتم که در اینجا نیز به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

- مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، با همکاری معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، ظرفیت‌های حج را شناسایی و مشخص کنند.

- شناسایی و به‌کارگیری بهترین‌ها برای برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از هنر، برای انتقال فرهنگ حج به مردم و جامعه.

- مقابله با آفات بهره‌گیری از عمره و حج. هم‌اکنون عده‌ای هستند که می‌خواهند از عمره و حج به عنوان یک تشکیلات درآمدزا استفاده کنند و مهمترین جایی که می‌تواند با این فکر مبارزه کند، صداوسیما است.

- ناهنجاری‌هایی که در حج و عمره اتفاق می‌افتد را به تصویر کشیدن و برای اصلاح آنها اقدام کردن نیز از کارهای مهمّ دیگری است که صداوسیما می‌تواند در آن نقش اساسی داشته باشد.

- فرهنگ‌سازی در زمینه حج نیز از کارهایی است که نقش رسانه ملّی در آن انکارناپذیر است.

دو کار نیز از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است که به نظر من صدا و سیما باید با همکاری بعثه مقام معظم رهبری روی آن سرمایه‌گذاری بیشتری کند:

۱. تهیه تاریخ مستند و تصویری حج، عمره و عتبات عالیات و همه مراکز زیارتی.

روشن است که پرجاذبه‌ترین و مستندترین تاریخ، تاریخ تصویری است که هم برای امروز و هم برای آینده بسیار مفید است و این کاری است که صداوسیما می‌تواند روی آن سرمایه‌گذاری کند و اولویت دارد.

ص: ۱۵۵

۲. به تصویر کشیدن برکات و منافع حج.

قرآن می‌فرماید: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكاً وَهُدىً لِلْعالَمِينَ.

گاهی کسی با زبان و سخن این برکات را بیان می‌کند، و یک وقت به صورت تصویری، برکات فردی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی را ارائه می‌کند که دومی قطعاً بسیار مهمّ و تأثیرگذارتر از اولی است.

مثلًا وقتی قرآن سخن از ام‌القری بودن مکه و این خانه می‌گوید، این را به تصویر کشیدن و از ابتدای پیدایش خشکی در این نقطه از زمین و سپس ساخته شدن کعبه و مراحل توسعه آن را برای مردم با زبان تصویر سخن گفتن، مطمئناً تأثیرش در مردم بسیار زیاد خواهد بود.

چگونه مکّه امّ‌القری شده، چه برکاتی برای مردم داشته، چه دعاهایی اینجا مستجاب شده، چه کسانی برکات فردی برده‌اند؟ همه اینها پرجاذبه است و مهمترین برکات این خانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام از کنار این خانه است که به نظر من تمامی اینها را می‌توان به تصویر کشید و با زبان هنر این تاریخ درخشان را و این برکات را برای مردم بیان کرد.

ساخت فیلم‌های کوتاه و بلند در زمینه تاریخ اسلام، شناخت اماکن، حج‌گزاری عارفان و صالحان از کارهای دیگری است که هنرمندان متعهد ما در صداوسیما می‌توانند انجام دهند.

مثلًا همین حدیث شبلی را که دارای مضامین بلند عرفانی است، به تصویر کشیدن، تأثیر زیادی در زائر ایجاد می‌کند و به او می‌فهماند که از همان ابتدا با چه معرفتی سفر را آغاز و در طول حج چگونه عمل کند. گرچه انتساب این حدیث به امام سجّاد علیه السلام روشن نیست بلکه به نظر می‌رسد که مربوط به برخی از عرفا باشد، لیکن مضامین آن بسیار جالب و آموزنده است.

تاریخ مسجد مباهله را به تصویر کشیدن و از آن فیلم ساختن نیز از کارهایی است که جاذبه زیادی برای مردم دارد. به هر حال، در یک جمله باید گفت تهیه تاریخ مستند و تصویریِ حج و تفسیر تصویری منافع و برکات حج، از کارهای مهمّی است که صداوسیما توان به تصویر کشیدن را دارد.

ص: ۱۵۶

: در روزهای اخیر ملک فهد از دار دنیا رفته و آقای امیر عبداللّه رسماً پادشاهی این کشور را به‌عهده گرفته است. آینده روابط دو کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید و آیا این تغییرات در حج‌گزاری و مراسم حج تأثیر خواهد داشت؟

آقای ری‌شهری: فکر می‌کنم با توجّه به دیدگاه‌هایی که آقای امیرعبداللّه نسبت به روابط با جمهوری اسلامی ایران دارد، روابط دو کشور تقویت خواهد شد و امیدوارم این تقویت روابط، در هر چه بهتر برگزار شدن حج سال آینده و سال‌های بعد مفید باشد و خصوصاً در حل مشکلاتی که زائران عزیز دارند، تسهیلاتی ایجاد شود.

: اخیراً سخن از احداث شهرک‌های آموزشی برای حجاج و زائران است.

حضرت‌عالی این اقدام را تا چه حد مفید و ضروری می‌دانید و چه پیش‌بینی‌هایی را برای این شهرک‌ها در نظر گرفته‌اید؟

آقای ری‌شهری: به نظر من این کار، ضروری و بسیار لازم است و خوب بود که پیش از این انجام می‌شد. ما هم‌اکنون چه در تهران و چه در استان‌ها و شهرهای بزرگ، مکان مناسبی برای آموزش حجاج و معتمرین و زائران نداریم و با استقبالی که مردم از حج و عمره دارند، اگر جای مناسبی برای آموزش زائران داشته باشیم، قطعاً در روش و منش آنها و بهره‌گیری هرچه بهتر از مناسک حج و عمره و کاستی از ناهنجاری‌ها بسیار تأثیرگذار است.

امیدواریم ان شاء اللّه در تهران و بعضی از استان‌ها که پیش‌بینی لازم صورت گرفته به زودی این امر محقق شود و در آینده نیز حداقل در مراکز استان‌ها این مجموعه‌های آموزشی تأسیس و مورد استفاده مردم قرار گیرد.

: سال آینده محور تبلیغاتی حج چیست؟ و زائران از هم‌اکنون برای آمادگی جهت تحقّق این محور تبلیغی، چه باید بکنند؟

آقای ری‌شهری: موضوع ترابط قرآن و سنت و یا «پیوند و ارتباط متقابل قرآن و سنت» را به عنوان محور فرهنگی و تبلیغی حج سال ۸۴ برگزیده‌ایم که مسأله بسیار مهم در جهان اسلام است. این سؤال در جوامع اسلامی مطرح بوده و هست که آیا در حوزه معرفت

ص: ۱۵۷

دینی، قرآن تنها کافی است یا آن‌که به سنت هم نیازمندیم؟

گروهی از مسلمانان معتقدند که: «حَسْبُنَا کِتابَ اللَّه» قرآن تنها کافی است و نیازی به سنت نداریم. در برابر این گروه اخباری‌ها هستند که معتقدند قرآن قابل فهم برای ما نیست و ما فقط باید از سنت بهره بگیریم! بنابراین، «ترابط قرآن و سنت» موضوع بسیار مهمّی است که چه خوب است بررسی آن از کنار خانه خدا آغاز شود.

بنده در مقدّمه کتاب دانشنامه میزان الحکمه ذکر کرده‌ام که چهار نظریّه هم‌اکنون در این رابطه وجود دارد:

۱. نیاز نداشتن به سنت و کافی بودن قرآن

۲. کافی بودن سنت و عدم نیاز به مراجعه به قرآن

۳. کافی بودن قرآن و نیاز به سنت در موارد خاص

۴. تفصیل میان مراتب فهم قرآن

و گزینه چهارم چیزی است که ما مطرح کرده‌ایم؛ به این معنی که شناخت قرآن مراتبی دارد. ما در برخی از مراتب مربوط به فهم قرآن نیاز به سنت نداریم و می‌توانیم با مراجعه به لغت، قرآن را با قرآن تفسیر کنیم و معنای آیه را بدون مراجعه به سنت بفهمیم، امّا اگر بخواهیم به عمق معانی قرآن و نیز اشارات و لطایف و حقایق قرآنی پی ببریم، حتماً نیاز به سنت داریم و رسیدن به این حقایق جز با بهره‌گیری از سنت میسّر نیست.

امید است محققان و عالمان و اندیشمندان در رابطه با این موضوع مهم، بیشتر کار کنند و ما هم بتوانیم در حج آینده با محور قرار دادن آن در روشنگری افکار و اذهان مسلمانان گام‌های مؤثری برداریم.

: جناب آقای ری‌شهری، از این‌که در این گفتگو شرکت فرمودید، صمیمانه سپاسگزاریم و از خداوند متعال سلامتی و موفقیت روزافزون شما را در خدمت هر چه بیشتر به زائران بیت اللَّه الحرام مسألت داریم.

ص: ۱۵۸

ص: ۱۵۹

خاطرات

ص: ۱۶۰

سفر حج مرحوم آیت‌اللّه محمد یزدی اصفهانی

حسین یزدی

مطالبی که در پیش روی شماست، گزارش سفر حجّی است که گروهی از اهالی اصفهان، همراه عالم ربّانی، مرحوم آیت اللّه حاج شیخ محمد یزدی اصفهانی، در سال ۱۳۲۲ ه. ش./ ۱۳۶۲ ه. ق. مشرّف شده‌اند؛ سالی که یکی از حجاج ایرانی به نام ابوطالب، از اهالی اردکان یزد، به دست وهابیان در مکه معظّمه- بلد امن- وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً (۱)

به شهادت رسید.

این گزارش، به نقل از آن عالم وارسته و ربّانی است.

همراه با گروهی از اهالی اصفهان، به عزم حج‌گزاری و زیارت حرمین شریفین، راهیِ بندر بوشهر شدیم و از آنجا به وسیله یک کشتی ۷۰ نفری، به طرف کویت راه افتادیم. کشتی از نوع بَلَم بود و به وسیله پرده و باد حرکت می‌کرد. مقداری از مسیر را رفتیم تا به محلّی از دریا، به نام خور عبد اللّه رسیدیم. امواج دریا از چهار طرف می‌آمد. ناگهان دیدیم که طوفانی شدید ایجاد شد؛ به‌گونه‌ای که پرده کشتی از پایین به بالا پاره شد و کشتی از حرکت ایستاد!

با توجّه به شدّت طوفان و هجوم امواج، تعادل کشتی به هم خورد؛ به‌طوری که در تلاطم افتاد و به راست و چپ می‌غلتید و از هر طرف آب و ماهی به درون کشتی می‌آمد.

۱- آل عمران: ۹۷

ص: ۱۶۱

خدمه و کارکنان کشتی، آب‌ها را بیرون می‌ریختند. هر لحظه بر وحشت و اضطراب مسافران و ساکنان کشتی افزوده می‌شد، تا آنجا که فریادها به استغاثه و یاری بلند شد، صدای ضجّه و شیون به آسمان رفت. حتی برخی می‌گفتند: کاش نیامده بودیم!

مناظری عجیب در کشتی پدید آمد. یکی از مسافران ترک زبان، فرزند خود را در آغوش گرفت و داشت با وی وداع می‌کرد ...

و من (مرحوم آیت‌اللّه یزدی) که نمی‌توانستم بنشینم، سر بر سجده گذارده و در آن حال، نماز حضرت زهرا علیها السلام را خواندم و بعد از نماز به حضرت مهدی- صلوات اللّه علیه- متوسّل شده و استغاثه به آن جناب نمودم. خطاب به آن حضرت گفتم:

ای حجّت خدا، اگر ما غرق شویم مسأله‌ای نیست. عمری از ما گذشته و تسلیم مرگیم. تو می‌دانی که ما روحانیون و اهل علم، همواره مردم را مخاطب قرار داده، به آنان گفته‌ایم:

ای مردم شیعه، در گرفتاری‌ها، مصیبت‌ها، پیش‌آمدهای ناگوار، هنگام ابتلا به مرض‌های بی درمان و صعب العلاج و سختی‌های دوران و در مسافرت‌ها، در بیابان‌ها و در برخورد با ناملایمات، دست توسّل به ذیل عنایتِ آقا امام زمان- عجّل‌اللّه تعالی فرجه الشریف- بزنید و بدانید که حتماً آن حجّت خدا فریادرس شما خواهد بود.

اکنون ما، در این طوفان، اگر غرق شویم و از میان برویم. مردم خواهند گفت که عالمان همواره به ما می‌گفتند که در شداید و گرفتاری‌ها به امام عصر (عج) توسّل بجویید که آقا شما را نجات می‌دهد. اکنون چرا خودشان توسل نجستند و از حضرت نخواستند که ما را نجات دهند؟! در پاسخ این پرسش چه جوابی خواهید داد، ای حجت خدا؟!

وقتی مناجات و حرف‌هایم را با امام زمان- علیه آلاف التحیهٔ والثناء- در میان گذاردم، دیدم که از شدت طوفان کاسته شد و دریا آرام گرفت. اضطراب و وحشت مسافران کشتی کمتر شد و آرامش به کشتی بازگشت. خدمه کشتی چادر کشتی را دوختند و کشتی به حرکت خود ادامه داد و ما به یاری خداوند، در سلامت به کویت رسیدیم.

در کویت، به انتظار وسیله نقلیه بودیم که هر لحظه بر مسافران عازم بیت‌اللّه‌الحرام افزوده می‌شد و از سوی دیگر وسیله نقلیّه به قدر کافی وجود نداشت. برخی ناگزیر از ماشین‌های باری، که برای حمل مصالح ساختمانی؛ مانند گچ و آجر به کار گرفته می‌شد، استفاده می‌کردند. ساعت به ساعت بر کرایه‌ها افزوده می‌شد.

ص: ۱۶۲

سرانجام ما نیز ماشینی را اجاره کرده، از دروازه شهر کویت، به طرف عربستان حرکت کردیم. در راهی که نه آسفالت بود و نه جادّه معیّنی داشت و شن‌زاری بیش نبود، مقداری از مسافت را طیّ کردیم. ناگهان ماشین از حرکت ایستاد. افراد خبره مقداری بررسی کردند اما نتوانستند به آن سامان دهند و به راه بیندازند. در نتیجه، در آن بیابان ماندگار شدیم!

ماشینهای دیگری نیز در این مسیر از حرکت می‌ایستادند و دچار نقص فنّی می‌شدند. اما خوشبختانه نزدیک این منطقه بی‌آب و علف، یک آبادی وجود داشت به نام «مُراد» که قلعه آن به خوبی نمایان بود. مردمانی در آنجا زندگی می‌کردند. در میان آنان روحانی و عالمی بود که ریش بلندی داشت. تمام امور مردم به دست او اداره می‌شد و مردم به امامت او نماز می‌گزاردند.

به دیدن او رفته، پس ازسلام و احول پرسی، مشکل خود را برایش شرح دادیم و کم کم طرح دوستی و رفاقت با او ریخته شد ...

پیوسته آیه شریفه وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ (۱)

را زمزمه می‌کردم؛ زیرا ما نخستین گروهی بودیم که به این مکان رسیدیم و همچنان در انتظار وسیله‌ایم که ما را به مکّه معظّمه برساند.

عالم آبادیِ مراد به ما قول داد که با رسیدن وسیله، شما را در اولویت قرار خواهیم داد ...

سرانجام ماشینی بسیار مجهّز رسید که حامل ریال‌های سعودی بود که از مکّه به مقصد ریاض می‌رفت. شیخ به آنان پیشنهاد کرد که پول‌ها را به او دهند و ابتدا حجّاج را به مکّه برسانند و سپس بازگشته، پول‌ها را به ریاض ببرند.

آنان گفتند: ما اجازه چنین کاری را نداریم.

شیخ تلگرافی به مقامات سعودی زد و از آنان اجازه تحویل پول‌ها را گرفت و مسؤولان ماشین پول‌ها را شبانه تحویل شیخ دادند و تصمیم گرفتند اوّل صبح زائران خانه خدا سوار کرده، حرکت خود را آغاز کنند.

حجاج که منتظر بودند، به مجرّد آماده شدن ماشین، هجوم آورده، داخل ماشین شدند و ماشین پر از جمعیت شد و جایی برای ما نماند! نزد شیخ رفته، ماجرای خواندن آیه شریفه:

وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ (۲)

را مطرح کردم و به او گفتم، ماشین از افراد متفرّقه پر شد و جای خالی برای ما نماند.

۱- واقعه: ۱۰ و ۱۱

۲- واقعه: ۱۰ و ۱۱

ص: ۱۶۳

شیخ بی‌درنگ به سوی ماشین آمد و با چوب خیزرانی که در دست داشت سرنشینان را پیاده کرد و دستور داد ماشین را به درون قلعه بردند و درِ قلعه را بستند و به ما (آیت‌اللّه یزدی و جمعیّت همراه) گفت: از سمت دیگر قلعه به درون قلعه بیایید و سوار شوید و ما از آن در آمده سوار ماشین شدیم و به طرف مکّه معظّمه راه افتادیم. شب هفتم یا هشتم ذی‌حجّهٔ‌الحرام از مسیر ریاض وارد مکّه شدیم و توفیق انجام اعمال عمره و حج را یافتیم.

امّا جریان و داستان ابوطالب یزدی

در این سال (۱۳۲۲ ش.) و در این سفر بود که ماجرای تلخ ابوطالب یزدی رخ داد. ماجرا چنین بود که در حین طواف کعبه، از شدّت گرما و فشار جمعیّت، حالت تهوّع (و قی کردن) به ابوطالب یزدی اردکانی دست می‌دهد و او به‌ناچار دامن لباس احرامش را بالا می‌گیرد و در آن استفراغ می‌کند تا مسجدالحرام ملوّث و آلوده نشود. گروهی از از اهل سنت متعصّب مصری، نزد قاضی رفته و شهادت می‌دهند این شخص (ابوطالب) تصمیم داشت خانه خدا و کعبه معظّمه را ملوّث و نجس کند!

قاضی، بدون تحقیق و بررسی در کیفیّت واقعه، حکم اعدام این مسلمان مظلوم و زائر خانه خدا را صادر می‌کند و بی‌درنگ حکم اعدام در مقابل مسجدالحرام به اجرا در می‌آید.

ماجرا از سوی مقامات کشور ایران پی‌گیری شده، پس از تحقیق و بررسی، معلوم می‌شود که قضیه عمدی نبوده و هیچ‌گونه تصمیمی جهت تنجیس مسجدالحرام در کار نبوده است. و مرحوم ابوطالب یزدی صد در صد بی‌گناه بوده و شهادت شاهدان و گواهان، بی‌اساس و از روی غرض بوده است.

و این سرگذشت تلخ زائری است که میهمان خدا بود و از ضیوف الرحمان. با این‌که قرآن کریم می‌فرماید: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (۱)

که حق‌تعالی کلیّه مسلمین جهان را نسبت به یکدیگر برادر خوانده است و در جای دیگر می‌فرماید: أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ (۲)

اکنون جا دارد به مناسبت این واقعه و رخداد تلخ، که شهادت و گواهی ناحق موجب شد خون مسلمان و زائری در سرزمین امن خدا ریخته شود، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شود:

۱- حجرات: ۱۰

۲- فتح: ۲۹

ص: ۱۶۴

ابن ابی عمیر از هشام‌بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:
«شاهِدُ الزُّورِ لا تَزال قَدَماهُ حَتّی تَجِبَ لَهُ النّارُ»؛ «آن‌که شهادت بر دروغ دهد سرانجام گام‌هایش به سوی آتش کشیده خواهد شد.» (۱) و نیز مرحوم صدوق (محمدبن علیّ‌بن الحسین) در کتاب «عقاب الأعمال» از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود:
«وَ مَنْ شَهِدَ شَهَادَةَ زُورٍ عَلَی رَجُلٍ مُسْلِمٍ أَوْ ذِمِّیٍّ أَوْ مَنْ کَانَ مِنَ النَّاسِ عُلِّقَ بِلِسَانِهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ هُوَ مَعَ الْمُنَافِقِینَ فِی الدَّرْکِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» (۲) «هر آن‌که به ناحق و دروغ بر ضدّ مسلمانی و یا بر ضدّ یکی از اهل کتاب (یهودی، مسیحی و زردشتی) گواهی دهد و یا شهادت ناحق بر ضدّ کسی دهد که از هیچ‌کدام از گروه‌ها نیست، او را در روز قیامت به زبانش آویزان کنند و جایگاهش در جهنم با منافقین، یعنی در قعر جهنم خواهد بود.»
اللَّهُمَّ وَفِّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی، وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ
۲۸ ربیع الاوّل ۱۴۲۶/ مطابق با ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۴

پی‌نوشت‌ها

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۳۶، ح ۱

۲- وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۲۵

ص: ۱۶۵

گزارش سفر اولیا چَلَبی به حرمین شریفین

در سال ۱۰۸۱

مقدمه و ترجمه از: رسول جعفریان

مقدمه

سیاحت‌نامه اولیا چلبی، مهم‌ترین و مفصل‌ترین سفرنامه‌ای است که در دوره عثمانی، در نیمه دوّمِ قرن یازدهم هجری نوشته شده و در بر دارنده خاطرات سفر نویسنده از سرزمین‌های وسیعی است که آن زمان در اختیار دولت عثمانی و گاه خارج از سلطه آن دولت بوده است.

این اثر ارزشمند، بارها به ترکیِ عثمانی و لاتین چاپ گردیده (۱) و در دوران ما هم، از سوی انتشارات yky (انتشارات بانک یاپوکرِدی)، در دست نشر می‌باشد که تاکنون هشت مجلد آن از چاپ خارج شده است.

بخش کوتاهی از این سفرنامه، که مربوط به تبریز و شهرهای اطراف آن است و مربوط به

سال ۱۰۵۰ می‌باشد، توسط مرحوم حاج حسین نخجوانی ترجمه و به فارسی منتشر شده است (تبریز، ۱۳۳۸ ش، ۴۱ صص.). و ما تا آنجا که می‌دانیم، اطلاع و متن بیشتری از این دایرهٔ المعارف شگفت، که به نوعی می‌توان آن را با «سفرنامه شاردن» مقایسه کرد، در فارسی ارائه نکرده‌اند. مطالعه همان بخش، که مربوط به شهرهای مختلف آذربایجان؛ از جمله مراغه، تبریز و ... است، نشان می‌دهد که این اثر تا چه اندازه اهمیت دارد.

در اینجا ابتدا اشاره‌ای به زندگی وی کرده،

۱- برای نسخه‌های خطی و چاپی آن نک: مجله الداره، سال ۲۷، ش ۳، صص ۷۰- ۶۸

ص: ۱۶۶

سپس به پژوهش در باره او می‌پردازیم و در آخر گزارشی فشرده از سفر وی به مدینه و مکه ارائه خواهیم کرد.

در مقدمه، از منابع گوناگون، به‌ویژه برخی از سایت‌های ترکی استفاده کرده‌ایم، اما گزارش سفرنامه، از ترجمه عربی بخش حجاز آن است که با عنوان «الرحلة الحجازیه» به‌وسیله استاد دکتر الصفصافی احمد المرسی، از ترکی به عربی در آمده است؛ (چاپ دارالآفاق العربیه، قاهره، ۱۹۹۹).

وی حواشی سودمندی بر کتاب زده، اما به نظر می‌رسد متن آن دقت لازم را ندارد.

اولیا چلبی (۱۰۲۰- ۱۰۹۴) در دهم محرم سال ۱۰۲۰ هجری در اونقپانی در شهر استانبول به دنیا آمد. همانجا به مدرسه رفت و خط، تذهیب و نقاشی را از پدرش درویش محمد ظلّی، فرا گرفت. پدر او جواهرچی قصر بود و از این جهت فردی محترم به شمار می‌آمد. نیای اعلای ایشان به احمد یسوی، صوفیِ مشهور می‌رسد. عنوان درویش برای پدر او هم نشان آن است که همچنان علایق تصوّف در آنان باقی مانده است. با این حال، خاندان او، چهره‌های برجسته‌ای در دولت عثمانی بودند و طبعاً این وضعیت روی سرنوشت اولیا چلبی هم مؤثر بوده است.

افندی علاوه بر دروس مدرسی، قرآن را حفظ کرد و به همین جهت لقب حافظ به دادند.

در سال ۱۰۴۵، در شب قدر، در مسجد ایاصوفیه، در حضور سلطان مراد عثمانی قرآن خواند که مورد تشویق وی قرار گرفت. سلطان از او خواست تا مصاحبش باشد؛ یعنی در مجموعه دربار قرار گرفت.

چلبی، افزون بر دروس رسمی، مطالعاتی در موسیقی و شعر نیز داشت و پس از آن که مورد تشویق سلطان قرار گرفت، برای تحصیل به اندرون کاخ عثمانی رفت. در آنجا با عربی و فارسی آشنا شد. بخشی از گلستان سعدی و مثنوی ملّای رومی را حفظ کرد که گاه به عبارات آنها هم در سیاحتنامه خود استناد می‌کند. زمانی که وی در اندرون بود، بیست سال داشت و مطالب زیادی فرا گرفته، اشعار و قصاید فراوانی در حفظ داشت. این دوره چهار سال طول کشید.

با حمایت دایی‌اش، ملک احمد پاشا، که از مقرّبان سلطان مراد بود، در درون دربار

ص: ۱۶۷

شغلی به‌دست آورد. در واقع خودِ وی خواست تا به سپاه بپیوندد و سلطان هم با او موافقت کرد.

به‌نظر می‌رسد که اولیا از همان زمان سیاحت را دوست می‌داشت و به دلیل آن‌که از پدر و دوستان پدرش مطالبی در باره بلاد مختلف شنیده بود، هوس سیاحت در سر داشت. در واقع، پدر وی که به کارهای هنری در صفحات برنجی مشغول بود، خودش در جنگ زیگت‌وار شرکت کرده بود و اولیا، داستان زندگی دوستان پدرش را از زبان آنان، که با پدرش رفت و آمد داشتند، می‌شنید. شنیدن این داستان‌ها، هوس سیاحت را در او تقویت می‌کرد. وی بیست ساله بود که سفرش را از استانبول آغاز کرد و هرآنچه را که در آنجا دیده بود، ثبت کرد.

او شبی پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید. وقتی خواست دست آن حضرت را ببوسد، رفت تا بگوید «شفاعت» یا رسول اللّٰه، از لرزش گفت: «سیاحت» یا رسول اللّٰه. پس از آن‌که خوابش را برای برخی از معبران گفت، آنان تأکید کردند که او اهل سیاحت خواهد شد.

وی کارش را بااین داستان آغاز کرد. این نکته‌ای‌است که خود او در سیاحتنامه‌اش آورده، گرچه قدری متفاوت با این حکایت است.

اولیا در سال ۱۰۵۰/ ۱۶۴۰، پس از گردش و دیدار از استانبول و نگارش آنچه در این گردش به دست آورده بود، به بورسا و طرابوزان رفت و در کریمه، نزد بهادرخان گرای رفت.

سپس همراه برجستگانی از دولت، به نقاط مختلفی سفر کرد. در جریان جنگ‌ها، نامه رسان میان پاشاهان بود و کار برید و الاغ می‌کرد. سفر او به ایران هم در همین چهارچوب بود که طی آن، آگاهی‌های دقیقی را از آذربایجان و شهرهای مختلف آن ثبت کرد.

در سال ۱۶۴۵، در جریان جنگی که منجر به تصرف «یانیا» شد، در خدمت یوسف پاشا بود؛ چنان‌که در سال ۱۶۴۶ در ارزروم حسابدار دفتر محمدپاشا بود. از آنجا به آذربایجان و گرجستان رفت.

در سال ۱۶۴۸ از استانبول با مصطفی پاشا به شام رفت و سه سال در آنجا ماند و سپس بازگشت. بعد از سال ۱۶۵۱ سفر خود را به بخش اروپاییِ تحت سلطه عثمانی آغاز کرد و مدتها در صوفیه ماند.

میان سال‌های ۱۶۶۷- ۱۶۷۸ در اطریش، آلبانی، تسلیا، کاندیه، گومولجینه (از بلغارستان) و سلانیک بود.

ص: ۱۶۸

اولیا چلبی تمامی آناتولی، خاورمیانه، قفقاز، سودان، صحرای عرب تا شمال حبشه، روم اروپایی، آلبانی، رومانی، مجارستان، وین، آلمان، هلند، بوسنی و هرزگوین، دالماچیا، جنوب روسیه و تمامی مناطق عرب را گشت و آنچه را دید، نوشت. وی در سال ۱۶۸۲ در استانبول درگذشت. امروزه کسی از محلّ دفن او آگاهی ندارد.

سیاحتنامه وی، حاصل این اسفار و بزرگترین مجموعه سفرنامه‌ای ترکی است که تاکنون همه یا بخش‌هایی از آن به ده زبان برگردان شده است.

مهم‌ترین نسخه خطیِ برجای مانده از او، در چهار جلد، در موزه توپقاپی سرای، در قسمت «روان» به شماره ۱۴۵۷ نگهداری می‌شود. یک نسخه هم به خط مؤلف وجود دارد (و پذیرفته شده که از خودِ چلبی است) و آن در توپقاپی سرای به شماره ۳۰۴، در قسمت «بغداد» نگهداری می‌شود. پایان نامه‌ای در سال ۱۹۹۴ در باره این نسخه از سفرنامه، نوشته شده است.

پژوهش بسیاری در باره سیاحتنامه اولیا چلبی در زبان‌های مختلف به ویژه توسط اروپایی‌ها نوشته شده است. سمیناری هم در هشتم نوامبر ۲۰۰۱ در دانشگاه مدیترانه شرقی، در باره این کتاب برگزار شد که نشانی اینترنتی آن سمینار چنین است: [www. emu. ed. tr] عناوین مقالات ارائه شده در این سمینار عبارت است از:

بازارهای آناتولی، ساختار سربازی در قرن هفدهم در کریمه، اولیا چلبی یک مورخ جنگ، منابع و محتوای سیاحتنامه، جزیره رودوس؛ سیاحتنامه به زبان گفتاری نه نوشتاری، یک کلیسای یهودی استانبول از نگاه چلبی، نام‌های اماکن در باکو در سیاحتنامه، جلالیان و اوباشان در آناتولی در سیاحتنامه، بخش‌های منظوم سیاحتنامه، سلطان حسین بایقرا در سیاحتنامه، نان در مجلدات اول تا پنجم سیاحتنامه در آناتولی، حمام‌نامه در سیاحتنامه، راه‌های حج و حج‌گزاری در سیاحتنامه، دفاتر سجلی در سیاحتنامه از شهرهای آناتولی، وصف قیافه‌های اروپایی در سیاحتنامه، واژه اوغوز (ترکهای اولیه) در سیاحتنامه، چلبی یک استاد اسلوب و طرح، یک معجم ترکی در سیاحتنامه و تصویر دربند آذربایجان در سیاحتنامه.

اینها عناوین برگزیده‌ای بود از این سمینار بین‌المللی، که می‌تواند تصویری از آن‌چه دراین کتاب مهم و مفصل وجود دارد، به ما ارائه کند.

ص: ۱۶۹

علاوه بر این، کارهای پژوهشیِ دیگری نیز در باره این سیاحتنامه انجام شده است. برای نمونه، دکتر سامی بایبال، در دانشکده الهیات سلجوق، تحقیقی با عنوان «اوضاع اجانب (غیر مسلمانان) ساکن آناتولی در سیاحتنامه چلبی» نوشته است.

اکنون مهم‌ترین پرسش این است که آیا آنچه را که وی نوشته، بر اساس واقعیت است یا خیر. به سخن دیگر، آیا وی خیال‌پردازی کرده یا واقعیت‌ها را نوشته است؟

باید توجه داشت که وی در اواخر دوره توقف عثمانی در فتوحات زندگی می‌کرده است؛ زمانی که کوپریلی‌ها صدر اعظم بودند و سلطان چندان توان تصمیم‌گیری نداشت. این زمان، دوران سلطان مراد بود که بیشتر سرگرم مسائل داخلی بود و جبهه اروپایی هم ساکت شده بود. در بخش آناتولی، عصیان جلالی‌ها وجود داشت و خود استانبول نیز گهگاه از سوی ینی‌چری یا برجستگان دربار عثمانی (سارای) تهدید می‌شد. این روزگاری است که چلبی گردش کرده و می‌بایست نوشته‌های او را با توجه به این اوضاع، مورد بررسی قرار داد. اگر چلبی در نقل برخی از مطالب، خیال‌پردازی و یا بزرگ نمایی کرده، باید توجه داشت که همین دوره توقف، روی او تأثیر گذاشته است.

علاقه شخصی چلبی چنان بود که در باره هر چیز، به دنبال دانش بی‌اندازه بود و تا آخر کار می‌رفت و حتی به خیال‌بافی هم می‌افتاد. وی مطیع فرهنگ خودی بود و در باره فرهنگش اعتماد به نفس کافی داشت و با همین اعتماد بود که نزد اجانب و خارجی‌ها می‌رفت و کارهای آنان را ثبت می‌کرد و در ضمن موضع مسلّط خود را داشت. وی به کلیساها می‌رفت و متون مسیحیان را رونویسی می‌کرد. حتی در خانه‌اش برای آن دسته افراد، شراب و مخدّرات آماده می‌کرد و دوستی‌اش را با آنان دوام می‌بخشید. وی برای این‌گونه برخوردها که با آن دسته از افراد داشت، باید تحمّل زیادی می‌کرد. اخبار غیبی، رؤیاهای شگفت، ستایش از خود یا نقل عجایب و غرایب را برای آن نوشته است تا خواننده را به خود جلب کند. طنز در این کتاب جایگاه بالایی دارد و روح کتاب بر این اساس است.

به هر حال، همین مسائل سبب شده است که در باره ارزش این کتاب به عنوان یک منبع، فراوان بحث شود و نکته دیگری که باید بدان توجه داشت این است که ادبیات آن کتاب، ادبیات نوشتاری نیست، بلکه حالت گفتاری دارد.

نخستین بار یک ربع قرن بعد از وی بود که هامرِ مورخ، او را کشف کرد و تا امروز نام

ص: ۱۷۰

وی در جهان باقی است؛ زیرا قلم او سرشار از زندگی و حیات بود و آنجا که توضیح بیشتر می‌داد، از سر همین احساس او به زندگی بود و با نیت خوب انجام می‌داد. در لابلای مطالب، گاه به طنزگویی افتاده و گهگاه کلمات ترکی را با لهجه ترکی بیان کرده که خود زبان آن اثر را شیرین کرده است.

چلبی، مانند شعرا از زبان دشوار استفاده نکرده، بلکه مطالبش را به همان زبان عامیانه نوشته است. در این سیاحتنامه، معلومات فراوانی در تاریخ و جغرافیا می‌توان به دست آورد، اما مهم‌ترین چیز، بیان ذهنیت آن روز عثمانی، به خصوص نسبت به کشورهای خارجی است که به‌طور کامل برای ما تصویر کرده است. وی به درون مدارس رفته و به وصف آنها پرداخته است. از علما به‌گونه‌ای سخن می‌گوید، که اکنون ما می‌توانیم سطح علمای و مدارس آنان را دریابیم.

کتاب اولیا چلبی، در میان ترکها، به جد جا افتاده و به آن استناد می‌شود؛ مثلًا مردم شهر بدلیس به استناد سخن اولیا چلبی که می‌گوید «کتاب بوریان از بدلیس است»، چنین ادعا می‌کنند که بنا به گفته چلبی، این کتاب متعلق به ما بوده است. همین‌طور اقوامی مانند علویان، بوسنیایی‌ها، کردها و ... وجود و وضعیت و ویژگی‌های تاریخی‌شان را در آن دوره، با استناد به این کتاب بیان می‌کنند و نام بسیاری از مدارس را از روی این کتاب می‌شناسند.

حیاتی دوله، دانشمند لغت شناس ترک، مقاله‌ای مفصل در باره سیاحتنامه نگاشته است که به وسیله مؤسسه زبان ترکی در سال ۱۹۹۵ تحت عنوان «ترکی میانه عثمانی (قرن هفدهم)، ترکی اوغوزی غربی از دید سیاحتنامه چلبی» چاپ شده است.

کارهای جزئی‌تری هم روی سیاحتنامه شده است؛ «زندگی و استانبول در سیاحتنامه اولیا چلبی»، «ترکهای بلغارستان در سیاحتنامه» و «تاریخ بوسنی و هرزگوین و سیاحتنامه اولیا چلبی» از جمله آن تحقیقات است.

اطلاعاتی در سیاحتنامه هست که در هیچ منبع دیگری موجود نیست و همین امر، ضمن این‌که ارزش منبعی به این کتاب می‌دهد، عاملی برای تردید در برخی از مطالب آن نیز هست؛ مثلًا آگاهی‌هایی در باره دده سلطان، از رهبران بکتاشیه آورده است که علویان ترکیه، تنها با استناد به این کتاب از وجود او خبر دارند.

سیاحتنامه اولیا چلبی به کارهای داستانی برای بچه‌ها و حتی فیلم‌های کارتنی در تلویزیون

ص: ۱۷۱

نیز راه یافته است. شگفتی‌های موجود در این سیاحتنامه، مانند وصف او از سردی هوا در این‌که گربه از دیوار پرید و در وسط هوا یخ زد، نشانگر وجود فضای خیال پردازنه در این اثر است.

به هر حال، این اثر منبع آثار تاریخی فراوانی است و بر آن اعتماد زیادی شده است.

و آخرین نکته آن‌که، در ترکی، کسی را که زیاد سفر می‌کند، به اولیا چلبی تشبیه می‌کنند.

اما فهرست کلّی کتاب سفرنامه:

مجلد نخست، در باره استانبول، تاریخچه و فتح و توسعه و اقدامات بایزید دوم و چهره‌های برجسته دوران سلطان سلیمان قانونی و وقایع روزگار سلیم دوم و محمد سوم تا دوران محمد چهارم (۱۱۰۴ هجری).

مجلد دوم، شرح سفرِ وی به بورسا است که از سال ۱۰۵۰ آغاز کرده و وصف دقیقی از اماکن تاریخی آنجا به دست داده است. سپس بازگشت به استانبول و سفر به بلاد شرقی؛ از جمله برخی از شهرهای ایران، آنگاه به گرجستان و تفلیس و در نهایت منازل میان استانبول تا شام، زمانی که به سال ۱۰۵۸ به شام رفته است.

مجلد سوم، سفر از شام به صیدا و وصف دقیق تمامی مناطق طول راه است؛ وصف شهرهای فلسطین و بازگشت به شام. از آنجا به رها و سپس دیاربکر و برخی دیگر از شهرهای شرق ترکیه می‌رود. او در جلد، او از وضعیت دولت عثمانی در روزگار سلطان محمد چهارم به تفصیل سخن گفته است. پس از آن، از سفرش به بالکان (در سال ۱۰۶۲) و وصف شهرهای آن نواحی و سرانجام بازگشت به استانبول (در سال ۱۰۶۳) و رفتنش به وان (در سال ۱۰۶۵)، در شرق ترکیه می‌نویسد.

مجلّد چهارم، گزارش سفرش به وان و از آنجا به ایران و کردستان است و آنگاه شهرهای مختلف این ناحیه و نیز وضعیت زندگی مردم را توصیف می‌کند. از خوراک، پوشاک و ... تا بازگشتش به استانبول نیز می‌نویسد.

مجلد پنجم، در ادامه سفر به وان و بدلیس، تا بازگشت به استانبول، در سال ۱۰۶۶ و سپس سفر به حدود روسیه و بیان مسائلی است که در این سفر رخ داده است. پس از آن، سفر به بغدان یا جبل اسود، در سال ۱۰۷۰ و شرح چرایی شورش افلاق بر ضدّ عثمانی و نیز شرح وضعیت بوسنی و هرزگوین و قلعه‌های موجود در آن نواحی است.

ص: ۱۷۲

مجلد ششم، در باره سفرش به مجارستان و آلمان و سوئد و دیگر بلاد اروپایی (در سال ۱۰۷۰) است. وی شرح حال تفصیلی افرادی را که در این سفر با او بوده‌اند آورده است. در این بخش، وی وصف دقیقی از نواحی مختلف مجارستان دارد.

مجلد هفتم، ادامه سفر اروپایی اوست، که شرحی از جزیره بلاتین بر حسب اطلاعاتی که از منابع اروپایی گرفته، به دست داده است. پس از آن، شرحی از جنگ میان سپاه عثمانی با سپاه کفر در نزدیکی رودخانه رابه و دیگر نبردها آورده است. در این بخش نیز گزارش مفصلی از وضعیت شهرهای طول مسیر ارائه کرده، آنگاه به بحث در مورد داغستان و بخارا و خراسان ایران پرداخته و شهرهایی را که در مسیر بازگشت او به استانبول (در سال ۱۰۷۷) بوده، وصف کرده است.

مجلد هشتم، در شرح سفرش با خان کریمه است؛ سپس از رفتنش به ادرنه می‌نویسد و آنگاه بحث از رومانی و در نهایت سفرش (در سال ۱۰۷۸) به آلبانی و دیگر بلاد اروپایی است. او در این‌جا باز هم از بازگشتِ خود به استانبول سخن گفته و از آنجا عازم مناطق آناتولی شده است. در همین بخش است که او از سفر حجش در سال ۱۰۸۱ یاد کرده، هرچند تفصیل مطلب را در مجلّد نهم آورده است.

مجلد نهم و دهم، گزارش تفصیلی سفر وی به حجاز و سپس مصر و سودان است. (۱)

۱- نک: مجله الداره، سال ۲۷، ش ۳، ۱۴۲۲ ق. مقاله سهیل صابان با عنوان: «اولیا چلبی و رحلته إلی الحجاز فی اواخر القرن الحادی عشر الهجری»، صص ۹۲- ۶۳

ص: ۱۷۳

سفرنامه حج چلبی

اولیا چلبی با اجازه پـدرش و نیز جسارت خود، به همراه سه دوست و هشت غلام از محرم سال ۱۰۸۱ تا سال ۱۰۸۲ به سفر حج رفته و این سفر در شصت سالگی وی بوده است.

چلبی شـرحی از چگونگی حرکت محمـل اسـتانبول و آداب و رسوم خـاص آن و نیز رخـدادهای هنگام حرکت با حضور سـلطان و صدر اعظم و شیخ الاسـلام به دست داده که خواندنی است. با این حال خودِ او از مسـیر اصـلی صرّه همایون حرکت نکرده و مسیر دیگری را که بسیار طولانی بوده، برگزیـده است. او از اسـتانبول تا ادنا، از آن‌جا تا مرعش، عنتاب، حلب، بیروت و سـپس به قـدس رفته است. پیش از پیوسـتن به کاروان حـج، مسـجد الأقصـی و دیگر جاهای مقـدس را زیارت کرده است. زمانی که اولیا در قـدس بود، محمد چهارم که سـلطان وقتِ عثمانی بود، به حرموش پاشا، حاکم عثمانی در قدس مکتوبی فرسـتاد و به او گفت: کاروان شام حج امسال می‌بایست ده روز زودتر حرکت کند. این دسـتور به کاروان حج مصـر نیز داده شد. اولیا که بنا داشت همراه کاروان حجّ مصـر برود، به آن نرسید و تصمیم گرفت به همراه کاروان شام راهی مکه شود. پس از عید فطر، وی به شام رفت. او و دوستانش، از طرف حسین پاشا مورد استقبال قرار گرفتند. حسین پاشا نیازهای آنان را برای مسیر شام تا مکه از شتر و غیره تأمین کرد.

وی سـفرنامه حـج خود را از شـام و از بیسـتم شوال ۱۰۸۱ آغـاز کرده و همـان ابتـدا اشـاره می‌کنـد که در همین روز دو هزار نفر از حجاج ایرانی به کاروان شام پیوستند و از هر حاج ایرانی پانزده سکّه طلا گرفتند که یک کمک بسیار زیادی در آن وقت بود.

«کـاروان مـا با یک جشن بسـیار بزرگ از شام خارج شـد، احتفالی که تاکنونماننـد آن دیـده نشـده بود. پس از آن به مقـدار یک ساعت میان باغ‌ها و بستان‌ها گذر کرده، به قصر کوچوک احمد پاشا رسید». این آغاز سفر است.

به نظر می‌رسـد چلبی این راه پر خطر را تنهـا برای انجام فریضه حـج طی نکرده است. وی به وصف منازل حـج نمی‌پردازد، بلکه در توصـیف همه مسیر می‌نویسد. پس از انجام سـفر حج، همراه کاروان مصر به قاهره می‌رود و به این ترتیب، سفرنامه مصرش، پس از سفر حجـاز او قرار دارد کـه در جلـد نهـم سـیاحتنامه وی درج شـده اسـت. بعـد از آن هم مـدت زیـادی در سـودان و حبشه مانـد و باقی‌مانده سیاحتنامه خود را، که در مجلد دهم آمده، در آنجا نوشت.

ص: ۱۷۴

چلبی آنچه را که در پیش چشمانش بوده و مشاهده کرده و شنیده، با بی‌طرفی نوشته است. او حتی تصوّرات خویش را نیز به قلم می‌آورد. بخش اول مطالب وی در باره حجاز، بیشتر حالت جغرافیایی دارد، اما بخش دوم آن بیشتر شبیه یک قصه و شرح حال نگاری است و خصوصیت سیاحتنامه‌ایِ آن بیشتر است.

وی شرح حال تعداد زیادی از چهره‌های قرن هفدهم را در اختیار ما می‌گذارد. به اعتقاد برخی، سفرنامه اولیا چلبی از مکه و مدینه، مفصل‌ترین نوشته‌ای است که در این باره از قرن هفدهم میلادی برجای مانده است. (۱) به نظر می‌رسد او هم مانند ابن بطوطه و ابن جبیر، تدوین نهایی سیاحتنامه را پس از سفر انجام داده، گرچه برخی بخش‌ها را همان لحظه نوشته است. البته نوشته‌ها همه از خودِ اوست، نه کس دیگر و به همین دلیل زبانی روان و مردمی دارد. در این کتاب، از هنر تصویرگری قصه‌ای استفاده شده است. وی در این وصف‌ها گاه از منابعی استفاده کرده که از برخی نام برده و از برخی دیگر نام نمی‌برد. در این باره تحقیقاتی هم صورت گرفته است. بسا در باره هر شهر، از بزرگان یا استادانی یا حتی منابع رسمی اطلاعاتی گرفته باشد. در سیاحتنامه شاهدیم که حاکمان شهر معمولًا از وی استقبال گرمی صورت گرفته و او را میزبانی کرده‌اند.

وی در سیاحتنامه خود از اشعار فارسی، ترکی و عربی استفاده کرده است. گفتنی است چلبی ادیب نبود تا زندگی‌نامه شخصیِ خود را با این ملاحظه بنویسد.

مهم‌ترین ویژگی این کتاب، ثبت عقاید عامیانه است. وی هرآنچه را از مردم در باره جایی می‌شنیده، ثبت می‌کرده است. این باور، بسا که در طول زمان به هر دلیل از میان رفته باشد. در باره سفر حج او هم، چنین است.

همان‌گونه که اشاره شد، متن حاضر یک گزارش منتخب می‌باشد، بنابراین کوتاه شده است. بخش نخست آن در باره مدینه و بخش دومش در مورد مکه خواهد بود.

رسیدن به مدینه

پس از عبور از کوه‌هایی که از شام تا مدینه امتداد داشت و لخت و عاری از اشجار و باغات بود، به وادی خازن رسیدیم که به آن وادی وداع و وادی استقبال هم گفته می‌شود.

تمام شخصیت‌های مدینه و برجستگان و مطوّفین ومرشدین به استقبال موکب آمده

۱- نک: مقدمه الرحلة الحجازیه، ص ۶۷

ص: ۱۷۵

بودند، در حالی که همگی لباس سفید به تن داشتند و صورتهایشان نورانی بود و به چشمهایشان سرمه کشیده بودند و در صدایشان رقت و شیرینی بود و نشانه‌های صحت در وجودشان آشکار. آنان هلهله می‌کشیدند و خوشحال بودند و هدایایی با خود داشتند. در آنجا دو ساعت ماندیم، آن هم در میان جمعیتی که به استقبال آمده بودند. اکنون فقط یک روز به حلول ماه ذی‌حجه مانده است. برای این‌که به عرفات برسیم که روز دهم ذی‌حجه است! (۱) اصلًا نمی‌توانم از کاروان جدا شوم و باید همراه با آن شب و روز حرکت کنم. محمل از منزل مزیرب تا اینجا هیچ توقفی که بارها را زمین بگذارند نداشته است.

مسافت میان شام و مدینه، شامل ۲۴ مرحله است که ۳۵۰ ساعت وقت می‌گیرد. این وقتی است که حرکت با شتر باشد. اما اگر راه هموارتر و آب و غذا فراهم بود، ممکن بود که این راه را با ۱۰۰ ساعت آمد، آن هم با اسب و قاطر. اما چون راه غیر از این است، قافله‌ها باید از شتر استفاده کنند. راه رفتن با شتر با راه رفتن پیاده فرقی ندارد. بنابراین، اگر سلاطین همت کرده، راه‌های رییسی و سلطانی، از شام به مدینه درست می‌کردند، شتران و چهارپایان به این مصایب که اکنون دچار شده و هلاک می‌شوند، گرفتار نمی‌آمدند و آمدن با اسب و قاطر سریعتر و در وقتی کمتر ممکن بود. خداوند متعال در شتر قوت و صبر و تحملی داده که اینچنین حرکت می‌کند، حتی در وقتی که خواب است.

قافله به‌سرعت حرکت‌کرد و ما بعد ازیک ساعت، بر بالای یک بلندی رسیدیم، چشممان به باغ‌های مدینه و گنبد مسجد نبوی افتاد. وقتی جمعیت چشمشان به گنبد افتاد، در حالی‌که سوار بودند یا افسار شتر را داشتند، صورتشان را به طرف مدینه گردانده، می‌گفتند: «الصَّلاةُ وَ السَّلامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ». همان لحظه، همزمان، شترها و اسب‌ها و الاغ‌ها هم به صدا درآمدند و صیحه می‌کشیدند. در این هنگام، سرعت برای رسیدن به شهر بیشتر شد.

وقتی نزدیک مدینه رسیدیم، دیگر صحرا تمام شد و به زمین‌های سبز و نشان از آدمی رسیدیم. مردم مدینه از مرد و زن و کوچک و بزرگ به استقبال آمدند و کودکان در حالی که کیسه‌های خرما به حجاج عرضه می‌کردند، می‌گفتند: «حَمْداً عَلَى السَّلامَةِ یا حاج زیارهٔ مقبولهٔ و حجّ مبرور». حجاج هم به آنان پاسخ می‌دادند: «شُكراً للَّهِ .. لَقَدْ قدمنا إلى أَعتاب سَيّدنا و نبيّنا، الَّذِی هُوَ رَحمةٌ لِلْعالَمين».

دختران کوچک هم سرودهای دینی می‌خواندند و حجاج را همراهی می‌کردند تا به

۱- کذا در متن عربی. روز عرفه، روز نهم ذی حجه است.

ص: ۱۷۶

دروازه شهر مدینه وارد شدند. مرحله اخیر در مدت پنج ساعت طی شد.

رییس محملِ شام، حسین پاشا بود که با عظمت و فخر وارد شهر شد؛ آن‌گونه که رؤسای محمل‌های پیشین؛ مانند سنان پاشا، رضوان پاشا (و) طاوشان سلیمان پاشا این چنین وارد شهر نشده بودند. در آن زمان بود که اهالی برای استقبال در اطراف خیابان‌ها ایستاده، قربانی می‌کردند. زنان مدینه هم در لابلای دیوارها، در حالی‌که لباس‌های حریر به تن داشتند، ایستاده بودند و هزمان با دیدن موکب پاشا، پاهای خود را بر زمین می‌کوبیدند؛ به‌طوری که صدای آن همه جا را پر کرده و زمین زیر گام‌هایشان به لرزه درآمده بود.

حسین پاشا آخرین نفر بود که با عظمت تمام وارد شده، از میان جمعیت عبور کرد؛ در حالی که بالاپوشی از سمور داشت و عمامه‌ای سلیمی- منسوب به سلطان سلیم- بر سر، و نیروهایی با لباس نظامی در اطرافش بودند. به دنبال آن دسته، موزیک و طبّال‌ها آمدند، در حالی که می‌نواختند و بر طبل می‌زدند. حرکت او تا محل استقرارش ادامه یافت. اینجا بود که هفتاد تا هشتاد توپ از توپخانه مدینه شلیک شد و این به معنای اجازه ورود به شهر بود.

وقتی قافله استقرار یافت، منِ بنده خدا آماده برای زیارت شدم.

جای‌های زیارت در خارج مدینه

از راه شام که وارد مدینه می‌شوی، در مدخل و ورودی، باغ عثمان است که درخت‌های فراوان و آب گوارا دارد و کنار آنجا مسجد ذی‌قبلتین است. شک نیست که اگر کسی آنجا نماز بگزارد و خشوع کامل داشته باشد، خداوند او را بدون عذاب و حساب داخل بهشت می‌کند.

نزدیک آنجا چهار مسجد هست؛ یکی مسجد سلمان، دیگری مسجد عثمان ودیگری مسجد علی است [از مسجد چهارم یاد نمی‌کند].

در جنوب این مساجد، یک کوه کوچک هست که پیامبرخدا صلی الله علیه و آله در آنجا نماز خوانده و جای آن معین است. کوه عسیر یا جهنم هم نزدیک همان کوه است و در چهارطرفش باغ‌هایی هست، اما خود کوه خشک است. باغ‌های اینجا خیلی پر آب و پر ثمر است و لیمون و نارنج و دیگر میوه‌ها در آن‌ها هست.

اینجا باغ‌های دیگری هم در سر راه حجاج هست که در یکی از آن‌ها، وقت آمدن حجاج، معمولًا زنان به آنجا می‌آیند تا موکب حجاج را ببینند. منِ فقیر در آن‌ها گشتی زدم.

ص: ۱۷۷

من بعد از آن سفرِ طولانی، برای رفع خستگی، در یک حمام عمومی غسل کرده، لباس‌های سفر را عوض کردم و به سمت قلعه مدینه رفتم (۱) در حالی که آیه کریمه: ... رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ ... را می‌خواندم. از آن‌جا به سمت مسجد نبوی رفته، از باب‌السلام داخل شدم و این قسمت را سینه خیز رفتم تا به ضریح نبوی رسیدم. آنگاه روی زانو ایستاده گفتم: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» و سپس از خود بی‌خود شدم. وقتی به خود آمدم، با زحمت و به آرامی از وسط آن جمعیت برگشتم و به خیمه آمدم. در این وقت اعلام شد که محمل دو روز در مدینه خواهد ماند.

اوصاف قلعه مدینه منوره

یثرب شهر کوچکی بود که بعد از هجرت پیغمبر صلی الله علیه و آله به آنجا، آباد گردید. یکی از مهم‌ترین رخدادهای مربوط به آن شهر، آن است که وقتی کفار خواستند بر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله مسلّط شده، آنجا را از بین ببرند، نورالدین زنگی، نُه روزه خود را از شام به آنجا رساند و مدینه را از شرّ دشمن نجات داد و در اطراف آن قلعه‌ای ساخت. اما این قلعه به مرور زمان خراب شد تا این‌که سلطان سلیمان [قانونی ۹۰۰- ۹۷۴] در خواب پیغمبر را دید که به او فرمود: بلگراد، بودین و رودس را فتح کن و با غنایم آن، قلعه‌ای در اطراف قدس شریف، و در اطراف شهر من، یثرب بنا کن. سلطان سلیمان هم چنین کرد.

شهر مدینه، یک مولویهٔ القضاء (۲) بود که حقوق آن به پانصد آقچه می‌رسید، اما به خاطر دوری مدینه (از استانبول) و عدم آبادی و سرسبزی، این دستور مورد اهمال قرار گرفته بود تا آن‌که سلطان محمد رابع فرمانی صادر کرد که بدون قضاء مکه و مدینه، هیچ قاضی در استانبول نخواهد بود و همین سبب شد تا مولویهٔ حرمین شریفین، به مولویهٔ استانبول پیوند خورد.

مردم مدینه، به حلم و نرمی و تسالم شهرت دارند.

در این زمان، برای هر یک از شیخ الاسلام، مشایخ حرم و معلمین، از صره همایون، هزار سکه اختصاص یافت. برای طوایف مختلف هم، هر کدام دویست کیسه گندم، که از مصر آمده بود، اختصاص داده شد.

شیخ حرم با سپاهی که عددشان به پانصد نفر می‌رسد، امنیت آنجا را تأمین می‌کند. مدینه چند بخش دارد که زیر نظر این شهر است؛ ینبعِ دریا، ینبع برّ، حددیه، صفرا، دارالقری و فدک

۱- آن زمان، پیرامون شهر مدینه؛ یعنی همان ساختمان‌هایی که اطراف مسجد بوده و اکنون تقریباً تمامی‌آن در مسجد فعلی افتاده، دیواری بوده و در چند طرف دروازه داشته است. چلبی از آن، با «قلعه مدینه» یاد می‌کند.

۲- نوعی مرتبه علمی که به مدرّسان بزرگ داده می‌شد.

ص: ۱۷۸

و دیار خیبر. در قلعه مدینه، هشتاد توپ، یک زندان و تعدادی سپاه و مهتر- گروه موسیقی- وجود دارد.

اما حدود قلعه مدینه: در جنوب شهر یک دروازه است که دو طرفِ آن، دو برج دارد و بالای در نوشته شده است: إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ* أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَ أْتُونِي مُسْلِمِينَ، إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمانَ وَ إِنَّهُ* بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ سیصد قدم به سمت شمال، باب الحاج یا باب القبله است. دویست قدم بالاتر از آن، دری است که از آنجا تا وسط برج میانی چهارصد گام است. در سمت دیگر باب الشام است و در سمت دیگر باب البقیع.

در جمع، محیط قلعه ۳۳۵۰ گام است و عرض دیوار شش ذراع و ارتفاع آن بیست ذراع است. در داخل قلعه، دو هزار خانه مسکونی وجود دارد. به جز آنها، خانات و مدارس و تکایا و دارالحدیث و دار القرّاء و سبیل است. داخل قلعه مسجدی- به جز مسجد نبوی- نیست، اما در بیرون نزدیک دیوار قلعه هست. تنها در هفت خانه، باغچه هست. به علاوه در داخل قلعه، چند انبار و جبه‌خانه و هفتاد- هشتاد خانه کوچک هست. یک مسجد کوچک هم سلطان سلیمان ساخته که بسیار زیبا است. اما تنها در مسجد اعظم خطبه خوانده می‌شود.

در مدینه، نماز جمعه تنها در مسجد بزرگ (نبوی) خوانده می‌شود و به‌جز آن، در هیچ مسجدی نماز جمعه خوانده نمی‌شود. به همین خاطر، جمعیت زیادی در اینجا حاضر می‌شود.

حاکمان در زمان‌های مختلف به این مسجد توجه کرده و از لحاظ معماری و هنری و تزیین آن، کارهای زیادی انجام داده‌اند.

اینجا، جایی است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، شترش نزدیک خانه ابو ایوب انصاری زانو زد و او خانه‌اش را به پیامبرخدا صلی الله علیه و آله داد. بعد پیامبر صلی الله علیه و آله دستور ساختن این مسجد را داد. خانه‌ای هم در جنب آن برای خود ساخت و پس از آن که رحلت کرد، جسم آن حضرت را در همان خانه شریف دفن کردند. (۱) یک شبی هم صحابه همگی خواب پیغمبر صلی الله علیه و آله را دیدند که در خواب به آنها فرمود: ای امت من ... اگر شفاعت مرا می‌خواهید ... من نیازی به طلا و نقره و قبّه‌های مُطلا ندارم ... اگر رضای مرا می‌خواهید مسجد را توسعه دهید و دیوار شهر را بسازید که حافظ من باشد از منکرین و مشرکین. این بود که صحابه نظرشان از مطلا کردن و تزیین آنجا منصرف شده، به توسعه مقام شریف پرداختند و عثمان مسجد را گسترش داد. بعد سیّدنا علی و سپس ولید اموی

۱- چلبی در این بخش‌ها، اخبار تاریخی آورده که دقیق نیست و اهمیتی برای نقل آنها در اینجا وجود ندارد، لذا حذف شد.

ص: ۱۷۹

و بعد قایتبای و غوری و از آل عثمان، سلطان سلیمان و مراد سوم و احمد سوم و هر کدام اقدامات و اضافات تازه‌ای در آنجا انجام دادند.

[در اینجا اولیا چلبی به ارائه وصفی دقیق از داخل مسجد و حرم پرداخته از سنگفرش‌های بسیار زیبا، فواصل میان درها، مخزن روغن چراغ، منبر و محراب‌های متعدد در مسجد، فرش‌های گرانبها، شمع‌دان‌های طلا ونقره، تعداد ستون‌های مسجد، که سیصد عدد بوده، مئذنه‌ها، شیشه‌های ملوّن، که هنگام طلوع خورشید تصویر زیبایی از آن‌ها متصاعد می‌شده و ... سخن گفته است. وی همانجا برخی از کتیبه‌های ترکی و قرآنی موجود در اطراف حرم نبوی را نیز نوشته است].

من هم در یک لوحه‌ای، با خط جلی نوشتم: «سیّاح عالَم، اولیا رُوحِیچون فاتحه». و در برابر مقصوره، با خط خود نوشتم: «شفاعت یا رسول اللَّه، اولیایه، ۱۰۸۲». (۱) در مسجد نبوی هفت هزار قندیل برای روشنایی وجود دارد.

روضه مطهّر و قبر شریف نبوی

وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ.

آغاز کنیم در بیان سبب بنای مخزن سرّ الهی. وقتی آیت ... إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً در سال چهارم هجرت در حق اهل بیت مصطفی؛ یعنی در حقّ سیدنا علی و حسن و حسین و فاطمهٔ الزهرا نازل شد. (۲) چون ممکن است که در آینده، دشمنان متحد شده و آزاری به جسم مبارک رسول صلی الله علیه و آله بزنند، اهل بیت کرام و صحابه و دیگران، به ضرورت محافظت بر قبر، بنایی در اطراف آن ساخته‌اند. بعدها هارون‌الرشید بر این بنا افزود. زمانی‌که نورالدین شهید زنگی به حکومت رسید، همان وقت پاپ، در اسپانیا گفت که ما هر مقدار که لازم باشد کشته می‌دهیم و هزینه می‌کنیم و فدایی آماده می‌کنیم تا پنهانی به مدینه بروند و در آنجا، در انزوا زندگی کنند، اما نزدیک قبر محمد رفته، در آنجا تونلی زیر زمین حفر کنند تا جسد محمد (صلی الله علیه و آله) را سرقت کنیم و به روم بیاوریم.

پاپای معلون بسیاری از زبان‌ها را می‌شناخت. در این وقت، بیست نفر آماده شده، از آنجا به مصر رفتند و آنجا سوار بر الاغ شده، همراه با حجاج به مدینه آمدند. در اینجا به زیّ

۱- در ابتدای سفرنامه سال ۱۰۸۱ آمده و در اینجا ۱۰۸۲

۲- این بند، در اصل چنین است و پیداست که مقدمه و مؤخره‌ای داشته است.

ص: ۱۸۰

علما درآمده، ده نفر در نزدیک حرم شریف و ده نفر بیرون از مدینه ساکن شدند. آنها سه سال تلاش می‌کردند تا نفق بزنند. آنها خاک را در کیسه‌هایی کرده، از آنجا دور می‌کردند. در وقتی که به شش متری قبر رسیدند، نورالدین، پیغمبر صلی الله علیه و آله را به خواب دید که به او می‌فرمود: ای نورالدین، این ملعون‌ها می‌خواهند قبر مرا حفر کرده، جسدم را ببرند. نورالدین برخاست و شش هزار سرباز برداشت و سه روز و سه شب مثل برق راه را پیمود. وقتی به مدینه رسید، از همه مردم دعوت کرد تا به آنها ولیمه بدهد. بعد پرسید: آیا از فقرای شهر کسی هست که در ولیمه حاضر نشده باشد؟ گفتند: بلی ده نفر هستند که همه‌اش در حال روزه و عبادت‌اند و سه سال است که در حجره‌ای در مدرسه باب الشفا زندگی می‌کنند و شغل شاغل آنان عبادت است. نورالدین گفت آنان را حاضر کنید. بعد کسانی را به جستجوی منازل آنها فرستاد و وسایل زیادی برای حفاری پیدا کردند. آنان زیر شکنجه زبان به اعتراف گشودند و ده نفر دیگر را هم گرفتند. آنها گفتند: ما از رهبانان اسپانیا هستیم. از زمانی که دین محمد آمده، آرامش از ما گرفته شده. اعراب، دیار ما را گرفتند و مقدس‌ترین بقاع ما را در تصرّف خود درآوردند. ما در فکر انتقام افتاده و این راه را انتخاب کردیم تا جسد پیامبر شما را به روم ببریم و از این راه اندلس و افریقیا و سوریا را بگیریم و عرب‌ها دوباره به صحرای خودشان برگردند.

آنها گفتند یک ماه پیش هم باز پاپ به ما پیغام فرستاد که اگر بتوانید، جسد محمد را به روم بیاورید یا اسپانیا، که ما آن را کعبه کنیم و هر سال هزاران نفر از عرب و ترک برای زیارت آن بیایند و ما از هر کس یکصد قطعه طلا- بگیریم. آن‌ها اظهار توبه و پشیمانی کرده و گفتند که مسلمان می‌شویم. اما نورالدین فریب آنها را نخورد و دستور داد همگی را کشتند تا هیچ یهودی و نصرانی جرأت نکند پای به زمین مکه و مدینه بگذارد.

نورالدین و بنای مجدد روضه مطهر

نورالدین تعدادی از استادان معمار را از شام به مکه و مدینه آورد و از این دو شهر و نیز از شام و حلب مقدار زیادی سرب و آهن و غیره آورد. ابتدا دستور داد تا قبه‌ای را که روی قبر شریف بود برداشتند. پس از آن، به فاصله بیست ذراع عقب‌تر از قبر رفته و در آنجا خندق‌هایی به عمق بیست ذراع و عرض ده ذراع کندند، سپس در چهار طرف قبر شریف، شبکه‌ای از آهن درست کردند؛ به‌طوری که گویی قبر شریف در یک صندوق آهنین قرار

ص: ۱۸۱

گرفت. پس با سرب آن مشبک آهنین و خندق را پر کردند. در این وقت، در اطراف قبر شریف، دیواره‌ای از برنز ساخته شد. سپس باز از دیواری که عثمان گذاشته بود تا سمت باب جبریل و از آنجا تا درون مسجد، خندقی کنده، باز در آنجا هم شبکه‌ای آهنین قرار داده آنجا را مثل سدّ سکندر کردند. بعد هم در بالای قبر شریف یک مقصوره آهنی دور تا دور گذاشتند.

در اینجا عقاید دیگری هم هست که می‌گوید: آن‌هایی که قصدِ جسد مطهر را داشتند، از روافض بوده‌اند. اما این رأی از نظر تاریخی غلط است و هیچ سند و برهانی ندارد و این تدبیر از سوی کفار اسپانیا بود.

قبّه حضرت پنجاه ذراع است و روی نوزده ستون قرار گرفته که اطراف آن‌ها را سُرب ریخته و نقش و نگار از گل‌ها کشیده‌اند. در آنجا بوی بسیار خوشی به مشام می‌رسد و بالای آن‌جا نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و نام سلطان قایتبای به چشم می‌خورد. مرقد سیده، فاطمه زهرا هم داخل همان مقصوره است.

وقتی بخواهی زیارت کنی، اول باید غسل کنی، لباس‌های تمیز بپوشی، خود را با بوی‌های خوش معطّر سازی، با توجهِ قلبی به توسل و دعا بپردازی، در حالی که تو در حضور حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله هستی. در این وقت باید مطوّفی باشد که تو با راهنمایی او حرکت کنی.

دست را بر سینه بگذار و نزدیک مقصوره که رسیدی، این آیت را بخوان که: ... یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً و بعد بر محمد سلام بفرست: «السَّلامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ» و بعد استغفار و توبه کن. بعد هم ابوبکر و عمر را سلام بفرست [اینجا مؤلف یک صفحه در فضایل و تاریخ زندگی دو خلیفه مطلب نوشته است.]

ای زائر عزیز، در اینجا تو باید فاتحه برای اهل علم و عرفان بخوانی و به‌طور مخفی، به فقرا و مساکین صدقه بدهی. مبادا که صدقه دادن را عیان سازی که در غیر این صورت، فقرا همه چیز حتی لباس‌هایت را می‌برند و مزاحم تو می‌شوند.

در آنجا هفتصد خادم از طواشیه هستند که در حرم کار می‌کنند و سیصد کلید از طلا دارند. به‌جز این‌ها هزار خادم دیگر در مسجد کار می‌کنند. اگر اینان کسی را در حال دادن صدقه ببینند، ممکن است مشکلی برایش درست شود و کار به جای باریک برسد و خطرناک شود. در مدینه، تمامی مردم، از فقیر و غنی، منتظر آمدن حجاج هستند و هرچه به آن‌ها بتوان

ص: ۱۸۲

داد، محل دارد و ثواب، اما بهتر، بلکه واجب است مخفیانه باشد.

من توانستم با ولی نعمت خودم، حسین پاشا داخل روضه مطهّره شوم. ما لباس پاکیزه و حلال پوشیدیم و با خشوع و بهجت، صلوات بر محمد می‌فرستادیم. شیخ حرم آمد، در حالی که همراه او دوازده طواشیه بودند و بخور و عطریات همراه داشتند. ما هم هفت نفر بودیم. در را باز کردند و داخل شدیم.

در وقت ورود می گفتند: دستور یَا بِنْتَ رَسُول اللَّهِ»؛ یعنی از فاطمه زهرا علیها السلام اجازه ورود می‌خواستند، چون باید از کنار او رد شده به سمت قبر شریف می‌رفتند.

حسین پاشا و من، هر دو، زمین را به قصد شفاعت بوسیدیم. بعد شروع به نظافت آنجا کردیم. بدین ترتیب پانزده نفر در داخل بودند. من خودم، گویی هوشیاری‌ام را از دست داده بودم و روحم از عشق در حال پرواز بود. هر لحظه به خودم مراجعه می کردم، به اطرافم می‌نگریستم، باز به قصد شفاعت رسول صلی الله علیه و آله متوسل می‌شدم. سه قندیل روشن شد. در میان قبه، قبری شریف بود که در صندوقی قرار داشت و روی آن پارچه‌ای از کسوه سبز کعبه کشیده شده بود.

در این مکان پاک، قطعات طلا و شمع‌دان‌های طلا و قنادیل مرصّع و غیره چندان بود که چشم ندیده و به عقل بشر خطور نمی کرد و قیمتش را نمی‌شد تعیین نمود.

مسؤولان و خدّام، هر سال یکبار به اینجا می‌آیند تا آن را نظیف کرده، غبار را از روی این چیزها پاک کنند. ابوبکر و عمر هم زیر همین قبه هستند، اما فاطمه زهرا خارج از این قبه قرار دارد.

زمین آنجا سنگ فرش است و از بهترین سنگ‌ها؛ مانند

ص: ۱۸۳

عقیق و فیروز و کریستال و غیره فرش شده است. اشیا و هدایا هم با زنجیر آویزان شده است.

برخی از شمع‌دان‌های طلا که آنجا هست، به قد یک انسان طول دارد.

من اکنون پنجاه سال دارم، اما وقتی جوان بودم، در خواب مشغول اذان بودم، دیدم که در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله هستم و دو دست او را بوسیدم. حضرت به من بشارت داد: الشفاعهٔ، ...

الزیارهٔ ... السیاحهٔ ... فاتحهٔ. حال خدا را شاکرم که بشارت حبیب در حق من محقّق گردید.

از وقتی که ما از خیمه خودمان در قلعه مُزَیْرب شام خارج شده‌ایم تاکنون، هفده روز است و در خلال این مدت من هفت بار قرآن را ختم کرده‌ام. در برخی از این دفعات، سوره والضحی و دیگری یاسین و سوم اخلاص را خواندم که آن‌ها را در اینجا تمام کردم. خداوند در محفل مؤذّنین، در وقت ظهر، توفیق اتمام آخرین ختم را داد.

ساختمان‌های موجود در قلعه مدینه

بیرون از باب‌الرحمه، مدرسه سیف‌الدین سلطان است، که روی در آن نوشته شده:

وَ مَنْ أَرادَ الْآخِرَهَ وَ سَعی لَها سَعْیَها ... و زیر آن نوشته است که این بنا به دستور امیر سیف‌الدین چوپان (۱) و خاتون معظمه در سال ۷۲۴ ساخته شد.

در کنار این مدرسه، وچسبیده به‌آن، مدرسه سلطان قایتبای است. در بیرون باب جبرئیل، مدرسه صوقوللی محمد پاشا (از صدر اعظم‌های عثمانی که پانزده سال سر کار بود) قرار دارد.

در نزدیکی باب‌السلام، یک بنای وقف از سلطان محمد ثالث هست. وآن‌جا تمام و کمال، ۱۱۸ مدرسه وجود دارد!

در داخل قلعه، چندین حمام و چندین خان- مسافرخانه- هست. راه‌های داخل قلعه بسیار نظیف است و دائماً روی آن‌ها آب پاشیده می‌شود. یک مدرسه برای بچه‌ها، هفت مرکز برای قراء، هفت محل برای حدیث، و هفتاد محل استقرار برای افراد غریب هست که برخی اوقاف هم دارد که با استفاده از آن‌ها عسل و شربت‌های محلی دیگر میان حجاج توزیع می‌شود. چند آب انبار هم هست که یکی از آنها بیست- سی پله دارد و آب آن از عین‌الزرقاء می‌آید و این از خیرات سلطان سلیمان است. روی اسبله- محل سبیل اللّه که آب در آنها هست- نوشته شده: ... وَ سَقاهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً طَهُوراً و بر برخی دیگر نوشته شده: عَیْناً فِیها تُسَمَّی سَلْسَبِیلًا.

۱- در متن اصلی ترکی و عربی «خوبان». درستِ آن چوپان است. وی از امرای دمشق در دوره ممالیک و سلطنت ملک ناصر بوده است. شرح حال وی را نک: الوافی بالوفیات، ج ۱۰، ص ۲۹۷. وی به احتمال در سال ۷۳۰ درگذشته است. ابن کثیر در البدایهٔ و النهایه، ج ۱۸، ص ۲۶۵ چاپ دکتر عبداللّه ترکی ذیل حوادث سال ۷۲۶، از وی با عنوان امیر سیف الدین چوپان یاد کرده است.

ص: ۱۸۴

اینجا، در مدینه، هیچ چیز عزیزتر از آب نیست و هر کسی بایستد و آب به مسجد رسول صلی الله علیه و آله برساند و حوضی برای آب بسازد، ثواب هزار حج خواهد داشت. چه بسیار سلاطینی که اینجا آمده‌اند اما نتوانسته‌اند در این باره خدمتی بکنند. اینجا برخی از حجاج فقط برای این‌که وضو بگیرند، باید ظرف آبی را به قیمت دو سکه بخرند تا با آن وضو بگیرند. در اینجا تجار، اشیایی را که از بلاد دور آورده‌اند، عرضه می‌کنند و اهالی هم کار تجاری می‌کنند.

دروازه‌های مدینه در طول رجب و شعبان و رمضان، در همه شبها باز است و در مدینه، هزاران قندیل شب را روشن می‌کند، اما عید حقیقی این مردم وقتی است که حجاج می‌آیند. وقتی محمل شام و مصر با صرّه و سکه می‌رسد، اهالی بهترین لباس خود را می‌پوشند و حجاج را به خانه‌های خود دعوت می‌کنند و با آنان دوستی می‌کنند و آنان را به زیارت می‌برند و واضح است که از این راه سود زیادی می‌برند.

اما ضاحیه و اطراف مدینه هم مملو از باغ‌ها و قصرهاست. خانه‌هایی که در وسط باغ است فراوان. در مدینه، هفت محله وجود دارد که دو هزار خانه در آن‌هاست و دو طبقه.

چوب‌هایی که در آنها به کار رفته از طریق سوئز از مصر به ینبع آورده شده و از آنجا با شتر به مدینه آورده می‌شود. مردم مدینه از این چوب‌ها برای خود خانه می‌سازند. در اطراف مدینه، زمین‌های خشک سنگی هست که مثل یک خندق مدینه را محاصره کرده است.

... مسجدی هست (۱) که بالای محراب آن نوشته شده: ... وَ کَفَّلَها زَکَرِیَّا کُلَّما دَخَلَ ...، یک ایوان خارجی دارد، اما داخل آن با سنگ‌ریزه فرش شده و دعا در آنجا مستجاب است؛ زیرا که مصطفی صلی الله علیه و آله در آنجا دعا کرده است. غرب این مسجد، مسجد ابوبکر است و یک صد قدم با مسجد النبی صلی الله علیه و آله فاصله دارد ... (اینجا هم در اصل عبارت افتادگی دارد).

برخی از مدارس که تعدادش به ۴۶ می‌رسد، به صورت منزل درآمده است. شش مدرسه برای قراء، یازده مدرسه دار الحدیث، و بیست مدرسه برای اطفال هست. همه این مدارس از صُره سَنَویه (سکه‌های اهدایی سالانه) استفاده می‌کنند و سهم معیّن دارند. خیراتی که برای شهر مدینه است، با هیچ شهری برابر نیست.

در ضاحیه مدینه یک حمام عمومی هم هست اما در طول روز کار نمی‌کند. نزدیک آن یک مدرسه خاصگیه هست که حجاج در آن می‌خوابند. چاه سیدنا علی هم در همین جاست.

در آنجا چهار بنای بزرگ وجود دارد که یکی از آثار سلطان سلیمان است و این نزدیک

۱- نام این مسجد نیامده و به نظر می‌رسد در اینجا از اصل چیزی افتاده است. در متن ترکی نقطه چین هست که نشان سقط است. در متن عربی ص ۱۵۷ این نقطه چین نیامده است.

ص: ۱۸۵

به حمام مراد سوم است. در آنجا از پول سلطان، شوربا و برنج و زرده و عاشورا (۱) میان فقرا تقسیم می‌شود. از این غذا به کسانی هم که داخل قلعه هستند؛ از فقیر و غنی و خادم و مخدوم داده می‌شود.

در ضاحیه مدینه، چهل میهمان‌سرا هست که عابرین سبیل از آن‌ها استفاده می کنند.

مهم‌ترین آن‌ها میهمان‌سرای محمد پاشا است که در ایوان جامع امیرال قرار دارد. بالای آن هم کتیبه‌ای بود که من نتوانستم بخوانم. در بیرون باب مصر، سبیل آغا هست که روی محل ورودی آن نوشته شده: وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ ... و زیر آن «خاصکی سلطان».

همچنین سبیل آغا در السعاده هم آنجا است. کنار هر خان و مدرسه یک سبیل هست که آبش را از عین زرقا می‌آورند. هفت حوض هم هست. چاه‌های پراکنده دیگری هم هست. در آنجا حوالی یک‌صد مغازه هست که بیشتر آنها قهوه خانه و دکان قصابی و مطعم و عطاری و صرافی است.

وقتی حجاج به مدینه می‌آیند، مدینه مثل یک دریا می‌شود و همه‌جا پوشیده از آدم.

سکنه اصلی مدینه، پیش از آمدن حجاج حوالی چهارده هزار نفرند. خوردنی‌های آنها همه از مصر می‌آید که آن از اوقاف سلیم در وقت فتح مصر است و از سلیمان و مراد سوم و سلطان احمد که اوقاف زیادی برای مدینه در مصر درست کرده‌اند. وقف دشیشه (۲) از اوقاف مرادیه و محمدیه و خاصکیه به اینجا می‌آورند. از دشیشه چهارده هزار و از گندم صد هزار کیسه، از مصر به مدینه می‌آورند و بر حسب فرمان سلطانی تقسیم می‌شود.

وقتی امین صرّه با قافله شام به مدینه می‌رسد، مبالغ اختصاص یافته که از مصر رسیده، که مقدار آن‌ها شصت و دو هزار سکّه طلا است، نزد او حاضر می‌شود، به علاوه، آنچه از اوقاف دیگر می‌رسد و از شهرهای تازه فتح شده به مکه و مدینه اختصاص یافته، همه در حضور شیخ حرم و جمعیتی از مردم مدینه، میان صاحبان آنها تقسیم می‌شود. روز و شب زیر نور چراغ‌ها و بر طبق دفاتر سلطانی. اینها همه در میان شادی اهالی و هلهله و دعا و ثنای آنان برای سلطان، توزیع می‌شود.

هوای مدینه، در غایت اعتدال و زیبایی است. زنان مدینه، غالباً لباس‌های حریر آبی می‌پوشند و کفش به پا دارند و روی آنها سرتا پا ازار مشکی بر می کنند و روی سرشان نقاب می گذارند که رنگ‌های آن بین سبز، قرمز و زرد است. اما رجال روی سرشان طاقیه شامیه

۱- نوعی غذا است که در گذشته روزهای عاشورا دهم محرم پخته و توزیع می‌شد و به همین نام مشهور گردید.

این غذا از دوازده نوع حبوبات تهیه می‌شد و میان خانواده و نزدیکان و همسایگان و فقیران تقسیم می گردید.

۲- دشیشه رسول اللّه، یکی از قدیمی‌ترین انواع صدق است. در زمان حضرت، نوعی گندم بزرگ را با جو وخرما و گوشت مخلوط کرده، نزد ایشان می‌آوردند و با اصحاب می‌خوردند. این ترکیب ادامه یافت. در دوره ممالیک، برای این کار وقفی صورت می‌گیرد و نام وقف دشیشه به آن می‌دهند. برای همین گندم مصر را گندم دشیشه می گویند.

ص: ۱۸۶

می‌گذارند و بالای آن شال کشمیری و عمامه سفید و همه مردم مدینه از زن و مرد بر چشم خود سرمه می‌کشند.

باغ صوقوللی محمد پاشا و باغ شیخ الاسلام و دیگر باغات، انواع میوه‌های تازه دارد. در مدینه انواع مختلف خرما و نیز سیب و انگور و هلو و مشمش و لیمون و آلوچه، که گاه به اندازه سر انسان است، وجود دارد. انواع نارنج، لیمون ترش، درختان زیتون و انار و هندوانه و غیره هست. با این حال، منطقه مدینه، صخره‌ای است و مزارعش کم و حبوبات غالباً از مصر و طائف و حجاز می‌آید. در مدینه، یک گل قرمز هست که مانند آن در هیچ کجا نیست. گل‌های دیگری هم مانند سوسن و میخک و یاسمن و نرجس و بنفشه در آنجا هست و خرمای مدینه، بهتر از انواع مشابه آن از سایر بلاد است.

زیارتگاه‌های بیرون قلعه مدینه

اولین جای زیارت، بقیع است، که در شرق قلعه مدینه قرار دارد. زائر باید نخست وضو بگیرد، سپس به طرف بقیع برود، در حالی که می‌خواند: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ ...» بعد أَلْهاکُمُ التَّکاثُرُ را بخواند.

دویست قدم پایین‌تر، قبر عثمان است. بعد بیاید به زیارت قبر امّ‌سلمه. قبر حکم‌بن ابی‌العاص هم نزدیک عثمان است. ابوسعید خضری (کذا. خدری درست است) نزدیک قبر عباس است. جابربن عبداللَّه نزدیک قبر عایشه است. قبر عبداللَّه‌بن جعفر، بعد امام زین‌العابدین که امام‌چهارم است؛ زیر قبه امام‌حسن است که امام‌حسن خود فرزند سیّدنا علی‌است- رضی‌اللَّه عنهم اجمعین-. کما این‌که عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله هم زیر این قبّه است. همین‌طور امام محمد باقر و امام جعفر صادق.

عباس و امام حسن و امام محمد باقر و امام جعفر صادق، همگی در بقیع زیر یک قبه هشت ضلعی هستند و ما، سوره یاسین را برای همگی خواندیم.

در مقابل این بقعه طاهره، مسجد سیّدنا علی است، که مسجد کوچکی است، بدون مناره.

داخل این بقعه مرقد عقیل بن ابی‌طالب است، همین‌طور نافع. نزدیک آن مرقد مادر سیّدنا علی است. نزدیک آنجا باز مرقد امام مالک است که نزدیک آن قبر واثق عباسی است و نزدیک آنجا امّ صفیه!

ص: ۱۸۷

آل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله همگی در بقیع و زیر قبّه واحدی هستند، اما عایشه و امّحبیبه و برخی از کنیزان آن حضرت، نزدیک قبر عایشه هستند. نزدیک قبر عایشه این تاریخ هست: «امر بتجدید هذا المرقد المبارک لحضرة الصدیقة عایشة السلطان سلیمان شاه بن بایزید خان‌بن محمد خان خلّد اللّه ملکه سنهٔ ۹۵۰».

زیر همان قبه، قبر امّ‌کلثوم و رقیه دختران رسول صلی الله علیه و آله هم هست. همین طور زینب و امّهانی.

و نزدیک آنها سه نفر از کنیزان آن حضرت. نزدیک به آنجا قبر حلیمه سعدیه و خواهر رضاعی آن حضرت سیّده سلمه! و کنیز آن حضرت برکه هست که از پدرش به او رسید و دوران کودکی آن حضرت، از ایشان پرستاری می‌کرد و به او امایمن می‌گفتند و نزدیک قبر حلیمه مدفون است. مادر حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله در مسیر مدینه به مکه وفات کرده، همانجا مدفون شد.

برخی از کتاب‌های سیره موثق نوشته‌اند که حضرت در سال ششم، جنازه ایشان را به مدینه منوره منتقل کرده، زیر همان قبه‌ای که مادر رضاعی او در آنجاست، دفن کرد! ما برای آن‌ها سوره نساء را تلاوت کردیم.

همچنین قبر ابراهیم پسر رسول صلی الله علیه و آله و مادرش در بقیع است.

اما از صحابه، شمار زیادی از آنان در بقیع مدفون هستند.

قبور برخی از علمای روم است که در این دیار مرده‌اند؛ مانند مصلح‌الدین افندی و سید ابراهیم مدنی هست که نزدیک قبر سیدنا عباس دفن شده‌اند. همین‌طور محمد افندی، مولانا سنان نهجی و ...

قبا

قریه‌ای است با باغات فراون، که دویست منزل در آن هست و به عنوان نزهتگاه اهل مدینه شناخته می‌شود. در آنجا مسجد قبا هست که خود حضرت رسول آن را مثل یک درّ یکتا ساخت. با هفت پله به آن می‌رسیم. در داخل آن نخلی هست که رسول با دو دست پاکش آن را غرس کرده است. یک درخت سدر هم آنجا هست. زیر این درخت یک چاه آب قرار دارد. در این مسجد تمامی دعاها مستجاب می‌شود. به جز محراب اصلی، محرابی هم در گوشه شمالی آن هست که به آن محراب مکشف می‌گویند و رسول در آنجا نماز می‌خوانده و از آنجا به سوی مکه، وطنش می‌نگریسته است. مسجد سیدنا علی در سمت قبه این مسجد

ص: ۱۸۸

قرار دارد و گنجایش پنجاه نفر را دارد. در سمت قبله، پنجاه قدم آن طرف‌تر، مسجد سیده عایشه است. چاه اریس هم در کنار راه قرار دارد. هرکس چهل روز از آب این چاه بخورد، از همه بیماری‌ها شفا می‌یابد. خود من بعد از شکست اردل (۱) مرض خفقان گرفتم و از همین آب خورده، خوب شدم. باغات اطراف را از آب همین چاه، آبیاری می‌کنند.

باغ صوقوللی یکی از باغ‌های بسیار زیبای قُبا است که قصرهایی در نهایت زیبایی و عظمت هم در آنجا هست.

زائر در این وقت باید برای دیدن دو نخلی که خود حضرت غرس کرده، برود و در آنجا دو رکعت نماز بخواند.

در باغ‌های مدینه، چاهی به نام چاه عروۀبن زبیر هست. در میان باغی که دو نخل رسول صلی الله علیه و آله هست، آب عجیبی است که برای زنان خاصیت‌هایی دارد؛ مثلًا کسی که درد زایمان دارد و برایش خیلی سخت است، اگر از آن آب بخورد، زایمان بر او آسان می‌شود. یا کسی که حیض می‌شود، اگر از آن بخورد، حیض نشده و پاک می‌شود. تمامی زن‌ها و دختران مدینه این حوض را می‌شناسند و آنجا غسل می‌کنند. برای همین مردم مدینه، بستان دو نخل را بستان النساء می‌نامند و کسی جز زنان داخل آن نمی‌شود.

مرقد حمزه

چون مرقد حمزه مقدار زیادی از مدینه فاصله دارد، برای زیارت آنجا، همراه جمع زیادی به آنجا رفتیم که بالغ بر ۱۵۰ اسب سوار و مسلّح بود. مرقد در موقعیت احد قرار دارد و میدان نبرد در سمت شمالی آن است. یک هزار گام که از مدینه بیرون برویم، جایی هست که حضرت درع خود را در آنجا گذاشته است. این راه را باید پیاده رفت تا ثوابش مضاعف باشد.

من خودم پیاده رفتم و اسبم را به غلامم دادم. یک ساعت بعد به آنجا رسیدم.

موقعیت سپاه رسول صلی الله علیه و آله در این وادی بوده. در آنجا ایوان کوچکی هست و خیمه حضرت در بالای آن ایوان بوده است. خواندن دو رکعت نماز درآنجا از سنن مستحبه است.

در این جایگاه، سپاه آن حضرت بوده. رسول صلی الله علیه و آله حمزه را فرمانده قسمت چپ و خالدبن ولید را در سمت راست گذاشت! (۲) در شمال اینجا، به مقدار پانصد قدم ایوان عاشورا است. اینجا جایی است که شامی‌ها

۱- جایی در رومانی که عثمانی‌ها با اروپایی‌ها نبرد کردند.

۲- این نکته بی اطلاعی اولیا چلبی از تاریخ اسلام را می‌رساند. خالدبن ولید در این جنگ فرماندهی از فرماندهان مشرکین بود که حمله او سبب شکست سپاه اسلام و شهادت حمزه و هفتاد نفر دیگر از اصحاب شد. اما وی او را همردیف حمزه، جزو فرماندهان اسلام معرفی کرده است!

ص: ۱۸۹

غذای عاشورا درست کرده، به حجاج می‌دهند. در کنار آن ایوان، امین صره است و ایوان ملا، و ایوان شیخ الحرم. رسول صلی الله علیه و آله هر سال بر این مکان، برای زیارت سیّدنا حمزه و آماده کردن عاشورا اشراف دارد. (۱) مزار حمزه، یک ساعت راه تا مدینه است و به شکل قبه‌ای است. مدخل آن از بابی است که به سمت قبله باز می‌شود. داخل آن با سنگ‌های سفید فرش شده است. زیر این قبه قبر حمزه، داخلِ یک صندوق مربع شکل است و صندوق داخل یک مقصوره مرعب است. هر کسی شمشیر دارد، باید شمشیر خود را داخل صندوق سیّدنا حمزه بگذارد و بعد از اندکی، در حالی که حارس مقبره تکبیر می گوید آن را درآورد و وسط تهلیل گویان آنان بدان دست بکشد، در آن صورت ثواب جنگ احد را برده است. شریف صالح که از ذریّه حمزه است، کنار او دفن شده است. در عمق ضریح، چاه آبی است. و به حکمت خداوندی خاک این منطقه در اطراف ضریح، سفید است در حالی که خاک این نواحی قرمز می‌باشد. قرمزی آن هم به خاطر خون پاکی است که از دندان پیامبر صلی الله علیه و آله ریخته است. اگر کسی دندانش را با خاک اینجا مالش دهد، از دردهای دندان در امان می‌ماند. این تجربه شده است.

پانصد قدم بالاتر، کوه احد است که کوه سخت و بلندی است و صخره‌های سرخ‌رنگ دارد و غارهای چندی در آن است. در همین وادی، جایی هست که آن را وادی حمزه می‌نامند که مکان ترسناکی است. کفار در این غارات مخفی شده و به حمزه که شهید شد یورش بردند، در حالی که با آنان نبرد می کرد. ما به سرعت از این منطقه بازگشتیم، در حالی که دو رکعت نماز خواندیم. بعد به مقدار دویست قدم به جنوب آمدیم تا به مزار میدان شهدا رسیدیم.

اینجا بیش از یک هزار صحابی شهید شده‌اند! و قبه‌ای ندارند اما برای برخی از مشاهیر آنان، علائم قبر هست. به خاطر باران‌های سیل آسا، خاک و سنگریزه‌ها از روی حدود هفتاد یا هشتاد شهید کنار رفت؛ به‌طوری که اجساد طاهر آنان آشکار شد. وقتی مردم مدینه شنیدند، همه آمدند و دیدند آنچه را که شادمانشان کرد و قلبشان را آرامش داد. آنها اجساد را تازه یافتند. گویی تازه شهید شده بودند. از برخی هنوز خون تازه می‌آمد. برخی سرهاشان جدا شده بود و ... مردم این را دیدند و عظمت شهادت در راه خدا را دریافتند. سپس برای پوشاندن اجساد اقدام کردند. شیخ حرم دستور داد دیواری به طول چهارصد قدم ساختند تا جلوی

۱- عبارت در عربی همین است: و کان صفوة الخلق ص یشرف هذا المکان کلّ عام لزیارة سیّدنا حمزه- رضی اللّه عنه- و اعداد العاشورا.

ص: ۱۹۰

سیلاب را بگیرد.

شرط زیارت در آنجا این است که وقت سحر باشد، زائر چیزی روی سر نیندازد. وقت ظهر اصلًا وقت خوبی برای زیارت نیست؛ زیرا زمین و رمل‌ها همه مثل آتشی ملتهب هستند.

اگر زائر کفش به پا کند، بسا که توهین به این مکان باشد. همه این صحرا مزار شهداست و همه، از کوچک و بزرگ، از زیارت بدون وضو پرهیز می کنند.

در خلال دو ماه محرّم و صفر، در هر سال، در اینجا و نزدیک مقبره حمزه مولودیه برگزار می‌شود. (۱) این مکان مملو از جمعیت مؤمنین شده و ارواح مؤمنان، هر سال، در پی خواندن اشعار دینی و دعا و راز و نیاز که صدایش همه جا می‌پیچد، از آن به وجد می آید؛ به‌طوری که برخی در این حال، جانشان از دست می‌رود و همانجا دفن می‌شوند.

زیارت اماکن بیرون مدینه تمام شد.

برای وداع باید زائر لباس طاهر بپوشد و با ادبِ تمام از باب قلعه وارد شده، به سمت مسجد رفته، از باب جبرئیل داخل شود، فاتحه بخواند و «السَّلامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ» بگوید و سپس بگوید: «الْوَدَاعُ یَا رَسُولَ اللَّهِ».

پی نوشت‌ها

۱- در ادبیات ترکی- مثل عربی- نوعی شعر دینی هست که به مولد شناخته شده و مدائح نبوی است. معروف‌ترین آن اشعار ترکی، «وسیلهٔ النجاهٔ» از سلیمان چلبی م ۸۲۵/ ۱۴۲۲ م است که همزمان مقبول میان افراد نخبه در کنار توده‌های مردم است. در دولت عثمانی، احتفال به‌طور رسمی از زمان سلطان مراد سوم ۹۸۲- ۱۰۰۳ آغاز شد و او در تشریفات سلطان، از سال ۹۹۶ جایی را به احتفال اختصاص داد که تا روزگار ما برگزار می‌شود. در این باره نک: د. نجلاپیک اولجای، اسلامی تورک آدیبالتی، استانبول، ۱۹۶۶، صص ۱۴۰- ۱۵۳. سلیمان چلبی وقتی شصت ساله و امام جماعت مسجد بورسا بود، این اشعار را سرود که بنابر مشهورترین نظر، ۳۱۷ بیت است. محتوای آن توحید باری تعالی، دعا، روح محمد، ظهور محمد، معجزات و معراج، هجرت و نصیحت و ارشاد است.

ص: ۱۹۱

ص: ۱۹۲

ص: ۱۹۳

از نگاهی دیگر

ص: ۱۹۴

حج‌گزاری در ترکیه

کارگزاران حج

فکر و انـدیشه تأسـیس سازمـان دیانت، که مسؤول امور دینی در کشور ترکیه است به حـدود نیم قرن می‌رسـد. این سازمان، از سال ۱۹۷۳ تا کنون؛ یعنی ۲۴ سال است که ساماندهی و مدیریت اعزام زائران خانه خدا و حاجیان را نیز بر عهده دارد.

پیش از آن‌که ترکیه جمهوری شود، متقاضیان حج اندک بودند. در آن زمان بسیاری از مسؤولان، دلیل استقبال نکردن مردم از این سفر معنوی را، اوضاع بـدِ اقتصادی می‌دانسـتند، در حالی که آنان، خود نیز به جهت کم بها دادن به این فریضه دینی، بر بی‌رونقی و عدم استقبال از این سفر، دامن می‌زدند.

ثبت نام و اعزام

همه ساله، در تاریـخ مشخصـی، ثبت‌نام زائران خانه خـدا اعلام می‌شود. در واقع مردم ابتدا به مفتی اسـتان مراجعه می‌کنند و از آنها ثبت نام به عمل می‌آید و در ضمن ثبت‌نام، به آگاهی همه رسانده می‌شود که بعد از قرعه‌کشی مشخص می‌گردد چه کسانی توفیق سفر خواهند یافت. و از ثبت نام کنندگان تعهّد گرفته می‌شود که اگر نامشان در قرعه در نیامد، اعتراضی نداشته باشند.

از ثبت نام کنندگان حج، پول ثبت‌نام را در سه قسط دریافت می‌کنند و هنگام واریزکردن اولین قسط، گذرنامه، فتوکپی شناسنامه و سند بانکی و همچنین برگه‌ای خاص (از کسانی که بیش از ۶۵ سال سن دارند) گرفته می‌شود.

ص: ۱۹۵

قرعه‌کشی از سوی دفتر اسناد انجام می‌شود و انتخاب شدگان کارت شناسایی حج را دریافت می‌کنند. کسانی که می‌خواهند با سازمان دیانت اعزام شوند، به شعبه‌های این سازمان رفته، ثبت نام می‌کنند. کسانی که با شرکت‌های آزاد می‌روند، با کارتی که در اختیارشان گذاشته شده، به تورها مراجعه می‌کنند.

ثبت نام حج، در سی و دو استان ترکیه برگزار می‌شود. در سالی که گذشت (۲۰۰۴) ۲۱۰ ۰۰۰ زائر به دفاتر مراجعه کردند، ولی از میان آنها تنها ۹۰ ۰۰۰ نفر توانستند به حج مشرف شوند.

آمار شرکت کنندگان ترک در حج، حدود ۹۰ ۰۰۰ نفر است.

گفتنی است سهمیه مردم ترکیه، از هر ۱۰۰ نفر، ۱ نفر است، در حالی که از هر ۱۰۰ نفر ۳ نفر به دفاتر ثبت نام مراجعه می‌کنند و در واقع ۱۴۵۰۰۰ نفر در نوبت قرار می‌گیرند و در سال بعد بار دیگر در فهرست قرعه کشی قرار داده می‌شوند و به همین منوال هر سال بر تعداد متقاضیان افزوده می‌شود. مسؤولان حج ترکیه به دلیل اقبال مردم به حج و تقاضای زیاد آنها، در پذیرش زائر محدودیت قائل شده و در سال ۲۰۰۴ حج نیابتی را ممنوع کرده‌اند.

اولویت با کسانی است که به حج نرفته‌اند. تنها در شهر استانبول ۲۵۰۰۰ نفر به دلیل این که متقاضی دومین سفر به حج بودند، در قرعه‌کشی شرکت داده نشدند.

همانگونه که پیشتر اشاره شد، درخواست کنندگان حج، ابتدا به سازمان دیانت، که چندین شعبه دارد و مرکز آن در استانبول است، مراجعه و ثبت نام می‌کنند و چند روز مانده به موسم حج، واکسن مننژیت می‌زنند و کارت واکسن را تا آخر موسم، همراه خود دارند.

حمل و نقل و راه‌ها

در سال ۱۹۴۷ م، زمانی که ترکیه جمهوری شد، رفتن به سفر حج، به‌صورت دسته‌جمعی، آزاد گردید. در آن زمان، راه‌های حج، منحصر در سه مسیر بود: سوریه، فلسطین و اردن و به صورت زمینی، دریایی و هوایی.

راه زمینی؛ به دلیل تخریب راه آهن حجاز در جنگ جهانی اول و تعمیر نشدن آن، زائران با کامیون‌های صحرایی، از راه فلسطین به این سفر اعزام می‌شدند و البته با سختی‌ها و دشواری‌های فراوان روبه‌رو بودند. تا این‌که با اشغال سرزمین فلسطین به دست صهیونیست‌ها و

ص: ۱۹۶

به خطر افتادن امنیت این راه، استفاده از این مسیر برای زائران ترکیه غیر ممکن شد.

راه دریایی؛ دومین راه برای زائران ترک بود، از کانال سوئز می گذشت و به جده می‌رسید. این مسیر در مقایسه با راه زمینی هزینه کمتری را بر حاجیان تحمیل می کرد و برای آنان توجیه اقتصادی نیز داشت. طی این مسیر ده روز به طول می‌انجامید.

راه هوایی؛ برای طی کردن این مسیر، هواپیمای حامل زائران حرمین شریفین، از ترکیه به لبنان و از لبنان به اردن و سپس به جده می‌رفتند. در این دوران دولت ترکیه هیچ دخالتی در امور حجاج نداشت و از این بابت آنان با سختی‌های زیادی روبه‌رو می‌شدند.

سفر حج و پرداختن به این فریضه مهم دینی، از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۹ برای مردم ترکیه، با فراز و فرودهای بسیاری روبه‌رو بود تا این‌که در سال ۱۹۷۹ تمام امور حج به سازمان دیانت واگذار گردید و از مشکلات آن کاست.

آموزش حجاج و پاسخ به پرسش‌های آنان

کسانی که مشکل فقهی و سؤال در باره حج دارند، از اداره حج و عمره، که مفتی‌های استان‌ها در آن مستقر هستند، می‌پرسند. در سال‌های اخیر، سازمان دیانت فعالیت‌هایی در آگاهی دادن به زائران انجام داده است. این مؤسسه، نوارهایی در باره حج توزیع می کند و سمینارهای گسترده تشکیل می‌دهد.

مسؤولان حج ترکیه، به فکر زائران ترک در خارج از ترکیه نیز هستند، و برای آگاهی دادن به آنان، از امکانات مناسبی برخوردارند و گام‌های خوبی بر می‌دارند.

پیش از اعزام، حاجیان در تاریخ‌های معینی به مساجد شهر یا دیگر اماکن، فراخوانده می‌شوند و در طی نشستی، مسائل حج و آداب سفر برایشان شرح داده می‌شود. البته این برنامه هنوز به صورت گسترده اجرا نشده و فراگیر نیست.

این برنامه، بیشتر در مسجد سلیمانه استانبول برگزار می‌شود و مفتی این شهر سخنرانی مهمی ایراد می کند و به دنبال آن، حاجیان با خدمه کاروان و مدیران آشنا می‌شوند.

در این جلسه ماکت کعبه را در معرض دید مردم قرار می‌دهند، و برنامه حج گزاری را به صورت عملی به زائران می‌آموزند و در پایان اگر کسی پرسشی داشته باشد، از مفتی و کارشناس حج می‌پرسد.

ص: ۱۹۷

تعداد هر کاروان ۲۰۰ نفر هستند و آنها به چهار یا پنج گروه تقسیم می‌شوند.

وسایل مورد نیاز زائران:

به هر حاجی، پیش از اعزام، چند چیز داده می‌شود:

۱. قرآن با ترجمه (ترجمه سازمان دیانت).

۲. کتاب راهنمای حج.

۳. کتاب دعای سعی و طواف.

۴. یک نقشه و بروشور مربوط به اماکن.

۵. دو عدد حوله احرام

۶. کیف مخصوص برای گذرنامه

۷. ماسک محافظ بهداشتی

۸. دستبند نام و مشخصات

۹. بالش و پتو

۱۰. کتاب‌های آموزشی.

۱۱. کارت شناسایی حج.

۱۲. چتر.

فعالیت‌های سازمان دیانت:

۱. مدیریت حج.

۲. فتوا و ارشاد.

۳. پذیرایی و بدرقه زائران.

۴. اجاره مسکن در مکه و مدینه.

۵. رسیدگی به امور مسؤولان اجرایی کشور؛ مانند وزرا و خبرنگاران حاضر درحج.

۶. تأمین گذرنامه و اتوبوس

۷. مراقبت‌های بهداشتی و بیماری

۸. پیگیری امور گم‌شدگان و فوت شدگان

۹. تهیه وسیله نقلیه (برای رفتن به اماکن مقدس)

۱۰. خدمات رایانه‌ای.

۱۱. تأسیس مرکزی برای مأموران سازمان دیانت.

۱۲. حفظ ونگهداری پول و صرافی آن به‌ریال سعودی.

هزینه و مدت اقامت:

مبلغ دریافتی از زائران ترکیه یکسان نبوده و بر اساس نوع هتل و مدت اقامت در نوسان است:

۱- عادی، ۲۰ تا ۳۵ روز، با مبلغ ۱۷۹۰ دلار خوراک به عهده زائر

ص: ۱۹۸

۲- عادی- با غذا، ۳۵ روز ۲۰۳۰ دلار صبحانه و ....

این دو گروه، از تمام نقاط کشور با هواپیما اعزام می‌شوند.

۳- با اتاق مستقل در هتل، که دو نوع است:

الف: ۲۲ روز تا ۲۸ روز ۲۸۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار این گروه فقط از شهرهای بزرگ اعزام می‌شوند.

ب: ۲۵ تا ۲۸ روز ۳۵۵۰ تا ۳۳۵۰ دلار، این گروه فقط از استانبول و آنکارا پرواز دارند.

۴- لوکس و درجه یک، ۱۵ روز ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ دلار از آنکارا به استانبول می‌روند و از آنجا به مکه مشرّف می‌شوند و در هتل‌های هیلتون و شرلتون اقامت می‌کنند.

ارائه خدمات بهداشتی از سوی سازمان دیانت:

- استقرار بیمارستان ۱۵۰ تختخوابی در مکه.

- راه‌اندازی بیمارستان ۵۰ تختخوابی در مدینه.

- استقرار اورژانس‌هایی در مناطق خانه‌های حجاج.

- به پا کردن چندین درمانگاه‌ها در مناطق مختلف.

- فعالیت گروه‌های بهداشتی سیّار در خانه‌های مکه و مدینه.

- مستقر کردن بیمارستان صحرایی در عرفات.

- راه‌اندازی ۲۰ دستگاه آمبولانس.

- تشکیل گروه‌های بهداشتی سیّار در منا.

حاجی باید وضعیّت خود را (اگر بیماری خاصی دارد)، به رییس کاروان اطلاع دهد.

کتابهای مرتبط با حج و مناسک

کتاب‌هایی با عنوان‌های دلیل، دفاتر، آداب حج و عمره، نیت حج و دعا در اختیار زائران قرار می‌گیرد. این کتابها بیشتر کوچک، دستی، با زبان ساده و با تصویر و نقشه است و ارزش تاریخی و ادبی چندانی ندارد. تعداد آنها بسیار است و از سوی سازمان دیانت و شرکت‌های آزاد در اختیار زائران قرار می‌گیرد. قابل توجه است که کتاب‌های پیش‌گفته، در سال‌های اخیر به حروف لاتین نیز منتشر می‌شود. گفتنی است، از سوی مؤسسه‌های دیانت و آزاد، D C و

ص: ۱۹۹

کتابچه نیز توزیع و در اختیار زائران قرار می گیرد.

کتابهایی که از سوی سازمان دیانت توزیع می‌شود:

- دعاها و دانستنی‌های مفید.
- راهنمای حج (آگاهی‌های مختصر در باره حج).
- معلومات عمومی برای زائران.
- وزارت جهان گردی (۱۹۶۴).
- راهنمای حج (جیبی).
- دلیل حج، مسجد سلیمانیه، حاجی صادق ارزی، آنکارا.
- رساله حج، نوشته عبداللَّه توپراق.
- دعاهای حج دیانت (۲۰۰۲) آنکارا.
- دعاهای سعی و طواف، دیانت، (۲۰۰۱).
- راهنمای حج عملی، آنکارا (۲۰۰۱).
- انجام حج و توجه به حکمت‌های آن، آنکارا (۲۰۰۴).
- راهنمای جدید و کامل، حاجی منصور.
- دلیل حجّ حاجی داود.

راه‌های تشرّف به حج

زائران ترک، پس از گرفتن کارت شناسایی اصلی، از دو طریق می‌توانند به حج مشرّف شوند:

۱- سازمان دیانت

کسانی که به مسائل امنیتی و دینی بیشتر بها می‌دهند، برای سفر حج، دیانت را انتخاب می کنند و دلیل دیگر این است که دیانت در هر گروه مالی، زائران را می‌پذیرد. و از شرکت‌های آزاد استقبال زیادی نمی‌شود.

سازمان دیانت، زائران را در شهر مکه، به مسجد جن، جنّةالمعلاة، منا، مزدلفه، عرفات و

ص: ۲۰۰

خانه‌ای که پیغمبر صلی الله علیه و آله در آن متولّد شده، می‌برند.

در شهر مدینه نیز به جنّةالبقیع، مسجد قُبا، مسجد هفتگانه (مساجد سبع) و شهدای احد می‌برند.

۲- شرکت‌های آزاد

از شرکت‌های آزاد برای ثبت نام و اعزام به حج استقبال چندانی نمی‌شود و این شاید ازآن‌رو است که در آنها تقلّب و کلاه‌برداری بسیار رخ می‌دهد. در سالی که گذشت یکی از شرکت‌ها، از ۲۸۰ حاجی، که برای حج ثبت‌نام کرده بود، ۷۹ هزار دلار خورد. ۴۰۰ نفر در آن شرکتِ آنکارایی به عنوان قصاب، نام خود را نوشته بودند. بسیاری از این شرکت‌ها به خاطر سنگینی شرایط، کار خود را تعطیل کرده‌اند.

از سال ۱۹۹۹ تا کنون که پنج سال می‌گذرد، از ۱۵۶ دفتر، ۱۱۰ تای آن فعال است و بقیه تعطیل شده‌اند.

در آمد دفاتر غیر دولتی و آزادِ سیاحت، ۴۰۰ میلیون دلار در سال بود که اکنون کاهش یافته است.

در کشور ترکیه، شرکت‌هایی اجازه فعالیت در امور حج را دارند که زیر نظر سازمان جهانگردی باشند و گذشته از این، باید درجه یک بوده و در هر سال، بیش از یک میلیون دلار ارز به داخل کشور بیاورند. گفتنی است تنها ۱۲۵ شرکت دارای این شرایط هستند.

حد اقل وجه پرداختی برای حج در این شرکت‌ها، ۱۷۹۰ دلار است. شرکت‌ها، بیشتر از این، هرچه بخواهند می‌توانند به بهانه در اختیار گذاشتن امکانات بیشتر، از حاجی بگیرند.

مدیریت این شرکت‌ها، بیشتر با کسانی است که مدتی را در مکه و مدینه مانده‌اند و با محیط آنجا آشنا هستند. مرکز بسیاری از این شرکت‌ها در استانبول است.

شرکت‌های آزاد، (مانند سلامت‌تور) که پیشتر زائران را با اتوبوس می‌بردند، از دو مسیر می‌رفتند؛ یکی، از راه شام و دیگر از راه بغداد. لیکن اکنون حدود ۱۰ سال است که سفر از راه زمینی ممنوع شده و با هواپیما می‌روند. البته ده سال پیش، از راه دریایی و با کشتی نیز می‌رفتند.

ص: ۲۰۱

معیارهای انتخاب شرکت برای ثبت نام

شرکت‌های معروف و شناخته شده در ترکیه عبارت‌اند از شرکت‌های: امانتور، اکرام‌تور، امیرتور، عمران تور، برات تور و اقلیم تور که معمولًا شرکت‌های یاد شده، سهم بیشتری از زائران را به خود اختصاص می‌دهند و مرکز فعالیت آن‌ها شهرهای استانبول و آنکارا است و از همه شهرهای کشور مراجعه کننده دارند.

حجاج ترک، در ثبت نام، به چند چیز اهمیت می‌دهند:

از آن رو که بیشتر آنان پیر هستند، خواسته اولشان این است که محل سکونتشان نزدیک به اماکن مقدس باشد. البته در سال‌های اخیر، در صد زائران جوان به تدریج بیشتر می‌شود.

برخی از شرکت‌ها، وسیله حمل و نقل ۲۴ ساعته در اختیار حجاج قرار می‌دهند و این در انتخاب شرکت برای ثبت نام از سوی زائران، نقش زیادی دارد. همانگونه که پیشتر اشاره شد، این شرکت‌ها کتاب و CD در اختیار زائران می گذارند.

شیوه تعلیم و آموزش شرکت‌ها از دیانت بهتر است، البته پول بیشتری هم دریافت می کنند.

آداب و رسوم

برخی روزهای خاص، در نظر مردمِ ترکیه دارای اهمیت ویژه‌اند؛ مانند تولّد پیغمبر، شب قدر، شب معراج، لیلهٔالرغائب.

در ماه مبارک رمضان، مردم برای رفتن به عمره رغبت بیشتری نشان می‌دهند.

زنانی که قصد رفتن به حج دارند، اگر ازدواج کرده‌اند، باید شناسنامه یا سند ازدواج و اگر ازدواج نکرده‌اند، از طرف پدرشان موافقت‌نامه و اگر پدر ندارند، تعهدنامه‌ای از سوی خویشاوندانشان ارائه کنند و اگر کمتر از چهل سال دارند، تنها با خویشاوندان درجه اول می‌توانند به عمره و حج مشرّف شوند.

آب زمزم، بهترین هدیه برای نزدیکان و خویشاوندان است. زائران رو به قبله نشسته، زانو به زمین می‌زنند و سپس نام خدا را برده آن را می‌نوشند و اصطلاح‌هایی برای آب زمزم هنوز هم به کار می‌رود.

ص: ۲۰۲

سایت‌های مهم مربوط به حج گزاری در ترکیه.

www. diyanet. gov. tr Diyanet hac rehberiwww. haccagidiyorum. ۴ t. com/ hachaberleri. htmwww. hacrehberi. comwww. mekkemedi nere siml eri. ۴. comgenis bir fotograf kolleksiyonu ve mutevazibazi hac hatiralariwww. davetci. comwww. essemlam. netwww. hiratur. comturizim acentalariwww. islamisiteler. netwww. cicektur. comwww. gulentur. comwww. gulentur. comwww. berat. comwww. tursab. orgturkiye seyahat acentelari birligiwww. dinibilgiler. orgwww. diyanet. nl/ tr/ hac/ hac ۲۰۰۰. htmistatistik bilgilerwww. sadakat. net.

تفاوت‌ها و مشترکات در فرهنگ و دین مردم ترکیه و عربستان سعودی

میان ترکان ترکیه و عرب سعودی، تفاوت زیادی از نظر مذهب و تفکّر اسلامی نیست.

تنها در برخی موارد فرق‌هایی با هم دارند:

- مذهب مردم ترکیه، بیشتر حنفی و مذهب مردم عربستان وهّابی است. گاهی به سبب آثار باقی مانده از دولت عثمانی، تنش‌هایی میان این دو جمعیت به وجود می‌آید؛ یکی از نمونه‌های آن، تخریب قلعه اجیاد عثمانی، در یک سال پیش است که موجب بروز مشکل گردید. این قلعه حدود ۴۰۰ سال قدمت داشت و دارای اهمیت تاریخی بود.

محمد نوری یلماز، به خاطر این قضیه می‌خواست سفر به حج از ترکیه را تعطیل کند، لیکن به جهت این‌که پول حج را داده بودند و از نظر فقهی نیز پایه و دلیلی برای تعطیلی نداشت، لذا از این تصمیم منصرف شد.

در زمان حج، برای جلوگیری از تخریب قلعه اجیاد، از ۱۱۰ ۰۰۰ زائر ترکیه امضا جمع

ص: ۲۰۳

کردنـد. در مکه دو قلعه نیز به نـام «فلفـل» و «هنـدی» وجود دارد و یـک مرکز توپخـانه میان قلعه اجیاد و جبل عمر موجود است که سرنوشت آن‌ها مبهم است.

چند نکته از حج سال ۲۰۰۴

از حاجیانی که قصد حج دارند، بیش از ۴۰٪ آن‌ها خانم هستند.

در سالی که گذشت، دو میلیون حاجی از کشورهای اسلامی و یکصد هزار مسلمان از ترکیه حاجی شدند.

در همین سال، از زائران ترک، در اثر ازدحام در منا ۹ نفر مردند.

هفت تن از نمایندگان مجلس توفیق تشرّف به حج را یافتند.

رییس سازمـان دیـانت (علی بردک اوقلـو) همـه سـاله به حـج می‌رود. او ضـمن گزاردن حـج، در اداره امـور مرکز حـج برای مردم سخنرانی می‌کند. در حج سال جاری نیز در ضمن سخنانی توصیه کرد:

حاجیـان ترکیه بـا یـک چمـدان برونـد و با یک چمـدان برگردنـد و چیزهای بی ارزش نخرنـد. ولی به‌عکس، زائران ترک علاقمند هسـتند از این سرزمین برای اقوام و فامیل، با خودشان سوغات ببرند، هرچند چیز کوچکی باشد. البته این سنت، روز به روز کمرنگ می‌شود؛ زیرا زائران پیش از رفتن به حـج، از اسـتانبول، مراکز فروش لوازم، سوغاتی‌هـای خود را می‌خرنـد و زحمت حمـل بار را به خود نمی‌دهند.

حاجیان مسلمان ترک، بیشتر پیر هستند و آرزو دارند که در سرزمین مکه و مدینه

ص: ۲۰۴

فوت شوند. پیرترین حاجی در سال گذشته «جودت بوز طونا» بود که در سال ۱۹۱۴ م در رومانی متولّد شده است. او بعد از انجام حج و زیارت قبر پیامبر، آرزو داشت همانجا بمیرد.

در شهرهای کوچک ترکیه هنوز هم بدرقه زائران خانه خدا، با جشن و شور و شوق انجام می‌شود. هنگام بازگشت و استقبال از حجاج هم در شهرها، خانواده‌های آنان جشن‌های گوناگون برپا می‌کنند.

حاجیانی که در سفر، در یک کاروان همراه و رفیق‌اند، بعد از برگشتن به کشور، دوستی خود را ادامه می‌دهند و حتی در مواردی، هر هفته با هم، یک جا جمع می‌شوند و از خاطرات حج سخن می‌گویند.

جایگاه ترکیه با گذشته، از یک جهت تفاوت اساسی کرده است؛ در سال‌های گذشته و در دوره عثمانی، ترک‌ها میزبان بودند و حج‌گزاری با مدیریت آنان انجام می‌شد اما امروزه آنان نیز مانند زائران دیگر کشورها میهمان هستند.

کتاب‌های راهنما

- راهنمای زیارت مسجد نبوی و حج عمره، نوشته سلیمان آتش ۱۹۹۳
- دفتر حج نوزاد بایرام، انتشارات آدم، استانبول.
- راهنمای حج، انتشارات علم.
- حج و عمره، م. قائتارجی، انتشارات آیدین.
- نیت حج، محمد پکر، انتشارات بقاع.
- راهنمای عمره و کتاب دعا، ابراهیم چتین، انتشارات اکرام.
- راهنمای عمره و حج، با شرح و کوشش مولود کارجا، شرکت سیاحت برات.
- راهنمای حج مصوّر، ایوب جوشقون، استانبول ۲۰۰۲
- سفر به اقلیم عصر سعادت، اسماعیل حقی اوجا، معلم دانشکده الهیات قونیه.
- حج و عمره، علی‌رضا دمیرجان، سیاحت امیر.
- راهنمای حج و عمره و زیارت مدینه منوره، رمضان آیواللی، انتشارات بوغاز ایچی.
- پیغمبر خدا و حجهٔ‌الوداع، علی‌رضا دمیرجان.
- حج محمد بییر، انتشارات دوغان.

ص: ۲۰۵

- راهنمای مسافران مکه و مدینه در حج و عمره، ایّوب صبری پاشا، انتشارات نصر.
- راهنمای مکه و مدینه و حجاز، یوسف ازبک رجب دوقرو، انتشارات اوجاق ۲۰۰۴
- راهنمای حج، علی سون موزن، مدینه منوره.
- آداب حج و عمره، برهان بزگیک، انتشارات ارحان.
- حج و عمره، امام نبوی، ترجمه مدحاد آجار، انتشارات قهرمان.
- راهی به سوی خدا (راهنمایی حج)، نجمی انور، استانبول ۱۹۶۷
- اسرار و فضایل حج، اسعد جوشان، انتشارات سحر.
- راهنمای حج، ابراهیم بوغالی، انتشارات سونمز.
- دعاهای مخصوص و دانستنی‌های ویژه برای حجاج، عرفان یوجل، آنکارا.
- راهنمای راه حج، جمال الدین آق‌دره، ۱۹۶۶
- سرود مکه، مصطفی جان، انتشارات جان.
- راهنمای حرمین، احمد حلمی امره، انتشارات جمال اوغلو.
- راهنمای حج در اسلام، علی‌رضا تائر بوردی، مطبعه روزگارلو.
- راهنمای حج با توضیحات ساده، الهان آق چای.
- راهنمای مصور، یونس وهبی یاووز، ۱۹۷۳

سی دی های راهنما

- فیلم مستند با موضوع «به حج می‌روم»، الیف ویدئو وی‌سی‌دی
- سفر مقدس حج لبّیک، فیلم مستند سرای وی‌سی‌دی (۲ نوار).
- حج و عمره، وی‌سی‌دی صباح‌الدین قایش، انتشارات نورا.
- خاطرات حج، پنج نوار، قونیه.
- سفر مقدس عبادت حج، سیاحت ایسپا.
- بهترین سرود حج، «سلام برسانید»، محمد امین آی.
- حج ۲۰۰۵، سیاحت امیر.
- حج، انتشارات آدم سی‌دی.
- سفر به دروازه بی‌نهایت (حج) سرای وی‌سی‌دی، مسعود اوچک آن.

ص: ۲۰۶

پژوهش‌های فرهنگی

بخشی از کارهای فرهنگی حج را سازمان دیانت و بخشی دیگر را برخی دانشگاهها انجام می‌دهند؛ در قالب رساله فوق‌لیسانس، رساله دکترا که در مجله‌های دانشگاهی TTK وزارت فرهنگ، مؤسسه زبان ترک و مجله‌های مشهور در ترکیه چاپ می‌شود. این کارها جدّی، سنگین و با ارزش هستند، البته در دایرةالمعارف اسلامی که از طرف سازمان دیانت چاپ می‌شود، مقالات زیادی درباره حج منتشر می گردد.

ادبیات حج در ترکیه و کتاب‌های حج با حروف لاتین

امروزه به کتاب‌های نوشته شده با حروف لاتین هم زبان ترکی اطلاق می‌شود. البته این کتاب‌ها را از کتاب‌هایی که به زبان عثمانی نوشته شده، نمی‌توانیم جدا کنیم. بیشتر این کتاب‌ها یا ترجمه و یا اقتباس از قدیم است؛ بعضی از آن‌ها فقط به ترکی امروز نوشته شده، بعضی، هم عثمانی و هم ترکی چاپ شده است. از کتاب‌های مشهور دوره عثمانی، امروزه به زبان ترکی با حروف لاتین برگردان شده است؛ مانند مرآةالحرمین ایّوب صبری پاشا، سیاحت‌نامه جناب شهاب‌الدین.

کتاب‌هایی که درباره حج نوشته شده و معرفی خواهیم کرد، عموماً با موضوعات:

راهنماها، مناسك و آثار فقهی است، که با تلاش سازمان دیانت و مؤسسات دینی دیگر منتشر شده است. و گاهی نویسنده خود آن را به چاپ رسانده است.

چند اثر دیگر که ارزش تاریخی دارد، از سوی برخی دانشگاه‌ها تحقیق و منتشر شده است؛ مانند دفاتر صرّه.

جدیدترین کارهای تحقیقی از محققانی است که نام می‌بریم:

اسماعیل حقی اوزون چارشلی، منیر آتالار، سلیمان آتش، جوش گون مندرس، زکریا قورشون، گلدان ساری یلدوز، ثریا فاروقی و ...

می توانیم بگوییم که از دوره عثمانی، آثار و کتاب‌های بسیاری به‌جای مانده است؛ که بُعد دینی این کتاب‌ها کمرنگ‌تر از بُعد تاریخی آن‌ها است.

ص: ۲۰۷

آثار منتشر شده در موضوع حج

- آلای صرّه و صرّه همایون در دولت عثمانی، پروفسور دکتر منیر آتالار، دیانت آنکارا.

- حج از نظر فرهنگی و اجتماعی در ترکیه، دکتر مصطفی بای‌یی‌گیت، ۲۰۰۲، آنکارا.

- راه و منازل حج در دوره عثمانی، عبداللطیف ارمغان، دانشگاه استانبول، ۱۹۹۰

- سفر حج، سفری مقدس است، مصطفی ردنیان، مجله اسلام، سفرنامه‌های منظوم و منثور حج و تحفهٔ الحرمین نابی، مندرس جوش‌قون، وزارت فرهنگ، ۲۰۰۲

- مصاحبه درباره حج لطفی دوغان، آنکارا، ۱۹۶۳، مجله اسلام.

- اهمیت جهان‌شمولی مؤسسات حج، ادیب اشرف، مجله سبیل الرشاد، ۱۹۴۹

- گذرگاه و خرج راه حج، منیر آتالار، آنکارا، ۱۹۹۳

- حج از نظر علوم اجتماعی، ظفر چیگیل، رساله فوق‌لیسانس، استانبول، ۲۰۰۳

- تاریخ حج، ضیاء شاکر، مجله تاریخ مصوّر.

- تطبیق حج و عمره، درس‌های دینی و فرهنگ اسلامی، الهیات، دانشگاه بورسه، ۲۰۰۳

- خدمات ترکها به کعبه، مجله دانشگاهی آنکارا.

- کمک‌های اقتصادی ترکها به کعبه، مجله دانشگاه آنکارا.

- چگونه به حج رویم و چه چیز ببریم؟ حاجی مراد، استانبول، مجله شکار.

- فرودگاه حج، ملک عبدالعزیز، آیلا گورسل، مجله بنا.

- برای قبول حج، ضیاءالدین گموشوی، مجله اسلام، ۱۹۶۵

- کتابخانه‌های حجاز، مصطفی فایدا، مجله دانشگاه الهیات، آنکارا.

- اهمیت نوشته‌های عربی در سوریه و مصر و حجاز از نظر تاریخ عثمانی، مؤسسه تاریخ ترک، آنکارا.

- مبارزه پر ستیز عثمانی برای خلیج بصره و حجاز، جاهد بالتاژی، مجله الهیات، مرمره.

- راه‌آهن حجاز حمیدیه، ابراهیم نومان، مجله لاله.

- حج در جاهلیت و اسلام، جودت آق قایا، ازمیر، الهیات، فوق لیسانس، ۱۹۶۶

- حجاز چگونه از دست ما رفت؟ صلاح‌الدین گون‌گور، مجله مصور، ۱۹۵۴

- اوضاع حجاز امروز، شریف آدنان پاشا، مجله سبیل الرشاد، ۱۹۲۴

- ارتباطات میان ترکیه و حجاز، مجله اقتصاد، استانبول، ۱۹۶۶

ص: ۲۰۸

- سفرنامه حجاز، سیلمه اوق لو سلیمان شفیق، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.
- علامت سؤال در حجاز و ترک‌های سوریه، کوانچ قالب اور، آنکارا، مجله ترکیه، جدید ۱۹۹۷
- حج در اسلام، محمد حمیداللّه، ترجمه محمد عاکف آیدن، ۱۹۶۴
- سخنرانی درباره حج، حج و معنای آن، حج و هشدار به مقام‌های عالی عثمانی، مجله قارون جا.
- امرای حج و چند مسأله مربوط به آن، محمد ارکال، مجله دانشگاه سکاریا، ۲۰۰۱
- مناسک، عبدالرحمان هیبری، پایان نامه فوق لیسانس تاریخ، دانشگاه استانبول، سویم دینج.
- تاریخ کوتاه حج، مجله اسلام.
- اسرار حج، مجله اسلام.
- حج و رخدادها، مجله اسلام.
- راه‌های حج، شام و اردن در قرن ۱۶ و ۱۷ در دوره امپراتوری عثمانی، خاقان بدوی، فوق لیسانس در دانشگاه آنکارا.
- منازل حج، احمد ال گول، دانشگاه استانبول، فوق لیسانس.
- مناسک مسالک، عبدالرحمان هیبری سویم ایل گولر، دانشگاه استانبول، فوق لیسانس.
- حج ایلیاز آتق، پایان نامه، دانشگاه الهیات، مرمره.
- حج در ماه رمضان و مساجد در قرون وسطی، علی مظاهری، مجله الهیات.
- خاطرات پزشک کارانتینا، خانیک و توسعه کلرا با راه حج در قرن ۱۶، مؤسسه تاریخ ترک، ۱۹۹۳
- خاطرات راه‌آهن حجاز، مهندس ابوندرت نورجان سور تانیلی، مجله تحقیقات تاریخ.
- اوقاف حرمین واهمیتش در قرن ۱۶ و ۱۷، مصطفی گولر، دانشگاه الهیات مرمره، ۱۹۹۸
- لایحه راه‌آهن حجاز- استانبول، مؤسسه تاریخ ترک.
- راپورتی سالیانه، مؤسسه صحیه حجاز، قاسم عزت‌الدین، مؤسسه تاریخ ترک.
- سالنامه الهیات حجاز- مکه ۱۳۰۵- ۱۳۰۶- ۱۳۰۹ هجری، مؤسسه تاریخ ترک.
- بودجه راه‌آهن حجاز سال ۱۳۳۱، استانبول، مؤسسه تاریخ تر.

ص: ۲۰۹

- اوصاف حرمین و جغرافیای تاریخ خط الحجازیه، حسن تحسین، ۱۲۹۷ ه. استانبول.
- اشکالات فقهی در حج، فوق لیسانس دانشگاه اولوداغ، ۱۹۹۵
- تاریخ‌کامل کپچی، (قلم محاسبه حرمین)، آدنان بایکال، فوق‌لیسانس دانشگاه‌استانبول.
- سالنامه حجاز، مرسل آرسلان، فوق لیسانس، دانشگاه آنکارا.
- ترک‌ها و اوّلین مؤسسه‌های تعلیم مدرن درحجاز، فتح توت‌اوغلو، مجله فرهنگ ترک ۱۹۸۶
- کمک‌های مادی انگلیسی‌ها در شورش حجاز، متین خولاقو، مجله دانشگاه ارجی‌یس ۱۹۹۵
- راه‌آهن حجاز و نکات مهم در منابع مالی آن، لطف‌اللّه قرمان، مجله تاریخ عسکری ۱۹۹۱
- راه‌آهن حجاز برای آوردن فرهنگ (مدنیت)، ارخان کوراوغلو، استانبول، مجله تاریخ.
- قصه راه‌آهن حجاز، ویلیوم کارتر، ترجمه موریت عثمان، مجله راه آهن.
- جبهه حجاز ترک در جنگ جهانی اول، شکری ارکال، مجله تاریخ عسکری.
- راه‌آهن حجاز و نامه‌های آن، احمد جمال، مجله سبیل الرشاد.
- خدمات حرمین در دوره بحری مملوکیان، فاتح ایاز، فوق‌لیسانس، دانشگاه مرمره.
- تحقیق دفتر صرّه ۶۸۸ هجری، پریخان اکین، فوق‌لیسانس، دانشگاه استانبول.
- دفتر صرّه، حسین آکجا قویون، فوق لیسانس، دانشگاه آنکارا.
- سیستم راه و تشکیلات منزل در امپراتوری عثمانی، یوسف خلج اوغلو، رساله دکترا، دانشگاه استانبول.
- مراحل توسعه مسجد نبوی از آغاز بنا تا امروز، ابراهیم آتش، مجله اوقاف.
- نوشته‌های روضه مطهره، عبدالکریم عبدالقادر اوغلو، مجله فرهنگ ترک.
- اوصاف مسجد شریف، مجله زبان ترک، آنکارا.
- کعبه در شعر قدیم و زیارت آن، مژگان جوبور، دانشگاه مرمره.
- جشن‌های ارسال صرّه همایون (که هر سال عادت شده است)، یاوزارجان، مجله تاریخ و مردم.
- حرکت امین صرّه و آلای صرّه در شهرهای مقدس حجاز، زینب من من جی اوق بلو،

ص: ۲۱۰

مجله تاریخ و مردم.

- حج در دوره عثمانی، عبدالقادر اوزجان، دایرةالمعارف اسلام، جلد ۱۴

- سیاحت‌نامه‌های حج، احمد اوزل دایرةالمعارف اسلام، جلد ۱۴

- تشکیلات قرنطینه حجاز، گلدن ساری یولدوز، مؤسسه تاریخ ترک، رساله دکترا.

- تهفهٔ الحرمین، سلامی توران، فوق لیسانس، الهیات ارجی‌یس.

- اوصاف حرمین شریفین، مؤسسه تاریخ ترک.

- فضیلت مکه، مدینه و قدس شریف، محمد آی دن، فوق لیسانس دانشگاه قاضی.

- کتاب فضائل مکه و مدینه و بیت‌المقدس (از اول تا قسمت دوم)، عبداللّه چولاک، فوق لیسانس، دانشگا استانبول.

- (از باب ششم تا آخر) عثمان کمال قایا، فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.

- گفتگوهای بین المللی در مسجد النبی، محمد طالبی سمپوزیوم، گفتگو میان فرهنگ‌ها ۱۹۹۸، استانبول.

- منزل‌ها و گذرگاه‌های حج در قرن ۱۸، عبداللطیف ارمغان، مجله تحقیقات عثمانی.

- جده در حکومت عثمانی قرن ۱۶، محمد نور، فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.

- ابو نومی وتأسیس حاکمیت عثمانی درحجاز، فریدون امجان، مجله دانش‌پژوهی‌تاریخ.

- فرستادن صرّه به حرمین از دریا، منیر آتالار، مجله دانشگاه آنکارا.

- ماجرای صرّه همایون در قرن ۱۹، عبداللّه اوجمان، مجله تحقیق‌های علمی.

- راپورت حجاز ۱۸۸۵، عثمان نوری پاشا، سلجوق اکسین سومل، مجله تحقیقات تاریخ.

- فخرالدین پاشا مدافع مدینه در اسناد انگلیسی، دکتر صالحی سون یل، مجله برلتن مؤسسه تاریخ ترک.

- حجاز در دولت عثمانی (۱۹۱۹- ۱۵۱۷)، زکریا قوش اون، مجله ترکیه جدید.

- کمک‌های اقتصادی ترکها به کعبه، منیر آتالار، مجله دانشگاه آنکارا.

- هدیه‌ها و پولهایی که در دوره عثمانی به مکه و مدینه فرستاده شد، ابراهیم آتش، مجله وقف‌ها.

- صرّه‌نامه ۱۳۳۵ هجری، منیر آتالار، مجله دانشگاه الهیات.

- اسناد مجادله با پورتکیس‌ها در دریای سرخ و تأسیس حاکمیت عثمانی در حجاز،

ص: ۲۱۱

یاکوپ موکل، مؤسسه تاریخ ترک.

– سیاحت‌نامه سیّاحان عرب مکی، که در قرن ۱۶ از وطنمان دیدن کردند، اکرم کامل، مجله سمینار تاریخ استانبول.

– دفاتر صرّه سال ۱۰۴۹، آنام محمد عثمان الخبشی، فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.

– صرّه حج در دوره عثمانی، مجله خانواده و بانو.

– دولت عثمانی و شریف مکه، حسین سلیمان یاتاک، مجله فن و علم.

– تحفه عطاییه، اسماعیل حقی بورسوی و یسل آق قایا، فوق لیسانس، دانشگاه الهیات مرمره.

– یک داستان دو نکته در قرن ۱۹ صرّه همایون، عبداللّه اوچمان، مجله تحقیقات علمی.

– آینده خاک‌های مقدس، احمد ساربای.

– فخرالدین پاشا و مرگ او در پنجاه سالگی، فاروق شریف اوغلو.

– میهمان‌پذیرِ عبدالحمید دوم که در مکه برای حجاج فقیر بنا کرد، گول دان ساری یولدوز، مجله پژوهشکده تاریخ (ویژه حج)، استانداردی استانبول، ۲۰۰۱

– مناسک الحج، مولانا سیان الخلیفه الرومی، فوق لیسانس، دانشگاه آنکارا.

– حاجیان سابان، گولو اوغلو، مجله اولوداغ.

– پژوهش در اشتباهات ما در حج، اکرام دوغان، مجله اسلام.

ص: ۲۱۲

- مسکن و فولکلور حجاز در دوران پیامبر، در روایات پیامبر
- پیشگیری دولت عثمانی از مرض‌های انتقالی در حجاز، گولدان ساری یولدوز، مجله تاریخ و مردم.
- تصویری از یک وکالت‌نامه حج، زرن تانون ده، مجله دنیای فن.
- حج و آلای صرّه، اکرم اوی کوجو، مجموعه تاریخ حیات.
- ماهیت مناسک حج و حضرت ابراهیم، تالات قوچ یی گیت، مجله دیانت.
- بازی حجاج در بوسنی و هرزگوین، ژارکو ایلیچ، مجله تحقیق‌های فولکلوری ترک.
- احادیثی درباره عمره و حج، محبوبی اربعین.
- حج میان حقیقت و مجاز در دوره عثمانی، احسان فاضل اوغلو، در سمپوزیوم حج سعودی.
- منازل حج، احمد ال گول، فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.
- حج در ادیان دیگر، علی ارباش، مجله دانشگاه ساکاریا.
- صرّه در ۵ سال اول تنظیمات خالد ارسلان، فوق لیسانس، دانشگاه آنکارا.
- منازل و راه‌های حج در دوره عثمانی، احمد اینجاکارا، فوق لیسانس، دانشگاه آنکارا.
- کعبه‌نامه عبدالرحمان غباری اوضای قاراداخ، رساله دکترا، دانشگاه آنکارا.
- نمادین بودن کعبه، صادق قیلیچ، مجله تحقیق‌های اسلام.
- پیرامون کعبه جمع می‌شویم، احسان ثریّا سرا، مجله اسلام.
- تصاویر کعبه در نوشته‌های چینی ترک تبار، صابیحا ارکن، مجله آسیای مرکزی.
- سجاده مصوّر کعبه در موزه قونیه، مولانا آی‌شن‌آلدوگان، مجله تاریخ فن.
- زیارت کعبه و کعبه در شعرهای قدیم، مژگان جومبور، مجله تحقیق‌های ترکی.
- قفل‌ها و کلید طلای کعبه، ابراهیم حقی قون یالی، مجلّه هفت روز.
- بنای کعبه، کورشات اکرم اویوکوجو، مجله تاریخ حیات.
- تعمیرات کعبه، تحسین اوز، مجله آرکیتکت، شورش شریف حسین امیر مکه در جنگ جهانی اول، هولیاتوکر، مجله سمینار، تاریخ عسکری.
- حکومت مکه در دوره عثمانی، وهبی عجل، مجله تاریخ دنیای ترک.
- مکان‌های مقدس زیارتی در مکه و مدینه، دیانت.

ص: ۲۱۳

- بیمارستان پرتونیال مادر سلطان در مدینه منوره، نیل قارادنیز، مجله بیمارستان بزم عالم مادر سلطان واقف قربا.

- تاریخ مدینه منوره، ابن شبه و تاریخ‌های شهرهای اول دنیای اسلام، مصطفی فایدا، مجله دانشگاه آنکارا.

- بازار یثرب در صدر اسلام و پیش از آن، مایکل لچ کر، ترجمه محفوظ سویلمز، مجله دانشگاه الهیات چروم.

- خطاب اسلام در مدینه منوره به عالم، احمد حمدی آک‌سکی‌لی، مجله سبیل الرشاد.

- کعبه مکان مقدس اسلام، زتاشاکر، مجله مجموعه مصوّر تاریخ.

تاریخ

مطالبی چون صرّه همایون کاروان‌ها، راه‌های حج، اهمیت راه‌آهن حجاز، حاکمیت عثمانی در حجاز و وهابیان، اوقاف حرمین، دفاتر صرّه، مؤسسه‌های بهداشتی در حج، میراث عثمانی و از میان رفتن آنها در حجاز، تاریخ مکه و مدینه و عرب و ... از مسائلی است که نویسندگان ترک بدان‌ها پرداخته‌اند. و مؤسسه‌هایی مانند مؤسسه تاریخ ترک و وزارت فرهنگ بخشی از آن‌ها را منتشر کرده است؛ مانند:

- تاریخ مکه، ایوب صبری پاشا، انتشارات فاتح.

- امرای مکه مکرمه، اسماعیل حقی اوزون چارشولی، مؤسسه تاریخ ترک، ۱۹۷۲

- تاریخ کعبه، احمد گلجان، مطبعه عمل، آنکارا.

- حج و تاریخ مکه و مدینه، عبداللّه اوز.

- حجاج و سلاطین، ثریّا فاروقی/ ترجمه از انتشارات وقف تاریخ.

- معبدهای مقدس اسلام، دکتر ییلمازجان، انتشارات سیدره.

- مهدی گرایی و حادثه کعبه، ترجمه احمد فاروق، انتشارات وحدت.

- حرمین از دوران جاهلیت تا پایان امویان، مصطفی کوچوک آق‌جو ircica

- کعبه و تاریخ آن، الزرقایی، ترجمه یونوز وهبی یاوز، انتشارات فیضا.

- تاریخ اوقاف حرمین، محمد کمال.

- سیاحت‌نامه آش چی دده، ابراهیم خلیل افندی، نشریات دائرةالمعارف، استانبول.

ص: ۲۱۴

– راه‌آهن حجاز، اوفوک گول سوی، انتشارات ارن.

– مسأله مصر و یمن و حجاز، سلیمان قاری ایرتم، انتشارات تمل.

– حاکمیت عثمانی در یمن برای کعبه و حرمین، خلوصی یاوز.

– چرا حجاز از ما جدا شد و دفاع مدینه، کاشف ناجی کی جی مان.

– تصفیه امپراتوری از حجاز تا بالکان، حسین کاظم قدری استانبول.

– آلبوم فتوگرافی راه حجاز استانبول.

– کعبه و مسیحیت در منابع اسلامی، ارول سرور، انتشارات کایناک.

– جنگ ترک در خیبر، کتابخانه استانبول.

– زوال امپراتور عثمانی و خاطرات آخرین والی یمن و یک عمر در عربستان، محمود ندیم بک.

– خاطره ماندگار، احد نجیب گیلانی، انتشارات ارکان.

– راه رسولان کعبه، علی اونال، انتشارات پنار.

– تاریخ کعبه، احمد گول کان.

– تشکیلات کارانتی نای حجاز ۱۸۶۵ تا ۱۹۱۴، گول دان ساری یولدوز، انتشارات مؤسسه تاریخ ترک.

– حاکمیت عثمانی در نجد و احسا، حرکت وهّابی و تشکیل دولت سعودی، زکریا قورشون، مؤسسه تاریخ ترک.

– در مکه چه شد، حج و حجاج، فهمی قور، انتشارات بیان.

– رساله عبرت درباره راهزنان، حسن هیلمی، استانبول.

– مادر دنیا، محمد صادق شریف، مطبعه جهان، ۱۳۲۴ هجری.

– حاکمیت عثمانی در قطر از نظر اسناد بایگانی، عثمان سوی‌یی گیت، استانبول.

– ترجمه رساله وهابیه، استانبول، ۱۲۷۱ هجری.

– فاجعه تونل محمد سولای، استانبول.

سفرنامه‌ها

بسیاری از کتب سفرنامه و خاطره‌نگاری، به وسیله ناشران آزاد چاپ و منتشر گردیده

ص: ۲۱۵

است. خاطرات سفر حج، تجربه‌های شخصی افراد از حج است و ارزش ادبی و تاریخی دارد.

تعداد این بخش از کتاب‌ها زیاد نیست؛ چرا که در دوران عثمانی نوشتن سفرنامه و یادداشت خاطرات رایج نبود. امروزه نیز به خاطر طولانی و مفصل نبودن این نوع از کتاب‌ها، بیشتر آنها را در مجله‌ها به چاپ می‌رسانند. همچنین در اینترنت، در سایت‌های شخصی می‌آورند.

نمونه‌هایی از کتب منتشر شده در موضوع سفرنامه و خاطرات حج عبارت‌اند از:

- سیاحت‌نامه اولیا چَلَبی، ده جلد، نهمین جلد آن در باره حج است. انتشارات اوچ‌دال، استانبول.
- در راه حج، جناب شهاب‌الدین، به کوشش بالقیص گورسوی، انتشارات کتاب اوی.
- صداها و رنگ‌ها از حجاز، نجیب فاضل کساکورک، انتشارات بیوک دوغو.
- لبیک خاطرات حج، امل اسین، استانبول، ۱۹۶۸
- تحفة الحرمین، نابی، به کوشش سیف الدین اون لو، انتشارات تیماش.
- گلزار مدینه، علی‌رضا قاشق‌چی، انتشارات غدیر.
- راهنمای حج، راهی به خدا، انتشارات توکر، ۱۹۶۷
- روز مره حج، احمد توران آل‌کان، انتشارات تیماش.
- خاطرات حج، مصطفی یازگان، انتشارات سبیل.
- خاطرات حج حاجی حسن حمیداللّه، مؤسسه تاریخ ترک.
- لبیک، به سوی حج ابراهیمی، معمر یاکوشیر، انتشارات چاق لایان.
- خاطرات حجّ من، طلعت وصفی اوز، مجله نور اسلام.
- پیغمبر محبوب حجازی، وهبی قاراتاش، انتشارات تیماش.
- سیاحت در سرزمین مقدس، حج محمد ببیر، روزنامه حرّیت.
- راه حج، انتشارات ینی‌سباح.
- نوشته‌هایی که از شهر مدینه منوره، علی اولوی قوروجو.
- آلبوم شهر مدینه منوره، علی سلیمان مهر، انتشارات نیل.
- مکه قبل از اسلام، یاشار چلیک قول، انتشارات مدرسه آنکارا.
- نوشته‌های مدینه، خیرالدین بولوت.

ص: ۲۱۶

- از حج بر می گردم، عمر کمال آغار، انتشارات پست کارمندها.
- راهنمای حجاز (سیاحت نامه و راهنمای راه‌های حجاز) مجموعه نور اسلام.
- سیاحت‌نامه راهنمای حج در اسلامیت، علی تانر ووردی.
- راه حج، (کامل و مفصل برای مسلمان‌ها) انتشارات ینی‌سباح.
- شکران و نوشته‌های حجاز، ماجرای پیاده رفتن او به حج از مانیسا تا مکه ۱۹۶۹
- سفر به کعبه، ابراهیم باکی، انتشارات ابرار.
- از حجاز به آندلس، ارسین گور دوغان.
- سیاحت‌های حجاز، آلیسوآت انتشارات کتاب اوی.
- خاطرات مدینه، احمد پیشکاری انتشارات بدر.
- راه و مکه، محمد اسد، انتشارات یاقمور و انتشارات انسان.
- خاطرات حج و قدم زدن در دنیای دروغ، احسان ثریا سرما، انتشارات بیان.
- خاطرات حج رضا توفیق حج، علی شریعتی، انتشارات اوزگون سرزمین مقدس دکتر تولّی اوغلو در راه مدینه ابوالحسن انندوی، انتشارات هلال.
- سیاحت عربستان، محمد صعاد، ترجمه از زبان فرانسوی.
- کوه زیتون، فاله رفقی آتای.
- خانه حبیب، انتشارات یدی گه‌جه.
- صفحات، محمدعاکف ارسوی، انتشارات ایز.
- شرط اول مکه، مجله سیاحت اطلس.
- کعبه و انسان از تحفة العطاعیه، اسماعیل حقی بورسوی.
- سیاحت‌نامه حجاز، سیف‌الدین اون لو، انتشارات تیماش.
- سیاحت حجاز، بربر بدری، در سال ۱۷۴۱- ۱۷۶۱، انتشارات آک‌چا.
- اسلام در هندوستان و چین (در اواخر قرن بیست یکم) که بخشی از آن، سفر حج است. این کتاب هم عثمانی و هم ترکی چاپ گردیده. عبدالرشید ابراهیم، به کوشش محمد پاکسو.
- راهنمای سفر حج، حاجی منصور، انتشارات انقلاب.
- یک سفر مقدس (نوشته‌های عمره)، دورموش عالی یلدوز، قونیه، ۲۰۰۳

ص: ۲۱۷

اخبار حج

ص: ۲۱۸

چند خبر از سرزمین وحی

تکفیر پیروان مذاهب هشتگانه اسلامی جایز نیست

بخش خبری: کنفرانس بین المللی- اسلامی، که اخیراً با شرکت فقهای جهان اسلام در عمّان، پایتخت اردن برگزار شد، بیانیه‌ای با عنوان «حقیقت اسلام و نقش آن در جامعه امروز» صادر کرد. در این بیانیه که بر اساس نقطه نظریات فقهیِ آیت‌اللَّه سیستانی، شیخ ازهر مفتی مصر، مراجع مختلف شیعه (اعم از جعفری و زیدی)، مفتی عمان، مجمع فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی، مجلس اعلای امور دینی ترکیه، فقهی اردن و هیأت صدور فتوا و شیخ یوسف قرضاوی منتشر شد، آمده است:

۱- آنچه برای رضای خدا و بر اساس بحث و تحقیق در این کنفرانس به آن رسیدیم طی توافقی که در ذیل می‌آید اعلام می‌نماییم. هرکس که پیرو یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی)، مذهب جعفری، زیدی، اباضی و ظاهری باشد، مسلمان است و تکفیر او جایز نیست. ریختن خون او و تعرّض به مال و ناموس او حرام است همانگونه که (طبق فتوای شیخ ازهر) تکفیر اصحاب عقیده اشعری، پیروان تصوّف حقیقی و اهل اندیشه صحیح سلفی مجاز نیست.

ص: ۲۱۹

از این رو، هیچ کس حق ندارد گروه‌های مسلمانی را که ایمان به خداوند متعال، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، ارکان ایمان و احترام به ارکان اسلام دارند و در عین حال منکر مسلّمات و بدیهیات دین نیستند، تکفیر کند.

۲- مذاهب هشتگانه، دارای مشترکات فراوانی هستند و پیروان این مذاهب در مبادی اساسی اسلام، نظریه واحدی دارند. همگی به خدای یگانه، قرآن کریم و حضرت محمد صلی الله علیه و آله- به‌عنوان فرستاده خداوند بر همه بشریت، ایمان دارند. ضمن این‌که در باب ارکان پنجگانه اسلام؛ یعنی شهادتین، نماز، زکات، روزه و حج اتفاق نظریه دارند و نسبت به ارکان ایمان؛ یعنی ایمان به خدا، فرشتگان، کتب آسمانی، پیامبران، روز واپسین، مقدّرات نیک و بد هم‌عقیده هستند. اما اختلافاتی است در فروع و نه در اصول و این خود رحمت است؛ زیرا در گذشته گفته‌اند: اختلاف علما در رأی، امری نیکو است.

۳- پیروی از مذاهب اسلامی، به معنای التزام به راه صحیح و مشخّص در فتواهاست، لذا هیچ کس- بدون هرگونه شایستگی که آن مذهب را تأیید می کند- حق قرار گرفتن در جایگاه فقهی را ندارد و مجاز به صدور فتوا، بدون تبعیت از راه صحیح نیست. ضمن این‌که کسی حق ندارد در صدد تشکیل و تأسیس مذهب جدید و اصرار فتوای غیر قابل قبول و به دور از قواعد شریعت باشد.

۴- خلاصه موضوع پیام «عَمّان»، که در شب قدر، در سال ۱۴۲۵ ه. ق. صادر و در مسجد هاشمیین قرائت شد، همان التزام به مذاهب و طریق صحیح آن است. در این میان، به رسمیت شناختن مذاهب و اصرار و تأیید گفتمان و دیدار بیان علما و پیروان مذاهب با یکدیگر، ضامن اعتدال و میانه روی، گذشت، رحمت و گفتگو با دیگران خواهد شد.

۵- از مسلمانان می‌خواهیم اختلافات را کنار گذاشته، موضع گیری‌ها را نزدیک به هم و وحدت کلمه را در پیش بگیرند. آنان باید در احترام به یکدیگر، تقویت همبستگی میان ملت و دولت‌های خود، تقویت روابط برادری، که موجب محبّت برای رضای الهی می‌شود، بکوشند و فرصت و بهانه‌ای برای بروز هرگونه فتنه میان خود را ندهند ... چرا که خداوند فرموده است: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.

در پایان این بیانیه، به دو نکته مهم اشاره شده است:

الف: شرکت کنندگان در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در عَمّان، که در نزدیکی

ص: ۲۲۰

مسجدالأقصی و سرزمین‌های اشغالی تجمع کرده‌اند، بر تلاش همه‌جانبه برای حمایت از مسجدالأقصی (بعنوان اوّلین قبله و سوّمین حرم شریف) به خاطر خطراتی که آن را تهدید می‌کند و برای پایان دادن به اشغال و آزادسازی مقدّسات تأکید دارند.

ب: شرکت‌کنندگان بر ضرورت عمق بخشیدن به معانی آزادی و احترام به رأی و نظریه دیگران، در سراسر جهانِ اسلام تأکید می‌کنند.

آخرین گزارش سازمان اوقاف

آخرین گزارش سازمان حج و اوقاف حاکی است، در سالی که گذشت (۱۴۲۵ ه. ق.)، ۱۱۵۶۱۷۲۹ جلد کتاب؛ شامل قرآن کریم، ترجمه قرآن به ۲۵ زبان؛ در باجه‌های مخصوص توزیع شد و این، حاکی از پیشرفت خدمات‌رسانی برای حجاج است که هدفش آگاهی دادن به مسلمانان می‌باشد.

همچنین برنامه پاسخ‌گویی در سطح وسیع، که از سال ۱۴۲۴ برنامه‌ریزی شده بود، از طریق تلفن ۸۰۰۲۴۵۱۰۰۰ به صورت رایگان انجام گرفت و سعی شد از این فناوری جدید، با ارتباط ۲۶ خط تلفن، با اعضای کمیته علمی، که مکلّف به پاسخگویی به پرسش‌های حجاج هستند، به صورت رایگان انجام شود که در این کمیته، مفتی کلّ کشور و اعضای دائمی کمیته علمی شرکت دارند تا حاجیان بتوانند از معلومات و ارشادات آن‌ها استفاده کنند و ۴۰ خط تلفن همراه در اختیار اعضای کمیته حاضر در محل، قرار گرفت تا همانگونه که ذکر شد، ارتباط میان آن‌ها و حجاج و پاسخ‌دهی به پرسش‌ها و سهولت ارتباط میان مبلّغین برای تنظیم کارهای نوبتی و انجام خدمات ویژه در طول شبانه‌روز، به راحتی صورت گیرد.

در این گزارش آمده است: یک برنامه ارشادی برای حجاج وضع شده که میان فرودگاه قدیم و بندر جده، فعالیت می‌کند. این برنامه از تاریخ ۱۴/ ۱۱/ ۱۴۲۵ آغاز شده و تا ۲۹/ ۱۲/ ۱۴۲۵ ادامه داشته است.

در کنار این برنامه، کتابخانه‌ای علمی، مشتمل بر کتب مرجع، در ۲۰ مرکز اسلامی تأسیس شده است. همچنین می‌توان از ایجاد ۱۳ اتاق مخصوص برای کمیته‌های ارشاد اسلامی در صحن‌های مسجدالحرام نام برد.

ص: ۲۲۱

این گزارش در ادامه افزوده است: مرکز جدیدی برای ارشاد حاجیانی که از یمن و راه ودیعه به مکه می‌آیند، افتتاح گردیده و نیز از ۲ سایت جدید برای آگاهی حجاج، در کمیته استقبال، در اتوبان مکه به جده و مکه به مدینه خبر داد. در کنار این فعالیت‌ها، ۳ دستگاه تلویزیون برای توضیح احکام و آداب حج به صورت صوتی و تصویری در مسیرهای: «مسیر الطواف، منطقه جازان و مسیر بطحاء، منطقه اشرقیه و مسیر جدید، منطقه مرزهای شمالی» قرار داده شده است.

در ضمن، تابلوهای راهنمای بلند، مجهّز به سیستم نورپردازی داخلی، به منظور راهنمایی حجاج به مراکز ارشادیِ اسلامی در عرفات نصب شده است و ۱۵۰ نفر پیشاهنگ سعودی برای شرکت در خدمات کمیته‌های حاضر در محل، برای توزیع مطبوعات و نظرخواهی‌ها در مکه و مدینه استخدام شده‌اند و به این منظور برنامه‌های ارشادی برای اوّلین بار از کانال‌های ریاض و مکه به‌طور همزمان و زنده از شبکه اول پخش می‌شد. این برنامه‌ها شامل تغییراتی در شکل و مضمون است که باعث پیگیری این برنامه‌ها از جانب حجاج می‌شود.

این گزارش به تصفیه آب باران مسجد خَیف در منا و تغییر دستشویی‌های مجاور مسجد و ایجاد تابلوهای تعیین کننده مسیر قبله در مرحله دوم و سوم اشاره می‌کند.

همچنین این سازمان اقدام به ایجاد اتاق‌هایی برای مبلّغان، در داخل صحن‌های مسجد کرده است که بدین وسیله مانع از توقف ماشین‌ها در مسیر حجاج می‌شود و نیز حق‌الزحمه امام جماعت‌های غیر رسمی که در کنار امام جماعت‌های رسمی در مساجد (نمره، خَیف، مشعر و ...) کار می‌کنند، داده شد و همچنین کار تجهیز وسایل پخت‌وپز به صورت برقی، به‌جای گاز و تقویت جریان برق در مسجد خَیف برای پخت غذا انجام شد و کار نصب میکروفن‌های جدید در مسجد خَیف و تغییر شبکه آب فشار قوی برای دستشویی‌ها در منی به پایان رسید.

بنابراین گزارش، شعبه سازمان حج و اوقاف، اقدام به ساختن اتاقک‌های ارشادی کرده‌اند که یکی در مسجد قُبا و دیگری در ذوالحُلَیفه می‌باشد و این دفتر به کارهایی مانند همسان کردن لباس‌های حجاج، زیاد کردن تابلوهای راهنمای مساجد، دستشویی‌ها، ورودی و خروجی در مسجد میقات اقدام کرده‌اند و نیز می‌توان از تأسیس دفتری برای وسایل گمشده در کنار مسجد میقات، یاد کرد.

در کنار این کارها، کمیته‌هایی متشّکل از نمایندگان حکومتی و شعبه سازمان اوقاف و

ص: ۲۲۲

شهرداری و پلیس و گذرنامه تشکیل شد که مسؤولیت نظارت برای پدیده گدایی در مساجد قبا، میقات و ذوقبلتین را دارد.

در این میان، حضور گروه‌های پیشاهنگ سعودی نیز به چشم می‌خورد. دوش‌هایی هم برای آزمایش، برای قضای حاجت در دستشویی مسجد میقات نصب شد که بعداً در سایر دستشویی‌ها نیز ایجاد شود.

در سال ۱۴۲۵ ه. ق. برای نخستین بار مبلّغان خانم برای هدایت و راهنمایی زنان و تبلیغ در امور دینی و چگونگی ادای اعمال و آداب شرکت کردند که مأموریت پی گیری کار مبلّغین در این سال به عهده اداره پیگیری در این شعبه می‌باشد. در این زمینه سازمان اوقاف به اجرای شرط های وقف کنندگان از اوقاف می‌پردازد. این در حالی است که خود سازمان بر برنامه پذیرایی از حجاج نظارت دارد و نیز کار پذیرایی ۵۰ نفر از معلولان و حجاج کشورهای مالی، بورکینافاسو و قرقیزستان با همکاری سازمان امور اجتماعی انجام شد که این کار، برای نخستین بار بعد از اجرای برنامه پذیرایی از سال ۱۴۱۷ صورت گرفت.

ریال و دلار جعلی در شبکه پولی سعودی

در تاریخ ۲۸/ ۳/ ۸۴ در جریان قرار گرفتیم که اسکناس‌های ریال سعودی و دلارهای جعلی در شبکه پولی عربستان نیز مانند دیگر کشورها راه یافته و گزارش‌هایی مبنی بر ارائه آن، از سوی فروشندگان؛ اعم از مغازه‌داران و دست‌فروشان واصل گردید.

تشخیص جعلی و واقعی بودن دلار و ریال سعودی، در نگاه اول ممکن نیست. هرچند نوع کاغذ و چاپ آن با نمونه اصلی تفاوت‌هایی دارد.

این استکناس‌ها معمولًا هنگام ارائه به صرّاف‌ها یا فروشگاه‌های بزرگ و مراکز خرید، که فروشندگان و صندوقداران آن‌ها توجیه شده و آموزش دیده‌اند، کشف می‌شود.

کشف دلار یا اسکناس جعلی موجب خواهد شد که ارائه دهنده آن، تحت تعقیب و در مواردی از سوی فروشندگان تحویل پلیس شوند و بازداشت گردند.

ملاحظه:

۱- تهیه ارز از مراکز معتبر، شعب بانک و صرافی‌های داخلی و تبدیل آن در بانک و یا

ص: ۲۲۳

صرّافی‌های رسمی کشور سعودی و یادداشت شماره سریال ارز خریداری شده برای ارائه آن به مقامات قضایی و پلیس در مواقع ضروری مورد تأکید است.

۲- زائران توجیه شوند هنگام خرید و دریافت مابه‌التفاوت ارز، از فروشندگان نسبت به جعلی نبودن آن مطمئن شوند تا دچار خسارت و مشکل نشوند.

ازدحام زائران در حجرالأسود و فوت نوجوان ایرانی

بنابر اطلاع رسیده، آقای سید ابراهیم هاشمی شاهرودی، ۱۶ ساله، زائر اعزامی از تهران، در ازدحام حجرالأسود دچار مشکل تنفسی و خفگی شد و پس از اعزام به بیمارستان، دار فانی را وداع کرد.

گفته شده دو فرزند خانواده، قبلًا در سنین کودکی فوت کرده‌اند و نامبرده تنها فرزند خانواده بوده است.

ملاحظه:

بوسیدن و استلام حجرالأسود، توسط خانم‌های زائر نیز حتی در وضعیت ازدحام مطاف و تجمّع زائران مرد، از ملّیت‌های مختلف صورت می‌گیرد که در چنین وضعیتی برای انجام یک امر مستحبی مرتکب فعل حرام می‌شوند؛ لذا ضرورت دارد در جلسات آموزشی اقدامات توجیهی و پیش‌گیرانه معمول گردد.

اطلاعاتی در مورد حج‌گزاری در پاکستان

آقای شاهدخان، رییس بعثه پاکستان، مطالبی در باره حج مطرح کرده که فشرده آن در زیر می‌آید:

در پاکستان جایگاهی در سطح وزارت در دولت، مسائل مربوط به حج و عمره شهروندان پاکستانی را پیگیری می‌کند و دفاتر آن در جده، مکه و مدینه در طول سال دایر است و مسائل مربوط به حج و عمره را پیگیری می‌کند.

ص: ۲۲۴

نیروهای ستادی و اجرایی، که هماهنگی و خدمات‌رسانی به حجاج پاکستانی در موسم حج را پیگیری می کند، شش‌هزار نفر است که یک هزار و دویست نفر عضو ستادهای حج پاکستان در مکه و مدینه و جده هستند. از این تعداد، ۳۰۰ نفر نظامی مسؤول امنیت، انتظامات و هدایت و کنترل، ۳۰۰ نفر کادر هیأت پزشکی امور درمان، ۳۰۰ روحانی پاسخگوی مسائل دینی، ۳۰۰ نیروی محلّی امور زائران با دوایر رسمی و دولتی و امداد گمشدگان و مؤسسه مطوّفی را پیگیری می کنند.

تمام زائران پاکستانی، در گروه‌های ۳۰ تا ۵۰ نفره ساماندهی می‌شوند. هر گروه دارای یک سرپرست است که از پاکستان گروه را همراهی می کند و یک نفر هم از ستاد بعثه به‌عنوان رابط و هماهنگ کننده به کاروان ملحق می‌شود.

پاکستان همه ساله یکصد و پنجاه هزار نفر برای انجام مناسک حج به عربستان اعزام می کند که بیشتر، افراد سالمند می‌باشند. مدت سفر زائران پاکستانی، حداکثر ۴۰ روز است که ۸ روز از این مدت را در مدینه و باقی را در مکه سپری می کنند.

هزینه سفر برای هر زائر، به حد اقل ۲۲۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ دلار می‌رسد و اختلاف در هزینه، در تغذیه و هزینه اجاره مسکن است.

در سال جاری، برای هر زائر در مکه ۵/ ۳ متر مربع مسکن پیش‌بینی می‌شود و در مدینه سه تا چهار شرکت به صورت پکیج متکفّل امور حجاج می‌باشند و بابت مسکن مدینه ۳۰۰ ریال اجاره دریافت می‌دارند.

هزینه سرانه مسکن در مکه، به‌طور متوسط ۲۵۰۰ ریال و در مدینه ۳۰۰ ریال می‌باشد.

ستاد هیچ‌گونه مسؤولیتی در برابر غذای زائر ندارد و فقط بابت هزینه غذا ۸۰۰ تا ۱۶۰۰ ریال سعودی به هر نفر پرداخت می کند که پیش از سفر و هنگام ثبت نام، هزینه‌ها از زائر دریافت می‌شود.

داوطلبان سفر به عربستان برای انجام مناسک حج، باید هزینه سفر را به هنگام ثبت‌نام برای قرعه کشی در ماه جولای پرداخت نمایند و در صورت برنده شدن مراحل بعدی اعزام را طی خواهند کرد و گرنه، وجه علی‌الحسابِ پرداختی برگردانده خواهد شد و سال بعد، در صورت نام‌نویسی مجدد، درقرعه‌کشی شرکت‌خواهند کرد. امسال دولت پاکستان برای نخستین بار در نظر دارد داوطلبان سال گذشته را بدون قرعه‌کشی در فهرست زائران حج امسال قرار دهد.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه ای


WWW